

پست الکترونیک

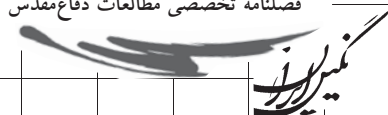
فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمیریز

سال سیزدهم □ شماره پنجاه و دوم □ بهار ۱۳۹۴

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیرمسئول و سردبیر	دکتر حسین اردستانی
هیئت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین ^(ع) سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی دکتر حسین علایی عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین ^(ع) محمدجواد اکبرپور بازرگانی
مدیر اجرایی	هانیه مرشدی
ویراستار	عباس درودیان
صفحه آرایی	عبدالمجید حیدری
مترجم	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷ ۲۲۹۰۹۵۲۴
نشانی	۲۲۹۰۹۵۳۸
تلفن	neginiran@gmail.com
دورنگار	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی
پست الکترونیکی	انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس
مرکز فروش	تلفن ۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۱۰۰۰۰ تومان

- 
- 
- مقاله‌ها و مطالب درج‌شده در فصلنامه نگین ایران بیان‌کننده دیدگاه نویسندگان آنهاست.
 - هرگونه استفاده از گزارش عملیات‌ها، نوارهای پیاده‌شده و اسناد مندرج، منوط به اخذ مجوز از مرکز اسناد می‌باشد.
 - بهره‌برداری از سایر مندرجات فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.



سرمقاله

دکتر حسین اردستانی

۵

جهاد سازندگی در جنگ تحمیلی

مقالات

دکتر مهدی حیدری

۹

پیدایش، شکل‌گیری و فعالیت‌های جهاد سازندگی در جنگ تحمیلی

دکتر علیرضا زواره

۲۹

کارنامه عملیاتی مهندسی جنگ جهاد سازندگی در هشت سال دفاع مقدس

دکتر محمد دلگرم

۶۵

شرح فعالیت پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در عملیات خیبر

دکتر عبدالله فاتحی

۹۵

فرماندهان و مسئولان ستادهای پشتیبانی و مهندسی جهاد سازندگی در جنگ

دکتر جلال معموله

۱۱۵

ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد مستقر در استان‌ها

دکتر محمد متقیان

۱۴۵

شهید حسین ناجیان به روایت دیگران

تصاویر

دکتر گروه پژوهش فصلنامه

۱۵۳

پشتیبانی و مهندسی جهاد به روایت تصاویر

اسناد

دکتر گروه پژوهش فصلنامه

۱۷۹

پشتیبانی و مهندسی جهاد به روایت اسناد



تبیین مراحل شکل‌گیری و سیر تحول لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس

احمد رضا عشوریون*

محمد جواد سامانی نژاد**

		</

مقدمه

قوای مسلح، تلاش دشمن در اشغال هرچه بیشتر اراضی کشور را ناکام گذارد. دشمن از این پس درصدد تثبیت مناطق اشغال‌شده برآمد. یکی از یگان‌هایی که در دوران دفاع مقدس، به‌همت جوانان و سپاه اصفهان تشکیل شد و با ورود به میدان مبارزه علیه اشغالگران به دفاع از این مرزوبوم پرداخت، تیپ ۱۴ امام حسین (ع) می‌باشد که بعدها به لشکر ارتقا یافت. این یگان نه تنها در

هنگامی که عراق با تجاوز به خاک ایران جنگ را به این کشور تحمیل کرد، ایران کمترین آمادگی برای مقابله با این تهاجم را نداشت. از این‌رو، بخش‌های وسیعی از پنج استان کشور به دلیل عدم انسجام نیروهای نظامی به آسانی به اشغال مهاجمان درآمد. امام خمینی این تهدید را با درایت تبدیل به فرصت کرده و با متحدکردن نیروهای مردمی و انقلابی با

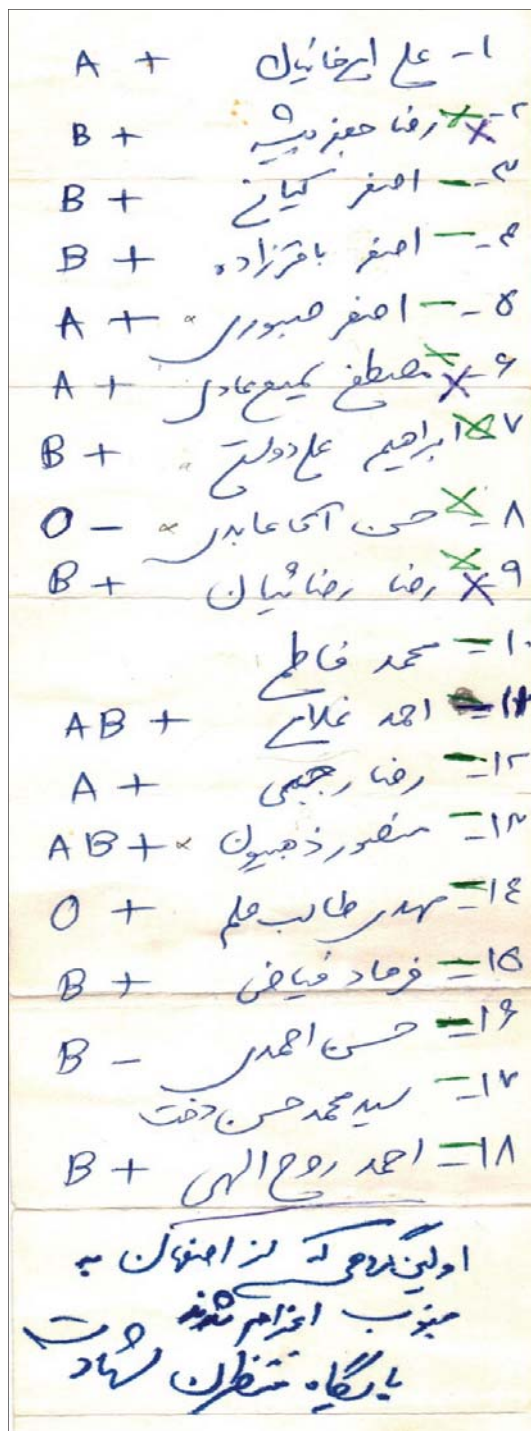
* مدیر کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران

تبیین مراحل شکل گیری و سیر تحول لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
در دوران دفاع مقدس

۳. حدود ۲۵۰ نفر از اهالی شهر اصفهان در اول آبان‌ماه ۱۳۵۹، در پادگان پانزده خرداد اصفهان، در گردانی به نام مسلم‌بن‌عقیل^(ع) به‌مدت بیست روز آموزش دیده و عازم کردستان شدند. این افراد روز در ده‌کلان کردستان (واقع در سی کیلومتری سنندج) زیر نظر نیروهای کلاه‌سبز شهید صیاد شیرازی دوره‌های فشرده چریکی و پارتیزانی را طی کرده و سپس در اواخر آذرماه سال ۱۳۵۹ راهی جبهه‌های جنوب شدند. نیروهای گردان مسلم‌بن‌عقیل^(ع) که از گلف اهواز (بایگ‌گاه منتظران شهادت) به شهرک

۲. در سال ۱۳۵۸، در کردستان تعدادی از جوانان انقلابی و سلحشور اصفهان گروهی موسوم به "گروه ضربت" را تشکیل دادند. فرماندهی این



افراد اعزامی از اصفهان به جبهه جنوب در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۳

دارخوین رفته بودند، تحت هدایت و فرماندهی سیدیچی (رحیم) صفوی، شهید احمد فروغی و شهید خرازی قرار گرفتند و پس از ادغام با نیروهای گروه ضربت و گروه اول خط شیر را تشکیل دادند.^۳

بنابراین، سه گروه نامبرده یعنی، رزمندگان شهر اصفهان و تعدادی از شهرهای دیگر، گروه ضربت و گردان مسلم بن عقیل^(ع) با حضور در جبهه دارخوین در نخستین روزهای جنگ تحمیلی، زمینه‌های شکل‌گیری تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) را فراهم کردند.

زمان و مکان تأسیس

الف) زمان تأسیس

زمان شکل‌گیری این یگان را نیز می‌توان به سه بخش تقسیم‌بندی کرد:

۱. زمان اعزام گروه‌های مختلف از شهر اصفهان و سایر شهرستان‌های این استان متفاوت است. برای مثال به گفته حسین رضایی اردستانی، جمعی از رزمندگان شهر اردستان در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۵ در جبهه جنوب حضور یافته‌اند، درحالی‌که ۱۸ نفر از رزمندگان اصفهان - که نام آنها در سند ذیل آمده است - در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۳ به جبهه‌های جنوب اعزام شده‌اند.^۴

۲. براساس صحبت‌های محمدرضا ابوشهاب، گروه ضربت کردستان در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۰ یعنی ۴۰ روز پس از آغاز حمله عراق علیه ایران به جبهه جنوب اعزام و در آنجا مستقر شده‌اند.^۵

رضایی اردستانی درباره ملحق شدن گروه ضربت به گروه اعزامی از اصفهان می‌گوید: «در منطقه دارخوین درحال مبارزه با پاتک رژیم بعثی بودیم و تقریباً نیروهای مستقر در دارخوین دچار ازهم‌گسیختگی شده بودند، لذا احتیاج به نیروی تازه بسیار احساس می‌شد که تا نیمه‌شب نیروهای باقیمانده مقاومت نموده، تا اینکه گروه ضربت، که از

اهواز - خرمشهر در قسمت غرب رودخانه کارون را نیز اشغال کرده بودند، راه‌های اصلی و ارتباطی آبادان را تصرف و شهرآبادان را به محاصره کامل خویش درآوردند. پس از آن قوای دشمن بار دیگر با هدف محاصره اهواز به طرف دارخوین پیشروی کردند. افراد محلی به محض مشاهده نیروهای عراقی، موضوع را به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اهواز گزارش دادند. آن زمان با توجه به اوضاع سیاسی کشور و همچنین به لحاظ موقعیت راهبردی، منطقه دارخوین برای شکستن محاصره آبادان، از اهمیت بسیاری برخوردار بود.

با حرکت نیروهای عراقی به سمت شمال منطقه، جبهه‌ای در مقابل آنها شکل گرفت که به دلیل وجود روستای دارخوین در عقبه آن به "جبهه دارخوین" معروف شد و خط اول آن در روستایی به نام محمدیه و عقبه آن در سلمانیه، ایجاد گردید. با استقرار نیرو در این مکان، اولین خط دفاعی جبهه دارخوین به نام "خط شیر" شکل گرفت.

جبهه دارخوین در خطوطی ناپیوسته موظف بود، منطقه‌ای به طول ۶۰ کیلومتر را حفاظت کرده و با کنترل تحرکات دشمن از ۱۰ کیلومتری شمال روستای نثاره (۱۵ کیلومتری شمال دارخوین) تا سلمانیه و محمدیه (خط شیر) در منطقه سرپل عراق از هرگونه پیشروی دشمن جلوگیری کند. بدین ترتیب، جبهه دارخوین با فرماندهی سیدیحیی صفوی، شهید احمد فروغی و شهید رضا رضایی با محورهای دفاعی، عملیاتی و شناسایی محمدیه، سلمانیه، مسعودیه، انزلی اتمی، دارخوین، کفیشه و نثاره تشکیل شد.

اهمیت نظامی جبهه دارخوین را می‌توان در ابعاد زیر بررسی کرد:

- نیروهای عراقی تلاش می‌کردند سرپل خود را به سمت شمال گسترش دهند. لذا دارخوین در خط دفاعی سلمانیه و محمدیه (خط شیر) باید فشار زیادی را تحمل می‌کرد.

با حرکت نیروهای عراقی به سمت شمال منطقه، جبهه‌ای در مقابل آنها شکل گرفت که به دلیل وجود روستای دارخوین در عقبه آن به "جبهه دارخوین" معروف شد و خط اول آن در روستایی به نام محمدیه و عقبه آن در سلمانیه، ایجاد گردید. با استقرار نیرو در این مکان، اولین خط دفاعی جبهه دارخوین به نام "خط شیر" شکل گرفت.

دارخوین پیشروی کردند. با شلیک تانک‌ها به خانه‌های روستایی و پاسگاه آن، عده کمی که از ژاندارمری در پاسگاه بودند مهاجرت کردند [پاسگاه را ترک کردند]. بعد از چند روز که دیدیم در پاسگاه کسی نیست و ما هم سرپناهی نداریم در پاسگاه مستقر شده و اینجا مکان اولیه دارخوین شد. در مجموع، جبهه دارخوین در خطوطی ناپیوسته، موظف بود منطقه‌ای به طول ۶۰ کیلومتر را حفاظت کند.^{۱۰}

با گذشت دو ماه از عبور دشمن از رودخانه کارون، فشارها و پاتک‌های سبک و سنگین عراق از جناح شرقی کارون به دلیل تشکیل جبهه دارخوین کاهش یافت و بر اثر ایستادگی رزمندگان این جبهه، ابتکار عمل از نیروهای دشمن سلب گردیده و در برابر نیروهای خودی زمین گیر شدند. از این پس، رزمندگان اسلام با روش‌های مختلف خلاقانه و ابتکاری، همراه با روحیه انقلابی و انگیزه الهی پیشروی‌های دشمن را قطع کرده و به فکر حمله به نیروهای متجاوز و بیرون کردن آنها از خوزستان افتادند. یکی از این طرح‌های

– رژیم عراق می‌کوشید باتوجه به محاصره اهواز از جنوب (منطقه دب حردان در ۲۴ کیلومتری اهواز) و همچنین رسیدن به حاشیه کارون در بیوض و فارسیات، در این منطقه هم از کارون عبور کند. در صورت موفقیت دشمن در این مانور راه‌های جبهه دارخوین به اهواز مسدود می‌شد و درحقیقت محاصره آبادان در شرق کارون تا اهواز امتداد می‌یافت، لذا جبهه دارخوین باید خط دفاعی دیگری نیز در جبهه شمالی خود (مانند سلمانیه) ایجاد می‌کرد.

– ارتش عراق تلاش می‌کرد در جناح غربی کارون حداثا فصل اهواز تا خرمشهر، نیروهای خود را به رودخانه کارون برساند و جبهه دارخوین در محدوده مأموریتی خود (حدود ۴۰ کیلومتر در حاشیه کارون) موظف بود از این امر جلوگیری کند. این تهدیدات همواره تا عملیات بیت‌المقدس ادامه یافت.

– عراق برای رسیدن به کارون و نیز تصرف سه راه مهم شادگان – آبادان – ماهشهر، که منطقه از طریق آن به اهواز متصل می‌شد، فشار خود را بر روستای دارخوین و کفیشه متمرکز کرده بود.

– جبهه دارخوین می‌توانست تهدید عمده‌ای علیه سرپل عراق در شکستن محاصره آبادان ایجاد کند. چنان‌که با اجرای عملیات "فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا"، بهترین زمینه برای رسیدن به مانور عملیات ثامن‌الائمه^{۱۱} ایجاد شد.

سرلشکر سیدیحیی صفوی چگونگی شکل‌گیری جبهه دارخوین در اواخر مهر ۱۳۵۹ را این‌چنین بیان می‌کند: «وقتی به محور شمالی آبادان یعنی دارخوین رفتیم، هیچ مکانی برای استقرار نداشتیم، غذا نداشتیم و با دزدسر، یک وعده غذا از سپاه (شادگان) تهیه می‌کردیم. کل چیزهایی که داشتیم دو دستگاه خودرو سیمرغ بود که از کردستان آورده بودیم. روزها در منطقه می‌جنگیدیم و شب‌ها به شادگان می‌رفتیم و زیر درخت‌ها و روی زمین می‌خوابیدیم؛ این شروع کار ما بود. یک روز، تانک‌های عراقی تا کنار کارون در

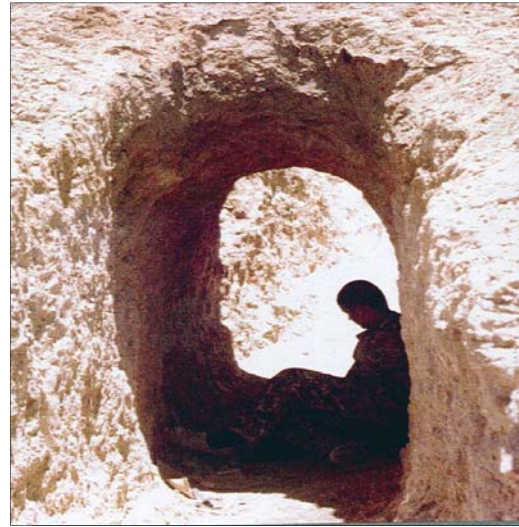
نیروهای خودی برای نزدیک‌تر شدن به دشمن، کانالی به طول ۱۷۰۰ متر در جبهه دارخوین احداث کردند که نقش بارزی در پیروزی عملیات فرماندهی کل قوا داشت

ابتکاری حفر کانال بود این روش را یکی از رزمندگان (محمود پهلوان‌نژاد) پیشنهاد کرد و پس از بررسی آن توسط فرماندهان به تصویب رسید. با تلاش نیروهای جبهه دارخوین، عملیات اجرایی این طرح آغاز شد. گفتنی است که حفر کانال در خط شیر و عبور از میدان مین در زیر دید دشمن کار بسیار سخت و دشواری بود.^{۱۱}

سرلشکر رحیم صفوی درمورد خط شیر می‌گوید: «اوایل آبان‌ماه، با حدود ۳۰ نفر از نیروها آمديم سلمانیه و محمدیه و سپس به طرف دشمن



شهید محمود پهلوان‌نژاد، طراح تونل و کانال راهبردی خط شیر



۴۴۴

کانالی را به طول ۱۷۰۰ متر و به شکل T حفر کردند. پایان کانال وارد میدان مین در جلوی خاکریز و خط دشمن می‌شد و از طریق آن رفتن به جناح چپ و راست دشمن امکان‌پذیر می‌گشت.^{۱۴}

نیروهای مستقر در جبهه دارخوین به سرعت خود را برای عملیات آماده می‌کردند. در چند ماهی که از استقرار رزمندگان در این جبهه می‌گذشت، استعداد نیروها بالغ بر ۲ گردان رزمی شده بود. پس از اجرای موفقیت‌آمیز عملیات فرماندهی کل قوا و در ادامه آن، عملیات غرورآفرین ثامن‌الائمه^(ع) در مهرماه ۱۳۶۰ و با استعداد شش گردان از نیروهای دارخوین انجام گردید.^{۱۵}

اهداف و دلایل تأسیس لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)

مهم‌ترین دلیل تشکیل یگانی به نام لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، سازماندهی و برنامه‌ریزی در جهت عملکرد بهتر در دوران دفاع مقدس بود. نیروها از اول جنگ تا شروع عملیات گسترده به شکل گروهی و هر دسته از یک شهرستان با فرمانده خود در جنگ حضور داشتند. با اجرای عملیات‌های گسترده، نیاز به سازمان و تشکیلات جدید در جنگ به منظور تسهیل در هدایت و کنترل عملیات‌ها کاملاً آشکار شد. براساس

در جنوب محمدیه پیشروی کردیم. یک نهر آبی را دیدم که سمت راست آن کارون و سمت چپ آن جاده اهواز-آبادان بود. در جلوی ما به طرف (مارد) عراقی‌ها حضور داشتند. هنوز هیچ خط دفاعی جلوی دشمن تشکیل نشده بود. بچه‌ها را آوردیم در همان نهر آب مستقر کردیم و آنان کندن حفره‌های کوچک را شروع کردند. اولین خط دفاعی تشکیل شد و ما اسمش را خط شیر گذاشتیم.^{۱۲}

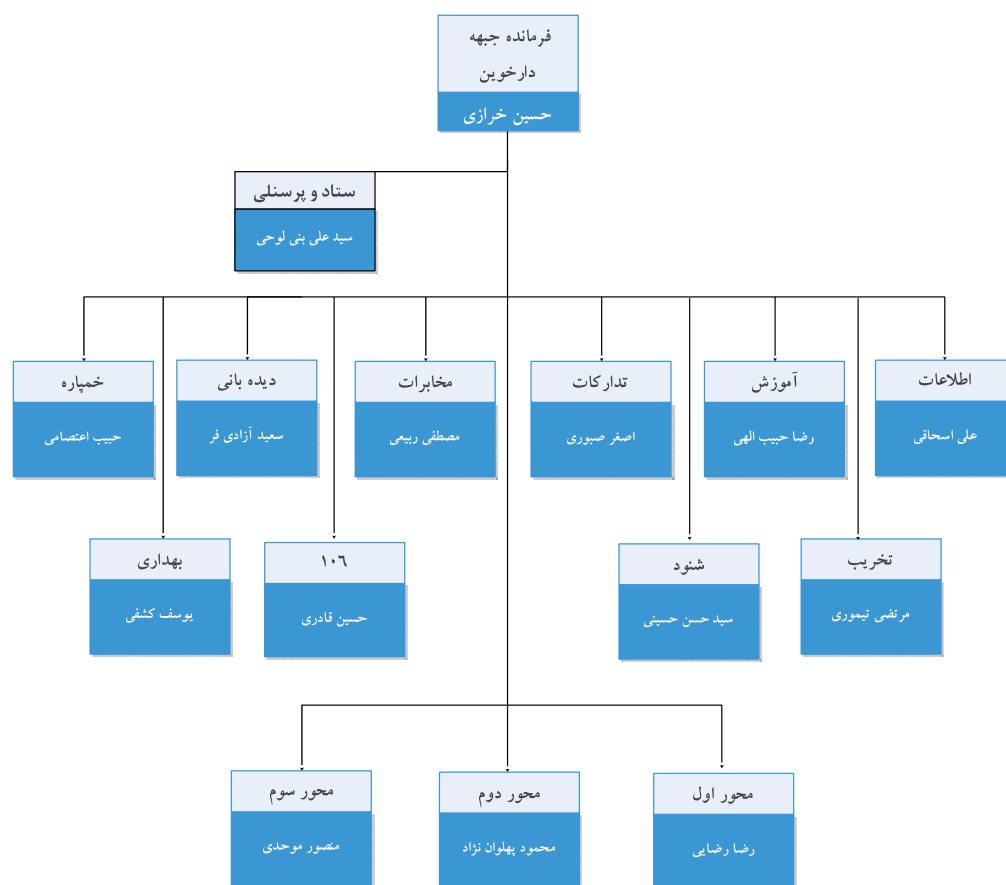
نیروهای خودی برای نزدیک‌شدن به خطوط مقدم عراقی‌ها، کانالی را در جبهه دارخوین احداث کردند. طول این کانال ۱۷۰۰ متر بود که در ابتدا سرپوشیده و در ادامه سر باز بود. این کانال نقش بارزی در پیروزی عملیات فرماندهی کل قوا داشت.^{۱۳}

همه رزمندگان در خط و عقبه دست به دست هم دادند تا کار حفر کانال به خوبی انجام شود. این کانال باید درست از وسط خط شیر شروع شده و تا ۲۰۰ متری خط دشمن ادامه می‌یافت. بدین ترتیب نیروی پاسدار و بسیجی مستقر در خط شیر چهار ماه بدون سروصدا و جلب توجه دشمن، با تلاش شبانه‌روزی،

(رحیم) صفوی برعهده داشت، پس از رفتن وی به ستاد عملیات جنوب، احمد فروغی به عنوان فرمانده این جبهه انتخاب شد، مدتی بعد در پی بحرانهای پیش آمده، فروغی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۵ به شهر اصفهان منتقل شد و برادر حسین خرازی مسئولیت فرماندهی جبهه دارخوین را به عهده گرفت.^{۱۶}

واحدهای تشکیل دهنده جبهه دارخوین در عملیات ثامن الائمه^(ع) عبارت بودند از: ستاد و پرسنلی، اطلاعات، آموزش، تدارکات، دیده بانی، خمپاره، تخریب، مخابرات، شنود، ۱۰۶ و بهداری. این جبهه به استعداد یک گردان عمل کننده، با پشتیبانی نیروهای خودی در واحد ادوات و همچنین نیروهای توپخانه

این نیاز، رزمندگان در قالب گروهانها و گردانهای رزمی و سپس برای اولین بار در عملیات طریق القدس با سازمان رزمی تیپ، وارد عمل شدند. بنابراین سازماندهی نیروهای استانها در قالب تیپ یا لشکر مشخص، یکی از دلایل تشکیل تیپ امام حسین^(ع) بود. گفتنی است رزمندگان اصفهان از همان ابتدا با برنامه و سازماندهی مشخصی توانستند در مقابل نظامیان رژیم بعثی ایستاده و با تاکتیک مناسب به مقابله با دشمن بپردازند. چنانکه در دو عملیات فرماندهی کل قوا و عملیات ثامن الائمه^(ع)، که در جبهه دارخوین اجرا شد، این جبهه از یک سازماندهی قوی برخوردار بود. فرماندهی جبهه دارخوین را برادر سیدیحیی



نمودار سازمانی جبهه دارخوین در عملیات فرماندهی کل قوا

توانایی‌های موجود در نیروهای اصفهانی تشکیل تیپ امام حسین^(ع) را به‌عنوان یکی از اولین تیپ‌های سازمانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تسریع کرد؛ نخبه‌بودن، شجاعت و جسارت، خلاقیت و نوآوری، مسئولیت‌پذیری، فداکاری، شهادت‌طلبی، تواضع و فروتنی، قدرت تجزیه و تحلیل صحیح و انگیزه بالا و قابلیت فرماندهی در سطوح عالی جنگ از جمله این توانمندی‌ها بود. این نیروها قابلیت این را داشتند که در سخت‌ترین وضعیت بهترین تصمیمات

فرماندهی جبهه دارخوین را برادر
سیدیحیی (رحیم) صفوی برعهده
داشت، پس از رفتن وی به ستاد
عملیات جنوب، احمد فروغی
به عنوان فرمانده این جبهه انتخاب شد،
مدتی بعد در پی بحران های پیش آمده،
فروغی در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۵ به
شهر اصفهان منتقل شد و برادر حسین
خرازی مسئولیت فرماندهی جبهه
دارخوین را به عهده گرفت.

بافت اولیه نیروهای تشکیل دهنده این یگان، برادرانی بودند که قبل از شروع جنگ تحمیلی، ابتدا در شورش چریک‌های فدایی خلق کمونیست در گنبد حضور فعال داشته، پس از آن در سیستان و بلوچستان شرکت کرده و بعد از آن در کم‌دستان و یاوه جنگیده بودند.

سال سیزدهم ☐ شماره پنجاه و دوم ☐ بهار ۱۳۹۴

جنگ با حضور در منطقه دارخوین شجاعانه تا سرحد جان از اهداف خویش غافل نماندند.

هـ) حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. فداکاری‌ها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی که پایه‌گذار خروج از ظلمت به‌سوی نور و از حقارت به‌سوی سرافزاری و از اسارت به‌سوی استقلال بود، از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی یافت. یکی از اهداف تجاوز عراق به ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بود. رزمندگان اسلام به‌خصوص جوانان استان اصفهان برای حفظ انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در جبهه‌های جنگ حاضر شدند. در وصیت‌نامه شهید علی رضائیان در این باره آمده است:

«ای مردم عزیز ایران، بدانید که این انقلاب از برکات و رحمت‌های الهی است که به شما ارزانی شده است و این انقلاب حفظ و نگهداری‌اش به‌مراتب از به‌دست آوردنش مشکل‌تر و پرمسئولیت‌تر است. این انقلاب به برکت خون برادران و خواهران شماست که تا به اینجا رسیده است و حفظ و نگهداری‌اش در گرو رفتار و کردار شماست.»

و) اطاعت از ولایت فقیه

ولایت فقیه به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل در نظام جمهوری اسلامی یا به عبارتی، ستون خیمه انقلاب، از امور مسلم فقه شیعه به شمار می‌آید. مهم‌ترین دلیل دشمنی قدرت‌های باطل با نظام جمهوری اسلامی ایران کارآمدی ولایت فقیه بوده و هست. جوانان استان اصفهان خود را سرباز ولایت دانسته و برای اطاعت از ولی فقیه و کسب رضای خدا سر از پای نشناختند و به مبارزه حق علیه باطل شتافتند. فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در بخشی از وصیت‌نامه خود نوشته است: «شخصی هستم معتقد

به انقلاب اسلامی ایران و رهبری و ولایت حضرت امام خمینی (روحی له الفداء) در عصر غیبت امام زمان (عج‌الله تعالی فرجه الشریف) از مردم می‌خواهم که پشتیبان ولایت فقیه باشند.»

در وصیت‌نامه شهید منصور رئیسی، از فرماندهان این یگان در دوران دفاع مقدس نیز آمده است:

«بدانید که همان‌گونه که امام حسین^(ع) مسلم را فرستاد تا ببیند چه کسی ندای "هل من ناصر ینصرنی" او را جواب گوید. امام زمان خمینی را فرستاده است تا ببیند سربازان و فداکاران واقعی او چه کسانی هستند، اگر لیاقت خمینی را نداشته

باشیم، اگر لیاقت مهدی را نداشته باشیم، اگر خودسازی نکنیم، اگر برای رضای خدا حرکت نکنیم، خداوند خمینی را از ما خواهد گرفت. دل امام زمان از ما رنجیده خواهد شد. پس بدانید که خط خمینی خط امام زمان و خط اسلام است. از او دور نشوید هرچه می‌گوید. بدون چون‌وچرا بپذیرید. بدانید که ما برای انجام تکالیف آمده‌ایم چه بکشیم و چه کشته شویم پیروزیم.»

حسین خرازی در اوج درگیری‌های کردستان در آنجا حضور داشت و در سمت فرماندهی گروه ضربت که از قوی‌ترین گردان‌های آن زمان محسوب می‌شد، وارد عمل شد و در آرام‌سازی شهرهای کردستان از قبیل دیواندره، سقز، بانه، مریوان و سردشت نقش مؤثری ایفا کرد.

پادگان‌های مناطق عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس

همان‌گونه که گذشت، با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، اولین خط دفاعی در نزدیکی روستای دارخوین به نام خط شیر شکل گرفت؛ در منطقه دارخوین، پاسگاه و شهرک دارخوین، انرژی اتمی، سلمانیه و محمدیه به‌عنوان اولین مقرها و اماکن فرماندهی و پشتیبانی رزمندگان

تبیین مراحل شکل گیری و سیر تحول لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
در دوران دفاع مقدس

اصفهرانی مورد استفاده قرار گرفت. دارخوین در ۴۴ کیلومتری شمال‌آبادان و بین رودخانه کارون و جاده‌آبادان - اهواز قرار دارد. رزمندگان استان اصفهان حدود ۸ ماه در این مکان استقرار داشتند، تا اینکه عملیات فرماندهی کل قوا در این منطقه اجرا شد و خط جدیدی به نام شهید رضایی‌ها (دلیل انتخاب این نام شهادت افرادی چون علی رضایی، رضا رضایی، رمضان رضایی، محمود رضایی، عباس رضایی می‌باشد) شکل گرفت. رزمندگان این خطه از میهن اسلامی تا عملیات طریق‌القدس از این منطقه به‌عنوان مقر اصلی استفاده می‌کردند. بعد از آزادسازی بستان در عملیات طریق‌القدس رزمندگان اصفهان در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز مستقر شدند و در دی‌ماه سال ۱۳۶۰، برابر ابلاغ از عملیات منطقه خوزستان به‌دستور برادر رشید علی نور به شماره ۹۱۹-۱۰۴ برای اجرای عملیات فتح‌المبین در پادگان دوکوهه استقرار یافتند. بالاین حال دارخوین همچنان مقر اصلی لشکر امام حسین (ع) تا پایان جنگ بود.



فرمانده لشکر امام حسین^(ع)، حسین خرازی و یاران باوفایش چون شهید مصطفی ردانی پور، شهید رضا حبیب الهی، شهید علی قوچانی، شهید علی موحد دوست، شهید قربانعلی عرب و... بوده است.

همان طور که پیش تر هم اشاره شد، هر چند نیروهای این یگان گه گاهی به دلایل نظامی موقتاً تغییر مکان می دادند، اما مقر اصلی این یگان تا پایان جنگ تحمیلی در جنوب و در دارخوین بوده است. نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تا عملیات والفجر ۸ در شهرک دارخوین مستقر بودند و ارتش تجاوزگر عراق بارها این شهرک را بمباران کرد.

در سال ۱۳۶۵، نیروها به کریت (موقعیت شهید قوچانی) واقع در ۱۰ کیلومتری جاده اهواز - رامهرمز، نقل مکان کرده و در آنجا مستقر شدند. در موقعیت شهید قوچانی نیروها صبح را در دامنه کوه به سر می بردند و شبها به مقر خود بازمی گشتند. پس از مدتی استقرار در موقعیت شهید قوچانی، اردوگاه شهید عرب را تأسیس کردند.

این اردوگاه در ۴۵ کیلومتری آبادان و در نزدیکی روستای دارخوین، سه راه شادگان و دقیقاً روبه روی شهرک

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) بعد از عملیات فتح المبین، برای اجرای عملیات بیت المقدس (آزادسازی خرمشهر) در فروردین سال ۱۳۶۱، به مقر اصلی خود یعنی شهرک دارخوین بازگشت. شهرک دارخوین متعلق به کارکنان سازمان انرژی اتمی و محل اسکان آنها بود و ساختمان های متعدد و مجهزی داشت که در تأسیسات دارخوین واقع در سه کیلومتری جنوب دارخوین و در حاشیه کارون واقع بود. این شهرک شامل بخش های مختلفی بود که مهم ترین آنها عبارت اند از:

- مسجد چهارده معصوم که محل تهذیب نفس، جایگاه عروج روحی رزمندگان و محل عبادت سربازان خمینی کبیر بوده است.
- میدان صبحگاه، تجلی گاه اقتدار و عظمت رزمندگان این یگان که این شهرک قدمگاه ۱۳ هزار شهید لشکر امام حسین^(ع) بوده است (بنیاد شهید استان اصفهان).

- میدان موانع و محل های آموزش در شهرک
- حمام لشکر که محل غسل شهادت رزمندگان و پاکیزگی جسم بوده است.
- مقر فرماندهی که محل تصمیم گیری



محل استقرار گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در شهرک دارخوین

[illegible]

در کردستان برای یگان ملموس بود، به همین دلیل یگان امام حسین^(ع) پادگان وحدت (سد قشلاق) معروف به پادگان لوله را که در خروجی شهر سنندج به دیواندره واقع بود به عنوان مقر ثابت خود انتخاب کرد.

اسکان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در پادگان وحدت در اواخر جنگ تحمیلی نیز در سال ۱۳۶۶ در حلبچه مقر تاکتیکی‌ای در شهر اسلام‌آباد غرب مورد استفاده قرار گرفت. یادآوری می‌شود که در طول دوران دفاع مقدس، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) بنا به ضرورت و منطقه عملیاتی، مقرهای تاکتیکی با عناوین موقعیت ائمه و موقعیت مهدی برپا می‌کرد که عموماً نیروهای احتیاط و پشتیبانی هم در عملیات‌های آفندی و پدافندی برای نزدیک شدن به منطقه عملیاتی از آن بهره می‌بردند.

درمجموع لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس دارای دو مقر اصلی در جنوب به نام شهرک دارخوین و اردوگاه عرب و یک مقر اصلی در غرب کشور به نام پادگان وحدت بود.

منطقه سپاه تأمین کننده نیرو

باتوجه به تقسیمات مناطق ده گانه سپاه، منطقه ۲ سپاه یعنی استان اصفهان تأمین کننده نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در زمان جنگ بود.

در اوایل جنگ تحمیلی، عموم نیروهای اعزامی

دارخوین، قرار داشت و ازطرف شرق به هور شادگان منتهی می گردید. از این اردوگاه بیشتر برای استقرار گردان ها و واحدهای رزمی و آموزش های تاکتیکی به رزمندگان لشکر امام حسین^(ع) استفاده می شد. به تدریج سایر گردان ها به اردوگاه عرب انتقال یافتند، اما فرماندهی لشکر و واحدهای پشتیبانی در شهرک دارخوین و واحد توپخانه و گردان حضرت یونس^(ع) در منطقه کفیشه استقرار داشتند. زاغه لشکر نیز به بیرون شهرک واقع در جاده دارخوین - شادگان انتقال داده شد. فرماندهان گردان ها به کمک واحد آموزش نظامی لشکر، دوره های سخت آموزش عملیات آبی - خاکی را با استفاده از وضعیت طبیعی اردوگاه برای نیروهای لشکر برگزار می کردند. سرما و گرما و از طرفی هم جواروی موقعیت ها یا شرحی شدن هوا، هیچ کدام مانع رشد و تعالی روحیه معنوی رزمندگان نمی شد.

بعد از عملیات والفجر ۱، در خردادماه سال ۱۳۶۲، نیروهای لشکر امام حسین^(ع) برای اجرای عملیات در غرب به کردستان اعزام شده و در شهر سنندج در پادگانی به نام هفت‌تیر، که متعلق به وزارت نیرو بود، مستقر شدند. این یگان یک مقر تاکتیکی هم در پادگان شهید عبادت واقع در مریوان ایجاد کرد. مدتی بعد، برای اجرای عملیات والفجر ۲ در مقر تاکتیکی پادگان جلدیان واقع در ورودی شهر پیرانشهر مستقر شدند. بعد از عملیات والفجر ۲، نیاز مبرم به داشتن مقر ثابت



می فرستاد. بدین ترتیب نیروهای لشکر امام حسین^(ع) از سپاه منطقه اصفهان تأمین می شدند.

سازمان رزم کلی یگان

به طور کلی سازمان رزم یگان ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس مطابق با نمودار ذیل بود.

در رأس سازمان رزم لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) فرماندهی لشکر، سپس جانشین فرماندهی و بعد از آن ستاد فرماندهی قرار داشت. محورهای عملیاتی نیز شامل ۴ محور بود.

بخش های اطلاعات، عملیات، نیروی انسانی، تدارکات، توپخانه، پدافند، ادوات، تانک، پی.ام.پی، یگان دریایی، تخریب، دیده بانی، مخابرات، مهندسی، تعاون، بهداری، تبلیغات، آموزش، دژبانی، مالی، ش.م.ر، حفاظت، قضایی، شنود، مدیریت داخلی و خدمات و تأسیسات نیز واحدهای لشکر را تشکیل می داد.

گردان های لشکر شامل گردان محمد رسول الله^(ص)، گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع)، گردان یازدها^(س)، گردان امام حسن^(ع)، گردان امام حسین^(ع)، گردان حضرت ابوالفضل^(ع)، گردان امام سجاد^(ع)، گردان امام محمد باقر^(ع)، گردان امام صادق^(ع)، گردان موسی بن جعفر^(ع)، گردان امام رضا^(ع)، گردان امام جواد^(ع)، گردان امام هادی^(ع)، گردان امام حسن عسگری^(ع)، گردان یا مهدی^(عج)، گردان حضرت یونس^(ع)، گردان قمر بنی هاشم^(ع)، گردان حمزه^(ع)، گردان حضرت زینب^(س)، گردان حضرت سیدالشهدا^(ع)، گردان ضربت مالک اشتر، گردان حضرت نوح^(ع)، گردان اباعبدالله و گردان حضرت محسن^(ع) بود. نکته قابل ذکر آن است که در تمام عملیات ها، سازمان رزم کلی یگان به این شکل نبوده و در بعضی عملیات ها تعدادی از گردان ها و واحدها حضور داشته و در برخی عملیات های دیگر شرکت نداشته اند. همچنین بعضی از گردان ها به طور دائم وجود داشته و بعضی دیگر بر حسب عملیات و موقعیت های زمانی و مکانی تشکیل می شده و بعد از مدتی منحل می شدند. در ادامه به تفکیک عملیات ها،

از شهرهای استان اصفهان به جبهه دارخوین (محل استقرار رزمندگان اصفهان) فرستاده می شدند. به تدریج، با افزایش نیروهای این استان، تیپ ها و لشکرهای مختلفی تأسیس شد و نیروهای استان اصفهان در یگان های مختلفی به کار گرفته شدند. شهرهای بخش شمالی و شرق استان شامل شهر اصفهان، کاشان، اردستان، نایین، نطنز، آران و بیدگل نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) را تشکیل می دادند. شهرهای بخش غربی استان شامل نجف آباد، تیران، فریدون شهر و داران نیروهای لشکر ۸ نجف اشرف را تأمین می کردند.

شهرهای بخش جنوبی استان مانند زرین شهر، شهرضا، سمیرم و رزمندگان شهرکرد نیروهای تیپ قمر بنی هاشم^(ع) را تشکیل می دادند. با توجه به آنچه گذشت، عمدتاً نیروهای تشکیل دهنده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) از اصفهان بوده اند.

پایگاه های بسیج پس از فرمان تاریخی امام برای تشکیل ارتش بیست میلیونی، در آذرماه سال ۱۳۵۹، در مساجد شکل گرفتند، لذا خواستگاه بسیج، کانون گرم مساجد بود و نیروهای بسیج، از مساجد به جبهه ها اعزام می شدند. براین اساس، مسجد به عنوان پایگاه بسیج، خواستگاه اصلی نیرو در شهر اصفهان به شمار می آمد. روند اعزام نیرو از سپاه منطقه اصفهان به جبهه جنوب در دوران دفاع مقدس بدین صورت بوده است که پایگاه ها نیروها را به نواحی انتقال می دادند، در نواحی نیروها آموزش متمرکزتر و اختصاصی تر دیده و سپس به مناطق منتقل می شدند. در مناطق، نیروها به پادگان های آموزشی ۱۵ خرداد، شهید منتظری، غدیر و امام حسین^(ع) رفته و در آنجا در حدود یک هفته تا ۴۵ روز دوره های آموزشی متمرکز را طی می کردند. سپس مناطق، نیروها را به سپاه منطقه که واقع در خیابان کمال اسماعیل (کوچه موتوری) بود انتقال می دادند. سپاه منطقه نیز نیروها را به لشکر امام حسین^(ع) (اهواز - شهرک دارخوین) اعزام می کرد و مازاد نیروهای خود را به جبهه های دیگر (کردستان و...)

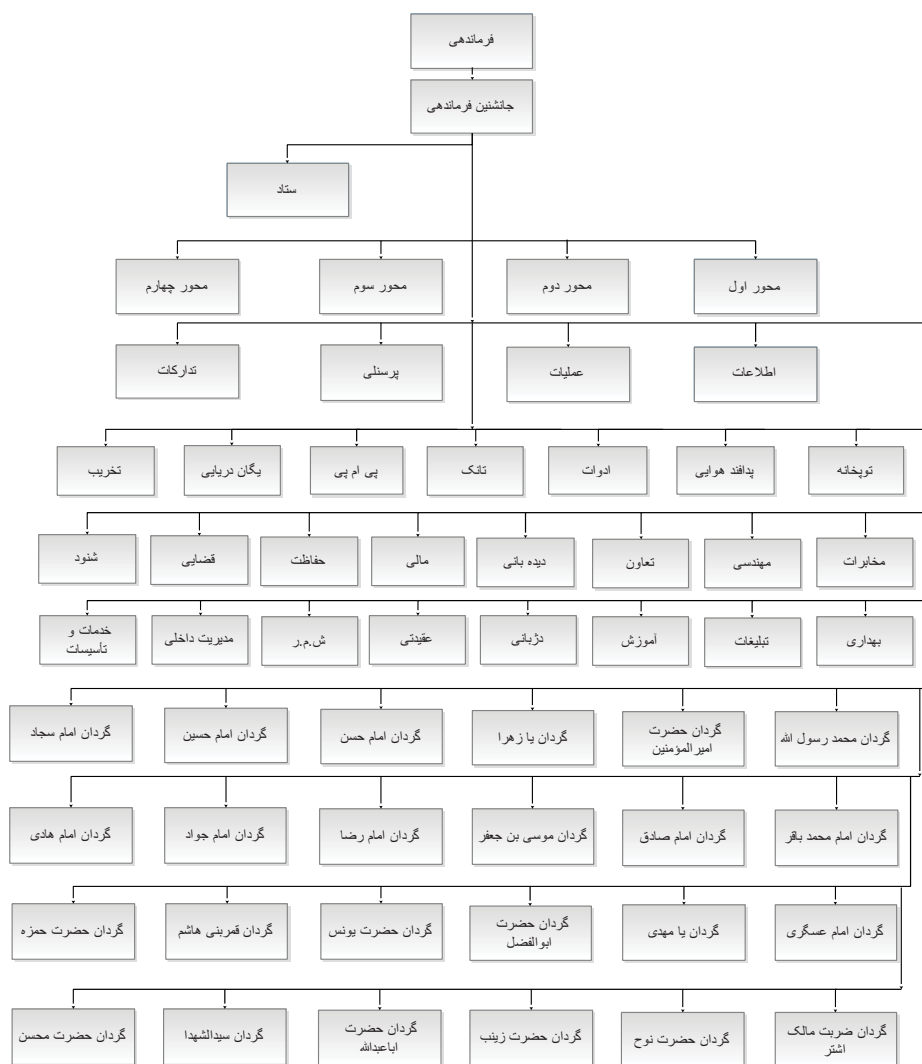
عملیات فتح المبین: ۱۵ گردان و ۲ گردان در خط پدافندی دارخوین (محمديه) بودند.

عملیات بیت المقدس: ۱۵ گردان که بعضی از گردان‌ها در سه مرحله وارد عمل شدند.

عملیات رمضان: ۱۵ گردان که تعدادی از گردان‌ها بیش از دو بار وارد عمل شدند.

عملیات محرم: ۱۵ گردان از سه محور وارد عمل شدند.

عملیات والفجر ا: یک بار وارد عمل شدند و ۶ گردان که ۳ گردان خط شکن و ۳ گردان در احتیاط قرار داشتند.



عملیات والفجر ۲: ۳ گردان که در این میان گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) سه بار، گردان یا زهرا^(س) دو بار و گردان امام حسین^(ع) یک بار وارد عمل شد. عملیات والفجر ۴: ۱۱ گردان که ۳ گردان دو مرحله عملیات کرد. عملیات خیبر: ۲۰ گردان که تعدادی از گردانها دو بار وارد عمل شدند. عملیات بدر: ۱۵ گردان که تعدادی از گردانها دو بار وارد عمل شدند. عملیات والفجر ۸: ۲۰ گردان که تعدادی از گردانها دو بار وارد عمل شده و تعداد ۲ گردان در هورالهوریزه پدافند بودند. صاحب الزمان^(عج): سه گردان عمل کننده.

عملیات کربلای ۳: سه گردان عمل کننده و ۱۰ گردان پشتیبان. عملیات کربلای ۴: ۱۳ گردان عملیاتی و ۳ گردان در فاو. عملیات کربلای ۵: ۲۰ گردان در عملیات و ۳ گردان پدافند در فاو. عملیات کربلای ۱۰: در این عملیات ۱۰ گردان عملیاتی و ۳ گردان در فاو شرکت داشتند. عملیات نصر ۴: در این عملیات ۱۲ گردان عملیاتی و ۳ گردان در فاو حضور داشتند. عملیات والفجر ۱۰: در این عملیات لشکر ۱ امام حسین^(ع) ۱۰ گردان عملیاتی و ۳ گردان در فاو داشت. عملیات بیت المقدس ۷: در این عملیات، لشکر امام

جمهوری اسلامی ایران

په: د. م. سرکسری ک. سرکسری
از: سپاه ۳ صاحب الزمان (عج)
موضوع: گزارش

جهت مشخص شدن وضع کلی ل ۱۴ امام حسین (ع) در روزهای یکشنبه ۶۱/۹/۹ و سه شنبه ۶۱/۱۰/۹ جلسه‌ای در شهرک دارخوین وق سپاه سوم برگزار گردید و پیرامون مسائل مطرح شده زیرصحت شد و خط مشی کار مشخص گردید

۱- مشخص شدن خط کلی کار

الف: تعداد تجهیزات و پیاده زرهی
ب: تشکیل هر تیپ از کدام شهر باشد
ج: کادر بندی آن چگونه باشد

د: تقسیم بندی و مشخص شدن محل هر تیپ

هـ: تقسیم بندی تدارکات

۲- روشن شدن واحد های زرهی و توپخانه - و مشخص شدن این مسئله که چه واحد هایی در لشکر وجه واحد های در تیپ میباشند

۳- کادر بندی و مشخص نمودن خود لشکر

الف: محل اصلی لشکر
ب: روشن تدارکات لشکر
ج: کادر لشکر

د - هماهنگی و کنترل واحد های لشکر و بررسی آن و ایجاد هماهنگی لازم بین واحد های هنگام در سطح سپاه و لشکر و تیپها

هـ - طریق ورود و خروج بر مبنای از سپاه به لشکر و برعکس

۴- کنترل یکایک تیپها با نرد این که دو تیپ پیاده از اصفهان و حومه تامین شود و تیپ سوم از کاشان و نیاز و از استان باشند

الف - مشخص شدن محل استقرار هر تیپ
ب - مشخص نمودن کادر هر تیپ
ج - تقسیم بندی تدارکات بین تیپ ها

شماره: ۶۱/۱۰/۹
تاریخ: ۶۱/۱۰/۹
محل: ...

گزارش تشکیل تیپها در لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به قرارگاه مرکزی کربلا

حسین^(ع) به استعداد ۷ گردان در عملیات حضور پیدا کرده.^{۲۰} از سوی دیگر، در فاصله عملیات محرم تا والفجر مقدماتی به مدت سه ماه، ۳ تیپ در لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) شکل گرفت. با تشکیل این سه تیپ، سه ستاد تیپ که هر کدام دارای رده‌های مشابه بودند نیز راه‌اندازی شد. تصدی مسئولیت‌های مختلف در این تیپ‌ها نیازمند نیروهای باتجربه و کارآمد بود و این امر بدانه لشکر را از نیروهای رزمی و کارآمد تهی می‌کرد به همین دلیل حسین خرازی، فرمانده مدبر لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، تیپ‌ها را منحل و به جای آن، محورهای عملیاتی را فعال کرد. شایان توجه است با این تدبیر نیروهای زبده از ستاد به سازمان رزم لشکر انتقال یافتند و در عمل محورها کار این تیپ‌ها را انجام دادند. بدین ترتیب این محورهای عملیاتی، بازوان پرتوان فرماندهی لشکر در اجرای عملیات‌ها بودند.^{۲۱}

به همین دلیل حسین خرازی، فرمانده مدبر لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، تیپ‌ها را منحل و به جای آن، محورهای عملیاتی را فعال کرد. شایان توجه است با این تدبیر نیروهای زبده از ستاد به سازمان رزم لشکر انتقال یافتند و در عمل محورها کار این تیپ‌ها را انجام دادند. بدین ترتیب این محورهای عملیاتی، بازوان پرتوان فرماندهی لشکر در اجرای عملیات‌ها بودند.^{۳۱}

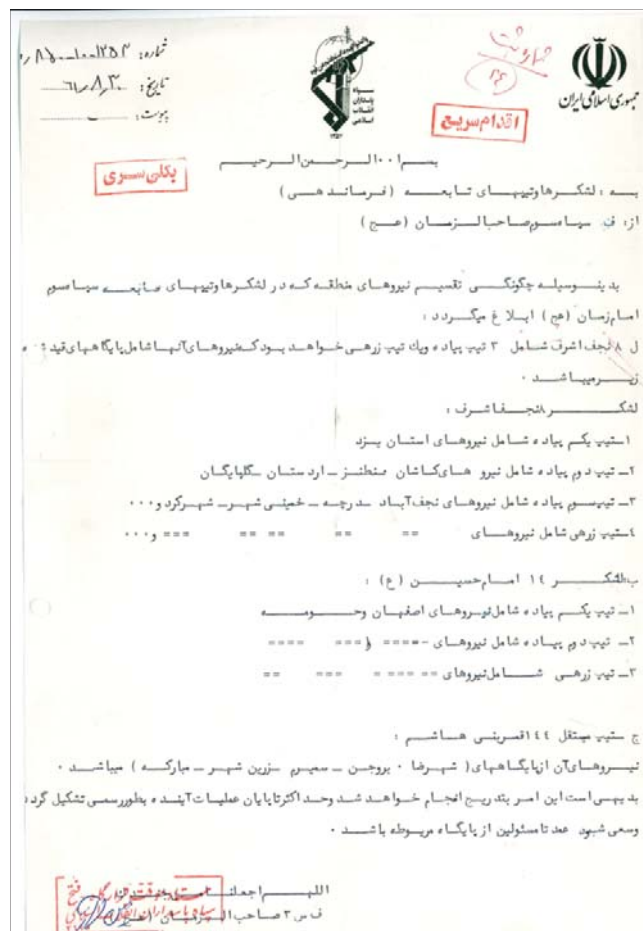
تغییر و تحولات لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
الف) تغییر کلی ساختار یگان

به‌طور کلی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) دو تغییر ساختاری عمده در طول دوران دفاع مقدس داشته است:

- تبدیل جبهه دارخوین به تیب امام حسین (ع):

چنان‌که اشاره شد نیروهای اصفهان در اوایل دوران دفاع مقدس به شهرک دارخوین رفته و در آنجا در عملیات طریق‌القدس به تیپ امام حسین^(ع) ارتقا یافتند. امیر رزاق‌زاده راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در کتاب نبرد طریق‌القدس به نقل از سیدعلی بنی‌لوحی یکی از فرماندهان این بگان در دوران دفاع مقدس، می‌نویسد:

«عملیات ثامن الائمه^(ع) که تمام شد و ما یک خط پدافندی مطمئن در شرق کارون حدفاصل سلمانیه تا پل حفار تشکیل دادیم، ابلاغ تشکیل تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) را دریافت کردیم. فکر و ذکر همه بچه‌های رزمنده با اهل بیت بود. مخصوصاً مجموعه ما که تحت تأثیر شخصیت مصطفی ردانی پور حال و هوای



— گزارش تشکیل تیپ‌ها در لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به قرارگاه مرکزی کربلا

وجود تدارکات و پشتیبانی قوی: یگان ۱۴ امام حسین^(ع)، در طول دوران دفاع مقدس از پشتیبانی بسیار قوی دو کاروان شهید بهشتی و کاروان وحدت که در اصفهان استقرار داشتند، برخوردار بود.

گسترده‌گی میدان نبرد: دلیل دیگری که تیپ به لشکر ارتقا پیدا کرد، گسترده‌گی میدان نبرد بود که خود نیازمند این بود که یگان‌ها با توان و گسترده‌گی بیشتری در عملیات‌ها حاضر شوند.

واحد توپخانه: عملیات طریق القدس؛ واحد زرهی: عملیات طریق القدس؛ یگان دریایی: عملیات بدر؛ تبلیغات: عملیات طریق القدس؛ پدافند هوایی: عملیات طریق القدس؛ ش.م.ر: عملیات محرم؛ تعاون:

(ب) تغییرات در واحدها و گردان‌های لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)

بعضی واحدها و گردان‌ها مانند واحد عملیات،

منابع و مأخذ:

۱. حسین رضایی اردستانی، سیر تحول و پیدایش لشکر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان ۱۳۹۲، کد مصاحبه: ۰۰۰۴-۰۱.
۲. زاهدی، محمدرضا سند شماره ۰۲-۱۸۴ق، موجود در بایگانی تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۷۶.
۳. مرتضی شریعتی، سیر تحول و پیدایش لشکر، اصفهان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۰۰۷-۲.
۴. حسین رضایی اردستانی، سیر تحول و پیدایش لشکر، پیشین.
۵. اصغر صبوری، سیر تحول و پیدایش لشکر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، (۱۳۹۲)، کد مصاحبه: ۰۰۱۹-۱.
۶. محمدرضا ابوشهاب، سند شماره ۰۱-۲۰۲ق، موجود در بایگانی تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۷۴.
۷. حسین رضایی اردستانی سیر تحول و پیدایش لشکر، پیشین.
۸. مرتضی شریعتی، سیر تحول و پیدایش لشکر، پیشین.
۹. شاهد یاران، شماره ۱۰۶، ویژه‌نامه شهید حاج حسین خرازی، ۱۳۹۳، مصاحبه با سیدعلی بنی‌لوحی، ص ۱۰۳.
۱۰. محسن نصری، سفرنامه عشق، نشر حدیث راه عشق، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰، صص ۴۷-۴۰.
۱۱. شاهد یاران شماره ۱۰۶، پیشین، ص ۱۴۷.
۱۲. نصری، محسن، سفرنامه عشق، نشر حدیث راه عشق، چاپ یازدهم، ۱۳۹۰، ص ۶۳.
۱۳. احمد دهقان، گزارش روزانه جنگ (مجموعه آثار شهید حسن باقری)، جلد دوم، تهران: مؤسسه انتشارات شهید حسن باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳.
۱۴. سیدعلی بنی‌لوحی، هادی پیر مرادی، نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۵۳.
۱۵. همان، ص ۱۵۰.
۱۶. مجید نجف‌پور، از جنوب لبنان تا جنوب ایران، (خاطرات سیدیحیی (رحیم) صفوی)، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۵، صص ۲۴۶-۲۴۵.
۱۷. همان، ص ۲۷۸.
۱۸. فصلنامه نگین، آمار شهدای جنگ تحمیلی، سال چهارم، شماره چهاردهم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶.
۱۹. محسن نصری، سفرنامه عشق، پیشین، ص ۴۷.
۲۰. حسین علایی، روند جنگ ایران و عراق، تهران: نشر مرز و بوم، ۱۳۹۱، ص ۵۶۹؛ - امیر رزاق‌زاده، نبرد طریق‌القدس، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، (۱۳۹۰)، صص ۳۷۷-۳۷۶ و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) معاونت عملیات، مدیریت تحلیل نبرد، موجود در کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۷۴، صص ۱۰، ۱۴، ۲۳، ۲۷، ۳۳، ۴۲، ۴۸، ۵۸، ۶۲، ۶۹، ۸۳، ۹۰، ۹۶، ۱۰۸، ۱۰۳ و حسین رضایی اردستانی، سیر تحول و پیدایش لشکر، پیشین.
۲۱. حسین رضایی اردستانی، سیر تحول و پیدایش لشکر، پیشین.
۲۲. امیر رزاق‌زاده، نبرد طریق‌القدس، پیشین، ص ۳۸۹؛ - شاهد یاران شماره ۱۰۶، ویژه‌نامه شهید حاج حسین خرازی، پیشین، ص ۲۱.
۲۳. امیر رزاق‌زاده، نبرد طریق‌القدس، پیشین، صص ۳۷۶-۳۷۵.
۲۴. حسین رضایی اردستانی، سیر تحول و پیدایش لشکر، پیشین.



واکاوی کارنامه عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

در دوران دفاع مقدس

احمد رضا عشوریون*

محمد جواد سامانی نژاد**

چکیده		

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مرحله مهمی بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در تاریخ ایران است. در طول دوران دفاع مقدس، عملیات‌های متعددی به همت سپاه پاسداران برای دفاع از کشور طراحی و اجرا گردید که در اغلب آنها لشکر ۱۴ امام حسین (ع) جزء یگان‌های خط‌شکن و عمل‌کننده بوده است. یگان مذکور از ابتدای دوران دفاع مقدس، که با اعزام جوانان اصفهان به جبهه جنوب و تشکیل جبهه دارخوین همراه بود، تا پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ همواره در صحنه نبرد حاضر بوده و به دفاع از میهن اسلامی پرداخت. حضور در ۲۲ عملیات آفندی و ۵۹ مورد پدافندی کارنامه عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) را در طول دوران دفاع مقدس تشکیل می‌دهد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی همراه با مصاحبه شفاهی و استفاده از اسناد و تصاویر، کارنامه عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) را در سه دوره: مقاومت (تشکیل جبهه دارخوین با حضور رزمندگان اصفهان)؛ آزادسازی سرزمین‌های اشغالی (نقش لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات‌های فرماندهی کل قوا، ثامن‌الائمه (ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس) و تعقیب و تنبیه متجاوز (عملکرد لشکر از عملیات رمضان تا بیت‌المقدس ۷) بررسی می‌کند. **واژگان کلیدی:** لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، عملیات‌های آفندی، دوران دفاع مقدس، جبهه دارخوین، دوره مقاومت، دوره آزادسازی، دوره تنبیه متجاوز.

مقدمه

پاسداری از انقلاب، ضمن بهره‌گیری از عناصر مردمی، درگیر مأموریت‌های امنیتی در داخل کشور شد و به‌منظور پاک‌سازی گروه‌های ضدانقلاب بخشی از توان خود را در غرب کشور متمرکز ساخت. در پی آغاز جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نیروهای سپاه در قالب گروه‌های مقاومت به کمک قوای نظامی ایران آمدند و با مشارکت عناصر مردمی، موفق به متوقف کردن پیشروی نیروهای ارتش عراق شدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) در دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۸، با صدور فرمانی به شورای انقلاب اسلامی، به‌طور رسمی تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را اعلام کردند. شورای انقلاب با تعیین اعضای شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نخستین گام اساسی را در جهت سازماندهی این نهاد برداشت. در ابتدای امر، سپاه با مأموریت

* مدیر کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران

مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی کارنامه عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) می‌پردازد. در این راستا، علاوه بر تحقیقات مرتبط با موضوع مقاله، از اسناد و تصاویر موجود در بایگانی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) نیز استفاده شده است. از سوی دیگر، برای تکمیل اطلاعات مورد نیاز نوشتار حاضر،

به جنوب مشتاق‌تر شدند. در نهایت حسین خرازی با مشورت دیگر افراد گروه، تصمیم گرفت به‌منظور ادامه خدمت و دفاع از انقلاب اسلامی، همراه با گروه خود به منطقه جنوب عزیمت کند.^۶

در کنار نیروهای مزبور، حدود ۲۵۰ نفر از اهالی اصفهان در اوایل آبان‌ماه سال ۱۳۵۹، در قالب گردان مسلم‌بن‌عقیل^(ع) حدود بیست روز در پادگان پانزده خرداد این استان، آموزش دیده و عازم کردستان شدند. نیروهای این گردان ده روز در دهگلان کردستان (سی کیلومتری سنندج) زیر نظر نیروهای کلاه‌سبز شهید صیاد شیرازی دوره‌های فشرده چریکی و پارتیزانی را گذرانده و سپس در اواخر آبان‌ماه سال ۱۳۵۹، عازم جنوب شده و از پادگان گلف اهواز (پایگاه منتظران شهادت) به شهرک دارخوین رفتند و تحت هدایت و فرماندهی شهید خرازی، شهید احمد فروغی و سیدیچی (رحیم) صفوی با نیروهای گردان ضربت و گروه اول ادغام شده و خط شیر را تشکیل دادند.^۷

رزمندگان جبهه دارخوین در طول یک سالی که از تشکیل آن می‌گذشت، در عملیات‌های مهم آزادسازی مناطق اشغالی نقش مؤثری ایفا کردند. سیدیچی صفوی (فرمانده ستاد عملیات جنوب در اوایل دفاع مقدس) درمورد توانمندی نیروهای این جبهه می‌نویسد:

«احمد فروغی را به‌عنوان معاون خود انتخاب کردم و با راهاندازی یک ستاد فرماندهی خوب و توانمند و انتخاب فرماندهان توجیه و شجاع برای هر خط دفاعی، به کارها سروسامان دادم. تا آنجا که به یاد دارم در اولین تقسیم کار، اکبر صاحبان به‌عنوان فرمانده خط دفاعی نثار، قربانعلی عرب برای خط دفاعی کفیشه، رضا شکرچی فرمانده خط دفاعی انرژی اتمی و در جبهه دارخوین که جبهه مقدم و اصلی بود حسین خرازی فرماندهی را پذیرفت. رضا رضایی را به‌عنوان مسئول عملیات جبهه محمدیه و رضا حبیب‌اللهی را به‌عنوان معاون او انتخاب کردم. در ستاد فرماندهی که در دارخوین مستقر بود، اصغر صبوری مسئول تدارکات

جبهه دارخوین متشکل از شش محور بود: محور محمدیه، محور سلمانیه، محور مسعودی، محور انرژی اتمی، محور دارخوین و کفیشه، محور نثار. از آنجا که جبهه دارخوین مسئولیت بخش عمده‌ای از مأموریت در نبردهای شرق کارون را برعهده داشت، تلاش‌ها، عملیات‌ها و اقدامات متعددی در این جبهه علیه دشمن انجام گرفت. از مهم‌ترین اقدامات رزمندگان در جبهه دارخوین، جلوگیری از رسیدن دشمن به حاشیه غربی رودخانه کارون بود. حضور رزمندگان در غرب رودخانه کارون در حداثی محور نثار تا محور انرژی اتمی و دور نگه داشتن مهاجمان از ساحل کارون موجب تصرف سرپل مناسبی در این منطقه گردید.^۸

رزمندگان جبهه دارخوین از چهار گروه تشکیل شده بودند:

نخست، ۱۸ نفر از رزمندگان شهر تهران به منطقه دارخوین رفته و به مبارزه علیه ارتش تجاوزگر پرداختند؛^۹ علاوه‌براین، رزمندگانی از شهر اصفهان و شهرهایی چون آباد، ابهر، اردستان، ازنا، آقاجاری، اهواز، بروجن، بندرترکمن، داران، رودسر، زرین‌شهر، زنجان، شیراز، فریدن، مشهد، نجف‌آباد، محلات، شهرضا، نایین، قم و... در نخستین روزهای جنگ تحمیلی با عزیمت به جبهه جنوب، در منطقه دارخوین با متجاوزان عراقی وارد نبرد شدند؛^{۱۰} افزون بر دو گروه مذکور، گروه دیگری موسوم به "گروه ضربت" بخش دیگری از رزمندگان جبهه دارخوین را تشکیل می‌دادند؛ این گروه در سال ۱۳۵۸ در کردستان به‌همت تعدادی از جوانان انقلابی و سلحشور ارتشی، سپاهی و بسیجی تشکیل شد. پس از مجروح شدن برادر مرتضی صفوی، حسین خرازی فرماندهی گروه ضربت را به‌عهده گرفت. این گروه که از ۶۰ نفر از جوانان اصفهان تشکیل شده بود، مأموریت تأمین امنیت راه‌ها و ایجاد آرامش در نقاط آشوب‌خیز را برعهده داشت.^{۱۱} با شروع جنگ تحمیلی و انتشار اخبار ناگوار از پیشروی نیروهای بعثی به داخل خاک کشور، اعضای گروه ضربت روز به‌روز برای اعزام

به خط شیر داشت بیشتر مورد توجه قرار گرفت و برادران راهکارهای متعددی را مورد بحث قرار دادند. در این میان محمود پهلوان‌نژاد طرحی ابتکاری مبنی بر احداث کانالی که بتواند نیروهای خودی را به دشمن نزدیک سازد مطرح کرد. براساس این طرح، رزمندگان برای نزدیک شدن به خطوط مقدم عراقی‌ها، کانالی را در جبهه دارخوین احداث کردند. کندن این کانال حدود ۳ الی ۴ ماه طول کشید. حاصل این تلاش شبانه‌روزی سربازان خمینی کبیر حفر کانالی به طول ۱۳۰۰ الی ۱۷۰۰ متر بود که در ابتدا سرپوشیده و در ادامه سر باز بود. این کانال نقش مؤثری در پیروزی عملیات فرماندهی کل قوا داشت.^{۱۰}

علاوه بر این، بعضی از اقداماتی که جبهه دارخوین در این دوره علیه دشمن یعنی انجام داد بدین شرح است:

الف) پدافند غیرقابل نفوذ در خط شیر

در خط پدافندی "شیر" برای حملات احتمالی دشمن تمهیدات لازم اندیشیده شده بود. مخفی بودن خط با توجه به فقدان عارضه ظاهری از سطح زمین، سنگرهای آتش که با حداقل تسلیحات قادر به کنترل نفوذ دشمن از جناح‌های مختلف بود، هوشیاری لحظه به لحظه مدافعان خط، خنثی بودن آتش دشمن به دلیل شلیک‌های بدون هدف و فرماندهی مدبرانه و تقسیم هوشمندانه نیروها در خط، مواردی بود که موجب کاهش آسیب پذیری این خط دفاعی شده بود. هرچند ضعف خط در بازبودن جناحین آن، چند باری مسئله ساز شد، ولی این نقاط ضعف نیز با ایجاد سنگرهای کمین در جلوی "خط شیر" - که غافلگیری در برابر اقدامات دشمن را به صفر می‌رساند - جبران شد.

خط شیر در جبهه دارخوین و خط‌های شیر در تمام خطوط جبهه خودی در غرب و جنوب با اتکا به شاخصه "جنگ مردمی" ضمن جلوگیری از پیشروی قوای دشمن آنها را وادار به توقف در زمین‌های آسیب پذیر کرد.

و پشتیبانی، علی اسحاقی اطلاعات، مصطفی ربیعی، مخابرات و سیدعلی بنی‌لوحی به عنوان مسئول ستاد انتخاب شدند. بدین ترتیب زمینه لازم برای کادرسازی و رشد نیروها فراهم شد. نیروهایی که بعدها موفق شدند در تشکیل لشکر امام حسین (ع)، لشکر کربلا و لشکر نجف اشرف و تیپ‌های قمر بنی‌هاشم (ع)، پانزده خرداد و ۴۰ صاحب‌الزمان (عج) نقش کلیدی ایفا کنند و در اوج جنگ و گسترش ساختار و سازمان رزم سپاه، مسئولیت تشکیل سپاه صاحب‌الزمان (عج) را برعهده گیرند.^{۱۱}

مقاومت نیروهای خودی و

ادامه درگیری در محدوده سلمانیه تا مارد، در مرحله اول باعث گندشدن پیشروی و سپس توقف دشمن گردید. راهبرد عراق برای تصرف آبادان و رسیدن به جناح شمالی اروندرود که در هجدهمین روز عبور از کارون، به عبور از بهمنشیر انجامید، از پافشاری آنان برای پیشروی در جناح شمالی حکایت داشت. اما آنچه در هفته اول، عراق را در جبهه شمالی متوقف ساخت، روحیه شهدات‌طلبی مردان بزرگی بود که پس از آفرینش

آنچه در هفته اول، عراق را در جبهه شمالی متوقف ساخت، روحیه شهدات‌طلبی مردان بزرگی بود که پس از آفرینش حماسه‌های جاودان، با تشکیل خطی دفاعی در جناح جنوبی جبهه دارخوین دلاورانه در برابر تجاوز دشمن یعنی ایستادند. این خط به دلیل شجاعت رزمندگان آن به "خط شیر" معروف شد.

حماسه‌های جاودان، با تشکیل خطی دفاعی در جناح جنوبی جبهه دارخوین دلاورانه در برابر تجاوز دشمن یعنی ایستادند. این خط به دلیل شجاعت رزمندگان آن به "خط شیر" معروف شد.^۹

فاصله دو کیلومتری خطوط دفاعی خودی و دشمن و نبودن عوارض طبیعی و مصنوعی در مسیر باعث می‌شد در صورت اجرای عملیات، غافلگیر کردن دشمن غیرممکن شود و تلفات زیادی برای تصرف خط اول عراق به نیروهای خودی تحمیل شود. اهمیت این مسئله با بررسی نقاط ضعف دشمن در حملاتی که

ب) شناسایی مستمر در منطقه

خطوط دشمن در منطقه سلمانیه، به طور مداوم از سه جناح شناسایی می شد: اولین محور، شناسایی در مقابل خط شیر مخصوصاً در معابری که احتمال نفوذ دشمن وجود داشت مانند حاشیه کارون، کنار جاده شنی (جاده قدیم آبادان - اهواز) و جاده آسفالت بود. محور دوم، شناسایی جناح دشمن با عبور از مسیر ناشناخته و باتلاقی نهر شادگان بود که آب های سرریز هور شادگان را به کارون منتقل می کرد. بعدها این محور نقطه قوت نیروهای خودی در عملیات ثامن الائمه^(ع) شد. همچنین مسئولان منطقه، محور ویژه ای را در جناح غربی کارون در مقابل سلمانیه برای شناسایی انتخاب کرده بودند که هدف از آن کنترل پیشروی دشمن در حاشیه غربی کارون بود.

ج) جنگ آب، مهار دشمن

باتوجه به گستردگی جبهه خوزستان و محدودبودن نیروهای مدافع در جبهه خودی، از روش های مختلفی برای مهار توان مانور دشمن در رسیدن به اهواز و محورهای منتهی به آن استفاده شد. یکی از اقدامات مهم استفاده از آب گرفتگی در زمین های باز و گسترده منطقه بود. در جبهه دارخوین نیز که تحت تأثیر شرایط کارون بود در چند نوبت از این تاکتیک استفاده گردید که به آن اشاره می شود:

۱. اجرای طرح در دارخوین: دشمن در جبهه مقابل دارخوین در فاصله هفت کیلومتری مستقر بود و بیش از هجده کیلومتر از جاده اهواز - خرمشهر دور شده بود. عراق در این محور یک گردان نیرو داشت که عموماً مکانیزه بود و رزمندگان اسلام باید با نیروی اندک موجود از حملات این گردان مکانیزه جلوگیری می کردند، انتقال آب کارون در جلوی خطوط دشمن می توانست قدرت مانور آنها را محدود کند. به همین منظور، از روستای دارخوین کانالی به طول پنج تا شش کیلومتر کشیده شد و آب کارون با استفاده از چندین

موتور پرقدرت در کانال پمپاژ و به منطقه دشمن هدایت گردید. باین حال به سبب محدودبودن آب انتقالی و گستردگی منطقه، این طرح به صورت صددرصد موفق نبود و فقط می توانست در قسمت محدودی از منطقه جلوی دشمن مانع ایجاد کند و لذا پس از مدتی این طرح متوقف گردید. این پروژه در چهارماهه اول جنگ اجرا گردید.

۲. طرح سد در روستای هالوب: با حضور کارشناسان طرحی نسبتاً گسترده و فنی در روستای هالوب در ۱۵ کیلومتری دارخوین

اجرا گردید. این طرح عبارت بود از احداث سد آهنی با استفاده از لوله های ضخیم به قطر یک متر که در صورت تکمیل قادر بود ارتفاع آب را به صورت کنترل شده در پشت سد بالا بیاورد و پس از آن، کارون از طریق کانالی به عرض پنجاه متر که در پیچ تند رودخانه، قبل از هالوب، ایجاد شده بود، به دشت غربی منطقه هدایت گردد. با تکمیل طرح، آب کارون به جبهه غربی سرازیر گردید، ولی پس از یکی دو روز، فشار آب، سد را منهدم کرد و طرح

با شکست نسبی روبه رو گردید. طرح هالوب به دلیل اینکه امکان عبور و مرور پیاده و خودروی سبک را برای مدت کوتاهی فراهم کرده بود به پل هالوب هم معروف گردید. این طرح در اواخر سال ۱۳۵۹ اجرا شد.

۳. استفاده از سد دز: در نوروز سال ۱۳۶۰، آب سد دز در حد بسیار زیادی باز شد و با بالا آمدن آب، مسیر کارون از طریق کانال هایی که ایجاد شده بود به دشت وسیع حدفاصل کارون تا جاده اهواز - خرمشهر در منطقه ای به طول ۱۳۰ کیلومتر و عرض ۲۵ کیلومتر هدایت گردید. پس از آن نیروهای

خط شیر در جبهه دارخوین و خط های شیر در تمام خطوط جبهه خودی در غرب و جنوب با اتکا به شاخصه "جنگ مردمی" ضمن جلوگیری از پیشروی قوای دشمن آنها را وادار به توقف در زمین های آسیب پذیر کرد.

خودی مواضع خود را تخلیه کردند و دشمن هم تا جاده آسفالت اهواز - خرمشهر عقب‌نشینی کرد و در مواضع متکی به جاده استقرار یافت. این آب‌گرفتگی که تبعات آن تا عملیات ثامن‌الائمه^(ع) منطقه را تحت‌تأثیر قرار داده بود، توسط دژى که عراق در شمال خرمشهر ایجاد کرده بود، به کارون هدایت و سطح ارتفاع آن کنترل می‌شد تا به خرمشهر که در اشغال عراق بود سرایت نکند. طرح‌هایی نیز برای انهدام این دژ بررسی شد، از جمله انهدام دژ توسط مین یا شلیک موشک، که هر کدام به دلایلی از جمله عرض زیاد دژ که به هشت متر می‌رسید اجرا نگردید.

بخش دوم: آزادسازی سرزمین‌های اشغالی

پس از توقف ارتش عراق، آزادسازی سرزمین‌های اشغالی به‌عنوان راهبرد نظامی ایران و مهم‌ترین هدف نظامی - سیاسی کشور تعریف و تعیین شد. ارتش ایران براساس مأموریت اصلی خویش در صیانت از تمامیت ارضی کشور و باتوجه‌به حضور

دشمن در عمق خاک استان‌های خوزستان، ایلام و باختران، با طراحی چند عملیات، برای حمله به مواضع عراق آماده شد، بنی صدر به عنوان رئیس جمهور، فرمانده کل قوا و فرمانده جنگ نیز از ارتش خواست عملیات برضد مواضع ارتش عراق را آغاز کند. براین اساس ارتش ایران چهار عملیات اجرا کرد:

عملیات در غرب دزفول، با هدف آزادسازی غرب کرخه، توسط لشکر ۲۱ حمزه اجرا گردید. به دلیل نداشتن اطلاعات کافی از دشمن، این عملیات با شکست مواجه شد.

ورود دو نهاد جدید سپاه و بسیج
در عملیات‌ها، صحنه‌های نبرد را
متحول ساخت و روش‌بینی و
مهار تاکتیک‌های مردمی را برای
ارتش عراق ناممکن ساخت.

یک گردان احتیاط) و از سه محور وارد عمل می‌شدند.^{۱۵} رزمندگان جبهه توحید در خط شیر مستقر شدند. نیروهای هر محور خیلی زود یکدیگر را پیدا کردند و به سمت کانال خط شیر که فاصله آنها را با عراقی‌ها کم کرده بود حرکت کردند. همان‌طور که ذکر شد این کانال از اوایل اسفندماه ۱۳۵۹ با پیشنهاد محمود پهلوان‌نژاد و زحمات شبانه‌روزی مردان سلحشوری چون عباس محسنی و عبدالرسول زرین و... ساخته شده بود.

خط شیر که در نهر خشک رودی (فصلی) عمود بر رودخانه کارون با عمق حدود یک

متر تا یک متر و هشتاد سانتی‌متر بین رود کارون و جاده اهواز - آبادان شکل گرفته بود، اولین خط دفاعی جبهه دارخوین بود که رزمندگان مستقر در آن عمدتاً از خطه شهیدپرور اصفهان بودند و با کمترین امکانات از لحاظ سلاح، مهمات و جنگ‌افزار در سخت‌ترین شرایط از نظر موقعیت طبیعی و نظامی با کندن سنگرهای حفره روپاهی در برابر دشمن متجاوز صف‌آرایی کردند. اجابت فرمان امام خمینی در بازپس‌گیری اراضی اشغالی و

شکستن حصر آبادان در شرق کارون، یک لحظه از ذهن فرماندهان و رزمندگان بیرون نمی‌رفت.

با تلاش نیروهای سپاه طرح حمله تصویب شد و در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۰، برادر رحیم صفوی به‌عنوان فرمانده عملیات جنوب در ساعت ۱۰:۳۰ صبح، با حضور در محور انرژی اتمی واقع در حوالی روستای دارخوین به نیروها اعلام کرد: سحرگاه فردا به مزدوران بعثی حمله برده و آنها را تا پل مارد عقب خواهیم راند.^{۱۶}

براساس طرح عملیات، نیروهای مستقر در جبهه دارخوین مأموریت داشتند با استعداد یک گردان

خلاقیت و ابتکار عمل پایان‌ناپذیری در تصمیم‌گیری‌های جنگ مورد استفاده قرار گرفت که شناخت، پیش‌بینی و مهار آن برای ارتش عراق ناممکن بود. در همین چارچوب، در فرماندهی جنگ نیز تحولی اساسی پدید آمد و افزون‌بر حذف بنی‌صدر از فرماندهی جنگ، فرماندهان سپاه پاسداران در کنار فرماندهان ارتش قرار گرفتند و این ترکیب توانست ضمن پوشش کاستی‌های هریک، باتوجه به اشتراکات فراوان میان فرماندهان سپاه و بسیجیان، جسارت و شجاعت و نیز راهکارهای نوی را وارد جنگ کند؛ و بالاخره روش کلاسیک جنگ جای خود را به جنگ مردمی، همراه با دانش نظامی داد. در جریان عملیات‌های آزادسازی، نقش سپاه و بسیج بسیار پررنگ بود. از این‌رو، نوعی انقلاب در جنگ پدید آمد که هیچ‌یک از ابعاد و لایه‌های درونی آن برای ارتش عراق قابل درک و بازشناسی نبود؛ به‌ویژه که آنها در چهار عملیات پیشین موفق به دفع حملات ایران شده بودند و انتظار وضعیت جدیدی را نداشتند. بدین ترتیب، نبرد وارد مرحله‌ای تازه شد که با عملیات ثامن‌الائمه^(ع) و با هدف شکستن محاصره آبادان آغاز شد. البته پیش از آن، عملیات مهمی با عنوان "فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا" ۲۴ ساعت پس از عزل بنی‌صدر با موفقیت اجرا شده بود.^{۱۷}

در اینجا عملکرد جبهه دارخوین و در ادامه آن تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات‌های فرماندهی کل قوا، ثامن‌الائمه^(ع)، طریق القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس در دوره آزادسازی سرزمین‌های اشغالی بررسی می‌شود.

عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا

عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا در جبهه جنوب و منطقه آبادان - دارخوین، با هدف آزادسازی قسمتی از سرزمین‌های اشغالی و سرکوب دشمن در منطقه‌ای با وسعت ۳ کیلومتر در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱ تا ۱۳۶۰/۳/۲۲ به اجرا درآمد. در این عملیات رزمندگان اصفهان با استعداد دو گردان (یک گردان عمل‌کننده و

کانال خط شیر که فاصله آنها را با عراقی‌ها کم کرده بود حرکت کردند. همان‌طور که ذکر شد این کانال از اوایل اسفندماه ۱۳۵۹ با پیشنهاد محمود پهلوان‌نژاد و زحمات شبانه‌روزی مردان سلحشوری چون عباس محسنی و عبدالرسول زرین و... ساخته شده بود.



شهید حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در میان جمعی از رزمندگان لشکر.

نسبتاً خوبی داشت، وارد عمل کرده و با آتش سنگین و مداوم، آنها را به محاصره درآورد. با افزایش فشار دشمن، رزمندگان با درایت و مهارت از خاکریز سوم عراق به خط دوم بازگشته و خود را از محاصره خارج کردند، این درحالی بود که پیکر تعدادی از شهدا در خاکریز سوم باقی ماند. در هر سه محور، این نبرد سنگین ادامه یافت. در محور غربی ۱۵ نفر از رزمندگان با ایستادگی در برابر پاتک سنگین تانک و نفربر عراق دشمن را ناکام گذاشتند.^{۱۸}

رزمندگان با سه کیلومتر پیشروی، توانستند مواضع مستحکم و مهم دشمن را به تصرف خود درآورند. در این میان تعداد زیادی از نیروهای دشمن کشته و مجروح شدند و ۲۴۶ نفر نیز به اسارت درآمدند. علاوه بر این تعدادی از تجهیزات و امکانات زرهی، سلاح و مهمات و چند دستگاه خودرو نظامی عراق هم به غنیمت گرفته شد. در جبهه اسلام نیز از ۲۷۰ نفر نیروی شرکت کننده در عملیات، ۱۲۰ نفر به شهادت رسیدند و پیکر مطهر ۶۰ نفر از شهدا هم در منطقه دشمن باقی ماند. فرماندهان اصلی محورها نیز به شهادت رسیدند و خط دفاعی جدیدی به برکت

سوختن بود، آتش از زمین و هوا می بارید اما سرانجام خط اول دشمن به سرعت سقوط کرد.^{۱۸}

در این منطقه دو جاده وجود داشت که یکی از آنها در نزدیکی رودخانه کارون با پوشش گیاهی مناسب به نخلستان بزرگی می رسید و دیگری یک جاده شنی بود که در پایین جاده آسفالت قرار داشت. فرماندهان جبهه و محورها به سرعت، نیروهای عمل کننده را در کنار این جاده ها برای پیشروی به خط دوم دشمن هدایت کردند. خاکریز اول تثبیت شده و خط دوم نیز با ازجان گذشتگی دلیرمردان سقوط کرد و رزمندگان اسلام پیشروی خود را به سمت خط سوم دشمن شروع کردند. در عین حال، دشمن هر لحظه هشیارتر و مقاوم تر شده و بر شدت اقدامات دفاعی خود می افزود. با بالا آمدن آفتاب، جنگ شدت گرفت. رزمندگان با شجاعت زیر آتش شدید و مستقیم دشمن، خود را به خاکریز سوم رساندند. با ورود نیروهای اسلام به خط سوم، بر شدت جنگ افزوده شد. هوای گرم و شرجی روز عرصه را بر رزمندگان تنگ کرده بود. از سوی دیگر، دشمن نیز برای بازپس گیری مناطق از دست داده، گردان احتیاط خود را که به منطقه آشنایی

[illegible]

عملیات، منطقه آبادان و جبهه دارخوین به عنوان یکی از جبهه‌های بسیار مهم و قابل بحث در معادلات نظامی نقش و جایگاه تعیین کننده‌ای داشت.

برطبق مرحله بندی عملیات، گردان‌ها مأموریت داشتند به این شرح اجرای مانور کنند:

مرحله اول: ۱. عبور از خط خودی. ۲. شکستن خط دشمن. ۳. تصرف اولین خاکریز. ۴. پاک سازی و تأمین آن.

مرحله دوم: ۱. تصرف و تأمین جاده اهواز-آبادان.
۲. استقرار در نقاط الحاق. ۳. هماهنگی با سایر محورهای
عملیاتی. ۴. انجام مأموریت واگذاری.

مرحله سوم: ۱. هماهنگی با محور چپ و راست.
۲. تصرف پل قصبه. ۳. کمک به محورهای دیگر.
۴. پدافند در حاشیه کارون و دفع تکه‌های دشمن.
۵. بازشدن نیروها به طرف پل حفار جهت الحاق با
نیروهای خودی.^{۲۴}

عملیات در جبهه دارخوین در سه محور شروع شد،
که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

محور اول: حاشیه رودخانه کارون

در این محور خاکریز اول عراق از حوالی جنوب روستای محمدیه و سلمانیه در کنار کارون شروع و به طول سه کیلومتر با ارتفاع ۲/۵ تا ۳ متر در مقابل خط رضایی‌ها و جاده اهواز - آبادان امتداد می‌یافت و دشمن کلیه مواضع پیاده (سنگر دیده‌بانی، تیر و استراحت و...) خود را بر روی آن ایجاد کرده بود. همچنین عراق در پشت این خاکریز کانالی به عمق ۱/۶۰ سانتی‌متر برای تردد افراد در زمین حفر کرده بود. که به سنگرهای تیر و دیده‌بانی و اجتماعی راه داشت. نیروهای عمل‌کننده در این محور باید ضمن عبور از خط خودی و حرکت در معبر خنثی‌شده میدان مین، با شکستن خط، خاکریز اول عراق را کاملاً تصرف کرده و پس از پاک‌سازی آن با گماردن نیروهای تأمینی، مرحله دوم را شروع می‌کردند. در این محور استعداد نیروی درگیر یک

شهیدان رضایی (رضا، عباس، علی، رمضان، محمود) به نام خط رضایی‌ها شکل گرفت.^{۲۰}

حسن باقری در یادداشت‌های خود نتایج این عملیات را چنین بیان می‌کند:

- خارج کردن جبهه‌ها مخصوصاً جبهه‌های دارخوین و آبادان از رکودی که بر آنها حاکم بود.
- بالابردن روحیه تهاجمی در نیروهای خودی.
- وارد کردن ضربات مهلک و سنگین به دشمن از طریق حملات محدود.

– نفوذ و تصرف مستحکم‌ترین مواضع دشمن که عراق آن را قلعه‌ای نفوذناپذیر می‌خواند.

– دستیابی به تجربیاتی که بعدها می‌توان از آن به‌عنوان روش جدیدی در جنگ‌های کلاسیک استفاده کرد.

– عقب‌نشینی دشمن از شرق جاده آبادان – ماهشهر؛ دشمن حدوداً ۷ کیلومتر از این منطقه عقب‌نشینی کرد. عراق تصور می‌کرد در مستحکم‌ش هرگز سقوط نخواهد کرد، ولی هنگامی که مستحکم‌ترین مواضع عراقی‌ها به‌دست تعداد اندکی نیروی پیاده به‌راحتی تصرف شد، دشمن مجبور شد عرض جبهه را که از کناره کارون تا شرق جاده آبادان – ماهشهر به حدود ۲۰ کیلومتر می‌رسید، به ۱۳ کیلومتر کاهش دهد.^{۲۱}

عمليات تأمين الأئمة (ع)

عملیات ثامن‌الائمه^(ع) در جبهه جنوب و منطقه شرق کارون با هدف شکستن حصر آبادان، آزادسازی جاده‌های آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر و منطقه اشغالی در شرق کارون با وسعت ۱۳۰ کیلومتر در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ تا ۱۳۶۰/۷/۷ به مرحله اجرا درآمد^{۲۲} رزمندگان جبهه دارخوین در این عملیات با استعداد ۶ گردان وارد عمل شدند.^{۲۳}

گردان‌های عملیاتی محور دارخوین از سه محور وارد عملیات شدند؛ محور اول جناح حاشیه کارون، محور دوم جناح جاده آسفالت آبادان - اهواز و محور سوم عملیات، نهر شادگان بود. در میان جبهه‌های

غافلگیرانه فاصله بین خاکریز خودی و دشمن را طی کند و ضمن فتح خاکریزها و انهدام نفرات و تجهیزات دشمن آماده حمله به سوی اهداف بعدی شود. تصرف، تأمین و پاک سازی خاکریز، آزاد سازی جاده اهواز-آبادان و حمله به قلب دشمن و پیشروی در آن و الحاق با گردان محور اول و سوم در دستور کار فرماندهان این محور قرار گرفت. توجه کامل نیروها و شناسایی دقیق این محور و هماهنگی با برادران واحد اطلاعات، باعث موفقیت رزمندگان در این محور شد. با رشادت بی نظیر نیروها و فرماندهان گردان روحیه دشمن درهم شکسته و خاکریز آنها سقوط کرد. گفتنی است اقدامات واحد تدارکات در تأمین و پشتیبانی از رزمندگان که به سرعت مهمات مورد نیاز و جیره های غذایی آماده را در اختیار نیروهای تکاور قرار می دادند در عملکرد رزمندگان این جبهه نقش بسزایی داشت.

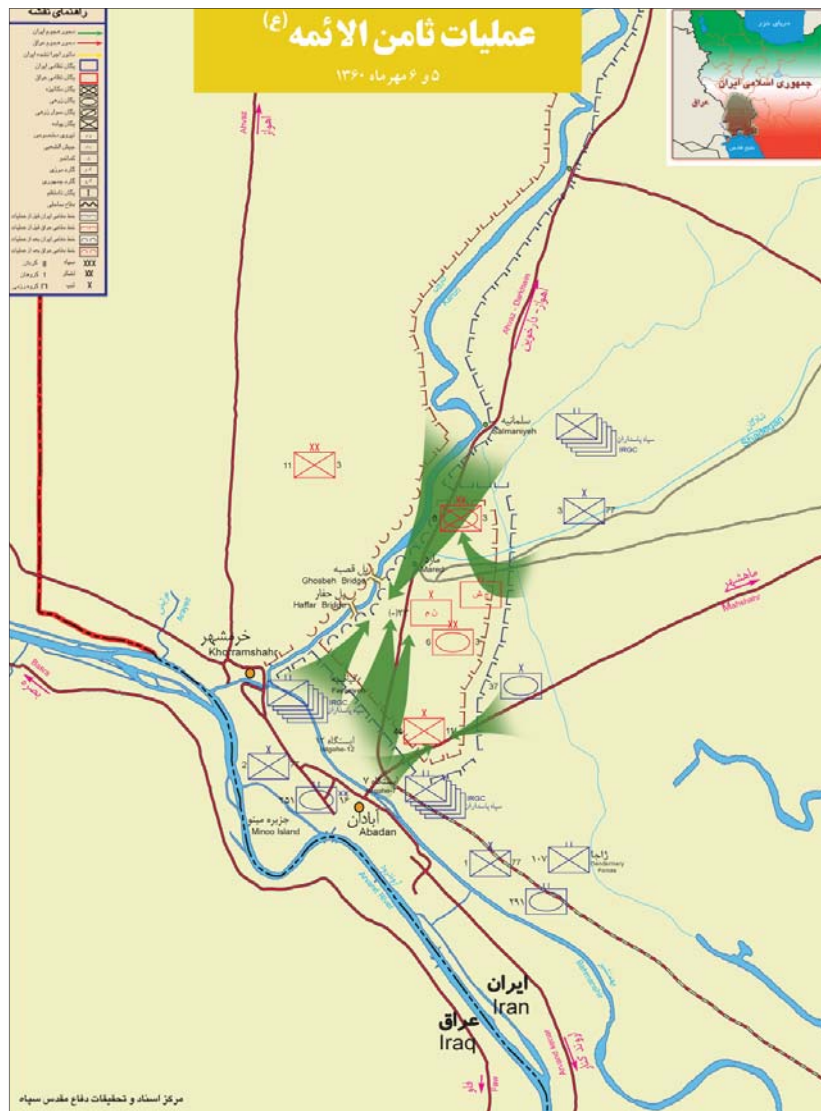
عباس کردآبادی فرمانده این محور، باید با سرعت و رشادت نیروها، جاده اهواز - آبادان را در محدوده محور عملیاتی خود آزاد می ساخت و ضمن پیشروی بر روی جاده با نیروهای محور حاشیه رودخانه و نهر شادگان الحاق می کرد. در این عملیات حرکت گردانها در محورهای عملیاتی و به ویژه در عبور از میدان مین، علاوه بر لطف خدا با کمک نیروهای شناسایی میسر گردید. شیوه مناسبی که در جبهه دارخوین و در عملیات فرمانده کل قوا به کار گرفته شده بود، به عنوان یک تجربه موفق در عملیات های بعدی مورد استفاده قرار گرفت؛ بدین طریق که یک نفر از نیروهای گشت و شناسایی واحد اطلاعات، که به منطقه خودی و دشمن کاملاً توجیه و آشنا بود، در کنار فرمانده گردان محور عملیاتی گردان را از مسیرهای مشخص هدایت و فرمانده گردان را تا رسیدن به اهداف و الحاق با جناحین همراهی می کرد. در جاده اهواز - آبادان، مقاومت عراقی ها بسیار شدیدتر از محور حاشیه رودخانه بود. نبرد در این محور چندین ساعت به شدت ادامه داشت. خط اول عراق در این محور سقوط نکرد. علت اصلی این امر، وجود مرکز فرماندهی

گردان بود که مأموریت انهدام دشمن در ساحل رودخانه، تسخیر خاکریز این منطقه و پاک سازی حاشیه کارون و مهم تر از همه تأمین جناح راست محور دوم و الحاق با این محور را برعهده داشت. فرمانده گردان، عباس کردآبادی بود که هم زمان، فرماندهی محور جاده آبادان - اهواز را نیز برعهده داشت. مأموریت دیگر این محور سرکوب غواصان دشمن و جلوگیری از فعالیت های دریایی دشمن در کارون بود. هماهنگی و ارتباط بسیار خوب این محور با رده های مافوق؛ توجه کامل فرماندهان دسته، گروهان و گردان؛ ارتباط سریع پیک های موتوری و عوامل اطلاعاتی منطقه باعث شد که تماس لحظه به لحظه صحنه نبرد و جناحین برقرار گردد و فرماندهان جبهه به طور کامل اوضاع این محور را زیر نظر داشته باشند.^{۲۵}

ازجمله تدابیر پیش بینی شده در مانور، انتقال جریان نفت سپاه به روی رودخانه کارون و آتش زدن آن در محدوده تحت کنترل عراقی ها در صبح روز اول عملیات بود که به طرح آتش زدن کارون موسوم شد. هدف از اجرای این طرح، جلوگیری از پشتیبانی نیروهای دشمن از طریق دو پل (قصبه و حفار) و ایجاد اختلال در ارتباط بین نیروهای عراقی در شرق و غرب رودخانه بود. براساس این تدبیر و با همکاری نیروهای شرکت نفت و سایر ارگان های ذی ربط، لوله های انتقال نفت تا ۳۰۰ متری ساحل شرقی کارون کشیده شدند و سپس در فاصله انتهای لوله تا ساحل، کانال هایی به سمت کارون حفر و مقرر شد در زمان تعیین شده با باز کردن لوله ها حجم زیادی نفت سیاه از طریق کانال ها به رودخانه جاری شود تا در نخستین ساعات صبح عملیات، بنا به دستور با آتش زدن نفت روی آب و سرایت آن به پل ها ارتباط نیروهای عراقی در شرق و غرب کارون مختل شود.^{۲۶}

محور دوم: جناح جاده اهواز - آبادان

گردان عباس کردآبادی در این جناح به عنوان تلاش اصلی مأموریت داشت که به صورت برق آسا و



؟؟؟

محور سوم: نهر شادگان

فرماندهی گردان در این محور بر عهده برادر مهدی سلیمان پور بود. این گردان در شرق جاده اهواز - آبادان وارد عمل شد و جناح شرقی جبهه دارخوین را تأمین کرد. نهر شادگان که چندین کیلومتر طول داشت، به همت واحد اطلاعات دارخوین به مدت چند ماه شناسایی شده و واحد تخریب نیز در این محور معبر باز کرده بود. دشمن که به علت شناسایی زیاد نسبت به این محور حساس شده بود چند روز قبل از عملیات اقدام به تقویت موضع خود در این محور کرد.

در کنار جاده آسفالت اهواز - آبادان بود. این وضعیت ادامه یافت تا نیروهای عمل کننده در نهر شادگان، با دورزدن دشمن پشت خط اول و دوم را بستند. سپس با تصرف خاکریز سوم نیروهای مستقر در خط اول و دوم دشمن در محاصره قرار گرفتند و با سقوط خاکریزها و رسیدن نیروها به ساحل رودخانه کارون و الحاق با محور حاشیه رودخانه، مقاومت دشمن در محور دوم کاملاً در هم شکسته شد و در ساعت ۶ بامداد، محور عباس کردآبادی موفق شد با نیروهای دیگر الحاق برقرار کند.

دهلاویه - بستان با استعداد ۱۶ گردان وارد عمل شد.^{۲۹} در عملیات طریق القدس، رزمندگان اصفهان در قالب یک تیپ با عنوان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) سازماندهی شدند.^{۳۰} موفقیت‌های جبهه دارخوین در محور دارخوین و اقتدار و یکپارچگی آن در عملیات ثامن الائمه^(ع)، فرماندهان ارشد سپاه را بر آن داشت تا مهم‌ترین و حساس‌ترین منطقه عملیات را که محور اصلی نبرد بود، به این تیپ و فرمانده دلیر آن، حسین خرازی واگذار کنند. قبل از اینکه سپاه در منطقه عمومی بستان وارد عمل شود، به علت عملیات‌های محدودی که در ارتفاعات الله اکبر اجرا

شده بود، دشمن تا ۲۰ کیلومتری دهکده شاوریه عقب‌نشینی کرده بود. بعد از مشخص شدن منطقه عملیاتی، مقرر شد تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در شمال کرخه نور وارد عمل شود.^{۳۱}

در این عملیات مشکلاتی بر سر راه وجود داشت: نخست، انتقال تعدادی تانک و نفربر به بالای تپه‌های رمل بود، البته این امر با تلاش رزمندگان محقق شد.

دوم، حرکت در رمل بود. به دلیل آنکه هم‌زمان با نیروهای محور پایین

با دشمن درگیری وجود داشت، به‌ناچار نیروها می‌بایست ۴۸ ساعت قبل از عملیات به نقطه‌های رفته و بعد از انتظار ۴۸ ساعته در تپه‌های بی‌آب و سوزان، ۲۰ کیلومتر در رمل حرکت می‌کردند تا به خط اول دشمن برسند. سوم، مخفی کردن تمام تجهیزات از قبیل اسلحه و آذوقه و مهمات از دید بالگردهای شناسایی دشمن بود.^{۳۲}

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) از دو محور اصلی به مواضع دشمن یعنی حمله کرد: محور اول از شمال کرخه نور تا جنوب دهکده شاوریه ادامه داشت و هدف آن فتح بستان بود. محور دوم نیز از میان تپه‌های رملی الله اکبر

احداث دو خاکریز جدید و استقرار یک گروهان تانک در دردیف از تیپ ۸ مکانیزه نشان‌دهنده حساسیت دشمن بود. نیروهای این محور پس از ۵ کیلومتر پیشروی به جاده اهواز - آبادان رسیدند و دشمن در ساعات ۳ و ۳:۳۰ اطلاع داد خاکریز سوم توسط این محور دور خورده است. نهر شادگان تا پل قصبه، که یکی از اهداف عملیات بود، حدود ۲ تا ۲/۵ کیلومتر فاصله داشت. در شمال نهر شادگان، باوجودی که دشمن به نیروهای خود آماده‌باش کامل داده بود، رزمندگان اسلام به اهداف خود دست یافته و آماده شدند که به سمت جنوب نهر حرکت کنند. در ساعت ۶ صبح، باتوجه به اینکه در جناح چپ نهر نیرویی به دشمن حمله نکرده بود پدافند شمال نهر شادگان برقرار شد. سپس رزمندگان به سوی پل ارتباطی قصبه - که برای عراق بسیار حیاتی بود و احتمال داشت دشمن برای فرار از آن استفاد کند - هجوم بردند. ساعت ۶:۳۰ صبح، پل قصبه، سقوط کرد و ساعت ۹ صبح، پدافند در ۸۰۰ متری جنوب پل قصبه نسبت به منطقه عملیاتی دارخوین برقرار گردید. موفقیت محور نهر شادگان باعث تسریع عملیات جبهه دارخوین شد. اهمیت این محور در پیروزی جبهه دارخوین و به‌طور کلی در عملیات شکستن حصر آبادان بسیار محسوس است، چون با عبور سریع رزمندگان از این نهر، راه برای حرکت نیروها در محورهای دیگر باز شد. چنان‌که گذشت، نیروهای عمل‌کننده در نهر شادگان با رعایت غافلگیری و در سکوت مطلق، پس از عبور از میدان مین و کمین و شکستن خط و مقاومت، دشمن را دور زدند و در ادامه با حرکت به سمت پل مارد و تصرف این پل بنا به دستور به سمت پل قصبه حرکت کرده و ضمن انهدام دشمن، نیروهای دیگر را نیز یاری کردند و در حاشیه کارون به پدافند پرداختند.^{۳۷}

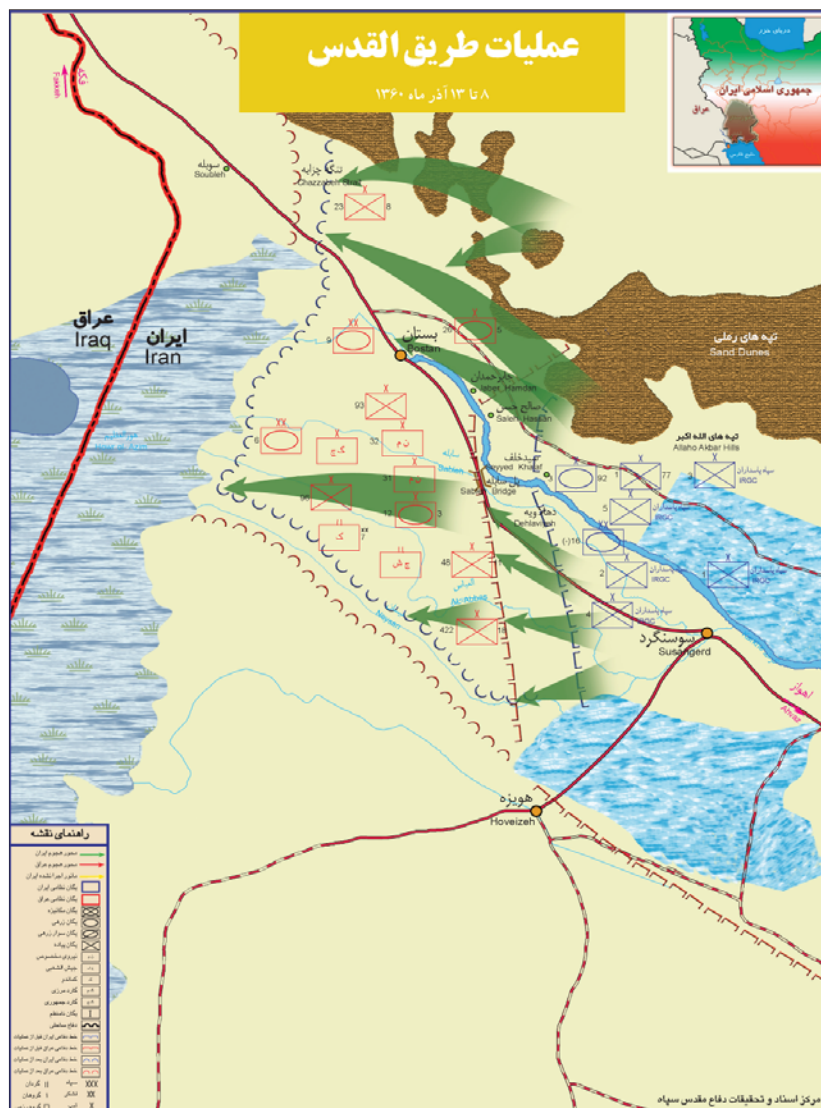
عملیات طریق القدس

عملیات طریق القدس در جبهه جنوبی و منطقه بستان با هدف آزادسازی بستان و رسیدن به مرز در جزابه با وسعت ۶۵۰ کیلومتر در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ تا ۱۳۶۰/۹/۲۳ به مرحله اجرا درآمد.^{۳۸} در این عملیات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در منطقه

مهم‌ترین مأموریت در مانور عملیات طریق القدس یعنی انهدام گردان تأمین گردان جناح شمالی جزابه و مواضع توپخانه عراق به عهده یکی از محورهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) بود.

رزمندگان مذکور از طریق نهر شادگان، یکی از گردان‌های معروف عراق را دور زده و آن را به‌طور کامل نابود کردند، به‌طوری‌که دشمن عقبه جبهه خودش را از دست داد و قدرت پاتک از او گرفته شد. لذا رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، با استفاده از این تجربه، قصد تصرف عقبه دشمن را داشتند و توانستند با اجرای این راهکنش در تپه‌های رملی الله‌اکبر ضمن دورزدن، توپخانه دشمن در تنگه چزابه این واحد را به‌همراه نفرات عراقی مستقر در آنجا به غنیمت و اسارت بگیرند.

عبور می‌کرد و توپخانه دشمن را در تنگه چزابه دور می‌زد. همچنین، با بستن تنگه، راه ارتباطی نیروهای بعثی مستقر در بستان را با داخل خاک عراق قطع می‌کرد و مانع از رسیدن نیروهای کمکی به آنها می‌شد. علاوه‌براین سقوط توپخانه دشمن سبب می‌شد که عراق نتواند روی محورهای پایین چزابه اجرای آتش کند. آنچه سبب شد تیپ ۱۴ امام حسین (ع) محور دوم را برای دورزدن دشمنان انتخاب کند، موفقیتی بود که از این طرح در عملیات شکستن حصر آبادان به‌دست آورده بود. در آن عملیات



۴۴۴

حضور یافت. هرچند نیروها در عبور از میدین مین، با مشکلاتی مواجه شدند و گروهان احمدرضا خدیو پور نیز دچار صدماتی شد، ولی حمله گردان‌ها آنچنان پرقدرت صورت گرفت که ساعت ۴۵ دقیقه بامداد، خطوط دفاعی دشمن سقوط کرد و رزمندگان پس از انهدام سنگرهای چند ارتفاع مشرف به منطقه، به‌سوی توپخانه دشمن سرازیر شدند. حدود ساعت ۳ بامداد، توپخانه نیز سقوط کرد و نیروها که از پیروزی خود مطمئن بودند، سعی کردند، کلیه امکانات دشمن را سالم به غنیمت بگیرند و پس از آن، در کنار جاده بستان - چزابه پدافند کنند.

منطقه‌ای که تیپ ابتدا تصرف کرده بود، برای پدافند مناسب نبود و حدود سه کیلومتر تا چزابه فاصله داشت. هرچند رزمندگان تیپ امام حسین^(ع) در روز اول عملیات، چند مرتبه تلاش کردند پیشروی به سمت چزابه را ادامه دهند، اما بر اثر دفاع سخت و آتش پرحجم دشمن ناچار شدند تا رسیدن شب، صبر کنند. این درحالی بود که نیروهای عمل‌کننده در محورهای جنوبی منطقه نبرد، نتوانسته بودند به اهداف خود برسند و دشمن با شروع تهاجم از

منطقه سابل، انگیزه لازم برای دفاع در محدوده چزابه را داشت. گردان‌ها در سحرگاه نهم آذرماه، پیشروی خود را به سمت چزابه آغاز کردند. مسیر سه کیلومتری تا چزابه، پر از اجساد و ادوات منهدم‌شده عراقی‌ها بود. بالاخره در زیر آتش بسیار سنگین توپخانه دشمن، اولین خط پدافندی چزابه، با حضور مستقیم و تعیین‌کننده شهیدان خرازی و ردانی‌پور، در ساعت ۶ بامداد شکل گرفت. بخشی از گردان‌ها با تصرف کامل جاده شنی غرب بستان و رسیدن به حاشیه هور، مأموریت شمال کرخه را به موفقیت صددرصد رساندند.^{۳۵}

اولین محلی که برای شناسایی در نظر گرفته شد، تنگه صعهه بود. رزمندگان تنگه صعهه دشمن را چند شب زیر نظر داشتند، اما به دلیل دوری تنگه مقرر شد از داخل منطقه عمومی بستان به تپه‌های رملی نفوذ کرده و از آنجا وضعیت دشمن را بررسی کنند. همچنین، از آنجا که تسلط بر نقل و انتقالات خط دشمن مدنظر بود، ۳ دیدگاه در بین تپه‌ها تعبیه گردید.^{۳۳}

دیدگاه اول: این دیدگاه به دو بخش تقسیم می‌شد، براساس طرح مانور دو گروهان از گردان تقویت‌شده از جنوب تپه سبز واقع در گوشه شمالی خاکریز عصاشکل دشمن، وارد مواضع نیروهای عراقی شده و به انهدام آنها می‌پرداختند و باقیمانده گردان از غرب تپه سبز وارد عمل شده و ضمن دورزدن دشمن از پشت به آنها حمله می‌کردند. دو گروهان مکانیزه نیز از روی جاده شنی شاکریه - بستان وارد عمل می‌شدند.^{۳۴}

دیدگاه دوم با استفاده از دو گردان مأموریت داشت ضمن انهدام گردان‌های دشمن در شمال بستان، در اولین فرصت، پل ابوچلاچ را تأمین کند و به جناح خود در حاشیه شمالی جاده آسفالت بستان - چزابه ملحق شود. نیروهای این محور توانستند پس از موفقیت در شکستن خطوط دفاعی دشمن، در ساعت ۸ صبح، به کلیه اهداف اولیه دست یابند. فرماندهی این محور، به‌عهده احمد فروغی و فرماندهی گردان‌های عمل‌کننده آن، به‌عهده سیدحمید عقیلی و بشیر ابراهیمیان بود.

محور دیدگاه سوم با استفاده از سه گردان پیاده، موظف بود، ضمن انهدام گردان تأمین جناح شمالی چزابه، مواضع توپخانه عراق را تصرف و در چزابه پدافند کند. مهم‌ترین مأموریت در مانور عملیات طریق‌القدس به‌عهده این محور بود. شهید مصطفی ردانی‌پور که جانشین تیپ امام حسین^(ع) بود، موظف گردید با حضور مستقیم در دیدگاه سوم، هدایت گردان‌های این محور را برعهده بگیرد.

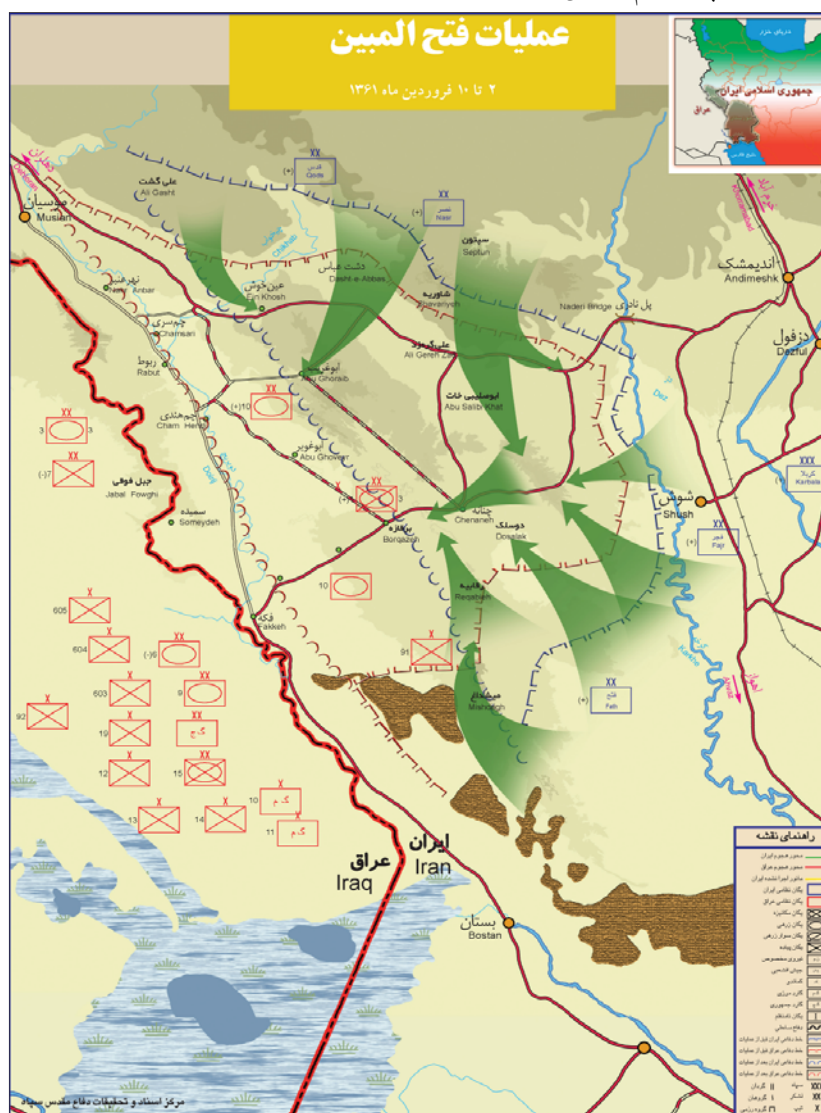
در زمان شروع عملیات، درحالی که گردان امام حسین^(ع) راهی معبر شده بود، شهید خرازی، برای اطمینان از موفقیت و همچنین تقویت کامل این محور حساس، در دیدگاه سوم

مهم‌ترین مأموریت در مانور
عملیات طریق‌القدس یعنی
انهدام گردان تأمین گردان جناح
شمالی چزابه و مواضع توپخانه
عراق به عهده یکی از محورهای
تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) بود.

ساعت ۳ صبح روز دوم فروردین ماه، نیروهای تأمینی دشمن را در شمال محور اصلی پل نادری، عین خوش و دهلران عقب رانده یا منهدم سازند. عناصر آن تیپ در شمال غربی عین خوش به پیشروی ادامه داده و حدود ساعت ۳:۳۰ دقیقه به معبر عین خوش نزدیک شدند.

میزان موفقیت در منطقه عین خوش فوق العاده بالا بود، به نحوی که در ساعت ۴ بامداد، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) روستایی را در نزدیکی شمال غربی عین خوش به تصرف خود درآورد. در ساعت ۶:۳۵ دقیقه، تیپ ۱۴

در ادامه تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) که از سمت غرب
نهر چیخاب به سمت عین خوش پیشروی می کرد در
دامنه جنوب کوه ممله با نیروهای دشمن درگیر شد و
در تپه ۲۰۲، نبرد سنگینی بین عناصر این تیپ دشمن
آغاز گردید که سرانجام ساعت ۲:۰۴ دقیقه، این تپه
به تصرف رزمندگان درآمد. تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)
در حدود ساعت ۳ صبح به کرانه نهر چیخاب در شمال
عین خوش رسید و در باغ شماره ۷ با دشمن درگیر شد.
بدین طریق رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) توانستند تا



دست به تدبیری عاقلانه و شجاعانه زد. محل استقرار نیروهای تیپ امام حسین^(ع) شامل ده کیلومتر جاده آسفالت به سمت امامزاده عباس و شوش بود. شهید خرازی ضمن جمع کردن تمام راننده‌های یگان به آنها گفت که سوار خودروها شوند و به سمت دالپری بروند و از آنجا با چراغ روشن به سمت مقر تیپ بازگردند و این عمل را تا قبل از روشن شدن هوا چندین مرتبه تکرار کنند. راننده‌ها سه چهار مرتبه تا صبح این کار را انجام دادند. با این تدبیر فرمانده تیپ امام حسین^(ع)، دشمن که احساس کرده بود خیل عظیمی از نیرو در حال حرکت

عملیات بیت المقدس

عملیات بیت المقدس در جبهه جنوبی و غرب رود کارون با اهدافی چون آزادسازی شهرهای خرمشهر، هویزه و جاده اهواز - خرمشهر؛ خارج کردن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد و نیز جاده اهواز - آبادان از دید توپخانه دشمن و تأمین مرز بین المللی با وسعت ۵۳۸۰ کیلومتر مربع در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ تا ۱۳۶۱/۳/۳ به مرحله اجرا درآمد. در عملیات بیت المقدس رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، تحت امر قرارگاه فتح با استعداد ۱۳ گردان در سه مرحله وارد عمل شدند: در مرحله اول، با عبور از رودخانه کارون و خطوط اولیه مسافت ۳۰ کیلومتر را طی کرده و جاده اهواز - خرمشهر را آزاد کردند؛ در مرحله دوم به دژ مرزی رسیده و خرمشهر را به محاصره درآوردند؛ در مرحله سوم رزمندگان از پل نو وارد گمرک خرمشهر شده و ضمن وارد آوردن تلفات زیاد به دشمن باعث آزادسازی خرمشهر شدند.^{۴۶}

در مرحله اول، قرار بود که تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با عبور از رودخانه کارون در منطقه عمومی دارخوین، ۷ کیلومتر به طرف خاکریز دشمن حرکت کرده و پس از تصرف آن ۲۵ کیلومتر دیگر به مسیر تک خود ادامه داده و جاده اهواز - خرمشهر را آزاد و در همان جا پدافند کند. به همین منظور، پلی بر روی رودخانه کارون، نزدیک منطقه کفیشه احداث شد و در روز پنجشنبه در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۹ رأس ساعت ۶ عصر، قبل از غروب آفتاب، نیروهای تیپ پس از توجیه شدن و سخنرانی روحانی مبارز مصطفی ردانی پور، از شهرک دارخوین به راه افتادند و پس از عبور از رودخانه کارون در کفیشه، نماز مغرب و عشاء را اقامه کردند. در ادامه پس از توجیه شدن به رمز عملیات و بستن بازویند و پیشانی بند، قرار شد، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با گردانهای امام محمدباقر^(ع) به فرماندهی برادر عباس فنایی، گردان موسی بن جعفر^(ع) به فرماندهی برادر کریم نصر، گردان امام سجاد^(ع) به فرماندهی برادر زال یوسف پور، گردان امام رضا^(ع) به فرماندهی موحد دوست و گردان امام

جواد به فرماندهی برادر رئیسی به عنوان گردانهای خط شکن، وارد عمل شود و گردانهای برادران خدیو پور، کاظمی و محمدرضا رحمتی به عنوان احتیاط، گردانهای خط شکن را پشتیبانی کنند.^{۴۷}

در ابتدا گردان امام محمدباقر^(ع) از کفیشه با گرای ۲۹۰ درجه حرکت کرده و پس از طی مسافت ۷ کیلومتر، خط اول دشمن را شکسته و در همان جا پدافند کرد. بقیه گردانها نیز با عبور از دشمن به قصد تصرف جاده اهواز - خرمشهر و تصرف ایستگاه حسینی، از ایستگاه به سمت چپ حدود ده کیلومتر به پیشروی خود ادامه داده و با تیپ ۸ نجف اشرف الحاق برقرار کردند و از ایستگاه به سمت راست نیز با تیپ ۲۵ کربلا الحاق کردند. نیروها توجیه شده بودند تا آنجا که امکان دارد به دشمن نزدیک شوند و از درگیری زودهنگام پرهیز کرده و غافلگیرانه به سمت دشمن یورش ببرند. بخشی از تانکهای تیپ هم به عنوان پشتیبانی از نیروهای پیاده وارد عمل شدند. توپخانه و ادوات نیز با کلیه آتشهای خود آمادگی پشتیبانی از نیروها را داشتند. واحد پدافند هم با سوار کردن سلاحهای خود بر خودرو، تحرک خود را بالا برده و نیروها را پشتیبانی می کرد. از طرف دیگر، دشمن روبه روی مواضع خود، منطقه ای به عرض ۳۵ کیلومتر را مین گذاری کرده بود، اما با شناسایی خوبی که نیروهای اطلاعات به عمل آورده بودند، بدون هیچ گونه مشکلی نیروها از معابر وصولی که برای اولین بار با طناب سفید مشخص شده بود، عبور کرده و تا محل مقرر بدون درگیری به دشمن نزدیک شدند.

گردان امام محمدباقر^(ع) برای حمله به خاکریز بیضی شکل دشمن از سه جناح با سه گروهان وارد عمل شد در مدت ۳۰ دقیقه تمامی ادوات دشمن منهدم و تلفات سنگینی به آنها وارد شد، مقر اصلی عراق هم به دست نیروهای گردان افتاد. سپس گردانهای دیگر، با عبور از معابر وصولی و طی کردن مسافت ۲۸ کیلومتر تا جاده آسفالت، پس از تصرف این جاده و ایستگاه

نسبی در منطقه حکم فرما شده و الحاق بین یگان‌های هم‌جوار به صورت کامل برقرار گردید و نیروها مواضعی برای خود جهت پدافند احداث کردند. صبح روز بعد رأس ساعت ۷، پاتک سنگین دشمن شروع شد. دشمن با تمام توان و امکانات سعی در بازپس‌گیری مواضع خود داشت، ولی با آمادگی مناسب نیروها، دشمن ضمن تلفات زیاد مجبور به عقب‌نشینی شد.

در مرحله دوم، قرارگاه به تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و تیپ ۸ نجف اشرف مأموریت داد تا ضمن پاک‌سازی

حسینیه، ده کیلومتر به سمت چپ حرکت کرده و با تیپ نجف الحاق کردند. در سمت راست نیز با تیپ ۲۵ کربلا الحاق انجام شد. در مرحله اول، هرچند در بین بعضی از یگان‌ها الحاق به نحو شایسته‌ای انجام نپذیرفت، ولی عملیات با حداقل تلفات خودی با موفقیت اجرا گردید. سپس برای اینکه مسیر رفت و برگشت محورها کاملاً مشخص باشد، نفراتی که از قبل مشخص شده بودند در مسیرها آتش روشن کردند.

پس از پدافند گردان‌ها در خط حد خودی، آرامش



۴۴۴

را تصرف و تثبیت کنند. دو گروهان هم که از سمت جاده اهواز-خرمشهر به سمت منازل سازمانی خرمشهر حرکت کرده بودند، با وجود درگیری شدید موفقیت‌هایی را کسب کردند. با حضور حسین خرازی و شناخت کامل وی از منطقه، این دو گروهان هم به سمت محور اصلی تیپ یعنی جاده شلمچه - خرمشهر اعزام شدند. رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در آن محور پس از عبور از پل نو، مواضع خود را تثبیت کردند. خرمشهر در محاصره قرار گرفته بود، ولی نیرویی که بتواند وارد خرمشهر شود دیگر وجود نداشت

و هنوز دستوری از قرارگاه مبنی بر ورود به شهر صادر نشده بود. در این هنگام، فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) که با حضور در میدان نبرد بر اوضاع کاملاً اشرف داشت، پس از تماس با قرارگاه، مصرانه درخواست کرد که با یک گردان وارد شهر شود، اما قرارگاه با این امر مخالفت می‌کرد. شهید صیاد شیرازی در این باره می‌گوید: «ما در قرارگاه بودیم و دیگر نیرویی نداشتیم که بتواند با خیل عظیم نیرو و امکانات دشمن که در خرمشهر مستقر بود بجنگد،

دشمن تا پشت دژ مرزی پیشروی کرده و پس از تصرف و تأمین در آنجا پدافند کنند. نیروهای عمل‌کننده تیپ تا پشت دیو دشمن نفوذ کرده و آماده عملیات بودند، ولیکن به دلیل عدم آمادگی یگان‌های هم‌جوار، تمامی نیروهای عمل‌کننده با بی‌سیم به عقب فراخوانده شدند. به این ترتیب در این شب، عملیات متفی گردید.^{۴۸}

شب بعد، نیروهای لشکر پس از درگیری شدید یک‌ساعته با دشمن، دژ مرزی را به تصرف خود درآوردند و طبق تجربیاتی که به دست آورده بودند، هرچه سریع‌تر شروع به احداث مواضع دفاعی کردند. صبح روز بعد، دشمن که خود را شکست‌خورده می‌دید با تمام توان رزمی خود شروع به پاتک کرد، ولیکن رزمندگان اسلام با شجاعت پاتک دشمن را نیز به راحتی دفع و تلفات زیادی را به دشمن وارد کردند و غنائم زیادی را به دست آوردند.^{۴۹}

در مرحله سوم که هدف آزادسازی خرمشهر بود، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) مأموریت یافت تا با گردان‌های یازهر^(س)، امام‌محمدباقر^(ع)، امام‌موسی‌بن‌جعفر^(ع)، امام‌رضا^(ع) و امام‌سجاد^(ع)، ضمن شکستن خطوط پدافندی دشمن، با دورزدن خرمشهر و رسیدن به جاده شلمچه-بصره نیروهای عراقی را محاصره کند، در همین حال باید دو گروهان هم از گردان یازهر^(س) از طرف جاده اهواز - خرمشهر به سمت ورودی شهر آمده و با دشمن درگیر می‌شدند. دشمن هم که از اهداف نیروهای خودی کاملاً آگاه بود، تمام نیروهای خود را در خرمشهر گرد آورده و مواضع خود را مستحکم کرده بود. حتی در خرمشهر با عمود نگه داشتن خودروهای فرسوده و ریل‌های راه‌آهن از فرود نیرو با چتر و هلی‌برد جلوگیری می‌کردند.^{۵۰}

نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) زیر نظر قرارگاه فتح در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۱، یورش خود را به سمت شهر خرمشهر آغاز کردند. گردان‌های اعزامی به جاده شلمچه-خرمشهر با عبور از کانال‌ها و معابر از قبل تعیین شده خود را به خطوط دشمن رسانده و ضمن درگیری شدید با دشمن توانستند تمامی اهداف خود

ما در قرارگاه بودیم و دیگر نیرویی نداشتیم که بتواند با خیل عظیم نیرو و امکانات دشمن که در خرمشهر مستقر بود بجنگد، ولیکن شهید خرازی، پشت بی‌سیم مصرانه اعلام کرد که من می‌خواهم با یک گردان وارد خرمشهر بشوم.

ولیکن شهید خرازی، پشت بی‌سیم مصرانه اعلام کرد که من می‌خواهم با یک گردان وارد خرمشهر بشوم، ولی بنده به ایشان گفتم امکان چنین کاری وجود ندارد. ولی حسین خرازی اصرار می‌کرد، مگر می‌شود یک گردان با چند لشکر دشمن روبه‌رو شود، ولی با اصرار زیادی که او داشت ناخودآگاه علی‌رغم مخالفت، به ایشان اجازه دادیم و پس از گذشت زمان اندکی، حسین خرازی پشت بی‌سیم آمد و گفت که عراقی‌ها تماماً تسلیم شده و من وارد خرمشهر شده‌ام. ولی ما باور نمی‌کردیم به یک خلبان هلیکوپتر گفتیم برو از بالا ببین اوضاع چطوری

از دیگر حماسه‌آفرینی‌های رزمندگان اصفهان در اوایل جنگ تحمیلی عملیات ثامن‌الائمه^(ع) بود. این عملیات نقطه عطفی در تاریخ جنگ بود و اولین گام در سلسله نبردهای گسترده آزادسازی مناطق اشغالی به حساب می‌آمد. این عملیات از چهار محور اجرا شد که

نکرده و با تدبیر و درایت خویش توانست دشمن را مجبور به عقب‌نشینی از منطقه کند. در این عملیات، نیروهای تیپ امام حسین^(ع) توانستند قسمتی از جاده دهلران به عین‌خوش و شوش و در کل ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک جمهوری اسلامی شامل منطقه سایت رادار، جاده مهم دزفول و دهلران و مراکز دیگر را آزاد کنند. به همین دلیل به شهید حسین خرازی لقب "فاتح فتح‌المبین" را^{۵۰} دادند. در عملیات بیت‌المقدس نیز تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) توانست با رشادت و حماسه‌آفرینی نیروها و فرمانده خویش، در آزادسازی خرمشهر که در حقیقت از اهداف مرحله سوم

عملیات بیت‌المقدس بود نقش سرنوشت‌سازی را ایفا کند.

در مجموع باید خاطرنشان ساخت در این مقطع عمده‌ترین موفقیت‌های تیپ امام حسین^(ع) مدیون مدیریت فرمانده این تیپ، حسین خرازی و رشادت نیروهای اصفهان در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس می‌باشد.

گفتنی است یکی از ویژگی‌های عملیات‌های مذکور زنجیره‌ای بودن آنها می‌باشد. به این معنا که اجرای هریک از عملیات‌های بزرگ به موفقیت عملیات قبلی بستگی

داشت.^{۵۱} از این‌رو، نقش جبهه دارخوین و در ادامه آن، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، در این مقطع بسیار شایان توجه است. در واقع چنان‌که ذکر شد، این یگان در موفقیت عملیات‌های دوره آزادسازی نقش بسیار برجسته‌ای داشت تا حدی که می‌توان گفت پیروزی عملیات‌های این دوره در گرو موفقیت جبهه دارخوین و تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) بوده است.

بخش سوم: تنبیه متجاوز

یکی از سؤالاتی که همواره در خصوص جنگ عراق علیه ایران، مطرح می‌شود این است که چرا جنگ پس از

اصلی‌ترین آن دارخوین و فیاضیه بود. در محور دارخوین که هدایت نیروها در عملیات برعهده حسین خرازی و مصطفی ردانی‌پور بود رزمندگان اصفهان پس از دورزدن دشمن از ناحیه نهر شادگان با موفقیت پیش رفته و پل حفار را بسته و دشمن را به محاصره درآوردند.

جمهوری اسلامی ایران در پی موفقیت در عملیات‌های مذکور و همچنین به دنبال کسب تجربیات جدید، درصدد برآمد تا با یک اقدام بزرگ دیگر ضمن قطع ارتباط بین قوای دشمن در شمال و جنوب استان خوزستان، قوای متجاوزبعثی را تا مرزهای بین‌المللی عقب براند. از این‌رو، عملیات طریق‌القدس طراحی و اجرا شد. رزمندگان اصفهان که به تازگی به یک یگان منسجم و خط‌شکن تبدیل شده بودند، جزو اولین یگان‌هایی بودند که تبدیل به تیپ شدند. رزمندگان این تیپ در محور شمالی رودخانه کرخه به عنوان تلاش اصلی، مأموریت داشتند تا ضمن تصرف مواضع دشمن در جابر حمدان، تلاش اصلی خود را متوجه عمق دشمن کنند و پس از انهدام آنان، شمال شهر بستان و شمال پل‌های احداث‌شده در ابوچلاج را تأمین کنند. تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با عبور به موقع از پل ابوچلاج، بستان و روستاهای اطراف آن را آزاد کرد و با پدافند در جناح شمالی رودخانه سابل، از نفوذ مجدد و گسترده عراق از طریق پل‌های سابل و تعاون، جلوگیری کرد.^{۵۲}

در سال ۱۳۶۱، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات‌های سرنوشت‌ساز آن مقطع از جنگ، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای ایفا کرد. نفوذ در عمق مواضع دشمن توسط تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) از مهم‌ترین راهکنش و حماسه‌آفرینی‌های این یگان در عملیات فتح‌المبین می‌باشد. در این عملیات تیپ امام حسین^(ع) از جاده امامزاده عباس - دهلران گذشت و تا پادگان عین‌خوش پیشروی کرد، اما الحاق انجام نشد، در نتیجه دشمن از طرف امامزاده عباس به جاده‌ای که به دهلران می‌رفت وارد شد و عقبه لشکر را بست. تا اینکه فرمانده وقت سپاه (برادر محسن رضایی) دستور عقب‌نشینی داد، اما شهید خرازی با توجه به تسلطی که به اوضاع داشت و حضور فعال در صحنه نبرد عقب‌نشینی

در این عملیات، نیروهای تیپ امام حسین^(ع) توانستند قسمتی از جاده دهلران به عین‌خوش و شوش و در کل ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک جمهوری اسلامی شامل منطقه سایت رادار، جاده مهم دزفول و دهلران و مراکز دیگر را آزاد کنند. به همین دلیل به شهید حسین خرازی لقب "فاتح فتح‌المبین"

آزادسازی خرمشهر خاتمه نیافت؟ در پاسخ باید گفت که در آن زمان در میان مقامات عراق و قدرت‌های جهانی، اراده صلح مشاهده نمی‌شد. پایان جنگ‌ها مستلزم تسلیم یا نابودی یک طرف، دخالت سازنده نهادهای بین‌المللی، تأمین خواسته‌های حداقلی کشور مورد تجاوز و قبول مسئولیت مخاصمه و پذیرش معاهدات میان دو کشور از سوی کشور متجاوز است، اما پس از فتح خرمشهر، هیچ‌یک از این عوامل چهارگانه تحقق نیافت. در آن زمان، عراق هرگز اعلام نکرد که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را می‌پذیرد یا حاضر به جبران خسارات است. ارتش عراق حتی در بخشی از سرزمین ایران باقی ماند و بجز در جبهه زمینی که توان جنگ نداشت، در جبهه هوایی دریایی به تجاوزات خود ادامه داد. علاوه بر این دشمن گلوله‌باران شهرهای مرزی و مین‌گذاری آنها را نیز در دستور کار خود قرار داد. از سوی دیگر، شورای امنیت سازمان ملل که داور بین‌المللی شناخته شده و وظیفه ذاتی آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، قطعنامه‌ای که سازوکار صلح را تأمین کند، صادر نکرد. این شورا در هفته نخست تجاوز عراق، با صدور قطعنامه ۴۷۹ از طرفین خواست که از هرگونه کاربرد زور به‌فوری خودداری و مناقشه را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند. در پی عقب‌راندن عراق از خرمشهر توسط ایران و پس از ۲۱ ماه سکوت، شورای امنیت در تیرماه ۱۳۶۱، قطعنامه ۵۱۴ را صادر کرد و در آن خواستار آتش‌بس و خاتمه فوری همه عملیات‌های نظامی شد. این شورا در هر دو قطعنامه مذکور از عراق جانب‌داری کرد؛ چه آن موقع که بخش وسیعی از سرزمین‌های ایران اشغال شد و چه در خرداد ۱۳۶۱ که عراق در بدترین وضعیت نظامی قرار داشت. در این موقعیت، جمهوری اسلامی در مقابل صلح‌خواهی دروغین و بدون ضمانت عراق و عدم تعهد شورای امنیت سازمان ملل که به وظایف ذاتی شورا و احقاق حقوق کشور مورد تجاوز قرار گرفته بی‌توجهی عامدانه داشت، سه راهکار پیش رو داشت: پذیرش یک‌طرفه پایان جنگ بدون استیفاء حقوق ملت؛ تن‌دادن به شرایط نه جنگ، نه صلح و اقدام به عملیات نظامی با هدف وادار کردن طرف‌های

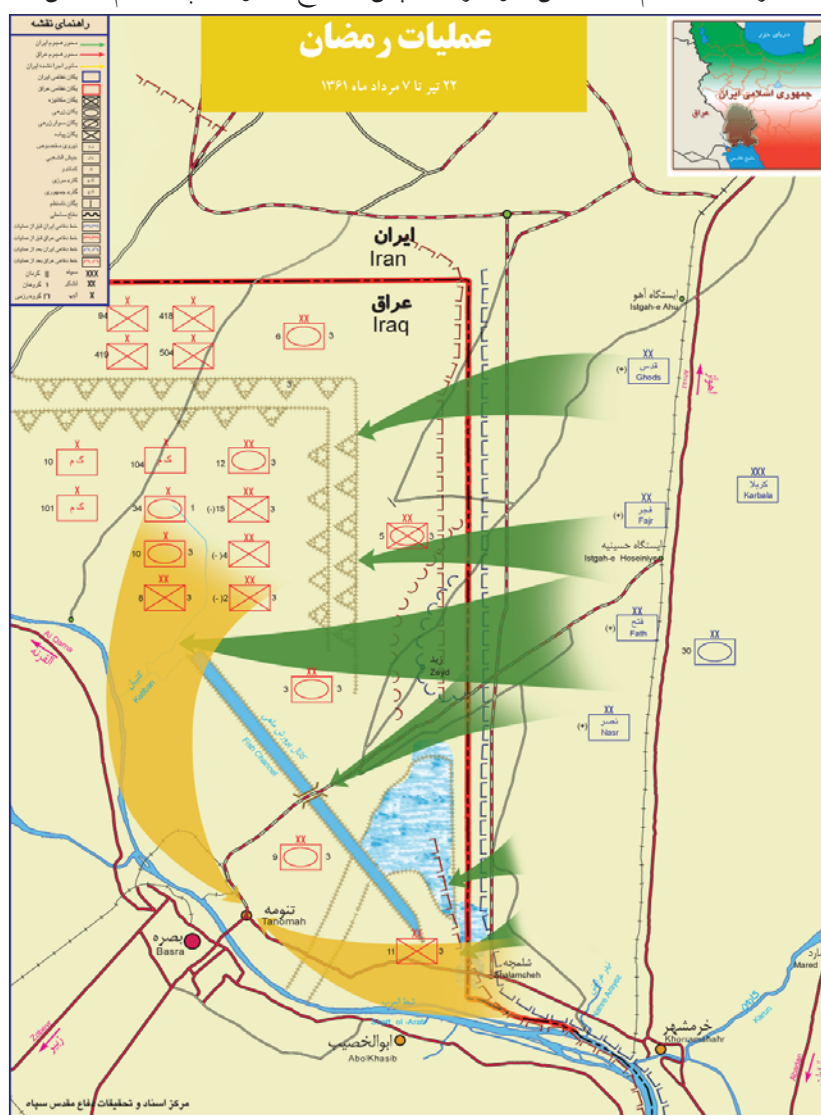
عملیات رمضان در جبهه جنوبی، در غرب جاده اهواز-خرمشهر و در شمال شرق بصره با اهدافی چون تهدید بصره از شرق و حضور در حاشیه شط العرب با وسعت ۹۰۰ کیلومتر در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۲ تا ۱۳۶۱/۵/۷ به مرحله اجرا درآمد. فاصله میان ناحیه کوشک (جناح راست منطقه عملیات) و نقطه مرزی شلمچه (منطقه چپ عملیات) حدود ۶۰ کیلومتر بود. منطقه نهایی طرح ریزی شده برای اجرای عملیات، حدود ۴ هزار کیلومتر مربع وسعت داشت و از کوشک تا شلمچه و از شط العرب تا هور را در بر می گرفت.^{۵۸}

بعد از عملیات بیت المقدس، دشمن که متحمل شکست سختی شده بود برای رفع تهدید از شهر بصره و جلوگیری از سقوط آن، باقیمانده نیروهای خود را در امتداد دژ مرزی تا مناطق آب گرفتگی گسترش داد و به پدافند و تحکیم مواضع و استحکامات خط دفاعی مشغول شد. از سوی دیگر، برای ایران با توجه به حضور نیروهای مردمی در جبهه‌ها و استعداد بالای یگان‌ها داشتن روحیه عالی، مقدمات لازم برای اجرای یک عملیات گسترده به منظور تکمیل اهداف عملیات بیت المقدس و زدن ضربه در عمق دشمن ایجاد شده بود.

نیروهای گردان‌های امام محمدباقر^(ع) و امام صادق^(ع) بر روی تانک‌ها و نفربرها به همراه ستون موتوری تیپ با عبور از خط گردان امیرالمؤمنین^(ع) خط پیروزی را تصرف می‌کردند. گردان‌های یازده^(س)، امام حسین^(ع) و امام سجاد^(ع) احتیاط تیپ را تشکیل می‌دادند، سپس تیپ با گردان‌های وارد عمل شده در ضلع شمالی و شرقی کانال ماهیگیری پدافند کرده و آماده می‌شد تا بنا به دستور تک را به سمت غرب ادامه دهد. عملیات رمضان در ساعت ۲۲، ۱۳۶۱/۴/۲۱ آغاز شد.

گردان‌های مکانیزه و تانک هم باید ضمن سوارکردن پس از ابلاغ دستور، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) که بیش از ۲۵

براساس طرح مانور مقرر شد تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با استفاده از تاریکی شب با دو گردان امیرالمؤمنین^(ع) در چپ (جنوب) به منظور تصرف خط نصر و گردان امام رضا^(ع) در راست (شمال) به منظور تصرف خط نصر اقدام به تک‌کند. گردان‌های موسی بن جعفر^(ع) و امام جواد^(ع) نیز به ترتیب با عبور از خط گردان‌های امیرالمؤمنین^(ع) و امام رضا^(ع) ضمن انهدام نیروهای دشمن با هدف تصرف خط حرکت خود را ادامه دهند.



۴۴۴

[illegible]

عبور از کانال‌های آب مستقیماً به طرف خاکریزهای مثلی پیشروی کرد و چون هوا روشن شده بود مجبور شدند در روز روشن عملیات پاک‌سازی خاکریزهای مثلی را انجام دهند. شکل مثلی این خاکریزها که طول هر ضلع آن حدوداً یک کیلومتر بود و در زاویه‌هایش مثلث دیگری قرار داشت، پاک‌سازی آن را بسیار مشکل می‌کرد. از این‌روی، دو گردانی که مأمور پاک‌سازی خاکریزهای مثلی بودند، تلفات سنگینی دادند و در این مرحله نیز مجبور به عقب‌نشینی شدند. سرانجام یگان‌ها در خط واگذاری مجبور به بدافند شدند.

عملیات رمضان با طراحی و فرماندهی سپاه و ارتش در چهار محور و در پنج مرحله اجرا شد. نداشتن شناخت دقیق از وضعیت و استحکامات جدید نیروهای عراقی به اختلال در اجرای عملیات انجامید. با وجود این، تلاش اصلی عملیات به ثمر نشست و یگان‌های قرارگاه فتح توانستند با نفوذ به عمق عراق تا نهر کتیبان پیشروی کنند، اما نیروهای پیشتاز که از جناح چپ با اتکا به کانال پرورش ماهی وضعیت قابل دفاعی داشتند، از جناح راست در برابر هجوم یگان‌های زرهی عراق آسیب‌پذیر بودند. یگان‌های مجاور نیز که با استحکامات جدید عراق روبه‌رو بودند، نتوانستند این موانع را پشت سر بگذارند و جناح راست تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) را تأمین کنند، لذا نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) نیز موفق به تثبیت موقعیت خود نشدند و تنها محدوده پاسگاه زید را تصرف کردند. بدین ترتیب منطقه زید آزاد و لشکر ۹ زرهی دشمن کاملاً منهدم شد، اما هدف اصلی عملیات تأمین نگر دید.^{۹۰}

عمليات محرم

عملیات محرم در جبهه جنوبی در منطقه عین خوش و زبیدات با اهدافی چون تصرف سرپل در منطقه العماره و آزادسازی ارتفاعات مرزی با وسعت ۵۰۰ کیلومتر در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۰ تا ۱۳۶۱/۸/۱۳ به مرحله اجرا درآمد. لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در منطقه شرهانی، زبیدات، غرب عین خوش و در محورهای عملیاتی پل چینواب

گردان در اختیار داشت وارد عمل شد و در چهار مرحله از عملیات شرکت کرد.

مرحله اول: تیپ امام حسین^(ع) در مرحله اول با ۶ گردان وارد عمل شد؛ دو گردان به نام‌های امام رضا^(ع) و حضرت امیرالمؤمنین^(ع) تلاش اصلی را برای شکستن خط اول انجام دادند و در ادامه عملیات گردان‌های امام جواد^(ع)، امام حسن^(ع)، موسی بن جعفر^(ع)، و یازدها^(س) برای پشتیبانی و پاک‌سازی منطقه تا کانال پرورش ماهی به کار گرفته شدند. هرچند شب عملیات هوا بسیار شرجی بود و تشنگی بر رزمندگان اسلام غالب شده بود و وضعیت زمین نیز مشکلاتی را ایجاد کرده بود، ولی آنان به پیشروی خود ادامه داده تا به اهداف مورد نظر رسیدند. در این عملیات تعداد زیادی از نیروهای دشمن بعضی کشته یا زخمی شدند و تعدادی نیز به اسارت درآمدند. روز بعد به دلیل عدم الحاق با تیپ‌های دیگر دشمن از همان خط اول عرصه را بر نیروهای اسلام تنگ کرده بود، لذا دستور عقب‌نشینی صادر گردید، اما تعداد زیادی از رزمندگان حاضر نشدند عقب بیایند و تا آخرین لحظه در منطقه کتسان با دشمن مقابله کردند.

مرحله دوم: در این مرحله نیز تیپ امام حسین^(ع) به استعداد ۴ گردان در منطقه مأموریت خود وارد عمل شد. شرایط سخت آب و هوایی و وضعیت زمین و از طرفی فشار شدید یگان‌های مانوری و زرهی دشمن و آتش شدید توپخانه و ادوات عراق و گستردگی منطقه عملیاتی، باعث شد بعضی از یگان‌های خودی به اهداف از پیش تعیین شده نرسند و به علت عدم الحاق یا انحراف تعدادی از یگان‌ها دستور عقب‌نشینی صادر شد. گفتنی است که در این مرحله گردان‌ها بعضاً دو بار وارد عمل شدند.

مرحله سوم: در این مرحله نیز تیپ ۱۴ امام حسین (ع) با استعداد ۶ گردان وارد عمل شد که تعدادی از گردان‌ها دو بار وارد عمل شدند.

مرحله چهارم: در این مرحله از عملیات تیپ به دلیل بازسازی وارد عمل نشد.

مرحله پنجم: تپ امام حسین^(ع) در این مرحله با سه گردان امام رضا^(ع)، یازهر^(س) و امام محمدباقر^(ع) پس از

استعداد گردان‌ها به ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر رسید. درخصوص اهداف عملیات محرم باید یادآور شد که به دنبال تبلیغات گسترده عراق مبنی بر ناتوانی ایران از ادامه عملیات، رزمندگان هر روز و هر ساعت در حال طراحی نقشه‌های عملیاتی با اهداف روشن برای آزادسازی خاک ایران اسلامی از چنگال درخیمان بعضی بودند.^{۶۱} براین اساس

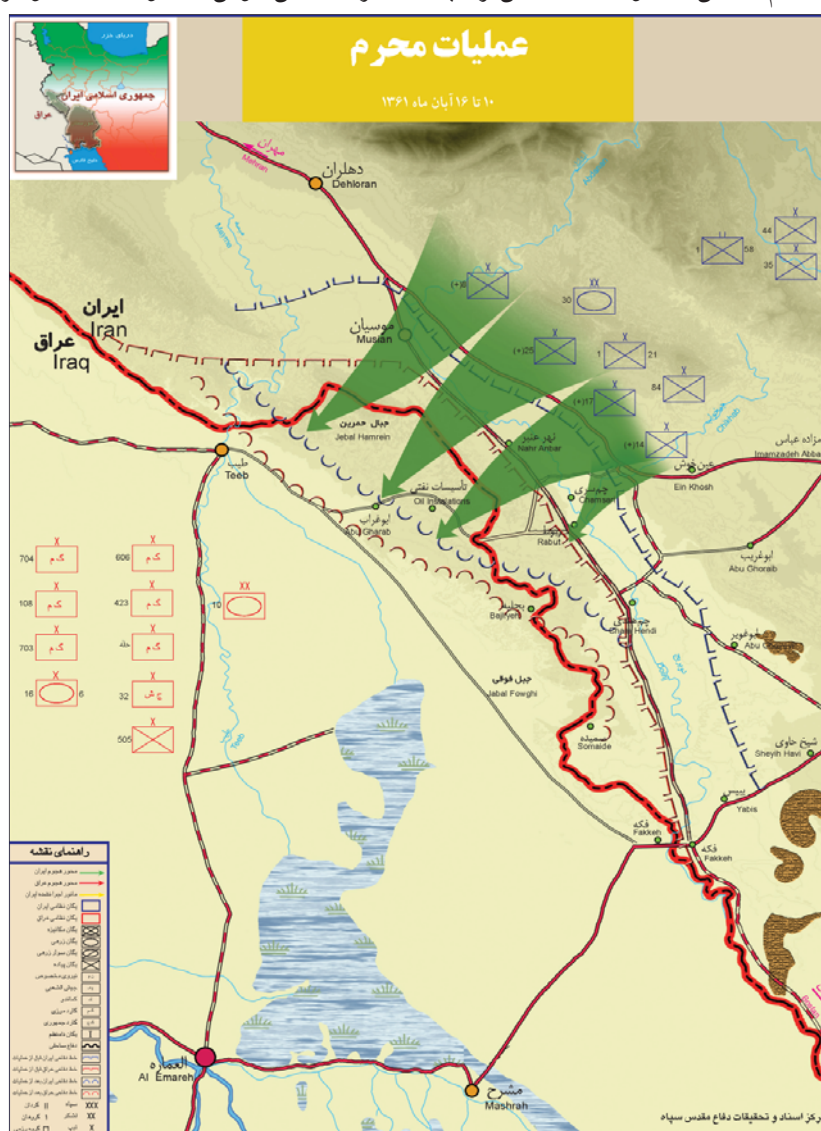
عملیات محرم با اهداف زیر طرح ریزی شد:

۱. خارج کردن شهرهای موسیان، دهلران و جاده دهلران - عین خوش، به طول ۱۰۰ کیلومتر از زیر دید

و تپه‌های ۱۷۵ تحت امر قرارگاه فتح با ۱۵ گردان در این عملیات شرکت کرد.^{۶۰}

قبل از عملیات محرم، شناسایی منطقه با تلاش واحد اطلاعات انجام و سه محور عملیاتی انتخاب و تصویب شد: ۱. محور چم‌سری. ۲. محور چم‌هندی. ۳. محور ربوط.

گفتنی است پیش از شروع عملیات یگان‌هایی از ارتش به سپاه مأمور شدند که در این میان سه گردان از آنها به لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) مأمور شده و بدین ترتیب



۴۴۴

[illegible]

عملیات والفجر ۱

عمل کننده و دو گردان احتیاط بودند - به مواضع دشمن در تپه ۱۸۵ و شهر زبیدات هجوم برده و اهداف خود را متصرف می شد و بر روی آن به پدافند می پرداخت.

در مرحله دوم درحالی که منطقه کاملاً شناسایی شده و لشکر آماده عملیات شده بود، قرارگاه دستور لغو عملیات در این منطقه را صادر کرد. گردان هایی که قرار بود در این مرحله وارد عمل شوند شامل گردان امام محمدباقر^(ع)، امام صادق^(ع)، امیرالمؤمنین^(ع)، امام سجاده^(ع) و محمد رسول الله^(ص) بود. طرح مانور این مرحله به طور کلی از این قرار بود که رزمندگان در محدوده ۷ کیلومتری که به نیروهای لشکر واگذار شده بود باید نیروهای خط دشمن را منهدم کرده و بعد ۳ کیلومتر در عمق ارتفاعات ۱۰۵ و تپه های رمل مسلط بر آسفالت زبیدات و عماره پدافند می کردند.

در سمت راست منطقه عملیاتی هیچ لشکری عمل نمی کرد و قرار بود که واحدهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این قسمت مانور ایذایی اجرا کنند. در جناح سمت راست منطقه عملیاتی، برای حفظ جناح یک خاکریز زده شد. سمت چپ لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، لشکر ۴۱ ثارالله^(ع) و تلفیقی از تیپ های ارتش حضور داشتند.

عملیات والفجر ۱ در شمال غرب فکه و ارتفاعات جنوبی حمزین با هدف تصرف منطقه ای شامل ارتفاعات حمزین به عمق ۱۰ کیلومتر و به طول ۴۰ کیلومتر تا جنوب جبل فوقی به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع، از تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۱ تا ۱۳۶۲/۱/۲۸ به مرحله اجرا درآمد.^{۶۵} در این عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تحت امر قرارگاه کربلا با استعداد ۸ گردان پیاده و ۲ گردان تانک در یک مرحله وارد عمل شد.^{۶۶}

پس از پایان عملیات والفجر مقدماتی، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) که مأمور تصرف فاو بود، بنا به دستور به موقعیت قبلی خود بازگشت و نیروهای لشکر به استعداد سه تیپ در منطقه عمومی فکه مستقر گردیدند. منطقه ای که به لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) واگذار شده بود، شرق زبیدات بود که از تپه های رملی تشکیل شده و به یال ارتفاعات ۱۳۹ که به طرف غرب می رفت کشیده می شد. لذا ارتفاعات مقابل محدوده عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) را تشکیل می داد.

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در مرحله اول عملیات بایستی با استعداد شش گردان از دو محور - که چهار گردان



عملیات والفجر ۱، فروردین ماه ۱۳۶۲ - محمد رضا ابوشهاب (جانشین لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام)، حسن آقایی (مسئول محور لشکر ۱۴ امام حسین^(ع))، شهید احمد کاظمی (فرمانده لشکر ۸ نجف)، شهید حسین خرازی (فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع))، محسن رخصت طلب (راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه).

رسول الله^(ص) و امام حسین^(ع) قرار داشتند. در محور دوم که مسئول آن برادر عرب بود، سه گردان امام حسین^(ع)، امام محمدباقر^(ع) و یازها^(س) عمل می کردند. در محور سوم نیز با فرماندهی برادر حسین رضایی اردستانی، گردان های امام جواد^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) وارد عمل می شدند. با شروع عملیات، محور اول مانور انجام داده و محور دوم هم در ادامه عملیات در محور اول به عنوان احتیاط بود. محور سوم نیز در جناح راست زیبدات تا نهر میمه وارد عمل شد. طرح مانور گردان ها در عملیات والفجر چنین بود:

همچنین مقرر شده بود نیروها سرانجام به خط ناصر برسند. قرار بود بعد از خیز اول تا رده دوم و سوم خط دشمن و انهدام آنها نیروها ضمن هماهنگی با لشکرها و تیپ های مجاور، عملیات را ادامه بدهند تا به خط پدافندی که خط پیروزی بود، برسند.^{۶۷}
در این عملیات، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با سه محور وارد عمل شد:
محور اول، که مسئولیت آن برعهده برادر علی قوچانی بود. در این محور سه گردان امیرالمؤمنین^(ع)، محمد



؟؟؟

۲۰۰ کیلومتر مربع در تاریخ ۱۳۶۲/۴/۲۹ تا ۱۳۶۲/۵/۲۹ با اهدافی چون آزادسازی مرز کشور از طریق ارتفاعات مهم آن منطقه و پیشروی در خاک عراق و تسخیر پادگان حاج عمران و اشراف بر شهر چومان مصطفی به مرحله اجرا درآمد. لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات تحت امر قرارگاه حمزه با ۳ گردان در شش مرحله وارد عمل شد و ارتفاعات مشرف به تنگه حاج عمران را تصرف کرد.^{۷۱}

در این عملیات سه گردان از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به نام‌های گردان امام حسین^(ع)، گردان یازهر^(س) و گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) وارد عمل شدند که در ادامه به اختصار به عملیات هریک از آنها پرداخته می‌شود.

گردان امام حسین^(ع) در اوایل تیرماه ۱۳۶۲، به منظور اجرای عملیات والفجر ۴ و کسب آمادگی به شهر سنجند اعزام شده و در آنجا در کوهستان حدود سی روز دوره آموزشی فشرده‌ای را گذراند قرار بود که گردان امام حسین^(ع) به‌عنوان اولین گردان و گردان خط‌شکن در منطقه میوان وارد میدان نبرد شود، ولی تقدیر به‌گونه‌ای رقم خورد که این گردان اولین گردان از لشکر امام حسین^(ع) باشد که در عملیات والفجر ۲ شرکت می‌کند. ماجرا از این قرار بود که در حین اجرای عملیات والفجر ۲ فرماندهان سپاه متوجه می‌شوند که برای این عملیات نیرویی کمتر از آنچه تصور می‌شد، در نظر گرفته شده است. از این روی، به لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) ابلاغ می‌گردد که هرچه سریع‌تر خود را برای ادامه عملیات والفجر ۲ آماده کند. در همین راستا، فرمانده لشکر باتوجه به حضور گردان امام حسین^(ع) در منطقه کردستان به آنها آماده‌باش داده و خودش هم به‌همراه تعدادی از کادر لشکر برای شناسایی منطقه از جنوب با بالگرد عازم منطقه کردستان می‌شود و پس از ورود به منطقه و شناسایی کامل آن، طرح تاکتیکی مانور گردان را نیز مشخص می‌کند. علاوه‌براین به گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) و گردان حضرت زهرا^(س) نیز که در مقر لشکر (شهرک دارخوین) در اهواز مستقر بودند آماده‌باش داده و آنها به‌سمت کردستان فراخوانده می‌شوند.

مقرر شد گردان محمد رسول الله^(ص) که گردان خط‌شکن بود، بعد از شکسته‌شدن خط در جناح چپ خط دشمن انهدام انجام بدهد. این گردان باید در عمق ۵۰۰ تا یک کیلومتری خط دشمن نفوذ کرده و بعد از انهدام با گردان هم‌جوارش (که در سمت چپ لشکر ثارالله^(ع) خط‌شکن بود)، الحاق برقرار می‌کرد. گردان امیرالمؤمنین^(ع) به‌عنوان گردان دوم قرار بود بعد از شکسته‌شدن خط و عبور گردان اول به داخل وارد بشود و از سمت راست، خط را به عمق دو کیلومتر پاک‌سازی کند. گردان امام حسن^(ع) نیز باید بعد از گردان‌های اول و دوم وارد شده و با نفوذ در عمق ۲ - ۳ کیلومتری روی یال ارتفاعات ۱۳۹ و پشت آن (که پاسگاه فرماندهی یکی از تیپ‌های دشمن بود) نیروهای دشمن را منهدم و روی همان قله پدافند می‌کرد. گردان حضرت رسول^(ص) هم باید ضمن تأمین در سمت چپ با لشکر ثارالله الحاق می‌کرد. گردان امیرالمؤمنین نیز مأموریت داشت بعد از شکسته‌شدن خط جناح راست را تأمین کند. با شروع عملیات گردان محمد رسول الله^(ص) خط اول و گردان امیرالمؤمنین^(ع) خط دوم را شکستند و گردان امام حسن^(ع) برای تصرف تپه ناصر حرکت کرد.^{۷۲} در این عملیات محور قرارگاه کربلا در شرق پاسگاه بجلیه با مانع برخورد کرد و یگان‌های آن که نتوانستند اهداف خود را تأمین کنند، صبح روز عملیات به مواضع قبلی خود بازگشتند. رزمندگان لشکر ۴۱ ثارالله^(ع) با دادن تلفات و پس از عبور از موانع متعدد و میدان‌های مین، اهداف خود یعنی ارتفاعات ۱۳۵ و ۱۳۹ را تصرف کردند، ولی نتوانستند با نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) که معبرشان در فاصله یک کیلومتری آنها قرار داشت، الحاق کنند.^{۷۳} دلایل عقب‌نشینی رزمندگان در عملیات والفجر ۱ حاصل‌نشدن الحاق از طرف لشکر ۴۱ ثارالله، عدم احداث خاکریز متصل و بازنشدن معابر بود.^{۷۴}

عملیات والفجر ۲

عملیات والفجر ۲ در جبهه شمال غرب و منطقه پیرانشهر در حفاصل بین ارتفاعات قمطره و تمرچین به وسعت

گردان امام حسین^(ع) بعد از طی دوره آموزشی به منظور شرکت در عملیات والفجر ۲ به طرف پادگان جلدیان و سپس گمرک حاج عمران منتقل شد. پس از انتقال نیروها به محوری که قرار بود عملیات انجام شود، حسین خرازی کلیه نیروها را درباره منطقه عملیاتی توجیه و نکات ایمنی و لازم را کاملاً تشریح کرد. گردان امام حسین^(ع) به دو گروهان و یکی از گروهان‌ها به دو دسته تقسیم شدند. یکی از دسته‌ها به نام دسته شهید واحد، مأمور تأمین جاده پیرانشهر به طرف شهر حاج عمران شد عراقی‌ها در این ارتفاعات پاسگاه ساخته و در آنجا مستقر بودند. رزمندگان از ارتفاعات آهسته آهسته به طرف مقر نیروهای عراقی حرکت کردند. با آگاهی دشمن از حضور نیروها تیراندازی شروع شده و درگیری شدیدی رخ داد. رزمندگان گردان امام حسین^(ع) توانستند پاسگاه عراق را تصرف و در محل‌های مورد نظر مستقر شوند. با روشن شدن هوا، دشمن شروع به پاتک کرد و نیروهای عراقی از پایین ارتفاع، دسته‌دسته به طرف بالا حرکت کردند. فرمانده گردان با شهید خرازی تماس گرفت و اعلام کرد که مهماتمان کم است. شهید خرازی در جواب گفت: امروز عاشورا است و اینجا مثل کربلاست، باید مقاومت کنید و لذا چاره‌ای نیست. درگیری شدید یک روز کامل ادامه داشت. به دلیل تمام شدن آذوقه‌ها و مهمات اکثر نیروها زخمی یا شهید شدند، باین حال نیروهای باقیمانده با ازجان گذشتگی و رشادت ارتفاعات تصرف شده را تثبیت کردند. به گفته رزمندگان گردان امام حسین^(ع) این عملیات منحصر به فرد بود، زیرا همان‌طور که اشاره شد در ابتدا قرار نبود لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات شرکت کند ولی به دلیل کمبود نیروی یگان‌های دیگر، ظرف ۴۸ ساعت این یگان مأموریت یافت وارد عمل شود.^{۷۳}

با روشن شدن هوا، دشمن شروع به پاتک کرد و نیروهای عراقی از پایین ارتفاع، دسته‌دسته به طرف بالا حرکت کردند. فرمانده گردان با شهید خرازی تماس گرفت و اعلام کرد که مهماتمان کم است. شهید خرازی در جواب گفت: امروز عاشورا است و اینجا مثل کربلاست، باید مقاومت کنید

سال سیزدهم ☐ شماره پنجاه و دوم ☐ بهار ۱۳۹۴

عملیات والفجر ۲

رزمندگان ایرانی عملیات والفجر ۲ را در ساعت ۲۴ روز ۱۳۶۲/۷/۲۷ آغاز کردند. این عملیات در جبهه شمالی و در محور بانه - مریوان در مناطق کوهستانی استان کردستان و از اطراف شهر سردشت تا مریوان در منطقه‌ای به وسعت ۱۶۰ کیلومتر مربع در حوالی منطقه پنجوین عراق اجرا شد. عملیات والفجر ۲ به مدت یک ماه تا تاریخ ۱۳۶۲/۸/۲۷ به طول انجامید. در این عملیات، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تحت امر قرارگاه حمزه با ۱۱ گردان در سه مرحله وارد عمل شد.^{۷۰}

فرماندهی وقت نیروی زمینی سپاه به لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) مأموریت داد که در کنترل عملیاتی قرارگاه حمزه قرار گرفته و در کنار سایر یگان‌های وابسته وارد عمل شود. پس از واگذاری مأموریت، لشکر گردان‌های رزم، پشتیبان و خدمات خود را برای عملیات از جنوب به غرب انتقال و اقداماتی را به این شرح برای آمادگی در عملیات انجام داد: - آموزش نیروها باتوجه به نیاز و شرایط منطقه و سازمان یگان‌ها.

- جمع‌آوری اطلاعات.

- آشنایی فرماندهان گردان و گروهان و دسته از نزدیک با منطقه عملیات.

مرحله اول: در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ و در ساعت ۲۴ با رمز یا الله، یا الله، یا الله شروع شد. لشکر ۱۴ در این مرحله حضور نداشت.

مرحله دوم: در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۹ ساعت ۲۲ شروع شد. لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این مرحله، مأموریت تصرف ارتفاعات سه‌درختی، تخم‌مرغی، تپه شهدا و هرگنه را به عهده داشت.

در این مرحله گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) با سه گروهان تقویت‌شده، مأمور تصرف ارتفاع سه‌درختی شد. گردان امام محمدباقر^(ع) هم با سه گروهان تقویت‌شده، تصرف ارتفاع تخم‌مرغی

با روشن شدن هوا مجدداً آتش سنگین ادوات و توپخانه عراقی‌ها بر روی ارتفاع شروع شد. از طرف دیگر، چون ارتفاع مقابل هم تحت تصرف دشمن بود بر اثر شلیک تیربارها و تک‌تیراندازان مستقر در آنجا هم تعدادی از نیروهای گردان به شهادت رسیدند. زخمی‌ها به سرعت به عقب منتقل شدند. به این ترتیب مجدداً ارتفاع به دست عراقی‌ها افتاد و نیروهای باقیمانده به عقب بازگشتند.^{۷۱}

دو شب بعد، گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) که آماده عملیات بود، پس از پدافند چندروزه در ارتفاعات ۳۶۰۰ متری کدو، بنا به دستور، این ارتفاعات را تحویل داده و برای ادامه عملیات وارد منطقه شد. این گردان با یک گروهان، جهت تصرف ارتفاع شهید قربانی حرکت و پس از درگیری با دشمن این ارتفاع را به تصرف خود درآورد. باتوجه به آزاد شدن ارتفاعات کله‌اسبی، که مشرف بر ارتفاع قربانی بود، توسط تیپ سیدالشهدا^(ع) به فرماندهی برادر کاوه دیگر دشمن بر روی گردان امیرالمؤمنین^(ع) دید نداشت و این گردان توانست شهدا و مجروحین به جامانده در منطقه را به راحتی از منطقه تخلیه کند. شب بعد گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) با یک گروهان به فرماندهی برادر شیرازی به سمت ارتفاع شهید برهانی به حالت ستونی حرکت کرد، اما در نزدیکی‌های دشمن عملیات لو رفت و دشمن با آتش شدید تیربار از پیشروی ستونی جلوگیری کرد، باین حال با رشادت این نیروها، تپه شهید برهانی به تصرف رزمندگان درآمد و تلاش دشمن برای بازپس‌گیری تپه ناکام ماند. به دستور فرماندهی گردان، مجروحان و شهدای به جامانده سریع از منطقه تخلیه و به عقب منتقل شدند. به دنبال تصرف ارتفاعات مشرف به تپه برهانی با تلاش یگان‌های دیگر، عملاً این تپه در دید و تیر رزمندگان قرار گرفت و با تخلیه مجروحان و شهدای به جامانده در منطقه، مأموریت گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع) خاتمه یافت و رزمندگان با تسلطی که بر روی ارتفاعات منطقه به دست آوردند، عملیات والفجر ۲ را با موفقیت به پایان رسانده و خط پدافندی را تحویل برادران ارتش دادند.^{۷۲}



عملیات والفجر ۴ - آبان ۱۳۶۲ - حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و علی زاهدی فرمانده تیپ ۴۴ قمربنی هاشم^(ص) به صورت نشسته در داخل یک جیب فرماندهی در حال عبور در میان یک منطقه کوهستانی جنگلی.

گردان حضرت رسول^(ص) مأمور تصرف ارتفاعات کله قندی شد که به علت آتش شدید دشمن دستیابی به این هدف عملی نشد. گردان امام صادق^(ع) مأموریت تصرف سنگ معدن را برعهده داشت که باتوجه به کمبود نیرو و مهمات و حجم زیاد آتش دشمن این هدف هم محقق نشد. گردان امام حسن^(ع) مأمور تصرف و پدافند بر روی تپه سید (کوه زله) شد. گردان موسی بن جعفر^(ع) مأموریت یافت ضمن تصرف ارتفاعات مشرف به حسن آباد و یال‌های مشرف به تپه سید و سنگ معدن در آن منطقه پدافند کند. پس از انجام این مرحله، اهداف تصرف شده برای پدافند باید تحویل ارتش می‌شد.

مرحله سوم: در این مرحله گردان‌های امیرالمؤمنین^(ع)، امام حسین^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) مأموریت یافتند که ارتفاعات کانی مانگا را تصرف و دشمن را در این مناطق منهدم کنند (بنا به دلایلی ازجمله آتش شدید و صعب‌العبور بودن و خستگی نیروها، لشکر حضرت رسول^(ص) موفق به اجرای این مأموریت نشده بود). نیروهای عمل‌کننده در

را برعهده داشت. گردان امام سجاد^(ع) نیز با سه گروهان تقویت‌شده، مأموریت یافت تپه شهدا و هرگنه را تصرف کند. باوجود آتش شدید توپخانه دشمن و استحکامات و مواضع ایجادشده و آگاهی قبلی عراق و سایر مشکلات موجود، رزمندگان با بهترین تاکتیک و تدبیر و کمترین تلفات و خسارات، اهداف خود را تصرف و دشمن را منهدم کردند. به دلیل مسمومیت‌های غذایی نیروهای این لشکر نتوانستند عملیات را ادامه دهند و عملیات به شب‌های بعد موکول شد.

در شب‌های بعد نیز بر اثر لورفتن محور عملیات و آتش شدید دشمن بر روی یگان‌های خودی بنا به تدبیر فرماندهی، عملیات اجرا نشد. در مرحله دوم عملیات، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، مأمور تصرف ارتفاعات کله قندی، سنگ معدن، کوه زله و ارتفاعات مشرف به حسن آباد شد. فرماندهی لشکر بنا به تدبیر و باتوجه به وضعیت سازمان رزم، اهداف مذکور را به این شرح به یگان‌های تابع واگذار کرد:

تصرف قسمتی از ارتفاعات کانی مانگا به طرف پایین جاده خاکی بودند، که موفق گردیدند اهداف ازپیش تعیین شده را تصرف و دشمن را منهدم کنند. گردان امام حسین^(ع) در جناح راست موفق گردید ضمن درگیری با دشمن اهداف واگذاری را تصرف کنند. سرانجام عملیات با موفقیت به اتمام رسید و منطقه به منظور پدافند تحویل برادران ارتش گردید.^{۷۶}

این مرحله، با راهپیمایی ۲۴ ساعته از ارتفاعات لری به طرف هدف های مورد نظر حرکت کرده و با استفاده از غافلگیری و با توکل به خدا توانستند یک تیپ مکانیزه دشمن را در جاده خاکی ای که از عقبه دشمن به کانی مانگا وصل می شد به محاصره درآورند. یگان های تابع لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به این شرح در مرحله سوم وارد عمل شدند: گردان امیرالمؤمنین^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) مأمور



۴۴۴

حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در پشت جاده شنی مستقر شدند. در این قسمت از منطقه، دشمن با ایجاد کمین‌هایی که داخل آن سنگرهای دفاعی دایره‌شکل ایجاد کرده بود، به دفاع از خود پرداخت. در جریان این درگیری تعدادی از نیروهای خودی مجروح یا شهید شدند. با وجود همه این مشکلات، نیروهای گردان امیرالمؤمنین^(ع) در همان‌جا به پدافند پرداختند. گردان دوم این محور گردان امام محمدباقر^(ع) بود که ضمن عبور از خط گردان اول، حدود یک کیلومتر پیشروی کرده و به علت عدم الحاق با گردان یازهر^(س) در جناح چپ همان‌جا مشغول پدافند شد. گردان سوم این محور گردان یامهدی^(عج) بود که ضمن عبور از خط گردان‌های اول و دوم، تا سهرابی جاده شنی و به عمق تقریبی سه کیلومتر در منطقه پیشروی کرد، اما به علت نرسیدن نیروهای لشکر ۷ ولی عصر^(عج) و عدم الحاق، مجبور به عقب‌نشینی شد.^{۷۹}

پس از عقب‌نشینی یگان‌ها از شرق رودخانه دجله، تمام توان رزمندگان به حفظ جزایر مجنون معطوف شد. هم‌زمان با پاتک‌های ارتش عراق به واحدهای مستقر در کنار رودخانه دجله، حملات به جزیره جنوبی مجنون نیز آغاز شد. با توجه به عدم امکان برقراری ارتباط زمینی با جزیره مجنون و لزوم احداث پل شناور بین جزیره شمالی مجنون،

منطقه تا صبح به حالت پدافند درآمد و سرانجام بنا به دستور برای جلوگیری از ضایعات و تلفات دستور عقب‌نشینی صادر شد. گردان سوم، گردان امام سجاده^(ع) بود که با عبور از خط، حرکت خود را به طرف جناح چپ که آب‌گرفتگی بود ادامه داد؛ اما به دلیل عدم الحاق و وجود موانع از ادامه کار بازماند. تاکتیک به کار گرفته شده در این محور به این شکل بود که ابتدا به صورت مستقیم به عمق دشمن، حرکت کرده، سپس با ضربه زدن از پشت سر، آنها را منهدم کنند.

محور سمت راست، محور شهید ردانی‌پور، توسط لشکر ۷ ولی عصر^(عج) پوشش داده شده بود این لشکر می‌بایست با لشکر ۱۴ در اهداف مشخص الحاق می‌کرد، اما این الحاق صورت نگرفت. نیروهای گردان حضرت امیرالمؤمنین^(ع)، به سرعت با استفاده از فاصله کم کانال خودی با کمین‌های عراق، به سمت دشمن یورش بردند؛ نیروهای دشمن اکثر سنگرهای کمین را از ترس، تخلیه کرده بودند. هنگامی که فرماندهان گردان قصد داشتند نیروها را به صورت ستونی سازماندهی و از داخل کانال‌ها به خط دفاعی دشمن هدایت کنند، متوجه حضور نیروهای دشمن در بالای کانال‌ها شده و با استفاده از نارنجک و سلاح آنها را کشته یا فراری دادند. پس از این درگیری و عبور از کانال، نیروهای گردان



عملیات خیبر - اسفند ماه ۱۳۶۲ - اعزام تعدادی زیادی از نیروهای گردان حضرت امیر لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) از ساختمان‌های شهرک دارخوین به منطقه عملیات

پس از عقب‌نشینی یگان‌ها از شرق رودخانه دجله، تمام توان رزمندگان به حفظ جزایر مجنون معطوف شد. هم‌زمان با پاتک‌های ارتش عراق، بار دیگر با کمک لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، به لشکر حضرت رسول مأموریت داده شد تا در طلائیة عملیات کند. این عملیات در شب پنجشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۱۱ اجرا شد.

در طرح مانور مقرر شد که لشکر با ۵ گردان امام

کانال‌هایی که عمق آن ۳ متر و عرض آن ۲ متر بود) حفر کرده و میادین زیادی به وجود آورده بود که طول آنها گاه به ۷۰۰ متر می‌رسید، مهندسی نتوانست خاکریز بزند و در آنجا مستقر شود. در این عملیات توپخانه دشمن بسیار فعال بود و تلفات سنگینی را به رزمندگان لشکر امام حسین^(ع) وارد کرد. با افزایش فشار دشمن روی رزمندگان لشکر ۱۴، فرماندهی لشکر خود در خط حاضر شد. در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۲ ساعت حدود ۱۰ صبح، خبر می‌رسد که

فرماندهی لشکر بر اثر آتش خمپاره زخمی شده است و ی همچون علمدار کربلا دست راست خود را تقدیم انقلاب کرد.^{۸۲}

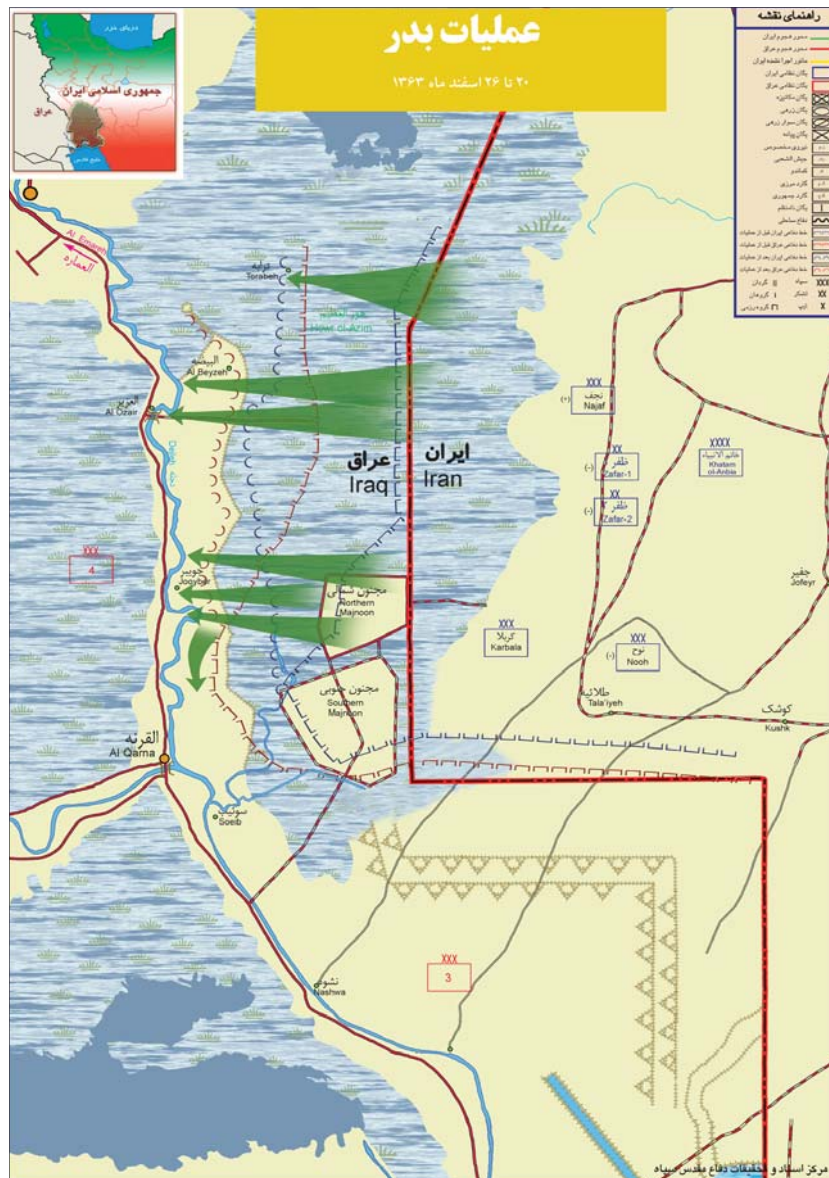
به‌طور کلی در این عملیات لشکر امام حسین^(ع) خط اول دشمن را در طلائییه شکست و تلفات زیادی به آنان وارد کرد، ولی به دلیل عدم موفقیت نیروهایی که قرار بود از جزیره مجنون جنوبی عملیات را آغاز کنند، یگان‌ها به پل طلائییه نرسیدند و راه باز نشد.^{۸۳}



عملیات بدر

لشکر امام حسین^(ع) با استقرار در شط علی، منطقه‌ای در نزدیکی هور، بلافاصله شناسایی منطقه را در خط اول دشمن شروع کرد. با نظر فرماندهی لشکر مقرر شد که در عمق هور خطوط پدافندی به صورت پاسگاهی بر روی پل‌های شناور زده شود تا با کاهش فاصله از نزدیک از وضعیت دشمن شناسایی به عمل آید. از این روی، چهار پاسگاه به فاصله‌های زیادی از همدیگر در هور مستقر شد و

عملیات بدر در جبهه جنوبی در منطقه هورالهویزه با هدف قطع جاده بصره - العماره و تهدید بصره از شمال از تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ تا ۱۳۶۳/۱۲/۲۶ در زمینی به وسعت ۸۰۰ کیلومتر مربع به مرحله اجرا درآمد. لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات تحت امر قرارگاه نجف با ۱۵ گردان در یک مرحله وارد عمل شد.^{۸۴}



گردان یازهرا^(س) که در حال آماده‌باش در پاسگاه‌ها مستقر بود، به دلیل دشواری بودن جمع‌آوری نیروها، از گردان حضرت ابوالفضل^(ع) که در شطّ علی مستقر بود کمک گرفت. یگان‌های زرهی دشمن از مناطق دیگر به سمت نیروهای خودی در حرکت بودند، کمبود زمان، فاصله زیاد و کمبود امکانات و از سوی دیگر درگیری گردان‌های لشکر با کمین‌ها، دلایلی بودند که موجب شد رزمندگان به اهداف خود نرسند. در شب دوم، با رشادت نیروهای گردان حضرت ابوالفضل^(ع)، دشمن متحمل تلفات سنگینی شد و این درحالی بود که پشت سر نیروهای اسلام آب‌گرفتگی و پشت سر دشمن، خشکی بود.

در این منطقه فرماندهان سه گردان شهید و فرمانده یکی از گردان‌ها با تعدادی از نیروها اسیر شد. همچنین فرمانده گردان موسی بن جعفر^(ع) در صبح همین عملیات به شهادت رسید و نیروهای باقیمانده بنا به دستور به عقب بازگشتند. چند شب بعد قرار شد دوباره گردان‌های این لشکر برای عملیات هلی‌برد شده و خود را به اهداف قبلی (پل‌های روی رودخانه) برسانند که این کار هم میسر نگردید و پدافند از جاده خندق که در عمق هور از طرف عراقی‌ها زده شده بود، به لشکر واگذار گردید. طول این جاده حدوداً به سیزده کیلومتر می‌رسید.^{۸۷}

عملیات والفجر ۸

عملیات والفجر ۸ در جبهه جنوبی در منطقه فاو با اهداف انهدام سکوهای پرتاب موشک، تصرف شهر فاو، تأمین خور موسی و تردد کشتی‌ها به بندر امام خمینی، تسلط بر اروندرود، تهدید بندر ام‌القصر، هم‌مرزی با کویت و مسدود کردن راه ورود عراق به خلیج فارس، در چهار مرحله از تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ تا ۱۳۶۵/۲/۱ به وسعت ۸۰۰ کیلومتر به مرحله اجرا درآمد و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تحت امر قرارگاه کربلا در سه مرحله وارد عمل شد.^{۸۸}

برای پدافند از این مناطق نیز از گردان‌های عملیاتی استفاده شد که هرکدام چندین روز در آنجا به حالت پدافند باقی ماندند. که این امر باعث شد نیروها نسبت به منطقه، آشنایی نسبی پیدا کنند. آموزش نیروها نیز در آب‌های کنار جاده شادگان که شباهت زیادی با منطقه هور داشت انجام گرفت. هدف لشکر در این عملیات، در منطقه‌ای به نام "بین‌البیضه" و "الصخره" بود که باید پس از شکستن خطوط این منطقه حرکت لشکر تا منطقه‌ای که ۳ پل بر روی رودخانه دجله قرار داشت ادامه پیدا می‌کرد، از این سه پل، ۲ پل آن نظامی و یک پل آن به نام العزیر به منطقه عملیاتی منتهی می‌گردید.^{۸۹}

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات با ۲ محور وارد عمل شد: محور یکم گردان خط‌شکن به همراهی غواصان آموزش‌دیده گردان امیرالمؤمنین^(ع) بود و محور دوم گردان حضرت موسی بن جعفر^(ع) که به کمک غواصان و نیروهای این گردان باید خط دشمن - که دژ محکم بود - شکسته می‌شد. پس از تسخیر دژ، گردان‌ها یکی پس از دیگری، برای درهم‌کوبیدن استحکامات و گرفتن منطقه وارد عملیات شدند. در توجیهات عملیاتی قرار بر این شد که گردان‌های امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) با تصرف کمین‌های دشمن خود را به خط دشمن رسانده و منطقه را پاک‌سازی کنند. گردان یازهرا^(س) در ادامه عملیات، خود را به آخرین پل (پل العزیر) رسانده و بدین وسیله نیروهای تخریب، راه ارتباطی شرق و غرب را قطع کردند. عملیات در منطقه‌ای که گردان‌های امام محمدباقر^(ع) و حضرت ابوالفضل^(ع) و چند گروهان مستقل درگیر بودند، ادامه یافت و به کمک نیروهای تخریب، این پل‌ها نیز از میان برداشته و در شب اول عملیات خطوط دشمن درهم کوبیده شد. در ادامه گردان‌های امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) با روبه‌رو شدن با کمین‌های دشمن متوقف گردیدند و از رسیدن به اهداف خود بازماندند.^{۸۹}

این مأموریت به گردان حضرت ابوالفضل^(ع) واگذار شد که فرماندهی آن برعهده حسن قربانی بود. حسین خرازی مأموریت بقیه واحدها در شب چهارم را بدین ترتیب معین کرد:

توپخانه و ادوات با دستور فرمانده لشکر و در زمان مشخص، یک کیلومتر بالاتر از سهرای و اطراف کارخانه نمک را گلوله باران کنند؛ واحد زرهی برای مهمات رسانی و بردن نیرو ۲ نفر به گردان تحویل دهد؛ واحد تخریب با هر گروهان ۲ نفر تخریبچی به جلو بفرستد که اگر عراقی ها جایی را مین گذاری کرده بودند، نیروها زمین گیر نشوند.^{۹۲}

عملیات گردان حضرت ابوالفضل^(ع) از آخرین نقطه خط مقدم لشکر شروع شد. آنها باید بعد از حدود ۳ کیلومتر پیشروی به طرف کارخانه نمک با نیروهای یگان های دیگر الحاق و حمله را آغاز می کردند.^{۹۳}

در تاریکی شب و در پیشاپیش فرمانده گردان، افراد با گرای مشخص در ساعت ۳۰: ۲۱ از نقطه رهایی و خاکریز خودی عبور داده شدند و به سمت هدف شروع به حرکت کردند.^{۹۴} فرماندهان گروهان ها در لابه لای ستون قرار گرفته و به وسیله بی سیم با برادر حسن قربانی، فرمانده گردان در ارتباط بودند. نیم ساعت پس از حرکت گردان، ساعت شروع حمله سراسری فرا رسید. برادر خرازی پس از دریافت گزارش حسن قربانی در مورد اینکه به هدف نزدیک شده است، با حالتی ملتهب و نگران متذکر شد که گردان باید هرچه زودتر آماده شود: «حسن جان از سمت چپ هم (نیروهای خودی) دارند می آیند یک جوری عمل کن که مشکل نداشته باشی، زیاد نمی خواهد گسترش پیدا کنی».

نفرات گردان با هدایت خوب برادر حسن قربانی همچنان با حفظ نظم به راه ادامه دادند. چیزی از شروع درگیری در محور چپ جاده نگذشته بود که نیروهای دشمن مستقر در مقابل این گردان نیز حساس شده و شروع به پرتاب منور و روشن کردن پرژکتورهای تانک کردند. فرمانده لشکر با اضطرابی به مراتب بیش از گذشته

با بی سیم فرمانده گردان را صدا زد:

برادر خرازی: حسن، حسن از حسین.

برادر حسن: به گوشم، به گوشم.

برادر خرازی: کار خودتان را محکم شروع کنید. معطل

نکنید. دیگه بسم الله را بگویید.

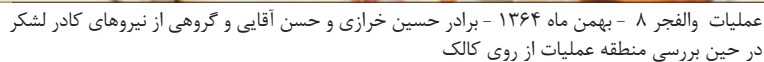
با وجود نگرانی فرمانده لشکر، افراد گردان حضرت ابوالفضل^(ع) با ابتکار عمل جالب فرمانده آن، بسیار سریع به سمت هدف پیشروی کردند. او با بی سیمی که در دست داشت به محض پرتاب و روشن شدن هر منور، به کلیه نفرات خود دستور درازکش می داد، در یک لحظه تمام افراد گردان در لابه لای چاله ها پنهان می شدند. از این میان فقط فرمانده گردان سر خود را بالا نگاه داشته و با استفاده از روشنایی منورهای دشمن و نیز نور پرژکتورهای تانک، هرچه بیشتر و بهتر منطقه را شناسایی می کرد. نورافکن تانک ها با چرخش خود، سنگرها، مواضع و تجمعات دشمن را نمایان می ساختند.

با خاموش شدن منورها کلیه افراد به دستور فرمانده گردان به حرکت ادامه می دادند. فرمانده گردان هر بار با تکرار این کار گردان را به نزدیکی دشمن رساند و از نقطه نزدیک تری به شناسایی دشمن پرداخت.^{۹۵}

نیروهای این گردان با استفاده از روشنایی منورها و نورافکن تانک های دشمن تجمعات عراقی ها را شناسایی کرده و با عبور از نقاط خالی منطقه دشمن به میان آنها نفوذ کردند. فرمانده گردان برای هر تجمع دشمن که بدون سنگر در پناه تانک ها به استراحت مشغول بودند، یک دسته از نیروهای گردان را مأمور کرد.^{۹۶}

در ساعت ۲۳، افراد گردان در اطراف سهرای بدون کمترین جلب توجه دشمن، به میان نفرات و تانک های آنها رسوخ کردند، ولی با تأکید و راهنمایی فرمانده گردان، رزمندگان اسلام درگیری را شروع نکردند و منتظر دستور فرمانده خود ماندند.

سرانجام پس از تأکیدات مکرر برادر خرازی، در وضعیتی که در سمت چپ جاده بصره درگیری با شدت زیاد ادامه داشت. فرمانده گردان حضرت ابوالفضل^(ع)



با طراحی برادر حسن قربانی آن‌قدر رزمندگان گردان حضرت ابوالفضل^(ع) به نیروهای دشمن نزدیک می‌شوند که با شروع درگیری دشمن توان هیچ‌گونه عکس‌العملی را از خود نداشته و سیل خروشان گردان چون باران بر سر سر دشمن یعنی ریخته و نفرات تا دندان مسلح دشمن را به هلاکت می‌رسانند به‌طوری‌که بوی خون و باروت منطقه نبرد را در بر می‌گیرد. شهید سعید قفقازی همراه دو تن از هم‌زمان خویش ستون ۵۰ نفری دشمن را که برای پشتیبانی از نیروهای خود وارد منطقه شده بودند ناگهان زیر آتش سلاح‌های خود گرفته و به هلاکت می‌رسانند.^{۹۸}

سال سیزدهم □ شماره پنجاه و دوم □ بهار ۱۳۹۴



عملیات والفجر ۸ - بهمن ماه ۱۳۶۴ - عبور رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) با تجهیزات کامل از یکی از جاده‌های فرعی رودخانه اروند

منه‌دم کرده و آنها را کشتند. الحمدلله این عملیات یک تحلیل کلی از وحدت و انسجام برای همه برادرها بوده است. ان‌شاءالله نفراتی از قرارگاه بیایند که ببینند چند نفر از نیروهای گارد صدام را بچه‌ها کشتند. بچه‌ها می‌گویند که یقیناً بیش از هزار نفر از اینها کشته شدند.^{۱۰۰}

مسئول ستاد لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات والفجر ۸، برادر سید علی بنی لوحی در وصف حماسه‌آفرینی رزمندگان گردان حضرت ابوالفضل (ع) به جانشین فرماندهی این گردان در این عملیات می‌گوید: «انهدام گارد ریاست جمهوری و رشادت دلاورمردان گردان شما در تاریخ جنگ بی‌نظیر است. چنانچه تاکنون چنین عملیاتی وجود نداشته و نخواهد داشت.^{۱۰۱}»

در ادامه عملیات غرورآفرین والفجر ۸ باتوجه به اینکه هنوز خط پدافندی سهرای کارخانه نمک، کاملاً تثبیت نشده بود، گردان امیرالمؤمنین (ع) برای تثبیت مواضع خودی در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۱ از خط خودی پیشروی کرد، اما بر اثر درگیری با یک تیپ تاندان مسلح دشمن در کارخانه نمک، متحمل تلفات شدیدی شد و بنا به دستور فرماندهی به مواضع اولیه خود بازگشت و اهداف اصلی این تک تأمین نشد.

سهرای هم‌چنان مشغول انهدام لشکر گارد بود. سرانجام پس از چندین ساعت درگیری سخت، این گردان با ابتکار عمل بسیار جالب و شجاعانه فرمانده خود و هجوم قدرتمندانه بسیجیان، توانست با کمترین تلفات، نیرویی از دشمن را منهدم سازد که قوی‌ترین نیروی ارتش عراق به شمار می‌رفت. بنا بر اطلاعات کسب‌شده و نیز اظهارات اسیران لشکر گارد، این نیروها با استعداد دو تیپ پیاده و یک تیپ زرهی به حالت تهاجمی در دشت و در پناه تانک‌ها مستقر شده بودند که به دلیل نوع مأموریتشان از ایجاد استحکامات دفاعی و حتی پیش‌بینی کمین یا میدان مین غفلت ورزیده بودند. لشکریان اسلام با اجرای تک پیش‌دستانه موجب انهدام وسیع آنان شدند.

شهید خرازی در جلسه حضوری با فرمانده قرارگاه کربلا و در جمع‌بندی اقدامات لشکرش، نبرد نیروهای گردان حضرت ابوالفضل (ع) با گارد صدام را چنین تشریح می‌کند:

«گردان حضرت ابوالفضل (ع) ما با دو تیپ از عراق در اینجا - تیپ ۱۱ زرهی و یک تیپ از گارد ریاست جمهوری که پیش‌مرگ صدام می‌باشند و وفادارترین نیروهای صدام هستند - درگیر شدند. الحمدلله گردان، حساسی اینها را

با افتخار، به تمامی اهداف از پیش تعیین شده خود دست یافتند. به این ترتیب، خط پدافندی سهرای کارخانه نمک کاملاً تثبیت شد و امکان رخنه دشمن از این مواضع کاملاً برطرف گردید. لازم به ذکر است، گردان‌هایی که در خط بودند شامل گردان امام حسن^(ع)، یا مهدی^(عج) و امام محمدباقر^(ع) بودند که هم پشتیبانی و هم وظیفه پدافند در خط را انجام می‌دادند.^{۱۲}

بار دیگر رزمندگان اسلام، به منظور تثبیت خط پدافندی کارخانه نمک، عملیات غرورآفرین صاحب‌الزمان^(عج) را اجرا کردند. دو گردان امام موسی بن جعفر^(ع) و امام حسین^(ع) در تاریخ ۱۳۶۵/۲/۸ به همراه یک گردان پشتیبان از دو محور سمت چپ و راست به طرف دشمن یورش بردند و در یک درگیری شدید و با رشادتی که از خود نشان دادند، دشمن بعضی را از مواضع خود عقب رانده و



۴۴۴

عملیات کربلای ۳

عملیات کربلای ۳ در شمال خلیج فارس در تاریخ ۱۳۶۵/۷/۱۰ با اهداف تکمیل عملیات والفجر ۸ با ساقط کردن مهم‌ترین پایگاه دریایی دشمن و کوتاه کردن دست او از شمال خلیج فارس؛ ایجاد فضا و منطقه سالم دریایی برای کشتیرانی؛ اجرای یک عملیات دریایی و نشان دادن حضور مقتدرانه نیروی دریایی سپاه در خلیج فارس به مرحله اجرا درآمد. لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات با هدف انهدام سکوهای البکر و العمیه تحت امر قرارگاه نوح به استعداد ۳ گردان، در یک مرحله وارد عمل شد.^{۱۳}

فرمانده عملیات متناسب با هدف عملیات و نیز باتوجه به محدودیت منطقه عملیاتی استعداد و سازمانی در حد ۳ گردان، شامل یک گردان عملیاتی و دو گردان برای احتیاط به شرح ذیل تدارک دید:

۱. گردان حضرت یونس به عنوان گردان خط‌شکن با استعداد سه گروهان: گروهان‌های حضرت نوح^(ع)، حضرت موسی^(ع) و حضرت اسماعیل، هر گروهان دارای سه دسته و هر دسته شامل دو تیم با استعدادهای مختلف.

۲. گردان حضرت امام رضا^(ع): با دو گروهان تقویت شده.

۳. گردان حضرت امام محمدباقر^(ع).

مقرر شد غواصان خط‌شکن از سه محور به اسکله العمیه هجوم ببرند، به این ترتیب که یک دسته از گروهان جدا شده، با رعایت اصل غافلگیری و نیز حفظ سازمان خود، علاوه بر دو محور فوق از محور وسط اسکله هم به خط دشمن حمله کنند. بدین ترتیب غواصان می‌توانند هم‌زمان روی کل هدف وارد عمل شوند. این اقدام نه تنها باعث تقسیم آتش دشمن می‌شد، بلکه ابتکار عمل را به دست نیروهای خودی می‌داد.

همچنین گروهان تقویت شده سوار شناور که متشکل از عده‌ای از غواصان عملیاتی گردان حضرت یونس بود، مأموریت داشت با شروع حرکت غواصان، به سوی هدف

حرکت کند و هنگامی که نیروهای پیشتاز درگیر شدند، به سرعت به سوی اسکله پیشروی کرده در پاک‌سازی و پدافند اسکله‌ها به غواصان کمک کند.

نداشتن بی‌سیم‌های ضدآب، و قطب‌نماهای مناسب و نبود قایق‌های مجهز به رادار از مهم‌ترین کاستی‌های تدارکاتی لشکر ۱۴ بود، باین حال کمبود امکانات مانع از حرکت غواصان و خط‌شکنان لشکر ۱۴ نشد.

در غروب روز ۱۳۶۵/۷/۹، ابوشهاب که هدایت عملیات را بر عهده داشت آخرین توصیه‌های ضروری را کلیه نیروهای عمل‌کننده بازگو کرد.

فرمانده قرارگاه مقدم عملیاتی نوح در توصیف رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) می‌گوید:

«غواصان هیچ‌امیدی به پشتیبانی هوایی، هلیکوپتری، توپخانه، حتی گردان پشت سر و سلاح نداشتند. اصلاً امیدی به این چیزها نداشتند. فقط به دو چیز امید داشتند: خدا و خودشان؛ اعتماد به خدا و اتکاء به نفس خودشان.» در ساعت ۲۱، پس از اطمینان از آمادگی نیروها به مسئول محور و گردان دستور حرکت داده شد. غواصان ظرف مدت ۱۵ الی ۲۰ دقیقه سوار دو فروند قایق والفجر که کنار اسکله، پهلو گرفته بودند، شدند. در ساعت ۲۲:۵ دقیقه مسئول محور خبر رسیدن نیروها را به بویه ۶ و دقایقی بعد خبر رسیدن شناورها را به بویه ۸ به اطلاع فرماندهی رساند.

ساعت ۲۲:۲۰ رزمندگان ناگهان متوجه تغییرات تدریجی آب خلیج فارس شدند. قدرت آرام و طبیعی آب به‌طور غیرمنتظره‌ای در حال دگرگونی و امواج ناشی از آن در حال افزایش بود. هم‌زمان باد نسبتاً شدیدی شروع به وزیدن کرد. وقوع چنین وضع غیرمترقبه‌ای باعث نگرانی شدید غواصان و فرماندهان و مسئولان مستقر در منطقه شد، چراکه پیش‌بینی شده بود شناورها براساس جدول زمان‌بندی در ساعت ۲۲:۳۰ هم‌زمان با شروع جزر پای سه‌پایه العمیه باشند و از آنجا به‌عنوان نقطه رهایی، غواصان به آب انداخته شوند. کنترل قایق‌ها به دلیل افزایش قدرت آب و تلاطم دریا به‌سختی انجام می‌شد.

کسب آمادگی مجدد و برطرف کردن معایب شب اول مجدداً آماده عملیات شدند.

در شب دوم عملیات، غواصان پس از عبور از بویه ۸ به یک کیلومتری سه پایه می رسیدند و در تاریکی مطلق منتظر راهنمایی قایق دوم که پیش از شروع عملیات برای علامت دادن به نیروها به سوی سه پایه العمیه اعزام شده بود، ماندند. اما اثری از قایق دوم نبود. فرمانده گردان حضرت یونس و مسئول محور ضمن گزارش به فرماندهی درخواست کردند قبل از رفتن زمان، موقعیت آنها نسبت به سه پایه العمیه توسط رادار بررسی و با دادن گرای مناسب، غواصان به سوی هدف راهنمایی شوند. در ساعت ۸ دقیقه بامداد، فرمانده عملیات با نگرانی تصمیم گرفت با حضور در کنار بویه ۸ ارتباط خود را با نیروهای غواص نزدیک تر کند. دقایقی بعد برادر آستانه مسئول طرح و عملیات، از مشکوک شدن رادارهای دشمن نسبت به حجم تردد شناورهای خودی به فرمانده عملیات خبر داد. اعلام هوشیاری دشمن، دومین مشکل بر سر راه عملیات بود. در این میان ناگهان اوضاع جوی دگرگون شده، نسیم ملایمی که دقایقی پیش شروع شده بود به باد تندی تبدیل گشت.^{۱۰}

نیروها به صورت فشرده در کنار یکدیگر نشسته بودند و نمی توانستند خود را کنترل کنند. لباس غواصی، شدت گرما، شرجی بودن هوا و دریازدگی، حالت تهوع و سرگیجه شدیدی بین نیروها ایجاد کرده بود. در همین حین وزش باد از سمت جنوب شرق به سمت شمال غرب، بر شدت امواج دریا و تلاطم شدید آب می افزود، طوری که قایق ها دیگر قابل کنترل نبودند.^{۱۱}

در ساعت ۲۳:۲۲، برادر محمدرضا ابوشهاب برای خروج نیروها از بحران، در تماسی با برادر موسوی پیشنهاد کرد تا گروهان سوم گردان حضرت یونس (گروهان سوار شناور) به منطقه اعزام و جایگزین شوند و عملیات به هر نحو ممکن اجرا شود. اما با این پیشنهاد موافقت شد، زیرا از نظر فرمانده غواصان، مهم ترین اصل؛ یعنی زمان از دست رفته بود، ضمن آنکه هنوز سه پایه العمیه از دید نیروها پنهان بود. تاریکی مطلق آسمان و شدت امواج و تلاطم ناشی از آن باعث کندی حرکت و انحراف شناورها شده است. لذا برادر ابوشهاب در ساعت ۴۲ دقیقه بامداد، ضمن هماهنگی با فرماندهی کل سپاه و اعلام آمادگی برای ۲۴ ساعت تأخیر در عملیات دستور برگشت به مواضع خودی را صادر کرد. غواصان پس از



عملیات کربلای ۳ - شهریور ماه ۱۳۶۵ - جلسه بررسی مانور عملیات با حضور برادران ابوشهاب جانشین لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، موسوی مسئول اطلاعات اسلامیان جانشین سپاه دوم، شریفی مسئول لجستیک و بابایی جانشین گردان زرهی در منطقه دارخوین

دریا و نیز مشکلی که در حرکت آن‌ها به علت پایان یافتن جزر و آغاز مد که توأم با تغییر جهت جریان آب دریا از سمت جنوب به سمت شمال خلیج فارس ایجاد شد، ناخواسته از ستون جدا می‌شوند و چون توانشان تا حد زیادی تحلیل رفته است، دیگر نه تنها موفق به الحاق با غواصان گروهان ۱ (حضرت موسی) نمی‌شوند، بلکه جریان آب آن‌ها را لحظه به لحظه از اسکله دور می‌کند. در این میان فقط ۴۰ غواص از گروهان حضرت موسی موفق به حفظ انسجام و سازمان خود می‌شوند، درحالی که تعدادی از غواصان تجهیزاتشان به قعر آب فرو رفته است. با این حال مصمم هستند خود را به اسکله برسانند. آنان برای موفقیتشان متوسل به اهل بیت می‌شوند. ساعت ۴:۳۰ به هر حال استغاثه و تلاش خستگی ناپذیر غواصان بی نتیجه نماند. آنان خود را به صد متری اسکله می‌رسانند^{۱۶}

برادر مهدی مظاهری به عنوان اولین نفر و برادر جان نثاری به دنبال آن از نردبان بالا رفته و خود را به روی اسکله می‌رسانند و نگهبانان را به هلاکت می‌رسانند. ساعت ۴:۲۰ را نشان می‌دهد. آسمان منطقه کمی روشن می‌شود. از این زمان به بعد، دشمن کاملاً متوجه حضور رزمندگان در اطراف پد هلی کوپتر شده است، لذا ضمن تیراندازی به سوی آن‌ها، حجم سنگینی از آتش را متوجه غواصانی می‌کند که با عجله مشغول بالا آمدن از نردبان اسکله هستند. چند کیلومتر عقب‌تر از محل درگیری، درحالی که عملیات غواصان روی اسکله شروع شده است، برادر ابوشهاب و دیگر مسئولین عملیات بی خبر از سرنوشت غواصان، غمگین و مضطرب به سر می‌برند، زیرا تمام تلاش‌ها و تدابیری که برای کشف موقعیت غواصان به کار بسته‌اند، ناکام مانده است، خصوصاً آنکه ارتباط بی سیم با غواصان برقرار نگردیده، و تلاش مسئول اطلاعات که به توصیه فرماندهی عملیات به جلو رفته تا سرنخی از موقعیت غواصان به دست آورد، بی نتیجه مانده است. به همین دلیل برادر ابوشهاب پس از قطع امید و گزارش آخرین وضعیت به رده بالاتر و کسب اجازه از

غواصان آماده ورود به آب شدند. آنان تجهیزات انفرادی خود را بررسی کرده و نکات لازم را رعایت کردند. نیروهای هر سه گروهان که هریک به عنوان یک محور عملیاتی محسوب می‌شدند، سعی کردند در محورهای خود قرار گیرند. گروهان ۱ (حضرت موسی) انهدام تجهیزات و ساختمان چندطبقه که مرکز فرماندهی قوای دشمن به حساب می‌آمد را به عهده داشت. گروهان ۲ (گروهان حضرت نوح) مأمور تأمین و پاک‌سازی وسط اسکله و مأموریت گروهان ۳ (گروهان حضرت اسماعیل) در سمت چپ پدهلی کوپتر بود. سازمان محوری نیروها به هم خورد، زیرا نامساعد بودن اوضاع جوی و نیز نگرانی و عجله غواصان برای جبران زمان ازدست‌رفته، کنترل اوضاع را مشکل کرده است. چند کیلومتر عقب‌تر فرمانده عملیات که در تلاش بود خود را به بویه ۸ برساند، توفیقی به دست نیاورد، زیرا با افزایش فوق‌العاده تلاطم دریا، آب داخل قایقش شده و همه چیز را به هم ریخته بود. شدت امواج و حجم آب ریخته‌شده در قایق فرماندهی به حدی بود که سرنشینان آن چند بار مجبور می‌شدند آب درون قایق را تخلیه کنند.

اضطراب فرماندهان را فرا گرفته بود. ارتباط بی سیمی قطع شده بود. این لحظات پر اضطراب درحالی سپری می‌شود که ۴۰۰۰ متر جلوتر از شناور فرماندهی، از ساعت ۳ بامداد، ۴۰ غواص صبور و بی‌پاک درحالی که ارتباط خود را با ۸۰ هم‌رزم دیگرشان به دلیل وقوع پدیده مد و افزایش فوق‌العاده قدرت آب دریا ازدست داده بودند، همچنان با حفظ سازمان خود به مسیرشان ادامه می‌دادند با آب مشغول‌اند. آنان بی‌باکانه و با سماجت تلاش می‌کنند خود را به مواضع دشمن، روی اسکله العمیه برسانند و این در وضعیتی است که نیروهای گروهان ۳ (محور سمت چپ) و دسته ۲ (گروهان حضرت نوح در محور وسط) که با زحمت فراوان موفق شده‌اند تا ۷۰۰ متری اسکله پایه پای سایر هم‌رزمان خود پیش روند، به دلیل مواجهه با امواج سهمگین و متوالی

[illegible]

آنان، دستور بازگشت به مواضع اولیه را به سوار شناورها صادر می‌کند. برادر موسوی در ساعت ۵۰: ۴ با ارسال خبر درگیری روی اسکله العمیه، موجب هیجان و شادی می‌شود.

در همین حال ناگهان شنود خودی در سنگر فرماندهی قرارگاه نوح خبری از دشمن ارائه می‌دهد به این مضمون که روی اسکله العمیه بین نیروهای عراقی و نیروهای مهاجم درگیری است. ابوشهاب که در کنار بویه ۸ به سر می‌برد به مسئول اطلاعات و عملیات دستور می‌دهد یک بار دیگر به‌سوی اسکله برود تا اطلاعاتی کسب کند.

برادر موسوی در ساعت ۵۰ : ۴ با ارسال خبر درگیری روی اسکله العمیه، موجب هیجان و شادی می شود.

با اعلام رمز عملیات، دستور حمله شناورها به سوی اسکله العمیه صادر می شود. رزمندگان متعاقب دریافت این دستور از طریق بی سیم بانگ الله اکبر سر داده، درحالی که شادی وجودشان را فرا گرفته، با سرعت میان امواج پرتلاطم به سوی اسکله حرکت می کنند. ساعت ۵:۲۰ علی رغم گذشت یک ساعت از حضور غواصان روی

عملیات کربلای ۴

عملیات کربلای ۴ در جبهه جنوبی، در منطقه ابوالخصب با هدف تصرف ابوالخصب و محاصره نیروهای مستقر در شبه جزیره فاو و تهدید بصره از جنوب از تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ تا ۱۳۶۵/۱۰/۵ به مرحله اجرا درآمد و در این عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تحت امر قرارگاه قدس با ۱۳ گردان وارد عمل شد.^{۱۹}

لشکر ۱۴ در مرحله اول مأموریت داشت با عبور از اروندرود، جزیره‌های ام‌الرصاص و بلجانیه را پشت سر گذاشته و در پشت جاده آسفالت، پدافند کند.^{۲۰}

ابتدا واحد اطلاعات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به وسیله نقشه‌های جغرافیایی، عکس‌های هوایی، گشت‌زنی، اسرای دشمن، عناصر نفوذی و استراق‌سمع از وضعیت دشمن اطلاعات مورد نیاز را به‌دست آورد. وضعیت زمین در این عملیات به‌نحوی بود که یگان‌ها نمی‌توانستند به‌صورت مجزا کار کنند، بلکه نسبت به عملیات‌های قبلی باید با یکدیگر هماهنگی بیشتری داشته و پیروزی هر یگان رهگشای یگان بعدی بود.

سپس نقل‌وانتقال و جابه‌جایی وسایل سبک و سنگین اعم از وسایل مهندسی، تدارکاتی و زرهی و تنظیم راه‌های عقبه و به‌خصوص انتقال یگان‌های آبی دور از دید دشمن به‌نحو مطلوب صورت گرفت. در مرحله بعد، نیروهای عمل‌کننده خیز اول (غواص‌ها) برای اجرای عملیات آماده شدند.

مرحله اول توسط غواص‌هایی که از چند ماه قبل به‌صورت خاص انتخاب شده و در کارون و اروندرود تمرین کرده و به اندازه کافی آموزش دیده بودند اجرا شد. نیروهای پیاده باید پس از شکسته‌شدن خط دشمن توسط غواص‌ها به‌وسیله قایق، برای ادامه عملیات اعزام می‌شدند.

در این عملیات سه محور عملیاتی وجود داشت:

۱. جزیره ام‌الرصاص و بلجانیه با مسئولیت برادر حسین رضایی اردستانی
۲. ساحل خشکی دشمن با مسئولیت برادر حسن آقایی
۳. ساحل خشکی دشمن با مسئولیت حسین رضایی

اسکله، جنگ و گریز میان رزمندگان با دشمن فراگیر نشده و نیروهای خودی با تهدید جدی دشمن مواجه نشدند. ساعت ۵:۳۰ درگیری به تدریج شدت می‌یابد. اوضاع دگرگون می‌شود و هیاهوی شادی جبهه شمالی اسکله را در بر می‌گیرد، زیرا غواصان شاهد نزدیک شدن قایق‌های تندرو هستند.^{۲۱}

با نزدیک شدن قایق‌ها به اسکله، دشمن که کاملاً مستأصل و وحشت زده به نظر می‌رسد، مصمم شده است با به کارگیری تمام توان و تدابیر نظامی خود مانع دستیابی رزمندگان به اسکله شود، زیرا می‌داند خطر جدی، الحاق رزمندگان با همدیگر است. از سوی دیگر، ۳۹ غواص که دقایقی طولانی از پیشروی به‌طرف جنوب اسکله بازمانده‌اند درصدد بودند با عبور از پل و نفوذ به آن‌سوی اسکله، مقاومت دشمن را در هم بشکنند. با یک تصمیم مهم، دوسوم از غواصان اقدام به اجرای آتش پر حجم و متمرکز به سمت دو سنگر تیربار کردند و به این ترتیب تأمین مناسبی برای هم‌زمان خود فراهم ساختند تا آنها از روی پل عبور کنند و با شلیک آر.پی. جی و نارنجک به‌سوی سنگر دشمن، آتش را خاموش کنند. در ساعت ۶:۳۲ دستور به آتش‌کشیدن اسکله العمیه صادر شد.

با روشن‌شدن آسمان، هواپیمای دشمن نیز وارد منطقه شد و قایق‌ها را هدف قرار داد. در این هنگام، یکی از برادران غواص (علیزاده) به‌وسیله پدافند ۴ لول به‌طرف هواپیما شروع به تیراندازی کرد و هواپیما هدف قرار گرفته و سقوط کرد و باعث شادمانی رزمندگان شد. در ساعت ۸:۳۰ پس از تصرف اسکله، غواصان موج اول گردان حضرت یونس که جدال نفس‌گیری را با آب و جنگ سختی را با دشمن پشت سر گذاشته‌اند با شناورهای خودی به عقب منتقل شدند. بدین ترتیب با تصرف اسکله العمیه به‌دست غواصان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) شیوه جدیدی از نبرد توسط این رزمندگان به ثمر می‌نشیند و بار دیگر برگ زرینی دیگر از افتخار آفرینی در دوران دفاع مقدس نصیب این یگان می‌شود.^{۲۲}

برزانی^{۱۱۱}

کربلا اعلام کرد که دشمن نسبت به نیروهای غواص لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) حساس شده و به طرف نیروهای خودی تیربار زده و سپس شروع به شلیک منور کرده است. وی در ادامه از لشکر ۲۵ کربلا می‌خواست که غواصان و شناورهایشان را آماده رفتن به ساحل کنند.

فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) بابی سیم به برادر محسن رضایی گفت که: نیروهای ما روی ام‌الرصاص و بلجانیه رفته‌اند و در تنگه درگیر شده‌اند لذا باید لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۴۱ ثارالله وارد عمل شوند.

در همین حین برادر محمدرضا ابوشهاب مسئول عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) نیز به فرمانده قرارگاه، برادر عزیز جعفری اعلام کرد که به دلیل آتش شدید دشمن خصوصاً از جزیره ماهی و تعداد زیاد شهدا آب تعدادی از نیروهای ما را برده و نیروها در همه‌جا درگیر شده‌اند لذا به لشکرهای عاشورا و ثارالله بگویید وارد عمل شوند.

پس از گردان حضرت یونس^(ع)، گردان امام حسین^(ع) به فرماندهی علی باقری، مأمور پیشروی در جزیره بلجانیه بود. نیروهای گردان امام حسین^(ع) توسط قایق به صورت ستونی در اروندرود رأس ساعت ۱۵:۱۰ شب حرکت به سمت بلجانیه را آغاز کردند. گروهان اول میثم بود که

در طرح مانور ابتدا مقرر شد گردان غواص حضرت یونس^(ع) وارد رودخانه اروند شده و پس از بازکردن معبر مناسب، با نفوذ در خطوط مستحکم دشمن خط اول دشمن در جزایر ام‌الرصاص و بلجانیه را تصرف کند تا بعد از شکسته شدن خط در ادامه گردان‌های امام محمد باقر^(ع)، امام حسین^(ع)، حضرت ابوالفضل^(ع)، امام رضا^(ع)، حضرت امیرالمومنین^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) برای اجرای مأموریت سوار بر قایق وارد رودخانه اروند شوند.

عملیات در ساعت ۴۵: ۲۰ با رمز "یا اباعبدالله" آغاز شد. حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین^(ع) به فرمانده قرارگاه در ساعت ۴۷: ۲۰ اعلام کرد که نیروهای لشکر داخل آب رفته و تاکنون هیچ مشکلی پیش نیامده است.

گردان غواص حضرت یونس^(ع) که وارد آب شده بود به طرف مواضع دشمن پیشروی کرد، اما قبل از رسیدن به خط عراقی‌ها با آتش شدید دشمن مواجه گردید و تعداد زیادی از نیروهایش به شهادت رسیدند. باین حال، نیروها توانستند خط دشمن را شکسته و بخشی از جزایر ام‌الرصاص و بلجانیه را تصرف کنند.

حسین خرازی در ساعت ۲۱:۱۸، در پیامی به لشکر ۲۵



عملیات کربلای ۴ - دی ماه ۱۳۶۵ - نیروهای گردان حضرت یونس لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در میدان صبحگاه گردان به صورت نشسته و فشرده با تجهیزات کامل در منطقه دارخوین.

برادر محسن رضایی در بی سیم اعلام کرد: لشکرهای عاشورا و ثارالله نتوانستند غواص بفرستند. خاکریزهای اول و دوم در ام‌الرصاص و خاکریز اول در بلجانیه گرفته شده است. طبق گفته استراق سمع، آتش ما مؤثر بوده و عراقی‌ها درخواست نیرو کردند، دو گروهان نیز منهدم شده است. به سمت راست بگویید که با قایق به سمت بالا بروند.

برادر محمدرضا ابوشهاب به گردان‌های یا زهرا^(س) و امام حسن^(ع) اعلام می‌کند جهت انتقال به منطقه آماده باشند ساعت ۲۷ دقیقه بامداد، محمدرضا ابوشهاب به برادر محسن رضایی خبر داد که لشکرهای ثارالله و عاشورا هنوز اقدامی نکرده و نیامده‌اند. اگر مسئله این دو یگان حل نشود سمت راست لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) خیلی مشکل پیش می‌آید. رزمندگان یگان ما پیشروی کرده‌اند ولیکن لازم است رزمندگان لشکرهای عاشورا و ثارالله هرچه سریع‌تر پیشروی کنند. ما تمام نیروهایمان را فرستاده‌ایم اما سمت راست (جزیره ماهی) مشککش بسیار زیاد است و همچنان در حال تیراندازی به نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) می‌باشد.

حسین خرازی در ساعت ۴۹ دقیقه بامداد ۱۳۶۵/۱۰/۴، به فرمانده قرارگاه گفت: به قضیه ماهی رسیدگی کنید و همچنین قایق حسن آقایی (فرمانده محور) را زده‌اند.^{۱۱۴} در ادامه عملیات و باتوجه به اینکه یک دسته از گردان حضرت ابوالفضل^(ع) توانسته بود از تنگه عبور و خاکریز اول در بلجانیه را تصرف کند، به دلیل عدم پشتیبانی، و به دستور فرماندهی به جزیره ام‌الرصاص بازگشتند.^{۱۱۵}

مشکل عمده عملیات، جزیره ماهی و جزیره بوارین بود که در آغاز عملیات مسائلی را به وجود آورد. پس از آن حسین خرازی عنوان می‌کند که تلاش خود را روی جزیره ام‌الرصاص قرار داده و به جزیره ام‌البابی بروید.^{۱۱۶}

این حرکت توسط گردان امام رضا^(ع) شروع شد که از رأس جزیره ام‌الرصاص به جناح چپ کشیدند تا ارتباط جزیره ام‌الرصاص و جزیره ام‌البابی برقرار شود. ولیکن دشمن نبرد سختی را آغاز کرده و مانع عبور رزمندگان گردان امام رضا^(ع) شد و در این عملیات فرمانده و تعداد

تا نزدیکی تنگه رفت و به دلیل آتش شدید دشمن از سمت جزیره ماهی دیگر نتوانست به پیشروی خود ادامه دهد و دو گروهان دیگر هم تعداد زیادی مجروح و شهید داد که روی آب ماندند.^{۱۱۷}

در این عملیات فرمانده گردان، علی باقری به شهادت رسید و بقیه نیروها وارد جزیره ام‌الرصاص شدند و موفق به عبور از تنگه نشدند.

از طرف دیگر، گردان سوم، گردان امام محمد باقر^(ع) هم‌زمان با گردان امام حسین^(ع) مأموریت یافت، جزیره ام‌الرصاص را تصرف کند، با نفوذ غواصان لشکر ۱۴ در مواضع دفاعی دشمن در جزایر ام‌الرصاص و بلجانیه گردان امام محمد باقر^(ع) توانست در جزیره ام‌الرصاص پیاده شوند و مأموریت خود یعنی شکستن خطوط پدافندی دشمن در این جزیره را به نحو شایسته‌ای انجام دهد.^{۱۱۸}

حسین خرازی در این لحظات به دلایل شرایط سخت لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و به شهادت رسیدن تعداد زیادی از نیروهای این یگان، پیوسته از قرارگاه درخواست می‌کرد که نیروهای لشکر ۳۱ عاشورا و ۴۱ ثارالله وارد عمل شوند. گردان چهارم، گردان حضرت ابوالفضل^(ع)، مأمور عبور از خط گردان امام حسین^(ع) در جزیره بلجانیه گردید. رزمندگان این گردان سوار بر قایق در رودخانه اروند در حال پیشروی بودند که آتش شدید دشمن از سمت جزیره ماهی مانع ادامه کار شد و تعداد بسیاری از نیروهای این گردان به شهادت رسیدند و مابقی قایق‌ها به سمت جزیره ام‌الرصاص تغییر مسیر دادند. ولیکن با شجاعت و پایمردی، تعداد سه قایق از نیروهای این گردان در حدود یک دسته به همراه فرمانده خویش نتوانستند به بلجانیه برسند و پس از شکستن خطوط پدافندی دشمن در این جزیره نفرات زیادی از دشمن را به هلاکت رساندند.

در ساعت ۲۳:۱۶، محمدرضا ابوشهاب اعلام کرد: رزمندگان ما در بلجانیه بوده و در حال پیشروی می‌باشند و خاکریز اول بلجانیه را گرفتند. در ادامه وی به برادر رحیم صفوی گفت که دست راست ما عاشورا و ثارالله غواص نفرستاده‌اند. نیروهای ما خاکریز اول را گرفته‌اند.

[illegible]

زیادی از رزمندگان گردان امام رضا^(ع) شهید شدند.^{۱۱۷}
در ساعت ۶:۴۱ عزیز جعفری، فرمانده قرارگاه گفت
که لشکریهای ثارالله و کربلا هرطور شده باید دو سه گردان
وارد می کردند ولی آن طور که باید عمل نکردند و هنوز
درگیر نشده اند. نوک بوارین پاک سازی نشده و همین طور
مانده و رزمندگان به شدت زخمی شده اند.^{۱۱۸}
در ادامه عملیات، نیروهای باقیمانده در جزیره
المرصاص به نبرد با دشمن پرداختند و تا عصر روز بعد

مقاومت کرده و یک گروهان از گردان موسی بن جعفر^(ع) برای انهدام دشمن در جزیره ام الرصاص وارد عمل گردید که عملاً ناکام ماند و نیروها بنا به دستور، جزیره ام الرصاص را ترک و به مواضع اولیه بازگشتند.^{۱۱۹}

در این عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با رشادت فرماندهان و رزمندگان خود به اهداف ازپیش تعیین شده رسید، ولیکن به دلیل عدم الحاق از سمت یگان های مجاور، دلاور مردان این یگان به ناجار عقب نشینی کردند.

عملیات کربلای ۵

عملیات کربلای ۵ در جبهه جنوبی، در منطقه شلمچه با هدف تصرف شلمچه و پیشروی به سمت بصره از تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ تا ۱۳۶۵/۱۲/۴ به مرحله اجرا درآمد. لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تحت امر قرارگاه نجف با استعداد ۲۰ گردان در این عملیات وارد عمل شد.^{۱۲۰}

پس از عملیات کربلای ۴ و مشکلاتی که برای سپاهیان اسلام پیش آمد، حسین خرازی مطالب مهمی را در قرارگاه مرکزی مطرح کرد و اذعان داشت به سه دلیل مهم باید هرچه سریع‌تر در منطقه شلمچه عملیات گسترده‌ای را انجام داد. این سه دلیل چنین بود: نخست، دشمن به دلیل پیروزی به دست آمده بسیار مغرور شده و این روحیه دشمن موقعیت مناسبی را نصیب ما می‌کند؛ دوم اینکه در موقعیت کنونی تمام نیرو و تجهیزات ما در این منطقه مستقر است و نیازی به نقل و انتقال آنها نمی‌باشد؛ سوم اینکه خدا طبق آیات قرآن ما را ناامید نخواهد کرد و به حول و قوه الهی پیروز خواهیم شد. این پیشنهاد علمدار لشکر امام حسین^(ع) مورد تأیید فرماندهان سپاه قرار گرفت. دو هفته بعد از عملیات کربلای ۴ در منطقه شلمچه در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ عملیات کربلای ۵ آغاز گردید. اولین مصوبه قرارگاه این بود که یگان‌هایی که در عملیات کربلای ۴ حضور داشته‌اند، در مرحله اول عملیات کربلای ۵ شرکت ننمایند. براین اساس، لشکر امام حسین^(ع) نیز در مرحله اول عملیات جدید که ساعت ۱:۳۰ بامداد آغاز شد وارد عمل نشد.^{۱۲۱}

نیروهای واحد شناسایی قبل از عملیات برای اطلاع از وضعیت دشمن و کسب اطلاعات مورد نیاز در منطقه حضور یافتند. رزمندگان در محلی که فاصله مناسبی با نیروهای دشمن داشته و در جلوی آنها آبرگرفتگی بوده مستقر شدند. سنگر فرماندهی، سنگر اطلاعات عملیات، سنگر دیده‌بانی و به‌طور کلی

عقبه لشکر در آنجا مستقر شد. پیش از آغاز عملیات، فرمانده گردان‌ها از طریق دکل‌ها و سنگرهای دیده‌بانی که در خط وجود داشت توجیه شدند. انتقال تعدادی قایق به محل اجرای عملیات و همچنین استفاده از کانال آب که به صورت کانال بزرگی بود، از امور مقدماتی برای اجرای این عملیات بود. این کانال به انتهای رودخانه عریض وصل می‌شد و آب‌گرفتگی دشمن را به رودخانه که برای عبور قایق‌ها استفاده می‌شد، انتقال می‌داد.

در این عملیات مقرر شد لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) بعد از عمل کردن لشکر سیدالشهدا^(ع) و پس از شکسته شدن خط اول، وارد عملیات شود. پس از عمل کردن لشکر ۱۰ سیدالشهداء، مسئول اطلاعات لشکر، برادر سیداحمد موسوی به همراه فرمانده لشکر امام حسین^(ع) برای بررسی منطقه آزادشده وارد خشکی شلمچه شدند.

نیروهای لشکر وارد خط اصلی شلمچه شده، بدین صورت که از پهلوی به خط اصلی رفته و موانع را دور زدند. سپس مقرر گردید از پهلوی منطقه پنج ضلعی و نوک کانال ماهیگیری عملیاتی اجرا شود. جایی که وارد خط اصلی دشمن شده و دشمن دارای مواضع نونی شکل بود. در جلسه‌ای که با حضور حسین خرازی، احمد کاظمی، اکبر آقابابایی و همچنین فرمانده گردان‌های لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) برگزار شد مقرر گردید در این منطقه عملیاتی انجام شود. مسئول اطلاعات لشکر به همراه نیروهای خویش شناسایی منطقه را آغاز کردند و کل پنج ضلعی شناسایی شد و گوشه کانال ماهیگیری، پلی بود که برای ورود به پنج ضلعی استفاده می‌شد.

با تدبیر فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) قرار شد با هر گردان خط‌شکن یک نفر دیده‌بان اعزام گردد و به‌ازای هر گردان خط‌شکن ۶ نفر تخریب‌چی گردان مذکور را همراهی کنند. حسین خرازی بعد از انتقال گردان‌های رزم لشکر به نزدیکی منطقه نبرد، گردان



عملیات کربلای ۵ - دی ماه ۱۳۶۵ - از راست به چپ ایستاده: جواد آبکار از مسئولین زرهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، حاج منصور سلیمانی مسئول بهداری لشکر، شهید عسگری جانشین بهداری لشکر، حمید صالح از مسئولین تعاون، حسن آقایی مسئول محور یکم، برادر نادر معاونت حفاظت اطلاعات، عهده کش مدیریت معاونت نیرو، سرهنگ علیرضایی مسئول پدافند هوایی.
نشسته از راست: اکبر رضایی جانشین گردان دریایی، فرد عینکی، بابایی از مسئولین زرهی، حاج ناصر بابایی (مابین دو فرد عینکی)، شیشهگر جانشین پدافند و تعدادی از رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)

در روز دوم عملیات، رزمندگان گردان حضرت رسول^(ص) به دلیل استفاده دشمن از عوامل شیمیایی عموماً از رده خارج شده و شیمیایی شدند. در شب دوم عملیات، ۱۳۶۵/۱۰/۲۰، قرار بود گردان امیرالمؤمنین^(ع) به فرماندهی برادر محمد سلمانی و مالک اشتر به فرماندهی قربانعلی جاده شلمچه - بصره را پاکسازی و دو قرارگاه دشمن را به تصرف درآورند و با دستیابی به سرپل نهر جاسم ارتباط دشمن را با نهر جاسم قطع کنند. گردانهای مذکور عملیات خود را شروع کردند و تا نزدیکی اهداف خود هم رسیدند، اما چون یگانهای همجوار نتوانستند مأموریت خود را انجام دهند ناگزیر قرار شد این دو گردان مأموریت یگانهای همجوار را هم انجام بدهند، اما موفق نشدند و در نتیجه در این شب نیز به اهداف خود نرسیده و به محل قبل خود برای پدافند بازگشتند.

در موج سوم عملیات که چند شب بعد بود، مقرر

یازهر^(س) را روی سیل بند، که قبلاً پاکسازی شده بود، مستقر و آنان را آماده عملیات کرد. در ظهر روز جمعه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ در خیز دوم عملیات، کادر گردان موسی بن جعفر^(ع) نیز برای توجیه شدن به منطقه آمدند، اما بر اثر اصابت گلوله توپ، مسئول و معاون گردان زخمی شدند و یکی از فرمانده گروهانهای آن به شهادت رسید و در نتیجه استفاده از این گردان تا مدتی به تأخیر افتاد. بدین ترتیب قرار شد که در شب اول عملیات، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با استفاده از دو گردان یا زهر^(س) به فرماندهی برادر اسماعیل صادقی و گردان امام حسن^(ع) به فرماندهی برادر فرزانه خو وارد عمل شود و این دو گردان الحاق بین کانال ماهی را با مواضع هلالی (نونی شکل) شمال کانال، برقرار کنند. ولیکن این امر به دلیل پافشاری و مقاومت زیاد دشمن، حجم آتش سنگین آن و وارد شدن تلفات سنگین به دو طرف و کمبود نیرو به طور کامل محقق نشد.



حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در حال دیده بانی از مواضع دشمن - ۱۳۶۵

دو عیجی عبور کرده تا به نهر جاسم رسیده (به نوعی محور و خط مقدم نیروهای خودی غرب نهر جاسم بود) و سپس رزمندگان به خطوط مثلی دشمن رسیدند. پس از گذشت ۲۰ روز از عملیات، گردان یازهر^(س) از لشکر امام حسین^(ع) مأموریت حمله و انهدام قرارگاه لشکر ۱۱ را برعهده داشت که در این مرحله رزمندگان دلیر این گردان با شجاعت و از خودگذشتگی توانستند قرارگاه عراقی‌ها را تصرف کرده و دشمن را به آن سمت نهر جاسم برسانند و رزمندگان در این طرف نهر جاسم مشغول پدافند شدند. قرارگاه فرماندهی لشکر ۱۱ عراق که در عمق شلمچه بود با تدبیر مناسب فرمانده گردان حضرت زهرا به تصرف رزمندگان در آمد به این صورت که تانکی در جلوی ستون گردان به سمت قرارگاه حرکت کرد و با رشادت رزمندگان گردان، این مقر به دست رزمندگان تصرف شد. پس از این اقدام از آنجا که در این مقر سنگرهای مستحکم فرماندهی وجود داشت سنگر شهید خرازی به این مکان انتقال داده شد.

چند شب بعد از انهدام قرارگاه لشکر ۱۱ عراق،

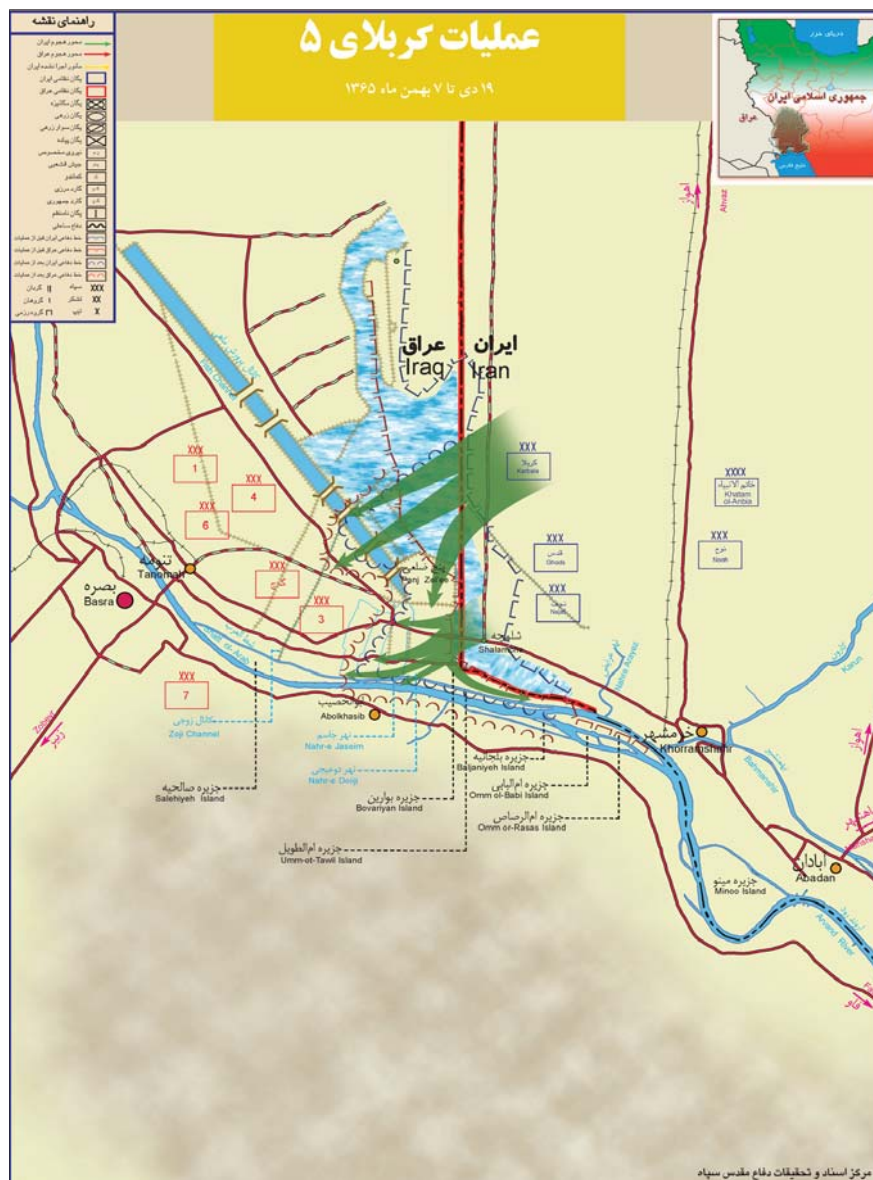
شد گردان یامهدی^(عج) به فرماندهی برادر صالحی به قرارگاه اصلی دشمن یورش برده و آن را تصرف کند. ولیکن به دلیل پافشاری دشمن و تلفات بیش از حد، این امر محقق نشده و بلافاصله فلش عملیات تغییر کرد و در حین عملیات قرار شد رزمندگان به طرف شهر دو عیجی و کنار نهر دو عیجی حرکت کنند. از آنجا که هوا روشن شده بود، این حرکت در روز به همراه واحد مهندسی و تانک ادامه پیدا کرد و نیروها تا جایی که امکان داشت به پیشروی خود ادامه دادند و در محل مناسبی مستقر شدند.

شب چهارم لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) مأموریت از جا کندن دشمن و آماده کردن محلی برای حرکت بعدی را برعهده داشت. در آغاز این مرحله، فرمانده گردان، معاون و بی سیم چی گردان امام سجاد^(ع) زخمی شدند، به همین دلیل نیروها نتوانستند به نحو شایسته مأموریت خود را به انجام برسانند و به محاصره دشمن درآمدند و به این دلیل تعداد زیادی از آنان به شهادت رسیدند.^{۱۲۲}

در ادامه عملیات رزمندگان از مواضع نونی شکل و خط‌های دشمن در منطقه شلمچه و شهرک

شد. پس از عبور از خط خودی به دلیل نزدیک بودن خطوط دشمن ستون گردان از سمت چپ زیر آتش شدید سلاح‌های خودکار دشمن قرارگفت، ولیکن رزمندگان گردان با رشادت از این منطقه عبور کردند و تیربارهای دشمن را یکی پس از دیگری با رشادت و ازجان‌گذشتگی منهدم و خاموش کردند. در ادامه درگیری بین نیروهای اسلام و دشمن بعثی به جنگ تن به تن رسید و در این امر نیز رزمندگان گردان

گردان حضرت ابوالفضل (ع) در آن سوی نهر جاسم یعنی چهارراهی که می‌آمد و جاده شلمچه از روی نهر عبور می‌کرد و عراقی‌ها در آنجا مستقر بودند، دست به عملیات زد. پیروزی در این عملیات باعث سهولت عبور از نهر جاسم می‌شد. گردان حضرت ابوالفضل (ع) به فرماندهی برادر محمود جان‌نثاری و فرمانده گروهبانی مثل علیرضا محمدی برای تصرف چهارراه اصلی و ارتباطی دشمن وارد عمل



ماشین حمل غذا به دلیل آتش سنگین به خط نرسیده است. در این حین حسین خرازی دستور می‌دهد که یک ماشین غذا آماده شده و قبل از آنکه به خط برود نزد او بیاید. خرازی به همراه فرماندهانی چون محمود جان‌نثاری و مهدی هاشمی در سنگر مستقر بودند. حسین خرازی که پیگیر غذای رزمندگان بود با آمدن ماشین حمل غذا به طرف خودرو می‌رود و شخصاً راننده را توجیه می‌کند و می‌گوید اگر احتمال می‌دهی که زیر آتش سنگین دشمن نمی‌توانی خودت را به خط برسانی شخصاً این کار را انجام بدهم. راننده بسیجی پس از توجیه شدن آماده حرکت می‌شود که ناگهان بر اثر انفجار گلوله خمپاره‌ای در کنار خودرو حمل غذا هر دو دلاور مورد اصابت ترکش قرار می‌گیرند. سرانجام حسین خرازی فرمانده دلاور و شجاع لشکر ۱۴ امام حسین دعوت حق را لبیک گفته و سبکبال به سوی حق می‌شتابد.^{۱۳۳}

عملیات کربلای ۱۰

عملیات کربلای ۱۰ در جبهه شمالی سلیمانیه، مأووت در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۲۵ تا ۱۳۶۶/۲/۵ با هدف پیشروی به سوی سلیمانیه از شمال شرق و اتصال جبهه خودی به منطقه تحت نفوذ اتحادیه میهنی (یاغمسر) به وسعت ۲۵۰ کیلومتر مربع صورت گرفت و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به فرماندهی محمدرضا زاهدی تحت امر قرارگاه نجف در یک مرحله وارد عمل شد.^{۱۳۴} در این عملیات، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) مأمور تصرف ارتفاعات گلان و اسپیدار (واقع در کردستان عراق) گردید. گردان‌های موسی بن جعفر^(ع) و امیرالمؤمنین در مرحله اول مأموریت تصرف ارتفاعات مذکور را برعهده داشتند، ولیکن به دلیل وسعت منطقه و مقاومت دشمن موفق به پاک‌سازی کامل منطقه نگردیدند و فقط قسمت‌هایی از این ارتفاعات به تصرف نیروهای اسلام درآمد که در همان منطقه پدافند کردند.

حضرت ابوالفضل تعداد ۲۵۰ نفر از دشمن را به هلاکت رساندند و اهداف ازپیش تعیین‌شده را به تصرف خود در آوردند. رزمندگان در ادامه به دلیل حضور یگان هم‌جوار و عدم الحاق برای جلوگیری از محاصره شدن قبل از روشنایی هوا بنا به دستور چهارراه و نونی تصرف‌شده را رها کردند و خط پدافندی جدیدی روبه‌روی دشمن یعنی احداث می‌شود. این گردان در مرحله بعد با گردانی دیگر از لشکر برای تصرف چهارراه عملیاتی وارد عمل شد و پس از تصرف کامل این منطقه لشکر خط جدید خود را بعد از چهارراه و نونی دشمن قرار داد.

در ادامه عملیات، گردان موسی بن جعفر^(ع) در طرف نهر جاسم برای استقرار خاکریز وارد عمل شد. با شجاعت و فداکاری نیروهای این گردان خاکریز احداث شده و رزمندگان در آنجا مستقر شدند. همچنین، گردان امام حسن^(ع) به منظور مناسب‌تر شدن وضعیت پدافند رزمندگان در منطقه برای احداث خاکریزی دیگر وارد عمل شد و با تلاش نیروهای این گردان دشمن یعنی وادار به عقب‌نشینی شد. رساندن مهمات به آخرین خط پدافندی که رزمندگان در آن مستقر بودند، به دلیل آتش شدید دشمن با مشکل مواجه بود. به دلیل فشار زیاد دشمن خطی پدافندی که لشکر تشکیل داده بود به شکل L بود و بعضاً از جناح آسیب‌پذیر بود.

به نحوی که ماشین‌های غذا و مهمات اکثراً مورد اصابت ترکش قرار می‌گرفتند. درحالی‌که آتش دشمن ادامه داشت، رزمندگان مقاومت می‌کردند که بتوانند خط را تثبیت کنند. حسین خرازی از قرارگاه فرماندهی آمد و اعلام کرد که دیگر عملیاتی نخواهیم داشت، اما باید خط پدافندی خود را به صورت مورب به یکدیگر وصل کرده و خاکریز دوجداره احداث شود. همچنین برای جاده‌هایی که به سمت خط می‌رود جاده زده شود تا به طور کامل رزمندگان مستقر شوند. رزمندگان در پشت بی‌سیم اعلام کردند که

[illegible]

کند. در یک مرحله پاتک، دلاورمردان گردان حضرت ابوالفضل^(ع) موفق شدند ضمن به اسارت درآوردن ۴۰ نفر از نیروهای بعثی و کشته و مجروح کردن تعداد زیادی از آنها ارتفاعات گلان را تثبیت کنند بدین ترتیب لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) پس از تسلط کامل بر شهر ماؤوت عراق و تثبیت کل منطقه، خود را هرچه بیشتر برای عملیات آفندی بعدی آماده کرد.^{۱۲۵}

در ادامه، گردان حضرت ابوالفضل^(ع) که به دلیل طغیان رود با یک گروهان وارد عمل شده بود، مأمور تصرف ارتفاع گلان گردید، اما به دلیل مقاومت دشمن به مواضع اولیه بازگشت. بلافاصله گردان یا زهرا^(س) با درهم کوبیدن مواضع دشمن، در پایین ارتفاع گلان موفق شد خط پدافندی خود را استحکام بخشیده و با ایجاد خط پدافندی منظم، دشمن را مجبور به عقب‌نشینی از منطقه مذکور

عملیات نصر ۴

گروهان از محور سمت چپ و دو گروهان از محور راست وارد عمل شدند که پس از درگیری با نیروهای کمین و نابودکردن آنها از میدان مین دشمن به سختی عبور کرده و با درگیری نسبتاً شدیدی تعداد زیادی از نیروهای دشمن را به هلاکت رسانده و ارتفاع مهم ژاژپله را به تصرف کامل خود درآوردند. رزمندگان گردان حضرت یونس^(ع) پس از الحاق با گردان موسی بن جعفر^(ع) و تثبیت شدن منطقه، خط پدافندی را تحویل گردان موسی بن جعفر^(ع) دادند.^{۱۲۷}

عملیات والفجر ۱۰

عملیات والفجر ۱۰ در جبهه شمالی سلیمانیه - حلبچه از تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۳ تا ۱۳۶۶/۱۲/۲۹ با هدف پیشروی به سوی سلیمانیه و تصرف شهرهای حلبچه، خرما، دوجبله، بیاره و طوبله به وسعت ۱۰۰۰ کیلومتر مربع در چهار مرحله به اجرا درآمد و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تحت امر قرارگاه فتح به استعداد ۱۰ گردان در یک مرحله وارد عمل شد.^{۱۲۸} در طول یک هفته، نیروها با دیدن آموزشهای حرکت در کوه، راهپیمایی و رزم شبانه خود را هرچه بیشتر برای عملیات آماده کردند. اطلاعات لشکر پس از ابلاغ فرماندهی در منطقه، کنار رودخانه لیله مستقر گردید و با انجام شناساییهای لازم که سه تا هفت روز به طول انجامید، اطلاعات لازم درخصوص منطقه عملیاتی را جمع آوری کرد. فرماندهان گردانها یکی پس از دیگری به منطقه توجیه شدند.^{۱۲۹}

گردانهای یازهرا^(س)، یا مهدی^(عج)، امام حسین^(ع)، امیرالمؤمنین^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) آماده اجرای عملیات شدند. یگان دریایی لشکر در موقعیت کلر (محل تلاقی رودخانه لیله و آب گرفتگی سد دربندیخان) با زدن اسکله، یگانهای مانوری لشکر را پشتیبانی می کرد. گردان موسی بن جعفر^(ع)

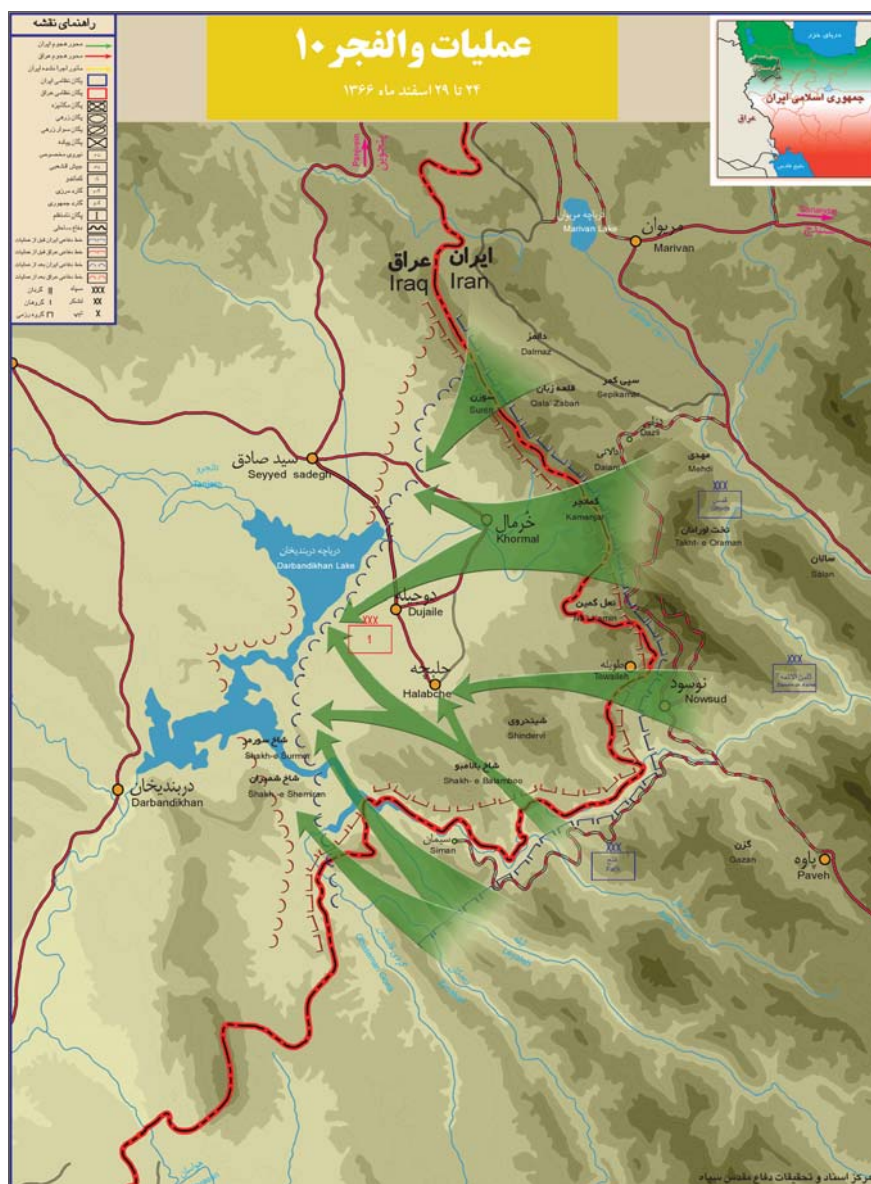
عملیات نصر ۴ در جبهه شمالی سلیمانیه، مأووت در تاریخ ۱۳۶۶/۳/۳۱ تا ۱۳۶۶/۴/۱۴ با هدف پیشروی به سوی سلیمانیه از شمال شرق با تصرف مأووت به وسعت ۷۰ کیلومتر مربع صورت گرفت و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تحت امر قرارگاه نجف به استعداد ۱۲ گردان در یک مرحله وارد عمل شد.^{۱۳۰} پس از اینکه در عملیات کربلای ۱۰، ارتفاعات راهبردی منطقه (اسپیدار و گلان) به تصرف نیروهای اسلام درآمد، شهر مأووت زیر آتش مستقیم نیروها قرار گرفت. برای تکمیل عملیات کربلای ۱۰، عملیات دیگری به نام نصر ۴ در منطقه اجرا شد. در این عملیات دو گردان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، یعنی گردان موسی بن جعفر^(ع) و گردان حضرت یونس^(ع) وارد عمل شدند، رزمندگان این یگان رأس ساعت ۹ شب به صورت ستونی و از محور یال گلان به حالت رخنه ای برای تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مأووت عراق حرکت کردند. سپس به صورت احاطه ای و به تفکیک، هرکدام از گردانها به طرف یکی از ارتفاعات مشرف به شهر مأووت رفته و با رعایت اصل غافلگیری وارد عمل شده و دشمن را کاملاً دور زدند. این درحالی بود که دشمن کاملاً از حالت نظامی خارج شده بود. به همین علت نیروهای اسلام ناگهان و از پشت حمله ور شدند و تلفات سنگینی را بر آنان وارد کردند و ارتفاعات مذکور را کاملاً به تصرف درآوردند. با سقوط این ارتفاعات، شهر مأووت عملاً سقوط کرد و گردان موسی بن جعفر^(ع) در صبح عملیات بدون درگیری شهر را به تصرف خود درآورده و پس از الحاق با گردان حضرت یونس^(ع) در سراسر منطقه خط پدافندی تشکیل دادند.

گردان حضرت یونس^(ع) همزمان با گردان موسی بن جعفر^(ع) پس از حرکت از دو محور گلان، جداگانه به صورت ستونی حرکت کرده و یک

شیمیایی مجروح و عده‌ای نیز به شهادت رسیدند. پس از عملیات، ارتفاعات شاخ بالامبو، دارزرین و نزارش محل پدافند گردان‌های لشکر در این منطقه شد.^{۱۳۱}

ازجمله ویژگی‌های عملیات می‌توان به این موارد اشاره کرد: کوهستانی‌بودن منطقه، انجام عملیات آبی - خاکی، وسعت زیاد منطقه

واگذارشده به لشکر، انتقال سریع نیروها پس از انجام نگرستن مانور در منطقه فاو و آمادگی هرچه بیشتر برای عملیات در مناطق کوهستانی، شکستن خط دشمن در مرحله اول در ساعت اولیه عملیات، به‌غنیمت‌گرفتن تعداد زیادی خودرو و چند قبضه توپ ۱۳۰ میلی‌متری و الحاق موفق در طول مدت عملیات.^{۱۳۲}



۴۴۴

عمليات بيت المقدس ٧

بهمنظور سلب ابتکار عمل از ارتش عراق در حمله به خطوط پدافندی ایران، عملیاتی به نام بیت المقدس ۷ به کوشش قرارگاه کریمای سپاه طرح ریزی و در ساعت ۲۲ یکشنبه شب ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ در محور شلمچه و پنج ضلعی به مرحله اجرا درآمد.^{۱۳۳} در این عملیات از لشکر ۱۴ امام حسین، گردان های یونس^(ع)، موسی بن جعفر^(ع)، امام حسن^(ع)، یا زهرا^(س)، امام رضا^(ع) برای مانور انتخاب گردیده و گردان های امام حسین^(ع) و ابوالفضل^(ع) نیز برای احتیاط در نظر گرفته شدند.

در ساعت ۲۲:۱۸ دقیقه، باتوجه به اینکه دشمن تاحدودی هوشیار شده بود، گردان یونس^(۲) توانست کمین های دشمن را پاک سازی کند و سه نفر از نیروهای تخریبچی دشمن که مشغول مین گذاری بودند به هلاکت رسیدند. دو دسته این گردان با عبور از آب گرفتگی کانال کمین ها را پاک سازی کردند. در ادامه، بقیه گردان ها از پل شهید اسدی عبور کرده و گردان موسی بن جعفر^(۳) وارد منطقه شد و در زمانی کمتر از نیم ساعت خود را به هدف رساند و بلافاصله با بیسیم رسیدن خود به هدف را اعلام کرد. در ساعت ۲۲:۳۷ دقیقه، به گردان امام رضا^(۴) دستور سوار شدن بر روی وسایل زرهی داده شد و این گردان در ساعت ۲۳:۲۵ دقیقه حرکت خود را آغاز کرد. از آنجایی که یگان های هم جوار هنوز نتوانسته بودند به هدف خود برسند، مسئله الحاق از جناحین به طور کامل حل نشده بود، لذا یک گروهان از این گردان برای الحاق به چپ و راست جاده شهید اسدی حرکت کرد و دو گروهان بعدی سریعاً خود را به فتح ۵ رساندند. اما باتوجه به عدم الحاق یگان های هم جوار دستور بازگشت به این گردان داده شد. این جریان تا صبح روز بعد ادامه یافت. باروشن شدن هوا لشکر نجف اعلام کرد که به پشت کانال ماهی رسیده است و برای رسیدن به هدف اصلی خود نیاز دارد که از راهکار لشکر ۱۴ امام حسین^(۵) عبور کند. و بدین ترتیب ۲ دستگاه تانک و یک دستگاه نفربر به اضافه یک دسته نیرو از فتح ۴ به طرف فتح ۵ و یک گروهان پیاده نیز از پیروزی ۸ و پیروزی ۹ به طرف فتح ۵ حرکت کرده و الحاق برقرار شد.

ساعت ۶:۳۵ صبح، گردان یازدها^(س) برای ادامه عملیات وارد منطقه شده و تا هلالی واقع در ظرفر ۱۱ و جاده‌های پشت

هلالی تا چهارراه پیش رفت، در همین حین، نیروهای گردان موسی بن جعفر^(ع) که در فتح ۴ در حال پدافند بودند، پاتک دشمن را با رشادت دفع می کردند. فشار تانک های خودی نیز روی دشمن قابل توجه بود به طوری که با گلوله های مستقیم خود دشمن را به شدت زیر آتش گرفته و تا ظهر به پاتک های دشمن جواب می داد و حدود ۱۰ تانک از دشمن را منهدم کرد. حوالی ظهر به علت فشار دشمن گردان یازهر^(س) هلالی اول (سمت راست) ظهر ۱۱ را خالی کرد و در حد تأمینی نیرو گذاشت؛ ضمناً برای تحکیم مواضع یک گروهان از گردان امام حسن^(ع) به منطقه فراخوانده شد. در ادامه، دشمن از ظهر ۱۰ و امین ۳ فشار می آورد. دشمن در محور ثارالله شروع به پیشروی کرد. در این بین، یک گروهان از گردان امام حسن^(ع) به گردان یا زهر^(س) واقع در امین ۳ ملحق شد. در ادامه نیروهای خودی به صورت پیاده و سواره خود را به پشت کانال ادب رساندند و تنها دو گروهان از گردان امام حسن^(ع) در پشت جاده شهید خرازی خط پدافندی تشکیل دادند. با غروب آفتاب گردان مزبور نیز تا پشت کانال ادب عقب نشینی کرد.

در کل می‌توان گفت که لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات بالاترین توان خود را به کار بست و با رشادت و ازجان‌گذشتگی تمام اهداف ازپیش‌تعیین‌شده را به تصرف خود درآورد، اما چند مسئله باعث عقب‌نشینی نیروها شد:

نخست، عدم پیشروی یگان‌های هم‌جوار به‌خصوص لشکر ۴۱ ثارالله^(ع) بود.

دومین مسئله، الحاق بود، بدین صورت که قرار بود هر یگانی یک چهارراه یا شش راه را تصاحب کرده و در سمت چپ و راست با یگان هم جوار واقع در گره بعدی الحاق کند، ولی با محقق نشدن این امر بالطبع یگان‌هایی که به اهداف خود رسیده بودند مجبور شدند برای جلوگیری از دور خوردن دشمن عقب‌نشینی کنند.^{۱۳۴}

در دوره‌ای از دوران دفاع مقدس که با عنوان تعقیب و تنبیه متجاوز نام‌گذاری شده است، حضور لشکر ۱۴ امام حسین (ع) بسیار شایان توجه است. در عملیات رمضان با خیز بلندی که لشکر گرفت در همان مرحله اول تا پشت کانال ماهی پیشروی کرد ولیکن به دلیل عدم پیشروی بگانه‌های هم‌جوار برای

هرطور که شده نگه داشته شود.» حسین خرازی در تاریکی شب و در جمع نیروهایش گفت: «امشب شب عاشورا است، نماینده امام دستور داده در طلائیہ عمل کنیم، ما با تمام توان لشکر به دشمن خواهیم زد، هرکس می تواند بماند و هرکس نمی تواند، آزاد است که برود.» آن شب رزمندگان گردان های امام حسین^(ع)، امیرالمؤمنین^(ع)، امام محمدباقر^(ع)، امام حسن^(ع) و یامهدی^(ع) از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) حماسه ای باشکوه از شهادت و رشادت را در طلائیہ به تصویر کشیدند. فردای آن روز، سردار دلاور اسلام، حسین خرازی در سهرای شهادت و در خط مقدم طلائیہ، بر اثر ترکش خمپاره، دست راستش را ابوالفضل وار تقدیم حق تعالی کرد.^{۱۳۷}

در تاریخ هشت ساله دفاع مقدس، یکی از گسترده ترین، پرحادثه ترین و موفق ترین عملیات ها که انعکاس وسیعی در سطح جهان به خصوص در رسانه های کشورهای غربی به جا گذاشت، عملیات غرور آفرین والفجر ۸ بود. در عملیات والفجر ۸ که به آزادسازی شهر فاو منجر شد، به جرئت می توان گفت که دستاوردهای نیروهای مسلح ایران، کمر فرماندهان ارشد ارتش عراق را شکست. با پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸، ارتش عراق در بعدازظهر روز سوم عملیات، لشکر زبده و مجهز گارد ریاست جمهوری خود را وارد نبرد کرد تا فاو را از رزمندگان ایران پس بگیرد. غروب روز سوم، فرماندهان سپاه پاسداران به لشکرکشی صدام پی می برند و با طرح ریزی و اجرای حمله ای پیش دستانه و غافلگیرکننده، بیشترین تلفات را به لشکر گارد ریاست جمهوری صدام تحمیل می کنند. با تلاش لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و با فرماندهی حسین خرازی، فرماندهی و نیروهای گردان حضرت ابوالفضل و رشادت دلاورمردانی چون حسن قربانی و شهید علی قوچانی، حماسه ای جاوید در سهرای کارخانه نمک و اطراف جاده راهبردی فاو - بصره خلق شد و گارد ریاست جمهوری عراق در این منطقه متحمل شکست سنگینی شد.^{۱۳۸}

برای اجرای عملیات کربلای ۳ پس از ابلاغ فرماندهی کل سپاه پاسداران به قرارگاه دریایی نوح، این قرارگاه در پی انتخاب یگانی بود که عملیات های آبی - خاکی گذشته را با درصد موفقیت بیشتری پشت سر گذاشته باشد؛ درنهایت، لشکر ۱۴

جلوگیری از محاصره شدن ناچار به عقب نشینی شد. ۲۵ آبان که روز ایثار مردم اصفهان نام گذاری شده یادآور رشادت ها و فداکاری های رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در منطقه دویرج و طغیان این رودخانه در عملیات محرم می باشد. در این عملیات به دلیل طغیان ناگهانی رودخانه و شکسته شدن سد نزدیک به ۱۰۴۵ نفر از رزمندگان اصفهان^(ع) به شهادت رسیدند این حماسه یادآور جمله امام خمینی درباره عملیات محرم است که فرمودند: «در کجای دنیا شهری مثل اصفهان پیدا می کند که در یک روز ۳۷۰ شهید را تشییع کنند.»^{۱۳۹}

از طرف دیگر، پس از عملیات والفجر مقدماتی، به نظر می رسید با افزایش توانایی های نظامی دشمن، بدون تغییرات اساسی در شیوه نبرد، ادامه جنگ مشکل خواهد بود. از این روی، لازم بود روند عملیات ها ادامه یافته تا از رکود جبهه به مدت زیاد جلوگیری شود. بدین ترتیب، پس از بحث و بررسی مناطق مختلف، مقرر شد عملیات های والفجر ۲، ۳ و ۴ اجرا شود.

عملیات والفجر ۲ یادآور حماسه عاشورایی تپه برهانی می باشد که گروهان میثم از گردان امام حسین^(ع)، تپه سوم از تنگه دربندیخان عراق را فتح کرد و در محاصره نیروهای عراقی گرفتار شد و پس از دو روز مقاومت، سرانجام با شهادت نیروهای گروهان و رشادت گردان های حضرت زهرا^(س) و حضرت امیرالمؤمنین^(ع) منطقه مورد نظر تثبیت شد.^{۱۴۰}

هدف از عملیات خبیر، انهدام نیروهای سپاه سوم عراق و تأمین جزایر مجنون شمالی و جنوبی و ادامه عملیات از جزایر و محور طلائیہ به سمت نشو و الحاق با نیروهایی که از محور زید به دشمن حمله می کردند، بود. در این عملیات نصب پل سیزده کیلومتری که به پل خبیری معروف شد، در طول جنگ های نظامی مدرن بی سابقه است و از ابتکارات بی نظیر دفاع مقدس محسوب می شود. جزایر مجنون با نبردی عاشورایی تصرف شد و دشمن وحشیانه به بمباران شیمیایی پرداخت. درگیری در محور طلائیہ زیر آتش شدید دشمن چندین شب ادامه یافت.

خطر عقب نشینی و عدم فتح نزدیک بود، ولی با دم مسیحایی حضرت امام مثل همیشه حماسه ای دیگر در تاریخ دفاع مقدس ثبت شد. بعدازظهر ۱۴ اسفندماه سال ۱۳۶۲، حضرت امام خمینی به رزمندگان اسلام پیام دادند: «جزایر مجنون حتماً باید

مواضع هلالی (نونی شکل) برای ایجاد سد و وارد کردن تلفات به رزمندگان استفاده کرده بود.

نام علمدار لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، حسین خرازی همواره یادآور رشادت‌ها و جانفشانی‌های رزمندگان این لشکر می‌باشد. این فرمانده شجاع لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) که خود پیشنهاددهنده آغاز عملیات کربلا^۵ بود، در آخرین مرحله این عملیات به فوز عظیم شهادت نائل آمد.^{۱۳۹}

پس از به بن‌بست رسیدن جنگ در مناطق جنوب و جنوب‌غرب کشور، طراحان عملیات‌های نظامی به این فکر افتادند که محورهای پیشروی و عملیاتی را به سمت غرب کشور سوق دهند. به همین دلیل اکثر یگان‌های رزم سپاه برای اجرای عملیات به مناطق غربی کشور اعزام گردیدند. در عملیات کربلای ۱۰ و نصر^۱ که در منطقه عمومی بانه به سمت مرز عراق واقع شده بود، ارتفاعات راهبردی (گلان، اسپیدار، ژاژیله) و شهر مأووت عراق جزو مهم‌ترین اهدافی بود که رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با درایت آنها را به تصرف خود درآوردند. ویژگی بارز لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات این بود که علاوه بر انتقال تجهیزات و امکانات خود از جنوب به غرب، با توجه به اینکه اجرای اکثر عملیات‌های لشکر در دشت صاف و یا آبی - خاکی بود، توانست خود را با وضعیت کوهستانی و صعب‌العبور هماهنگ کرده و حماسه‌ای دیگر را در تاریخ دفاع مقدس رقم بزند.

در منطقه عملیات والفجر ۱۰ رزمندگان اسلام باید از آب سد دربندیخان و رودخانه کلر عبور کرده و با تصرف ارتفاعات مشرف بر شهر حلبچه، آن را به تصرف خود درمی‌آوردند. در این عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) می‌بایست ابتدا عملیات آبی انجام می‌داد و با عبور از آب، ارتفاعات صعب‌العبور را به تصرف خود درمی‌آورد. این مِهَم با آموزش‌هایی که رزمندگان در طول دوران دفاع مقدس دیده بودند امکان‌پذیر شد.

در پایان باید خاطرنشان ساخت لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
در کلیه عملیاتی‌هایی که در دوران دفاع مقدس در آن حضور
داشت، توانست با قاطعیت و حسن تدبیر فرمانده و رشادت
رزمندگان خویش به اهداف مورد نظر برسد و راه موفقیت
عملیات را هموار سازد. چنانکه موفقیت در عملیات‌های

امام حسین^(ع) برای اجرای عملیات انتخاب شد که از حیث فرماندهی، توان رزمی، سخت‌کوشی رزمندگان و همچنین تجربه عملیاتی، رتبه بالاتری نسبت به بقیه لشکرها داشت. لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با موفقیت در اولین آزمایش عملیات دریایی در عملیات کربلای ۳، افاق جدیدی را در راهبرد جنگ دریایی به ارمغان آورد. بهترین دستاورد عملیات کربلای ۳ تقویت باورهای بوم‌بنی براینکه می‌توان در خلیج فارس جنگید و از انبوه قایق‌های سریع‌السیر و انبوه غواصان ورزیده استفاده کرد. این عملیات آغاز کارنامه دریایی قرارگاه نوح^(ع) بود، کارنامه درخشانی که ظرف یک سال به رویارویی با کشتی‌های جنگی امریکا در خلیج فارس انجامید و حماسه قایق‌های تندرو و انفجارهای پایگاه الاحمدی و کشتی‌های تحت حمایت امریکا را در پی داشت. رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با وجود تفاوت‌های جغرافیایی و... که این منطقه با سایر مناطق عملیاتی داشت، توانستند با توکل برخداوند، همگونی قابل ملاحظه‌ای را در اجرای تاکتیک و تکنیک عملیات دریایی به عرصه ظهور برسانند.

از طرف دیگر، دشواری شرایط پس از عملیات کربلای ۴ ضرورت اجرای عملیات دیگری را ایجاب می‌کرد. عملیاتی که پیروزی آن تضمین شده بوده و ضمناً از جنبه نظامی و سیاسی بسیار ارزشمند باشد تا آثار نامطلوب عدم فتح کربلای ۴ را جبران کند. از این روی، عملیات کربلای ۵ طراحی و اجرا شد. در عملیات کربلای ۵ رزمندگان اسلام با برنامه‌ریزی دقیق و یگان‌هایی منسجم خطوط به‌هم‌فشرده و مملو از موانع دشمن یعنی را یکی پس از دیگری به تصرف خود درآورده و برای اولین بار با حجم آتش سنگین و بهره‌گیری از نیروی زیاد، ضمن تحمیل تلفات سنگین به نفرات و تجهیزات دشمن، ماشین جنگی عراق را در منطقه راهبردی شلمچه منهدم کردند. ویژگی متمایز این عملیات در این بود که رزمندگان اسلام قبل از مواجهه و درگیری با نیروهای دشمن می‌بایست با زمین و موانع ایجادشده جنگیده و پس از عبور از آن با نیروی پیاده دشمن درگیر می‌شدند. خطوط دشمن در بعضی مواقع به ۵ خط می‌رسید که فاصله این خطوط بالغ بر ۲ کیلومتر و سراسر پوشیده از موانع و میادین مین بود. علاوه بر این، دشمن برای اولین بار از



عملیات کربلای ۵ - دی ماه ۱۳۶۵ - محسن رضایی فرمانده کل سپاه، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و سید یحیی صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه در یکی از اتاق‌های شهرک دارخوئین

دلیل دوم اهمیت عملکرد این یگان در جنگ تحمیلی حضور در نخستین عملیات طراحی شده توسط سپاه پاسداران با عنوان "فرماندهی کل قوا، خمینی روح خدا" می‌باشد. این عملیات را می‌توان از مهم‌ترین اقدامات موفق ایران در سری عملیات‌های محدود دانست که با یکی دو گردان و در محدوده چند کیلومتر انجام شد و تأثیرات بسیاری (تاکتیکی و تکنیکی) را در عملیات‌های بعدی خصوصاً شکستن حصر آبادان داشت.^{۱۴} همچنین، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) از اوایل دوران دفاع مقدس تا انتهای این دوران در مناطق نبرد حضور داشته است. یگان مذکور در ۲۲ عملیات آفندی که از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عملیات‌های دوران دفاع مقدس بودند و در ۵۹ مورد پدافندی به دفاع از میهن اسلامی پرداخته است.

از طرف دیگر، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در بعضی عملیات‌های دفاع هشت‌ساله نقشی بی‌بدیل داشت. چنان‌که این امر باعث می‌شود از این یگان به‌عنوان بهترین یگان خط‌شکن جمهوری اسلامی در دوران دفاع مقدس یاد شود. حماسه‌هایی چون آزادسازی خرمشهر، انهدام گارد ریاست جمهوری و فتح اسکله العمیه در عملیات‌های فرماندهی کل قوا، ثامن‌الائمه^(ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۳ و... تداعی‌گر رشادت رزمندگان و خط‌شکنان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در طول دوران دفاع مقدس می‌باشد.

ثامن‌الائمه^(ع)، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، کربلای ۳ و... گویای این مدعاست. در عملیات‌هایی مانند والفجر ۱، کربلای ۴ و بیت‌المقدس ۷ هم که موفقیت چندانی حاصل نشد، دلیل عمده عدم الحاق توسط یگان‌های جناحین به دلیل وجود موانع بود. گفتنی است لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) همیشه و در هر حال به تمامی اهداف از پیش تعیین شده خود دست می‌یافت و این ویژگی منحصر به فرد لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) می‌باشد که آن را از تمامی یگان‌های دیگر متمایز می‌سازد.

جمع‌بندی

عملکرد لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس از چند بعد حائز اهمیت می‌باشد:

نخست، حضور رزمندگان اصفهان در جبهه جنوب در آغازین روزهای دفاع مقدس و تشکیل نخستین خط پدافندی در مقابل ارتش بعث عراق با عنوان خط شیر می‌باشد. رزمندگان حاضر در منطقه دارخوین در اوایل دوران دفاع مقدس را می‌توان در قالب چهار گروه تقسیم‌بندی کرد:

اول، ۱۸ نفر از رزمندگان شهر تهران؛ دوم، جوانان شهر اصفهان و شهرهای مختلف این استان؛ سوم، گروه ضربت کردستان متشکل از جوانان اهل اصفهان به فرماندهی حسین خرازی و چهارم، گردان مسلم‌بن عقیل شهر اصفهان.

منابع و مآخذ

۱. پژمان پورجباری، اطلس جغرافیای حماسی، جلد اول: خوزستان در جنگ، تهران: نشر صریر، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴.
 ۲. سیدرحیم صفوی، حسین اردستانی، مبدأ تحول در استراتژی نظامی ایران، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸، ص ۲۶۴.
 ۳. سید علی بنی‌لوحی، هادی پیری، نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ سوم ۱۳۸۷، ص ۹۲.
 ۴. حسین رضایی اردستانی، سیر تحول و پیدایش لشکر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۲، کد مصاحبه: ۰۰۰۴ - ۰۲.
 ۵. محمدرضا زاهدی، سند شماره ۰۲ - ۱۸۴۰ ق، موجود در بایگانی تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۷۶.
 ۶. همان.
 ۷. مرتضی شریعتی، سیر تحول و پیدایش لشکر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۲، کد مصاحبه: ۰۰۰۷ - ۲.
 ۸. نجفی، ۱۳۸۵: ۲۴۶ - ۲۴۵.
 ۹. سیدعلی بنی‌لوحی، هادی پیری، پیشین، صص ۹۳ و ۱۴۷.
 ۱۰. احمد دهقان، گزارش روزانه جنگ، (مجموعه آثار شهید حسن باقری)، جلد دوم، تهران: مؤسسه انتشارات شهید حسن باقری، ۱۳۸۹، ص ۲۳۳.
 ۱۱. سیدعلی بنی‌لوحی، هادی پیری، پیشین، صص ۱۱۴-۱۱۹ و ۱۷۳ و ۱۹۱.
 ۱۲. محمد درودیان، جنگ؛ بازیابی ثبات، (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳.
 ۱۳. امیر رزاق‌زاده، نبرد طریق‌القدس، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۹۱، ص ۷۳.
 ۱۴. حسین اردستانی، «جنگ عراق بر ضد ایران، اشغال سرزمینی، آزادسازی و تنبیه متجاوز»، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۹۲، صص ۱۳-۱۲.
 ۱۵. حسین سالمی، روایت راویان، نشر ستارگان درخشان، چاپ اول، ص ۸۰.
 ۱۶. سیدعلی بنی‌لوحی، هادی پیری، پیشین، صص ۱۵۳، ۱۴۷، ۱۵۸.
 ۱۷. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۷۴، معاونت عملیات، مدیریت تحلیل نبرد، موجود در کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، صص ۱۱ - ۱۰.
 ۱۸. سیدعلی بنی‌لوحی، هادی پیری، پیشین، صص ۱۵-۱۶.
 ۱۹. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع).
- پیشین، ص ۱۱.
 ۲۰. حسین رضایی اردستانی، عملیات فرماندهی کل قوا، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۲، کد مصاحبه: ۰۰۰۴ - ۰۱.
 ۲۱. سعید علامیان، روایت زندگی حسن باقری، تهران: انتشارات شهید حسن باقری، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹.
 ۲۲. غلامعلی رشید، اطلس جنگ ایران و عراق، (فشرده نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - ۲۹ مرداد ۱۳۶۷)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۴۶.
 ۲۳. حسین رضایی اردستانی، سیر تحول و پیدایش لشکر، پیشین.
 ۲۴. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین، پیشین، ص ۱۲.
 ۲۵. حمید رئیسی، عملیات ثامن‌الائمه، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۴، کد مصاحبه: ۰۰۱۶ - ۰۲.
 ۲۶. یدالله ایزدی، "عملیات ثامن‌الائمه، شکست محاصره آبادان"، فصلنامه نگین ایران، سال نهم، شماره سی و سوم، ۱۳۸۹، ص ۹۹.
 ۲۷. حمید رئیسی، عملیات ثامن‌الائمه، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین.
 ۲۸. غلامعلی رشید، پیشین، ص ۴۷.
 ۲۹. امیر رزاق‌زاده، پیشین، صص ۳۷۷-۳۷۶.
 ۳۰. شاهد یاران، یادمان شهید حاج حسین خرازی، شماره ۱۰۶، مرداد ماه، مصاحبه با سیدعلی بنی‌لوحی، ۱۳۹۳، ص ۲۱.
 ۳۱. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، سند شماره ۲/۹۹۰ - ۱/۵ ل/۱۴: ۲.
 ۳۲. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، سند شماره ۲/۹۹۰ - ۱/۵ ل/۱۴، ص ۲.
 ۳۳. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، سند شماره ۲/۹۹۰ - ۱/۵ ل/۱۴، صص ۲-۳.
 ۳۴. امیر رزاق‌زاده، پیشین، ص ۳۹۰.
 ۳۵. سیدعلی بنی‌لوحی، "لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در نبرد شمال کرخه"، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۱۴، صص ۶۶ - ۶۴.
 ۳۶. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۱۰، ص ۶۸.
 ۳۷. حسین رضایی اردستانی، عملیات بیت‌المقدس، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۲، کد مصاحبه: ۰۰۰۴ - ۰۴.
 ۳۸. حسین علائی، روند جنگ ایران و عراق، تهران: نشر مرز و بوم، جلد اول، ۱۳۹۱، ص ۳۹۵.
 ۳۹. غلامعلی رشید، پیشین، ص ۴۸.
 ۴۰. سید مسعود جزایری، پیروزی بزرگ (مروری بر عملیات

واکاوی کارنامه عملیاتی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
در دوران دفاع مقدس

۴۱. حسین علایی، پیشین، ص ۴۱۵.

۴۲. شاهد یاران یادمان شهید حاج حسین خرازی، شماره ۱۰۶، مرداد ماه، مصاحبه با سید احمد موسوی، ۱۳۹۳، صص ۵۵- ۵۴؛ و- جانمراد مردآبادی، زندگی با فرمانده (خاطراتی از زندگی شهید حسین خرازی)، تهران: انتشارات یا زهرا، ۱۳۹۲، صص ۸۷؛ و - مرتضی شریعتی، عملیات فتح المبین، مصاحبه، کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۰۷-۰۰۰۷.

۴۳. حسین علایی، پیشین، ص ۲۱۵.

۴۴. محمد درودیان، پیشین، صص ۲۱۲- ۲۱۱.

۴۵. همان، صص ۲۱۱-۲۰۶.

۴۶. حسین حمیدی نیا، دلایل نظامی شکست عراق در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس، "فصلنامه نگین، شماره ۱، ۱۳۸۱، ص ۳۲؛ و- آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس" تحلیلی بر عملیات های فتح المبین و بیت المقدس، مجله نگین، شماره ۸، ۱۳۸۳، صص ۱۵۴ - ۱۵۳؛ و - حسین علایی، پیشین، صص ۴۴۷ و ۴۴۸ و حسین رضایی اردستانی، عملیات بیت المقدس، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۲، کد مصاحبه: ۰۰۴-۰۰۰۴.

۴۷. سند شماره ۵۰، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، دفتر روابیان جنگ ایران و عراق، عملیات بیت المقدس، راوی: اسدالله احمدی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۱/۲/۱ تا ۱۳۶۱/۳/۷، صص ۶۰ - ۵۰.

۴۸. طلایه داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۷۴، پیشین، صص ۳۶-۳۵.

۴۹. اصغر شفیعیون، عملیات بیت المقدس، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۲، کد مصاحبه: ۱۰-۰۰۰۱.

۵۰. سند شماره ۳۳، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، گزارش عملیات بیت المقدس لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، صص ۱۲ - ۱۷.

۵۱. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، سند شماره ۲/۱۲۸ - ۲/۱۵ ل/ ۱۴: ۱.

۵۲. حسین رضایی اردستانی، عملیات بیت المقدس، پیشین.

۵۳. امیر رزاق زاده، پیشین، ص ۷۴.

۵۴. سیدعلی بنی لوحی، "لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در نبرد شمال کرخه"، فصلنامه تاریخ جنگ، شماره ۱۴، ۱۳۷۵، ص ۶۲.

۵۵. شاهد یاران، یادمان شهید حاج حسین خرازی، شماره ۱۰۶، مرداد ماه، مصاحبه با سید احمد موسوی، صص ۵۵ - ۵۴.

۵۶. حسین حمیدی نیا، "دلایل نظامی شکست عراق در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس"،

۷۹. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) پیشین، صص: ۷۴-۷۱
۸۰. حسین علایی، روند جنگ ایران و عراق، جلد دوم، پیشین، صص ۵۵-۵۴.
۸۱. حسین سالمی، روایت راویان، پیشین، صص ۲۳۷-۲۳۸.
۸۲. سند شماره ۱۵۵، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، پیشین، صص ۶-۳.
۸۳. حسین علایی، روند جنگ ایران و عراق، جلد دوم، پیشین، صص ۵۵
۸۴. غلامعلی رشید، اطلس جنگ ایران و عراق، (فشرده نبردهای زمینی)، پیشین، ص ۷۳
۸۵. عبدالله حق‌شناس، عملیات بدر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، (۱۳۹۳)، کد مصاحبه: ۰۵-۰۰۲۰.
۸۶. اکبر دادخواه عملیات بدر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، (۱۳۹۳)، کد مصاحبه: ۱۸-۰۱۱۶.
۸۷. محسن هدایی، عملیات بدر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، کد مصاحبه: ۱۸-۰۱۰۴.
۸۸. حسین علایی، روند جنگ ایران و عراق، جلد دوم، پیشین، ص ۱۵۲ و غلامعلی رشید، اطلس جنگ ایران و عراق، (فشرده نبردهای زمینی)، پیشین، ص ۷۴.
۸۹. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) پیشین، ص ۹۰.
۹۰. یحیی نیازی، جاده استراتژیک فاو - بصره، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۹۱، صص ۱۷۲-۱۷۰.
۹۱. محسن رخصت‌طلب، گزارش عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجر، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، (۱۳۶۴)، صص ۱۲۱-۱۳۵.
۹۲. یحیی نیازی، جاده استراتژیک فاو - بصره، پیشین، صص ۱۷۵-۱۷۴.
۹۳. پیشین، صص ۱۷۶-۱۷۴.
۹۴. مجید نداف، نبرد فاو، (گزارش مستند فاو-بصره)، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۷، ص ۱۵۴.
۹۵. پیشین، صص ۱۵۵-۱۵۶.
۹۶. یحیی نیازی، جاده استراتژیک فاو - بصره، پیشین، صص ۱۷۸-۱۷۶.
۹۷. مجید نداف، نبرد فاو، (گزارش مستند عملیات والفجر)، پیشین، صص ۱۵۶-۱۵۸.
۹۸. محمود جان‌نثاری، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۴ کد مصاحبه: ۰۱-۰۴۰۰.
۹۹. مجید نداف، نبرد فاو، گزارش مستند عملیات والفجر، پیشین، ص ۱۵۹.
۱۰۰. یحیی نیازی، جاده استراتژیک فاو - بصره، پیشین، صص

- ۲۰۴-۲۰۳.
۱۰۱. محمود جان‌نثاری، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین.
۱۰۲. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، ص ۹۵.
۱۰۳. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان خوزستان، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، (۱۳۸۵)، ص ۱۱۴؛ و - حسین سالمی، روایت راویان، پیشین، ص ۳۲۲ و حسین رضایی اردستانی، عملیات‌های کربلای ۳، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، (۱۳۹۳)، کد مصاحبه: ۰۷-۰۰۰۴.
۱۰۴. سیدمحمد اسحاقی و هادی نخعی، نبرد العمیه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۶، صص ۱۲۳-۱۰۱.
۱۰۵. پیشین، صص ۱۳۶-۱۲۳.
۱۰۶. پیشین، صص ۱۴۷-۱۳۹.
۱۰۷. پیشین، صص ۱۶۳-۱۵۴.
۱۰۸. پیشین، صص ۱۷۴-۱۶۵.
۱۰۹. غلامعلی رشید، اطلس جنگ ایران و عراق، (فشرده نبردهای زمینی)، پیشین، ص ۷۶؛ و ابوالقاسم حبیبی، اطلس راهنما - خوزستان در جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ ششم، ۱۳۸۷، ص ۵۲.
۱۱۰. محمدجواد امینی، عملیات کربلای ۴، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، (۱۳۹۳)، کد مصاحبه: ۱۵-۰۱۴۴.
۱۱۱. سند شماره ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، دفتر راویان جنگ ایران و عراق، عملیات کربلای ۴، راوی: حسین خادمی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۵/۱۰/۳ تا ۱۳۶۵/۱۰/۱۰، صص ۶۰-۵۹.
۱۱۲. سند شماره ۱۲۸۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، پیشین، صص ۱۷ و ۲۰ و ۸۲.
۱۱۳. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ۱۳۷۴، معاونت عملیات، مدیریت تحلیل نبرد، موجود در کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، صص ۱۰۴-۱۰۳.
۱۱۴. سند شماره ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، پیشین، صص ۳۰-۲۳.
۱۱۵. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، ص ۱۰۳.
۱۱۶. سند شماره ۱۲۸۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، پیشین، ص ۶۱.
۱۱۷. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، ص ۱۰۳.
۱۱۸. سند شماره ۱۲۸۶، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس،

[illegible]



تبیین نقش و عملکرد خط‌شکنان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس

احمد رضا عشوریون*

محمد جواد سامانی نژاد**

چکیده	عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس از مهم‌ترین عملیات‌های دوران دفاع مقدس می‌باشند که سهم عمده‌ای در آزادسازی مناطق اشغالی دارند.	
	عملیات فتح‌المبین در دوم فروردین سال ۱۳۶۱، در جبهه جنوبی در منطقه غرب شوش و دزفول با وسعت حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع اجرا شد. در این عملیات تیپ ۱۴ امام حسین (ع) تحت امر قرارگاه قدس وارد عمل شد و توانست با اقتدار مأموریت خود را انجام دهد. مقاومت نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در برابر فشارهای دشمن با تدبیر حسین خرازی در پیروزی این عملیات نقش بسزایی داشت؛ زیرا در صورت موفقیت حمله دشمن در آن محور، تمام دستاوردهای عملیات از بین رفته و تداوم عملیات با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌شد. توانایی و جسارت رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در بهره‌گیری از تدابیر و راهکارهای جدید برای درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن در خط و عمق زیاد، از دیگر حماسه‌آفرینی‌های یگان مذکور در عملیات فتح‌المبین بود.	
	عملیات بیت‌المقدس در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱، در محور اهواز - خرمشهر - دشت آزادگان، به فرماندهی مشترک سپاه و ارتش و با هدف آزادسازی خرمشهر آغاز شد. منطقه عمومی این عملیات از شمال به رودخانه کرخه‌کوره، از جنوب به رودخانه اروند، از شرق به رودخانه کارون و از غرب به هورالهویزه منتهی می‌شد. این عملیات در چهار مرحله و به مدت ۲۶ روز به اجرا درآمد. تیپ ۱۴ امام حسین (ع) به‌عنوان یکی از یگان‌های عمل‌کننده در عملیات بیت‌المقدس، با رشادت‌های رزمندگان و تدبیر و کاردانی فرمانده خویش، نقش مهمی در ورود به خرمشهر و در ادامه آزادسازی آن ایفا کرد.	
	مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی همراه با مصاحبه شفاهی و بهره‌گیری از اسناد و تصاویر به تبیین نقش و عملکرد تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس می‌پردازد.	
	واژگان کلیدی: تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، عملیات فتح‌المبین، عملیات بیت‌المقدس، حسین خرازی.	

مقدمه

جنگی جدید جبهه‌ها، ضرورت برنامه‌ریزی برای طراحی عملیات‌هایی که بتواند قوای متجاوز را از خاک ایران بیرون کند، دوچندان کرده بود. با آغاز سال دوم جنگ، طرح‌ریزی و اجرای عملیات‌های آفندی بزرگ آغاز شد.^۱ نخستین عملیات، عملیات ثامن‌الائمه^(ع) بود که در تاریخ ۷/۵/۱۳۶۰ آغاز و منجر به شکستن حصر آبادان شد. پس از آن، عملیات طریق‌القدس در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ به اجرا درآمد و باعث تصرف و تأمین منطقه عمومی

تجربیات عملیات‌های سال‌های نخست جنگ به فرماندهان ایرانی نشان داد که برای بیرون‌راندن دشمن از خاک کشور باید نیروهایشان را متمرکز کنند و ابتکار عمل را در دست بگیرند تا با بسیج نیروها و ارائه طرح‌هایی را مبتنی بر اصول جنگ بتوانند ارتش متجاوز زمین‌گیر و سپس مرحله به مرحله از ایران به عقب برانند. براین اساس، همه قوای نظامی ایران به جبهه‌های جنگ آمدند؛ آرایش

* مدیر کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران

انجام شد. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان نظامی، عملیات بیت‌المقدس، بزرگ‌ترین و موفق‌ترین عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی است، زیرا این عملیات با کسب دستاوردهای بزرگ راهکنشی و راهبردی، موازنه قدرت نظامی و ابتکارعمل را در صحنه جنگ ایران و عراق، به سود ایران تغییر داد.^۶ تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) یکی از یگان‌های حاضر در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس بود که در موفقیت این عملیات‌ها تأثیر قابل‌توجهی داشت. مقاله حاضر، عملکرد تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) را در عملیات‌های مذکور، از نحوه آماده‌سازی واحدها و گردان‌ها تا ورود رزمندگان این یگان به منطقه عملیاتی و در ادامه نقش آن در آزادسازی مناطق اشغالی بررسی می‌کند. گفتنی است که در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و براین‌اساس از میان مطالعات انجام‌شده در زمینه دوران دفاع‌مقدس، مباحث مرتبط با موضوع مقاله حاضر گزینش شده است. علاوه‌براین، اسناد و تصاویر موجود در بایگانی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و مصاحبه‌های فرماندهان پیشین لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) (در چارچوب تاریخ شفاهی دوران دفاع‌مقدس) از دیگر منابعی است که در جهت تکمیل اطلاعات نوشتار حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

عملیات فتح‌المبین

عملیات فتح‌المبین در چهار بعد نظامی، امنیت داخلی، منطقه‌ای - جهانی و روانی قابل‌بررسی است:

الف) بُعد نظامی عملیات: اجرای موفقیت‌آمیز عملیات فتح‌المبین از وقوع تحولی بزرگ در سال دوم جنگ حکایت دارد. این عملیات درحالی اجرا شد که نیروهای مسلح کشور تا آن زمان موفق به جلوگیری از پیشروی‌های دشمن نشده بودند.

سوسنگرد، بستان و چزابه شد.^۲ با پیروزی عملیات طریق‌القدس و قطع ارتباط زمینی یگان‌های تحت امر سپاه سوم عراق، در دو منطقه غرب رود کرخه و غرب رود کارون، زمینه مناسب برای عملیات در هریک از این دو منطقه فراهم شد. پس از انجام بررسی‌های متعدد، منطقه غرب کرخه به دلایلی همچون دورکردن دشمن از شهرهای اندیمشک، دزفول و شوش و تناسب استعداد یگان‌های خودی با وسعت منطقه و نیز مناسب‌بودن وضعیت طبیعی زمین آن برای رزم نیروهای پیاده، برای اجرای عملیات برگزیده شد.^۳ به‌این‌ترتیب، رزمندگان اسلام برای بیرون‌راندن قوای متجاوز عراق از سرزمین‌های اشغالی خوزستان، در شب دوم فروردین سال ۱۳۶۱، عملیاتی را با نام فتح‌المبین آغاز کردند. نام "فتح‌المبین" براساس تفلّال فرمانده وقت سپاه به قرآن و آمدن سوره فتح برای عملیات انتخاب شد. این نبرد پس از حدود یک هفته با پیروزی قاطع نیروهای ایران پایان یافت. عملیات فتح‌المبین سومین عملیات بزرگ در سال دوم جنگ به شمار می‌آمد.^۴

هدف عملیات فتح‌المبین آزادسازی مناطق اشغالی در غرب شهرهای دزفول و منطقه غربی کرخه و تصرف ارتفاعات تینه و رسیدن به مرز فکه بود. از آنجا که حضور قوای دشمن در غرب رودخانه کرخه تهدیدی برای جاده اهواز - اندیمشک (به‌عنوان گلوگاه استان خوزستان) محسوب می‌شد، اجرای عملیات در این منطقه و عقب‌راندن دشمن به‌سمت مرز برای تدارک مطمئن عملیات بیت‌المقدس، امری ضروری بود.^۵

عملیات بیت‌المقدس به‌عنوان چهارمین حمله بزرگ از سلسله عملیات‌های آفندی متقابل ایران علیه نیروهای متجاوز عراقی در سال دوم جنگ به اجرا درآمد. این عملیات درواقع با بهره‌گیری از نتایج سه عملیات قبلی و به‌ویژه موفقیت عملیات فتح‌المبین

منطقه دالبری، موقعیت ائمه، تجمع گردان‌های تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)

اهمیت است. کشور قبل از آغاز جنگ دچار چالش‌های سیاسی و امنیتی شده بود. گروه‌های متعدد و معاند با انقلاب اسلامی با پشتیبانی بیگانه اقدام به ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در بسیاری از نقاط کشور می‌کردند. هم‌زمان با وقوع این تحولات سیاسی در داخل کشور، که تجاوز دشمن از خارج هم آغاز شد. بنابراین عملیات فتح‌المبین را نه تنها باید پیروزی انقلاب نوپای اسلامی در برابر دشمن خارجی داشت، بلکه باید آن را آغاز پایداری سیاسی و تأمین ثبات در داخل هم قلمداد کرد. (ج) بعد منطقه‌ای و جهانی عملیات: تأثیرات سیاسی - نظامی عملیات فتح‌المبین به‌ویژه در سطح منطقه‌ای کلیه معادلات و محاسبات از پیش تعیین‌شده را به هم ریخت. تأثیرات منطقه‌ای این عملیات به حدی بود که رئیس استخبارات عراق - که چند سال بعد از جنگ و در دوران حاکمیت صدام به اروپا پناهنده شد - در کتاب خود با اذعان به اینکه: بزرگ‌ترین عملیاتی که کمر ارتش عراق را شکست، عملیات فتح‌المبین بود، تأکید می‌کند که این عملیات از نظر فیزیکی از چنان گستردگی برخوردار بود که به ارتش عراق ضربه سنگینی وارد کرد به‌طوری‌که

دشمن حدود ۲۰ هزار کیلومتر از سرزمین ایران را اشغال کرده بود. قبل از عملیات فتح‌المبین، عملیات‌های بزرگی انجام شد، اما با موفقیت همراه نبود. درواقع با بررسی این شکست‌ها، می‌توان به راز موفقیت عملیات فتح‌المبین پی برد. بنی‌صدر، که در آن زمان رئیس‌جمهور کشور بود و فرماندهی کل نیروهای مسلح را نیز در اختیار داشت، یک ماه پس از تجاوز صدام به کشور، ادعا کرد که در منطقه غرب کرخه با دو لشکر به نیروهای عراق - که در آن موقع دو لشکر بیشتر نبودند - حمله کرده و این مناطق را آزاد می‌کند، اما در سال اول جنگ دست نیروهای مسلح کشور به خاکریز عراقی‌ها هم نرسید. بنی‌صدر در سال اول جنگ چهار عملیات اجرا کرد که همه آنها با شکست روبه‌رو شد. تجزیه و تحلیل علل ناکامی تلاش‌های بنی‌صدر برای آزادسازی مناطق اشغالی بسیار مهم است. پیروزی در عملیات فتح‌المبین به‌منزله ظهور قدرت نظامی جدید در دوران دفاع مقدس بود.

ب) بعد امنیت داخلی عملیات: عملیات فتح‌المبین از بعد اوضاع سیاسی داخلی کشور نیز بسیار حائز

دیگر قادر به ایستادگی نبود.

د) بعد معنوی و روانی عملیات: بُعد چهارم عملیات فتح‌المبین که باید مورد توجه قرار گیرد جنبه معنوی آن و جایگاه ایمان و اعتقاد به تکلیف الهی است. البته این مسئله یکی از ویژگی‌های مهم در سرتاسر دوران دفاع مقدس است. الگوی تفکر و رفتار رزمندگان، شهدا و ایثارگران به‌عنوان یک فرهنگ ارزشی - حماسی در تاریخ ثبت شده است و برای همیشه الهام‌بخش ملت ایران خواهد بود. این الگو بیانگر نقش بی‌بدیل ایمان، روحیه فداکاری، خلاقیت و ابتکار عمل است. با مقایسه تفکر، مدیریت و رفتارهای نیروهای مسلح در سال اول و دوم جنگ مشاهده می‌شود که تحول بزرگی در همه امور و بنیان‌های جبهه‌های جنگ ایجاد شده است. فرهنگ و ادبیات جبهه و مقاومت، اندیشه و تفکر نظامی، تاکتیک‌ها، رفتار فردی رزمندگان و اسامی و عنوان‌های مورد استفاده برای مقرها، گردان‌ها، کدها، رمزها، نقشه‌ها و کالک‌ها همه و همه در این دوره متحول شدند. و برای مثال اسامی مبارکی مانند بلال، عمار، یاسر و... از سال دوم جنگ مورد استفاده قرار گرفت.^۷

منطقه جغرافیایی عملیات فتح‌المبین

منطقه عملیاتی فتح‌المبین زمینی به وسعت بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شد که از سه بخش کوهستانی، تپه ماهوری و دشت تشکیل شده و اختلاف ارتفاع بین این نقاط حدود ۲۲۰ متر بود. این منطقه از شمال به ارتفاعات سپتون و ارتفاعات ممله محدود می‌شد که در شمال عین‌خوش قرار دارد، همچنین از مشرق تا رودخانه کرخه و از جنوب تا صحرا و دشت لخصیر و نیز ارتفاعات میشداغ و تنگه رقابیه امتداد می‌یافت. منطقه عملیاتی فتح‌المبین دارای دو جاده اصلی آسفالت و محور مواصلاتی بود که از داخل خاک عراق تا پل نادری ادامه داشت. اولین جاده‌ای که لشکر ۱۰ ارتش بعثی از آن استفاده می‌کرد، از منطقه مرزی شریانی به عین‌خوش و از آنجا به دشت عباس و در نهایت به پل نادری می‌رسید. جاده دوم از مرز فکه آغاز و با عبور از شمال تنگه رقابیه به تپه‌های برقازه و رادار و از آنجا به پل نادری ختم می‌شد.^۸



انتقال نیروها با بالگرد به منطقه عملیاتی فتح‌المبین

سازمان رزم تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات فتح‌المبین

سازمان رزم تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات فتح‌المبین به این شرح تعیین شده بود:

فرمانده تیپ: حسین خرازی

جانشین تیپ: حجت‌الاسلام مصطفی ردانی‌پور

جانشین تیپ: محمدرضا زاهدی

مسئول ستاد: سیدعلی بنی‌لوحی

مسئول اطلاعات: مهدی شاه‌زیدی

مسئول عملیات: رضا حبیب‌الهی

مسئول تدارکات: اصغر صبوری

مسئول پرسنلی: حسن مجدالحسین

مسئول مهندسی: عبدالرزاق زارعان

مسئول تعاون: حسن عزیزی

مسئول بهداری: یوسف کشفی

مسئول پی.ام.پی: علیرضا شب‌انگیز

مسئول پدافند هوایی: حسین مزروعی

مسئول تانک: رضا عسگری

مسئول مخابرات: مصطفی ربیعی

مسئول تخریب: مرتضی تیموری

مسئول خمپاره: محبی

مسئول خمپاره ۱۰۶: عزیزالله شاملو

مسئول توپخانه: سیدحبیب اعتصامی

مسئول تبلیغات: اصغر آذریان

مسئول دیده‌بانی: سعید آزادی‌فر

فرمانده گردان حضرت امیرالمؤمنین (ع): ابوالقاسم میرکاظمی

فرمانده گردان یازهرا (س): خلیل کاظمی

فرمانده گردان امام حسن (ع): علی شفیعی

فرمانده گردان امام حسین (ع): سیدابراهیم میرکاظمی

فرمانده گردان امام سجاد (ع): علی جعفری

فرمانده گردان امام محمدباقر (ع): عباس فنایی

فرمانده گردان امام صادق (ع): حسین بالایی

فرمانده گردان موسی بن جعفر (ع): کریم نصر
فرمانده گردان امام رضا (ع): علی موحد دوست
فرمانده گردان امام جواد (ع): محمدرضا ابوشهاب
فرمانده گردان امام هادی (ع): رضا قانع
فرمانده گردان امام حسن عسگری (ع): منصور رئیسی
فرمانده گردان یا مهدی (عج): سیف‌الله حیدرپور.^۹

اقدامات واحدهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) برای اجرای عملیات فتح‌المبین

در عملیات فتح‌المبین با نظر فرماندهی و تلاش واحدهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) اقدامات متعددی برای اجرای هرچه بهتر این عملیات صورت پذیرفت. در ذیل به مهم‌ترین اقدامات تیپ ۱۴ امام حسین (ع) پرداخته شده است.

در این عملیات، نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) برای نخستین‌بار به دلایلی چون فاصله طولانی نیروها با منطقه عملیاتی، جلوگیری از افشاء عملیات و انتقال اطلاعات به دشمن (حفاظت اطلاعات) و تسریع در انتقال نیروها از هلی‌برد استفاده کردند. یک شبانه‌روز قبل از آغاز عملیات نیروهای پیاده با استفاده از بالگردهای شنوک از دوکوهه تا منطقه تی‌شکن هلی‌برد شدند. انتقال نیروها با این روش یک تجربه جدید و یک تاکتیک نظامی بسیار موفقیت‌آمیز بود.

همچنین، در مرحله اول عملیات در منطقه تی‌شکن، برای ۷ گردان پیاده تیپ ۱۴ امام حسین (ع) مأموریت و مانور مشخص شده بود. رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) با هلی‌برد نیروهای خود در عمق ۳۰ کیلومتری پشت خط اول منطقه عمومی نبرد دست به کار بزرگی زده بودند و با رعایت کلیه موارد حفاظتی دشمن از حضور آن نیروی عظیم در پشت جبهه خود بی‌اطلاع بود. در آخرین جلسه هماهنگی بین مسئولان اصلی تیپ، روی این موضوع بحث شد که باتوجه به آسیب‌پذیر بودن جناحین

بیمارستان صحرایی مؤسسه درمانی متحرکی است که به‌طور معمول در ناحیه رزم دایر می‌شود و هدف از ایجاد آن جلوگیری از تمرکز موقت بیماران در ناحیه مواصلاتی می‌باشد.^{۱۱} بیمارستان صحرایی براساس تدابیر فرمانده قرارگاه خط مقدم و فرمانده بهداشتی رزمی و توسط مرکز بهداشتی رزمی منطقه‌ای با هماهنگی واحدهای ذی‌ربط منطقه به‌منظور ارائه خدمات تخصصی و فوق‌تخصصی که امکان ارائه آنها در یگان‌های منطقه وجود ندارد، احداث و فعال می‌شود. علل راه‌اندازی بیمارستان صحرایی، تهدیدات دشمن، فاصله و بُعد مسافت خط مقدم تا عقبه و نیز عقبه ناامن و صعب‌العبور مناطق جنگی است.^{۱۲} این نوع بیمارستان را می‌توان در چادر یا ساختمان‌های پیش‌ساخته با سازه فلزی یا بتنی برپا کرد. اغلب بیمارستان صحرایی هنگام وقوع بلا یا و سوانح یا موارد اورژانس بسته به شرایط حاکم و برحسب نیاز، شامل واحدهای مراقبتی جامع می‌شود. جمعیتی که در بیمارستان‌های صحرایی درمان می‌شود محدود به ساکنان مناطق آسیب‌دیده می‌باشد.^{۱۳}

از آنجا که تیپ امام حسین^(ع) در عقبه و عمق دشمن وارد عمل شد و در این منطقه دسترسی به جاده اصلی ناممکن بود، به اجبار بایستی بیمارستان صحرایی در نزدیکترین نقطه عملیات تأسیس می‌شد. لذا با تلاش برادر یوسف کشفی مسئول وقت بهداری رزمی تیپ امام حسین^(ع) یک بیمارستان صحرایی با ظرفیت سه اتاق عمل که متشکل از یک سنگر بتون آرمه و یک کانکس اتاق عمل سیار و کادر متخصص پزشکی شامل جراح مغز، قلب، داخلی و ارتوپد و پیراپزشکی مجرب بود، در نزدیکترین نقطه (ارتفاعات تی‌شکن) تأسیس شد. کادر این بیمارستان از نیروهای بیمارستان شهید صدوقی و ستاد امداد و درمان استان اصفهان و ستاد امداد و درمان استان هرمزگان تأمین گردید.^{۱۴}

منطقه عین‌خوش، در صورتی‌که دشمن موفق گردد بر قسمت‌های حساسی از منطقه تسلط یابد، می‌تواند نیروها را تهدید کرده و زمینه بازپس‌گیری جبهه تصرف‌شده را فراهم سازد و لذا در اختیار نداشتن گردان احتیاط، به‌عنوان یک نقطه ضعف مورد بحث قرار گرفت. همچنین، در صورتی‌که دشمن از جناح راست باغ شماره ۷ یا تپه‌های ۲۰۲ نفوذ کند، هیچ نیرویی به‌عنوان احتیاط وجود نخواهد داشت. در این شرایط حسین خرازی در اقدامی ابتکاری از هر گردان یک دسته جدا کرده و با آنها گردان هشتم را تشکیل داد.

در ذیل به مهم‌ترین اقدامات برخی از واحدهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) برای اجرای عملیات فتح‌المبین می‌پردازیم:

واحد آماد و پشتیبانی

یکی از مأموریت‌های مهمی که توسط این واحد انجام شد، انتقال تجهیزات و امکانات توپخانه‌ای، تانک و نفربر به منطقه عملیاتی بود. این عمل از دو جنبه اهمیت داشت:

۱. به دلیل اینکه مسیر عبور تا منطقه عملیاتی یک مسیر پر پیچ و خم و بسیار طولانی بوده که اکثراً در دامنه کوه قرار داشت، لذا انتقال تجهیزات سنگین بسیار مشکل و در برخی مواقع غیرممکن به نظر می‌رسید.
۲. مسیر عبور برای رسیدن به منطقه عملیاتی از حیث حفظ اطلاعات بسیار منحصربه‌فرد بود، به‌طوری‌که عبور از چندین روستا، احتمال لورفتن عملیات را بسیار زیاد می‌کرد.^۱

۲. مسیر عبور برای رسیدن به منطقه عملیاتی از حیث حفظ اطلاعات بسیار منحصربه‌فرد بود، به‌طوری‌که عبور از چندین روستا، احتمال لورفتن عملیات را بسیار زیاد می‌کرد.^۱

واحد بهداری

مهم‌ترین اقدام این واحد ساخت بیمارستان صحرائی در منطقه عملیاتی تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) بود.

منطقه دالپری، گردان امام محمدباقر^(ع) از تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) پیش از عملیات فتح‌المبین

واحد اطلاعات

در منطقه تیشه‌کن تعدادی از نیروهای خمپاره‌انداز، مهندسی، فرماندهی و اطلاعات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) مستقر بودند. حدود دو ماه قبل از حمله، به دلیل آنکه نیروهای دشمن حدود ۳۰ کیلومتر با خط اولشان فاصله داشته‌اند، تپه‌های اطراف منطقه تیشه‌کن محل استراحت نیروهای عراقی بوده است. در اوایل، شناسایی‌ها بیشتر در روز انجام می‌گرفت ولیکن با نزدیک‌تر شدن شب عملیات، این کار علاوه بر روز در شب هم انجام می‌شد (به دلیل تسلط بیشتر بر منطقه و اینکه در شب حمله مسیر گم نشود).

منطقه تیشه‌کن دارای شیارهای متعدد بود که بعد از شناسایی‌های بسیار، یکی از آنها تأیید و مورد شناسایی کامل واقع شد. تمامی فرماندهان (از جمله برادر رضایی) نیز آن را تأیید و از آن دیدن کردند. این شیار از تیشه‌کن به سمت چپ دامداری ۱۳ و از آنجا به طرف رودخانه چیخواب به طول ۶/۵ کیلومتر امتداد داشت.

کل شناسایی‌ها بیشتر روی ۲ محور انجام گرفت: الف) محور شیاری که به باغ شماره ۷ منتهی می‌شد.

ب) محور شیاری که به رودخانه امیدیه و از آنجا

به چیخواب و سپس به امیدیه منتهی می‌شد.

از محور الف ۳ هدف مورد نظر بود:

۱. تصرف باغ ۷.

۲. ایجاد راه تدارکاتی موفق.

۳. راه عبور نیروهای زرهی.

وضعیت دشمن علاوه بر باغ شماره ۷، در تپه‌ای میان باغ شماره ۷ و رودخانه چیخواب نیز یک‌سری نیرو داشت. نیروهای اطلاعات از طریق شیاری که به پشت این تپه متصل می‌شد و در روبه‌روی روبه‌روی پل چیخواب در فاصله ۱۱ کیلومتری تیشه‌کن قرار داشت دشمن را در این منطقه مورد شناسایی کردند.^{۱۰} به‌طور کلی مهم‌ترین اقدامات واحد اطلاعات قبل از عملیات شامل موارد ذیل می‌باشد:

- شناسایی معابر وصولی خودی به دشمن و از دشمن به نیروهای خودی

- شناسایی و ثبت کلیه تحرکات، جابه‌جایی‌ها و جنگ افزارهای موجود در منطقه

- شناسایی و ثبت میادین مین و موانع مصنوعی شامل خاکریزهای احداث‌شده

شهید رضا حبیب‌الهی به نیروهای واحد مهندسی دستور داد که با بلدوزرهای سنگین روی زمین را پاک‌سازی کنند. استفاده از بلدوزر برای خشی کردن مین برای اولین بار در عملیات فتح‌المبین انجام شد.

- استفاده از کانکس: در عملیات فتح‌المبین نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به دلایلی به جای سنگر از کانکس استفاده کردند:

۱. راہ اندازی سریع یک موضع پشتیبانی مثل بہداری و اورژانس۔

۲. امکان کاربری‌های مختلف برای کانکس.

۳. ساخت کانکس به ابعاد مختلف و نداشتن محدودیت در ارتفاع آن.^{۱۷}

واحد آموزش

نیروهای اعزامی بسیجی به تیپ ۱۴ امام حسین (ع) به طور متداول در برنامه اعزام نیرو، یک دوره آموزش عمومی را می گذراندند. رزمندگان اسلام با توجه به اهمیت عملیات مجبور بودند به طور فشرده همه فنون نظامی و روش های جنگ را در حالت های گوناگون شامل رزم انفرادی و مرور روش ها، تکنیک ها و تاکتیک ها بیاموزند. دوره آموزش عمومی به تناوب در مراحل گوناگونی آغاز شد. مرحله اول شامل فراگیری مهارت های مقدماتی، آمادگی جسمانی و کسب آشنایی عمومی و به صورت تئوری با انواع و اقسام سلاح بود. رزمندگان پس از آنکه آموزش های لازم را با موفقیت سپری می کردند، در مرحله بعد با انتخاب و تعیین میدان های تیر برای سلاح های انفرادی، اموری را که فرا گرفته بودند به طور عملی تمرین می کردند.

مرحله دوم آموزش سنگین و فشرده‌تر بود و تحرکات تاکتیکی؛ رزم شبانه؛ راه‌پیمایی‌های طولانی‌مدت و طاقت‌فرسا و مانورهای آزمایشی را شامل می‌شد. فشردگی و سنگینی آموزش‌های این مرحله، توان نیروها را می‌گرفت و آنان را به شدت خسته می‌کرد، اما نیروها به تدریج قوای تحلیل‌رفته را بازمی‌یافتند و به تدریج ضمن کسب آمادگی‌های لازم

- شناسایی کلیه مواضع و استحکامات دشمن در خطوط دفاعی و عمق منطقه

- شناسایی سازمان رزم، ترکیب، استعداد و ثبت محل گسترش یگان‌های دشمن

- شناسایی و ثبت استعداد های پشتیبانی دشمن،
اعم از نیروی هوایی، هوانیروز، توپخانه و پدافند
هوایی

- بررسی جغرافیایی منطقه عمومی عملیات،
شناسایی جنس و توپوگرافی زمین، مواضع مصنوعی،

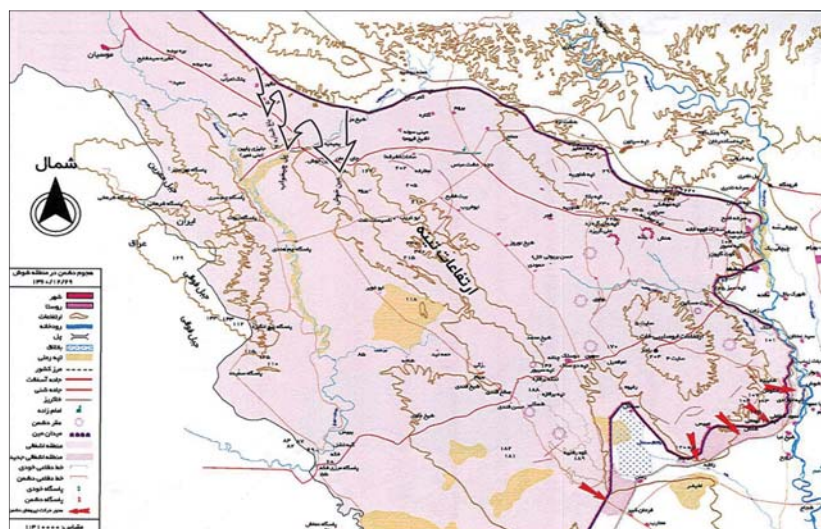
رودخانه‌ها، برجستگی‌ها، راه‌ها، پل‌ها، جغرافیای انسانی، اجتماعی و روانی مردم منطقه، آب و هوا

واحد مهندسی

واحد مهندسی در این عملیات دو مأموریت مهم را برعهده داشت: نخست، آماده‌سازی کامل منطقه برای اجرای عملیات و دوم، ورود به منطقه دشمن و زمینه‌سازی برای تداوم و تثبیت عملیات بود. از مهم‌ترین اقدامات این واحد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- احداث جاده‌های مختلف: واحد مهندسی در این عملیات اقدام به احداث جاده‌ای طولانی خصوصاً در کف شیارها برای تردد نیروها به جلو و عقبه خودی کرد. علاوه بر این پشتیبانی از رزمندگان، احداث دپوهای منطقه به منظور تسهیل در تحمیل رزم نزدیک به دشمن و منفجر کردن پل چهل دهنه در عقبه دشمن با هدف قطع ارتباط نیروهای دشمن با یکدیگر از دیگر اقدامات واحد مهندسی در این عملیات بود.^{۱۶}

- خشی کردن مین با بلدوزر: در عملیات فتح المبین دشمن عقبه خود را مین گذاری کرده بود، از این رو برای خشی شدن مین های منطقه به دلیل کمبود وقت



محوهای پیشروی تیپ ۱۴ امام حسین (ع)

خرم‌آباد با ۳ گردان و تیپ ۲ زرهی از لشکر ۹۲ زرهی با ۳ گردان از ارتش. در عملیات فتح‌المبین قرارگاه قدس مأموریت داشت با استقرار در محور تیشه‌کن، چاه‌نفت، ضمن هدایت رزمندگان به سمت اهداف مورد نظر شامل کمرسرخ، امامزاده عباس شهر، پادگان عین‌خوش و ارتفاعات عین‌خوش، منطقه ابوغریب و ارتفاعات تینه را تصرف کند.^{۱۹}

گفتنی است در حین شناسایی منطقه فتح‌المبین، مأموریت دفاع از تنگه چزابه و عملیات در آن منطقه به تیپ ۱۴ امام حسین (ع) واگذار گردید و این تیپ به‌منظور آماده‌شدن مجدد برای اجرای عملیات در منطقه فتح‌المبین کمتر از ۲۰ روز زمان در اختیار داشت، باین‌حال شهید حسین خرازی با مدیریت شایسته توانست یگان خود را برای اجرای عملیات آماده سازد.^{۲۰}

رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در روز اول فروردین ماه ۱۳۶۱ طبق ابلاغ قبلی آماده اجرای عملیات شدند و براساس طرح مانور قرار شد تیپ از سه محور باغ شماره ۷، پل چیخواب و عین‌خوش به این ترتیب وارد عمل شود:

وارد عرصه جدید و منطقه واقعی نبرد می‌شدند. این آموزش‌ها زیر نظر مربیان مجرب به اجرا درمی‌آمد.

شرح عملیات فتح‌المبین

عملیات فتح‌المبین به‌طور کلی در سه مرحله اجرا شد: مرحله اول در ۳۰ بامداد ۱۳۶۱/۱/۲؛ مرحله دوم در ساعت ۱ بامداد ۱۳۶۱/۱/۴ و مرحله سوم دو روز پس از پایان مرحله دوم و به‌دنبال اعزام‌های گسترده داوطلبان مردمی، در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۷ شروع شد.^{۱۸} برای اجرای این عملیات چهار قرارگاه مجزا به نام‌های قدس، نصر، فجر و فتح در نظر گرفته شد و هرکدام از یگان‌ها تحت امر یک قرارگاه، که از نیروهای سپاه و ارتش تشکیل می‌شد، قرار گرفتند. در این میان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) تحت امر قرارگاه قدس قرار گرفت؛ یگان‌هایی که تحت امر قرارگاه قدس وارد عمل می‌شدند عبارت بودند از:

تیپ ۱۴ امام حسین (ع) با ۹ گردان پیاده و ۷ گردان تخریب، مهندسی، تانک، پدافند هوایی، ادوات، ۱۰۶ و توپخانه؛ تیپ ۴۱ ثارالله با ۶ گردان؛ تیپ ایلام با ۳ گردان؛ گردان مستقل علی‌اکبر (ع) از سپاه؛ تیپ ۸۴ پیاده

به سمت عین‌خوش حرکت کرده و پادگان عین‌خوش و ارتفاعات مشرف بر آن را به تصرف خود درآورده و بر روی آن پدافند می‌کردند.^{۲۱}

در تاریخ اول فروردین با اینکه نیروها برای اجرای عملیات در محورهای خود مستقر شده بودند به دلیل عدم آمادگی یگان‌های دیگر، بنا به تدبیر فرمانده قرارگاه اجرای عملیات منتفی شده و طرح مانور پیش‌بینی شده عملاً به فردای آن روز یعنی ۳۰ دقیقه بامداد ۱۳۶۱/۱/۲ موکول گردید.^{۲۲}

تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در مرحله اول عملیات
در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲ که قرار بود عملیات اجرا شود فرماندهان برای تصمیم‌گیری درباره استفاده از شیار شب اول یا از یک شیار دیگر جلسه‌ای برگزار کردند. بعد از مشورت و تبادل نظر، در نهایت قرار شد برای رفع این مشکل استخاره کنند. پاسخ استخاره برای شیار جدید خیلی خوب و برای شیار شب قبل عملیات خیلی بد آمد. لذا از شیار جدید برای اجرای عملیات استفاده شد (بعدها معلوم شد دشمن در شیار اول اقدام به مین‌گذاری و گذاشتن کمین کرده بود).^{۲۳} از آنجا که شروع عملیات در تاریکی شب بود و باتوجه به اهمیت اصل غافلگیری، نیروهای تک‌ور تیپ امام حسین (ع) تلاش کردند بدون استفاده از آتش، خود را به مواضع دشمن نزدیک سازند تا بتوانند با یک یورش سریع ضربات اولیه را بر آنها وارد کنند. در این عملیات قرارگاه قدس نقش حساس و ویژه‌ای داشت؛ زیرا نیروهای این قرارگاه به عقبه دشمن حمله می‌کردند و چنانچه این نیروها موفق به تصرف مواضع این منطقه از دشمن می‌شدند، مهم‌ترین خط مواصلاتی و تدارکاتی نیروهای دشمن در محور دهلران، عین‌خوش، پل نادری و راه پشتیبانی آنها قطع می‌شد. علاوه بر این، با این اقدام از واکنش سریع نیروهای احتیاط دشمن و عقب‌نشینی لشکر ۱۰ زرهی عراق - که در اطراف این محور گسترش داشتند - جلوگیری می‌شد.

در محور اول که باغ شماره ۷ بود در زمانی نسبتاً کم، شناسایی‌های کاملی انجام گرفته بود و مسیر گردان‌های محور دوم نیز که به سمت پل چیخواب منتهی می‌شد از همین محور می‌گذشت. در محور اول مقرر گردید ابتدا یک گردان امام محمدباقر (ع) به فرماندهی برادر عباس فنایی به سمت باغ شماره ۷ حرکت کرده پس از رسیدن به دپوی دشمن، گروهان اول و دوم به سمت چپ و راست دپو حرکت کرده و پاک‌سازی و انهدام دشمن را انجام داده و گروهان سوم مستقیماً به سمت باغ شماره ۷ رفته و آنجا را به تصرف خود درآورد.

در همین حین، دو گردان امام سجاد (ع) به فرماندهی برادر جعفری و گردان امام صادق (ع) به فرماندهی برادر بالایی، نیز بایستی بدون درگیری از سمت چپ باغ شماره ۷ عبور کرده و مستقیماً به سمت سهراهی و پل چیخواب رفته و پس از تصرف پل، سمت چپ و راست پل را نیز تا پل چهل‌دهنه پاک‌سازی کنند.

از سوی دیگر، در محور سوم باید از شیاری که قبلاً شناسایی شده بود، سه گردان به هدف اصلی که عین‌خوش، پادگان عین‌خوش و ارتفاعات مشرف بر آن بود به ترتیب ذیل حرکت کنند: گردان موسی بن جعفر (ع) به فرماندهی برادر نصر مأموریت داشت. به دلیل حضور دشمن در اطراف شیار در صورت وقوع درگیری با گروهان‌های خود در سمت چپ و راست شیار، محور عین‌خوش را تأمین کند. سپس دو گردان امام رضا (ع) به فرماندهی برادر موحّد دوست و گردان امام جواد (ع) به فرماندهی برادر محمدرضا ابوشهاب

این حرکت احاطه‌ای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) نقش مهمی در نتیجه نهایی عملیات داشت و باعث قطع ارتباط عقبه دشمن با نیروهای جلویی آن گردید.

به این منظور، قرارگاه قدس کوشید تا قبل از ساعت شروع تک، نیروهای تحت فرماندهی خود را هرچه بیشتر به ارتفاعات شمالی مشرف بر معبر عین خوش نزدیک کند.^{۲۴}

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در همان ساعات نخست موفق شد تمام اهداف خود را تصرف کند:

در ابتدا رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در ساعت ۲۲ حرکت اصلی خود را به سمت مواضع دشمن آغاز کردند. در محور اول، گردان امام محمد باقر^(ع) به فرماندهی برادر عباس فنایی پس از عبور از شیباری که قبلاً شناسایی شده بود به طرف مرغداری حرکت کرده و پس از عبور از آن به سمت باغ شماره ۷ به حرکت خود به صورت مخفیانه ادامه داد (که طی کردن این مسیر بالغ بر ۹۰ دقیقه زمان لازم داشت) و سپس حدود ۵۰۰ متری دشمن زمین گیر شد تا دو گردان امام سجاده^(ع) و امام صادق^(ع) بلافاصله از سمت چپ باغ عبور کرده و خود را به سهراهی پل چیخواب رساندند.

در محور اول، باغ شماره ۷، گردان امام محمدباقر^(ع) پس از استقرار نیروها در ۵۰۰ متری خط اول دشمن و باغ شماره ۷، حدود ۵۰۰ متر به سمت راست رفته و معبر جدیدی باز کرد البته شب گذشته معبری در میدان مین شناسایی شده و نیمه کاره رها شده بود، اما احتمال می رفت که مسیر مورد نظر لو رفته باشد. و در ادامه پس از عبور این گردان از میدان مین، گروهان اول به سمت چپ یورش برده، گروهان دوم به سمت راست دپو حمله کرده، گروهان سوم به سمت باغ شماره ۷ و مقر فرماندهی نیروهای دشمن حرکت کرده و منطقه را از نیروهای دشمن پاکسازی کردند. قبل از حرکت گروهانها چندین آرپی جی زن مواضع اولیه دشمن (مواضع تیربار و حساس) را نشانه گرفتند و به محض شروع عملیات آنها را هدف موشک های خود قرار دادند. لذا با مستقرشدن نیروهای محورهای دوم و

سوم و تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) پس از فرمان اجرای عملیات در ساعت ۲۳ دقیقه بامداد این گردان به یکباره به سمت مواضع دشمن یورش برده و در همان ابتدا مواضع اولیه هدف قرار گرفت.

رزمندگان به سرعت خود را به دپو دشمن رسانده و آنجا را پاکسازی کردند. گروهان سوم نیز توانست باغ شماره ۷ را به تصرف خود درآورد. این عملیات آنقدر برق آسا بود که دشمن بعثی با آنکه در مواضع خود به صورت آماده باش حضور داشت، نتوانست بیشتر از ۳۰ دقیقه

مقاومت کند و تمامی نفرات دشمن به هلاکت رسیدند. در این درگیری تلفات واردشده به گردان عبارت بود از ۹ شهید و ۳۲ زخمی با این حال گردان پس از سازماندهی مجدد و استقرار در محل تصرف شده، اقدام به تثبیت مواضع کرد و شهدا و زخمی های خود را به عقب انتقال داد.

محور دوم، پل چیخواب، گردان های امام سجاده^(ع) و امام صادق^(ع) پس از عبور از سمت چپ باغ شماره ۷، موازی با

جاده آسفالتی که از این باغ به طرف پل چیخواب ادامه داشت حرکت کردند. حدود ۱۰۰ متر قبل از رسیدن به پل چیخواب، یک سهراهی وجود داشت. یکی از گردانها با کمی انحراف به سمت راست جاده یعنی به سمت عماره به حرکت خود ادامه داد و اشتباهاً به پل دیگری به نام پل چهل دهنه رسید. در این محل نیروهای دشمن بعثی با استقرار ۱۲ دستگاه تانک از پل حفاظت و عقبه خود را از این محل تأمین می کردند. با رسیدن نیروها به پل چهل دهنه، درگیری شروع شد و رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) تمامی

رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در همان شب اول با قاطعیت تمامی اهداف خود را تصرف کردند. میزان موفقیت در منطقه عین خوش فوق العاده بود.

در محور سوم عین‌خوش که شامل گردان‌های موسی بن جعفر^(ع)، امام جواد^(ع) و امام رضا^(ع) می‌شد، رزمندگان از شیاری که قبلاً

شناسایی شده بود آماده حرکت بودند ولیکن از آنجاکه شب قبل از همین شیار به سمت دشمن رفته و بازگشته بودند، احتمال می‌دادند این مسیر لو رفته باشد لذا تقالی به قرآن زده و تصمیم گرفتند که مسیر خود را عوض کنند و از شیار دیگری بروند. از این روی، گردان موسی بن جعفر^(ع) به فرماندهی کریم نصر مأموریت یافت که با گروهان‌های خود سمت چپ و راست و انتهای شیار را تأمین کرده و در صورت

حضور دشمن آنها را نابود کند تا دو گردان دیگر به راحتی از شیار مذکور عبور کرده و به سمت هدف اصلی که عین خوش و ارتفاعات مشرف بر آن و پادگان عین خوش بود رفته و آنجا را به تصرف خود درآورند. رزمندگان، بعد از عبور از شیار که انتهای آن به روبه روی امیدیه می رسید به حرکت خود ادامه دادند و با درگیری های محدود از عین خوش عبور کردند و پادگان عین خوش را به تصرف خود در آوردند. همچنین گردان امام رضا^(ع) با عبور از ارتفاعات عین خوش، تویخانه دشمن را محاصره

در روز سوم، باتوجه به آگاه شدن کامل دشمن از مواضع نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) پاتک‌ها با دقت و شدت بیشتری اجرا شد.

احداث یک دپو به پدافند مشغول شدند.

صبح روز ۱۳۶۱/۱/۳، فشار دشمن با همان استعداد شب قبل (۲۴ تانک و ۲۱ نفربر) افزایش یافت تا جایی که به فاصله ۱۰۰ متری نیروهای اسلام رسیدند و در حال مسلط شدن بر روی تپه ۲۰۲ بودند. صبح روز چهارشنبه ۱۳۶۱/۱/۴، رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با گردانی که از شهرضا در اختیار داشتند و یک گردان از نیروهایی که از مشهد آمده بودند به دشمن حمله کردند که این شجاعت و دلاورمردی سبب شد دشمن از آنجا عقب‌نشینی کند. لازم به ذکر است اگر این حمله توسط نیروهای خودی انجام نمی‌شد، عراق تپه ۲۰۲ را به تصرف درمی‌آورد. اما با حمله رزمندگان، عراق با تلفات زیاد از تپه ۲۰۲ عقب‌نشینی کرد. در این درگیری تعداد ۸۰ نفر از رزمندگان شهرضا به شهادت رسیدند. در مرتبه سوم عراق پاتک بسیار سنگینی را بر روی باغ شماره ۷ اجرا کرد تا حدی که یکی از تانک‌های آنان به حدی جلو آمد که به نفربر نیروهای خودی که پشت دپو بود، رسید، ولیکن رزمندگان با نارنجک آن را دفع کردند و به لطف الهی این پاتک نیز دفع شد. در چهارمین پاتک دشمن بعثی، باران الهی به کمک رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) آمده و دشمن را عقب راند. بیشتر پاتک‌های عراق از ناحیه سمت راست باغ شماره ۷ انجام گرفت و علت آن عمل نکردن ارتش از سمت دهلران بود.

علت اصلی پاتک‌ها به باغ شماره ۷ این بود که عراق از مسیر العماره راه تدارکاتی داشته و از آنجا مهمات دریافت می‌کرد لذا فشار بیشتری را بر باغ شماره ۷ وارد می‌آورد. از طرف دیگر، در منطقه عین‌خوش چون از پشت به دشمن حمله شده بود راهی جز فرار نداشت. صبح روز حمله، عراق از سمت چپ با ۴۳ تانک به طرف عین‌خوش حرکت کرد (ساعت ۳۰:۱۰) و زمانی که ۳ تانک آنها زده شد بقیه نیروهای بعثی خود را تسلیم نیروهای اسلام کردند.^{۳۷}

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در مرحله دوم عملیات

هرچند تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در مرحله اول عملیات، تمامی اهداف خود را به تصرف درآورده بود اما از آنجا که یگان‌های سمت چپ این تیپ موفق به دستیابی به هدف‌های خود نشده بودند، این یگان در موقعیت خطرناکی قرار داشت و به دلیل پیشروی در عمق دشمن، در محاصره قرار گرفته بود. پاتک‌های دشمن با روشن شدن هوا به سمت سه محور تیپ آغاز شد. در این مرحله با پایمردی و

از جان‌گذشتگی رزمندگان همه پاتک‌های دشمن دفع شد. در روز سوم، باتوجه به آگاه‌شدن کامل دشمن از مواضع نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) پاتک‌ها با دقت و شدت بیشتری اجرا شد. عباس فناپی فرمانده گردان امام محمدباقر^(ع) درمورد پاتک‌های دشمن در محور اول، باغ شماره ۷ می‌گوید:

«روز سوم عملیات به قسمت راست ما، نیروی دشمن حمله کرد که تانک‌های آن روی ارتفاعات رفتند و از سینه ارتفاعات، از پهلو به طرف

ما آمدند و نفربرهایشان هم با سرعت خیلی زیادی مستقیماً به طرف خاکریز آمدند. ما مجبور شدیم یک گروه ۲۲ نفره که فقط سه چهار آر.پی.جی. داشتند را در برابر حدود هفتاد هشتاد تانک در آن دشت صاف بفرستیم که می‌توانست به راحتی عبور کند و پشت ما بیاید و راه تدارکاتی ما را ببندد و کلاً باغ را محاصره کرده و ما را از بین ببرد. نفربرها با سرعت زیاد تا خاکریز ما آمدند که بچه‌ها با آر.پی.جی. آنها را زدند. یکی از آنها آمد به خاکریز خورد و پی.ام.پی. که ما این طرف خاکریز داشتیم رفت که با همدیگر

صدام می‌گفت اگر شما بتوانید
رادار را بگیرید، من کلید بصره
را به شما می‌دهم.

مشخص کنند. چراکه این عملیات کلاً از فکر و حد گنجایش مغزی بشر خارج است. یک نیروی پیاده با آن وضعیت و با آن آموزش در برابر یک نیروی پر قدرت عراق و حساب شده و خاکریزهای محکم پیروز بشود به صورتی که حتی صدام می گفت اگر شما بتوانید رادار را بگیرید، من کلید بصره را به شما می دهم.»

در همین محور فرمانده گردان اضافه می‌کند:

«ما یک گروه گشتی بیست نفره به ارتفاعاتی که پشت سر ما بود و پاک سازی نشده بود فرستادیم که یک گردان ۴۰۰ نفره دشمن را فقط با دادن یک شهید و یک زخمی گرفتند و آوردند. این نمی تواند در حد گنجایش مغزی دنیا باشد که یک نیروی آفندکننده بیست نفره بتواند یک نیروی چهارصد نفره پدافند را روی ارتفاعات به آن صورت اسیر کند و بگیرد و همه آنها باری خدا بود.»

در محور باغ شماره ۷، در مدت سه روز، ۲۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و ۵۹۰ نفر از آنها هم اسیر شدند. در محورهای دیگر نیز به وسیله تانک، پی.ام.پی و ۱۰۶ تمامی پاتک‌ها یکی پس از دیگری دفع شد به طوری که دشمن در محور عین‌خوش با دادن تعداد زیادی کشته و ۱۲۰۰ نفر اسیر در همان روز اول از منطقه تاحدودی عقب رفت، باین حال، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) همچنان در محاصره دشمن قرار داشت.^{۲۸}

در این وضعیت نظر اکثر فرماندهان قرارگاه مرکزی کربلا این بود که تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) هرچه سریع‌تر عقب‌نشینی کند، زیرا در غیر این صورت کل نیروها به شهادت می‌رسیدند. این دستور به فرمانده تیپ ابلاغ می‌شد، ولی دو دلیل باعث شد که شهید خرازی عقب نیاید. نخست اینکه وی با انجام دو اقدام متکبرانه توانست نیروهای خود را از محاصره خارج و منطقه عین‌خوش را حفظ کند: فرمانده تیپ امام حسین^(ع) با تسلطی که به منطقه نبرد داشت، دست به تدبیری عاقلانه زد. وی قبل از اجرای یاتک

شاخ به شاخ شدند و دوتای دیگر مستقیم به خاکریز خوردند و ایستادند. یک مسئله خیلی جالبی که ما اینجا دیدیم، یکی از برادرهای بسیج که یک بچه ۱۸ ساله بود و در سنگر نشسته بود که حتی نفربر آمد به سینه سنگر او خورد و این بچه از سنگر پایین نیامد. همان بالا نشست و با تفنگ تیراندازی می کرد تا اینکه آر.پی.جی زن ها نفربر را زدند. جریان طبس دومی اینجا درست شده بود. چون نفرات این پی.ام.پی ها خواسته بودند بیرون بیایند و روی دیو بریزند و در همان حین موج انفجار آر.پی.جی. اینها را سوزانده بود. انگار طبس زنده شده بود و اطراف این نفربرها جنازه های سوخته شده دشمن که حدود ۳۰، ۲۰ نفر بودند ریخته بود که واقعاً برای ما یکی از عجایب بود و کاملاً امداد غیبی خدا بود که نیروی کمی که ما پشت این خاکریز داشتیم و آن وضعی که سمت راست ما داشت، دشمن به راحتی می توانست نفوذ کند و ضربه بزند. وقتی این سه تا منفجر شد و یک ۱۰۶ هم از فاصله ۶۰۰، ۵۰۰ متری یک نفربر دیگر را زد، بقیه برگشتند و فرار کردند. کلاً ما خودمان همه متعجب بودیم و همان موقع خدا را شکرگذاری کردیم و این امداد الهی و یاری خدا بود که توانست این نیروی عظیمی که به طرف ما حرکت کرده بود و نزدیک به ۲۰ تا تانک و نفربر را فراری بدهد. کلاً عملیاتی که ما در این منطقه انجام دادیم و نیروهای دیگرمان در کل منطقه انجام دادند فقط نزدیک به دو هزار کیلومتر مربع منطقه آزاد شده است، به اضافه سایت های مهم و رادار مهمی که در منطقه وجود داشته و این که کاری کردیم که آتش توپخانه دشمن از دزفول برجیده بشود. این فقط یاری خدا و صداقت بچه ها بود که چنین پیروزی را نصیب ما کرد. به هر حال مسئله این منطقه وکل این عملیات مسئله ای نیست که کارشناس های نظامی و مفسران مسائل نظامی دنیا بتوانند روی آن تفسیر کنند و نتیجه گیری کنند و استراتژی این جنگ را

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در مرحله سوم عملیات در مرحله سوم فرماندهی قرارگاه تصمیم گرفت روز هشتم فروردین ماه را به پاکسازی منطقه نبرد از عناصر باقیمانده دشمن اختصاص دهد. گفتنی است اگرچه نیروهای ایرانی در محورهای پیشروی، به اهداف خود دست یافته و دشمن را منهدم کرده بودند، ولی هنوز عناصری از دشمن در مناطق خارج از محورهای پیشروی مثل منطقه شمال غربی تپه‌های ابوصلیبی خات و غرب علی‌گره‌زد باقی مانده بودند. علاوه بر این در عملیات روز هفتم، نیروهای قرارگاه قدس آن منطقه را پاکسازی نکرده بودند و دشمن هنوز در قسمت جنوبی دشت عباس در حوالی آبادی‌های حسن بربوطی و واوی و تل حضور داشت و با اینکه افراد دشمن قادر به نبرد نبودند، لازم بود این عناصر اسیر یا نابود شوند.^{۳۲}

اصول نبرد در عملیات فتح‌المبین

الف) اصل هدف: در این عملیات، نخستین اصل تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) تلاش برای رسیدن به هدف اعلام شده بود که انهدام نیروهای متجاوز بعثی و آزادسازی مناطق اشغالی را شامل می‌شد و تصرف منطقه عمومی عین‌خوش جزء این اهداف بود.

ب) اصل مانور: به‌طور کلی این عملیات براساس طرح مانور تهیه شده اجرا شد و در محور قرارگاه - قدس، مانور به‌صورت احاطه‌ای در یکی از جناح‌های دشمن به اجرا درآمد. دشمن در مدت هیجده ماهی که در منطقه استقرار داشت، با استفاده از این فرصت طولانی، مواضع خود را تا اندازه‌ای مستحکم کرده بود. با شناسایی‌های دقیقی که از منطقه به عمل آمد، معلوم شد که جناح شمال غربی دشمن در عین‌خوش قابل نفوذ است و از آن طریق می‌شود به عقبه دشمن دسترسی پیدا کرد. بنابراین، در منطقه عملیات از ناحیه دامادری ۷ در شمال غربی عین‌خوش یک عملیات احاطه‌ای اجرا شد. نیروی عمل‌کننده تیپ ۱۴ امام

سنگین دشمن تمام رانندگان خودروها را فراخواند. منطقه‌ای که نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در آن مستقر بودند شامل ده کیلومتر جاده آسفالت به سمت امامزاده عباس و شوش بود. شهید خرازی به راننده‌ها گفت: سوار خودروها شوید و به سمت دالپری رفته و از آنجا با چراغ روشن به سمت ما برگردید و درحین حرکت، با هر سلاحی که دارید تیراندازی پراکنده انجام دهید و این عمل را تا قبل از روشنایی هوا چندین مرتبه تکرار کنید. راننده‌ها ۳، ۴ مرتبه تا صبح این کار را انجام دادند. با این تدبیر فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، دشمن تصور کرد که خیل عظیمی از نیرو در حال حرکت و پیشروی است و در نتیجه دشمن از ترس وارد شدن تلفات سنگین به نیرو و تجهیزات خود بدون درگیری کلیه نیروهای خود را به عقب برگرداند و نیروهای تیپ امام حسین^(ع) به راحتی از محاصره خارج شدند.^{۳۹}

علاوه بر این، حسین خرازی فرمانده تیپ امام حسین^(ع) با احداث یک خاکریزی به صورت نیم‌دایره به شعاع ۴، ۵ کیلومتر در اطراف نیروهای خود یک دفاع دوجانبه را طراحی و اجرا کرد. این نیروها به مقاومت خود ادامه دادند تا اینکه حمله از محور رقابیه آغاز شد. به این صورت، تیپ امام حسین^(ع) توانست با امن‌سازی مسیر عقبه خود عین‌خوش را حفظ کند و این مشکل حل شد.^{۳۰}

دلیل دومی که مانع از عقب‌نشینی تیپ ۱۴ امام حسین شد این بود که فرمانده وقت سپاه برادر محسن رضایی، برای منحرف ساختن دشمن از منطقه تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به قرارگاه فتح دستور داد که به رقابیه حمله کند تا فشار از روی عین‌خوش برداشته شود. در پی ابلاغ این دستور، یگان‌های قرارگاه فتح که ۴۸ ساعت قبل از شروع عملیات از ارتفاعات میشداغ به سمت رقابیه حرکت کرده بودند، حملات خود را به رقابیه شروع کردند و بدین ترتیب فشار روی تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) کاهش یافت.^{۳۱}

حسین^(ع) بود که با دورزدن دشمن بدون درگیری به مواضع دشمن در غرب رودخانه چیخواب از ارتفاعات ممله به سمت جاده دهلران- عین خوش سرازیر شد و از پشت ارتفاعات عین خوش مواضع آن را هدف حمله قرار داد و تصرف کرد.^{۳۳}

(ج) شناسایی دقیق: پیش از اجرای عملیات، تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از مسیرها، محورها و معابر وصولی خودی به مواضع دشمن و پشت سر آنها و در بعضی از قسمت‌ها تا توپخانه دشمن شناسایی دقیقی به عمل آورد. نقش نیروهای اطلاعات این یگان در موفقیت این تیپ در این عملیات انکارناپذیر بود. این واحد به سبب شناسایی شیارهایی که نیروها با عبور از آنها به مواضع دشمن نزدیک شدند، نقش بسیار قابل توجهی در موفقیت تیپ داشت. این شیارها قبل از شروع عملیات مورد تأیید فرماندهان ارشد سپاه از جمله برادر محسن رضایی قرار گرفته بود.^{۳۴}

(د) اصل غافلگیری: اصل غافلگیری یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول موفقیت است؛ در این عملیات رزمندگان اسلام با توجه به محدودیت‌هایی که از نظر مهمات و دیگر وسائل و تجهیزات با آن روبه‌رو بوده‌اند، از تک شبانه به‌نحو احسن استفاده کردند. نیروهای تک‌ور تیپ امام حسین^(ع) در همان روز نخست تلاش کردند بدون استفاده از آتش، خود را به مواضع نیروهای دشمن نزدیک سازند تا بتوانند با یک یورش سریع ضربات اولیه را بر نیروهای دشمن وارد کنند.

هـ) سرعت عمل: سرعت عمل یکی از مسائلی است که تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) آن را به نحو احسن انجام داد. این یگان در کمترین زمان ممکن، خود را برای اجرای حمله آماده کرد و با رعایت این اصل علاوه بر انتقال سریع نیروها به منطقه، در خیز دوم یعنی انتقال نیروها تا خط اول و پشت سر دشمن نیز با سرعت عمل این کار را انجام دادند. ضمن اینکه در شرایطی که خود را برای عملیات فتح‌المبین آماده

می‌کرد عملیات تنگه چزابه را هم اجرا کرد.

(و) اصل تمرکز قوا: اصل تمرکز قوا و انجام عملیات در جبهه ضعیف دشمن یکی از اصولی است که باید در طرح‌ریزی عملیات رعایت شود. در این عملیات، براساس طرح مانور تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) که به‌صورت احاطه یک طرفه بود، بیشترین نیرو و قوا از ضعیف‌ترین قسمت نیروهای دشمن از ارتفاعات تیشه‌کن (ممله) به‌طرف دامداری شماره ۷ و عین‌خوش وارد عمل شد؛ اقدامی که موجب گردید تا یگان‌های دشمن بر روی ارتفاعات کمرسرخ و خط تماس محاصره شوند.

(ز) رعایت اصل حفاظت: اصل حفاظت یکی از اصولی بود که در تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) کاملاً رعایت شد. با اینکه غیر از نیروهای رزمنده افراد غیرنظامی هم در منطقه زیاد بودند، اما اصول حفاظت در اسناد و مدارک، اطلاعات و مخابرات به صورت کامل تقریباً در تمامی رده‌ها عملی شد.

ح) اصل آفند: عملیات متهورانه رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با حضور در محور تیشه‌کن و با پشت‌سر گذاشتن مسافت طولانی ۱۰ کیلومتری - به‌صورت پیاده - در اوایل بامداد دوم فروردین سال ۱۳۶۱ شروع گردید و هزاران رزمنده خط‌شکن این یگان از طریق شیار ممله به منطقه عین‌خوش حمله‌ور شدند. سپاهیان اسلام از سه محور وارد عمل شدند. در محور اول یک گردان با هدف مسدود کردن عقبه دشمن در علی‌نیر به نیروهای مستقر در باغ شماره ۷ حمله کردند و در ساعت ۵:۰۴ دقیقه صبح این محل را از وجود متجاوزان بعضی پاک‌سازی کرد. در محور دوم دو گردان یکی به‌طرف پل چهل‌دهنه باهدف مسدود ساختن عقبه نیروهای عراقی ازطرف چم‌سری و گردان دوم به‌سمت پل چیخواب پیشروی کردند. این دو گردان نیز در ساعت ۵:۰۴ دقیقه صبح موفق شدند پل چهل‌دهنه را منهدم و پل چیخواب را تصرف کنند.

سازد، متأثر از عوامل متعددی نظیر ایمان، انگیزه، فرماندهی، روحیه عالی و... می‌باشد. صاحب‌نظران حوزه جنگ و دفاع معتقدند که فقط اجرای صحیح تاکتیک‌های آفندی موجب پیروزی نمی‌شود، بلکه موفقیت در جنگ با میل به پیروزی تحقق می‌یابد. این میل به پیروزی منبع عظیم قدرت در فرآیند نبرد است. در هر عملیات نظامی باید این میل به پیروزی در تمام سطوح نیروهای مسلح ایجاد شود تا اهداف نهایی جنگ محقق گردد. نماد میل به پیروزی در رزمندگان یک قدم به جلو رفتن و یک شلیک به سمت دشمن است، اما نماد میل به پیروزی در فرماندهان، برخورداری از تدبیر، انعطاف فکری کامل و اخذ تصمیم قاطع می‌باشد. تمایل به پیروزی در مدیریت شهید خرازی - که از تمام ویژگی‌های برتر یک فرمانده نظامی برخوردار بود - کاملاً مشهود است. تفکر خلاق خرازی در این عملیات خصوصاً ایده حرکت خودروها با چراغ روشن شاهکاری بی‌نظیر بود که منبث‌شده از تفکر پیامبر اکرم (ص) در جریان فتح مکه الهام گرفته شده بود.

این تدبیر حسین خرازی از دو جنبه اهمیت دارد: نخست اینکه نیروهای اسلام بدون درگیری در آن مرحله از عملیات پیروز شدند و دوم اینکه حسین خرازی در آن وضعیت دشوار، تهدید به وجود آمده را به فرصت تبدیل کرد.

دومین دلیل عملکرد موفق این تیپ مانور احاطه‌ای آن و سقوط عقبه دشمن می‌باشد. جناح چپ لشکر ۱۰ زرهی سپاه چهارم عراق در محدوده قرارگاه قدس (امامزاده عباس تا عین‌خوش) بالغ بر ۴۰ کیلومتر می‌شد. این منطقه به دلایلی چون بعد مسافت نیروهای خودی از دشمن و وجود ارتفاعات صعب‌العبور در شمال منطقه، کمتر مورد توجه نیروهای عراقی بود و به همین دلیل خطوط پدافندی مستحکمی در این منطقه فراوری رزمندگان اسلام قرار نداشت. با شناسایی دقیق از خط حد

دور تک رزمندگان اسلام به دلیل غافلگیری بیش از حد نیروهای عراقی در منطقه ادامه یافت و محور سوم با استعداد سه گردان، ضمن تصرف روستای یمدیه موفق به پیشروی در سمت ارتفاعات و پادگان عین‌خوش شدند. شهر و پادگان عین‌خوش در ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح، به‌طور کامل تصرف و پاک‌سازی گردید. یک سرگرد عراقی که در منطقه عین‌خوش به اسارت در آمده بود، گفت: «من شگفتم که نیروهای شما کی از پشت سر نیروهای ما سر درآوردند و قرارگاه فرماندهی گردان را محاصره کردند و این امر باعث شد که ما قادر به اجرای هیچ‌گونه عکس‌العملی نشدیم.»

ط) اصل سادگی: موفقیت در هر عملیاتی به این امر بستگی دارد که زیردستان تا چه اندازه مأموریت‌های تاکتیکی را درک و اجرا کنند. بنابراین، طرح‌های عملیاتی و دستورات ابلاغی به یگان‌ها و فرماندهان زیردست باید ساده و روشن باشد و از به‌کاربردن تاکتیک‌های پیچیده و غیرمعقول خودداری شود. عملیات قرارگاه قدس و تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با وجود وسعت زیاد منطقه از سادگی خاصی برخوردار بود و عموم یگان‌های اجرایی و کنترل‌کننده تا پایین‌ترین رده باتوجه به شناسایی دقیقی که قبلاً از منطقه به عمل آمده و تمام معابر شناسایی شده بود؛ از نحوه اجرای عملیات و وضعیت منطقه آگاهی کامل داشتند.^{۳۵}

اهمیت عملکرد تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات فتح‌المبین

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به چند دلیل در پیروزی این عملیات نقش مؤثری داشت:

نخست رهبری و فرماندهی مدبرانه شهید خرازی در این عملیات بود. موفقیت در جنگ به‌عنوان پدیده‌ای که عزت و ذلت یک جامعه را محقق

اجرای این تاکتیک عملیاتی، آرایش و تعادل دفاعی سپاه چهارم عراق را در یک نبرد شش‌ساعته در منطقه غرب کرخه به هم ریخت و به اسارت حدود ۴۰۰۰ نفر از متجاوزان بعثی و آزادسازی حدود ۶۵۰ کیلومتر مربع از خاک جمهوری اسلامی و گرفتن غنائم بی‌شماری از دشمن انجامید.^{۳۶}

علاوه‌براین، مقاومت رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در شب اول عملیات تأثیر مهمی در پیروزی این عملیات داشت. در شب اول عملیات با روشن‌شدن هوا، دشمن که متحمل تلفات بسیاری شده بود، توان خود را در منطقه عین‌خوش متمرکز کرد و با بهره‌گیری از نیروهای رانده‌شده از محور رقابیه، تلاش گسترده‌ای را به سمت امامزاده عباس از شرق به غرب آغاز کرد و در مرحله اول توانست امامزاده عباس را به تصرف درآورد. در این میان، مقاومت نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در برابر فشارهای دشمن در روز اول عملیات بسیار حائز اهمیت بود. اگر حمله دشمن در این محور با موفقیت همراه می‌شد، تمام نتایج شب اول عملیات از دست می‌رفت و تداوم عملیات با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌شد. طرح‌ریزی و اجرای دقیق عملیات فتح‌المبین به‌خصوص در محور عین‌خوش که در مرحله اول موجب وارد آمدن خسارات فراوانی بر دشمن و درهم‌ریختگی نیروهای عراقی شده بود، یکی از ویژگی‌های مهم این عملیات بود که نقش تعیین‌کننده‌ای در کسب پیروزی داشت.^{۳۷}

در کنار عوامل مذکور نقش نیروهای اطلاعات این یگان در موفقیت آن در عملیات فتح‌المبین انکارناپذیر است. این واحد با شناسایی شیارهایی که نیروها از طریق آنها توانستند به مواضع دشمن نزدیک شوند، نقش بسیار مهمی در موفقیت عملیات ایفا کرد. این شیارها قبل از شروع عملیات مورد تأیید فرماندهان ارشد سپاه از جمله برادر محسن رضایی قرار گرفته بود.^{۳۸}

قرارگاه دشمن، مشخص گردید که جناح دشمن در منطقه شمال‌غربی عین‌خوش باز و قابل نفوذ است و می‌توان از آن ناحیه، عقبه مهم و جاده‌های تدارکاتی لشکر ۱۰ زرهی عراق را در عمق ۳۰ کیلومتری خطوط مقدم مورد تهدید جدی قرار داد. بنابراین از شمال‌غربی عین‌خوش، مانور احاطه‌ای یک‌طرفه با هدف وارد کردن شوک راهبردی بر دشمن در دستور کار قرار گرفت. برای تسهیل عملیات عبور و پشتیبانی، جهاد سازندگی در فرصت کوتاهی اقدام به احداث، ترمیم و بازسازی حدود ۱۰۰ کیلومتر جاده در پشت ارتفاعات شمال منطقه کرد که از آن جمله می‌توان به احداث جاده‌های تیشه‌کن - دالپری به طول ۲۰ کیلومتر؛ تیشه‌کن - چاه‌نفت به طول ۱۵ کیلومتر و چاه‌نفت - لزه به طول ۵ کیلومتر اشاره کرد. علاوه‌براین، باتوجه به بُعد مسافت و صعب‌العبور بودن عقبه‌های خودی، عملیات انتقال سپاهیان اسلام از پادگان دوکوهه از دهه سوم اسفند به‌وسیله بالگردهای شنوک آغاز شد و بدین‌ترتیب حدود ۳۰۰۰ نفر از رزمندگان خودی در ارتفاعات دالپری پیاده شدند. از آنجا که تحرکات و جابه‌جایی رزمندگان در شمال ارتفاعات چاه‌نفت و ممله در اختفای کامل انجام می‌گرفت، شرایط لازم برای اجرای مانور احاطه‌ای غافلگیرکننده فراهم گردید. به‌طورکلی در مرحله اول عملیات غرورآفرین فتح‌المبین، مواضع لشکر ۱۰ زرهی عراق - جناح چپ - در محدوده قرارگاه نصر و قدس به طول ۶۰ کیلومتر و عرض حداکثر ۲۰ کیلومتر و عقبه مهم او در منطقه عین‌خوش، غافلگیر شد و سقوط کرد.

مقاومت نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در برابر فشارهای دشمن در روز اول عملیات بسیار حائز اهمیت بود. اگر حمله دشمن در این محور با موفقیت همراه می‌شد، تمام نتایج شب اول عملیات از دست می‌رفت و تداوم عملیات با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌شد.

عملیات بیت المقدس

در این بخش عملکرد تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بیت المقدس مورد بررسی قرار گرفته است.

اهداف عملیات

اهداف کلی عملیات بیت المقدس در راستای اهداف تعیین شده در سلسله عملیات های طرح کربلا قرار داشت. انهدام نیروهای دشمن، آزادسازی سرزمین های خودی و در نتیجه دستیابی به خطوط پدافندی جدید و کسب شرایط لازم برای حمله تعیین کننده نهایی، از جمله اهداف این عملیات بود. البته آزادسازی شهر خرمشهر، علاوه بر دستاوردهای نظامی، تأثیرات سیاسی بسیاری نیز در داخل و خارج داشت. خارج کردن شهر اهواز از تیررس گلوله های توپ دشمن از اهداف دیگر این عملیات بود. همچنین، در صورت امکان رسیدن به ساحل شط العرب و تصرف شرق بصره برای دستیابی به خطوط پدافندی مطمئن نیز در دستور کار نیروهای عملیاتی قرار داشت.^{۳۹}

ویژگی های منطقه عملیاتی بیت المقدس

منطقه عملیاتی بیت المقدس در مقایسه با منطقه عملیاتی فتح المبین، ویژگی ها و تفاوت های آشکاری داشت که برخی از آنها چنین است:

۱. زمین عملیاتی بیت المقدس فاقد عارضه و ناهمواری بود.

۲. منطقه عملیاتی بیت المقدس از نظر وسعت تقریباً سه برابر منطقه عملیاتی فتح المبین بود.

۳. وجود موانع طبیعی در منطقه عملیاتی بیت المقدس، مانند رودخانه های کرخه کور در شمال، کارون در شرق، اروند در جنوب و هورالهویزه در غرب، که مانع عمده ای برای رخنه نیروهای خودی به مواضع دشمن بود و در عمل، پیشروی نیروها را با وضعیت دشواری روبه رو کرد.

۴. وجود فاصله زیاد از رودخانه کارون تا هدف

اولیه در طرح مانور و ضرورت پیمودن مسیری به طول ۱۸ تا ۲۵ کیلومتر که از شرایط ویژه و مهم در مرحله نخست این عملیات بود.^{۴۰}

تاکتیک ویژه

به طور کلی، برای عملیات بیت المقدس دو راهکار پیشنهاد شد که در جلسات مشترک ارتش و سپاه، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. این دو راهکار عبارت بودند از:

۱. تهاجم به دشمن با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر: این پیشنهاد که فرماندهان ارتش آن را براساس اندیشه سنتی نظامی مطرح کردند محاسن و معایبی داشت؛ استفاده از شبکه های جاده ای موجود در منطقه و تأمین منطقه عملیاتی با استفاده از این شبکه ها از جمله محاسن این راهکار بود. معایب آن نیز عبارت بودند از: انطباق کامل این راهکار با تلقی کلاسیک دشمن از سمت حمله و هجوم نیروهای ایران از شمال به جنوب با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر، چیزی که بیش از پیش این باور را در عراقی ها تقویت کرده بود، اجرای عملیات نصر در دی ماه ۱۳۵۹ در این منطقه بود. از سوی دیگر، استحکامات دشمن به منظور مقابله با تک شمالی - جنوبی نیروهای ایرانی طراحی و ساخته شده بود، بنابراین هرگونه حمله از این سمت با تلفات سنگین و صرف وقت و ضایعات فراوان همراه بود.

۲. عبور از رودخانه کارون: این راهکار را سپاه پاسداران ارائه داد. پیچیدگی های مربوط به عملیات عبور از رودخانه کارون و نصب پل از جمله معایب این طرح بود. ضرورت سرپل گیری و توسعه سرپل به طور هم زمان نیز بر دشواری های عبور از رودخانه کارون می افزود. در عین حال، کاهش فاصله تا دستیابی به اهداف در عمق مواضع دشمن و ضعف

در این زمان محدود رزمندگان، با تلاش شبانه‌روزی برای آماده‌سازی عملیات، اقدامات متعددی را انجام دادند که مهم‌ترین آنها چنین است:

- انجام شناسایی‌های دقیق از خطوط مقدم و مواضع در عمق دشمن از طریق اعزام نیروهای زبده گشتی.

- بازسازی یگان‌های عمل‌کننده شامل اعزام و سازماندهی نیروهای مردمی به‌عنوان بسیجی و تکاور و همچنین، کادر پاسدار در سازمان سپاه و جایگزینی نیرو و امکانات و تغییرات در سازمان ارتش.

- نقل‌وانتقال گسترده امکانات و جنگ‌افزارها از منطقه عملیاتی فتح‌المبین به محورهای سوسنگرد، اهواز و آبادان.

- طراحی عملیات شامل سازمان رزم و ادغام نیروهای رزمنده سپاه و ارتش، تعیین خط حد و محورهای عملیاتی و همچنین، مراحل پیش‌بینی‌شده در آفند، تعیین محل و چگونگی پایان عملیات و خطوط پدافندی مورد نظر و

- آموزش نیروها متناسب با نوع عملیات.

- پیگیری و تهیه نسبی امکانات لازم.^{۴۲}

اقدامات واحدهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بیت‌المقدس

در این بخش عمده‌ترین اقدامات واحدهای مختلف تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بیت‌المقدس درج شده است.

واحد اطلاعات

واحد اطلاعات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بیت‌المقدس نقش بسیار شایان توجهی را ایفا کرد. این واحد بلافاصله پس از عملیات غرورآفرین فتح‌المبین عناصر خود را به سمت دارخوین و منطقه عمومی شرق کارون انتقال داد و برای شناسایی بهتر

خطوط پدافندی عراق در این منطقه از محاسن این پیشنهاد به شمار می‌رفت.

راهکار پیشنهادی طراحان نظامی سپاه با ویژگی عبور از رودخانه کارون به‌رغم معایبش، به‌دلیل آنکه براساس خلاقیت و نوآوری نیروهای انقلابی طراحی شده بود و با اندیشه سنتی عراق نیز فاصله بسیار داشت، ضریب غافلگیری دشمن را از نظر تاکتیکی به‌شدت افزایش می‌داد. نیروهای جمهوری اسلامی با عبور از رودخانه درواقع برخلاف جهت آرایش اصلی مواضع پدافندی عراق به زمین منطقه عملیات وارد شده و از جناح به دشمن حمله می‌کردند. این اقدام روحیه نیروهای عراقی را به‌شدت تضعیف می‌کرد.^{۴۱}

تلاش‌ها و اقدامات

پس از پایان عملیات فتح‌المبین، یگان‌ها و واحدهای رزمی مشغول انجام مقدمات و کسب آمادگی لازم برای عملیات بیت‌المقدس شدند. سرعت بالای یگان‌ها در امر بازسازی نیروها و آماده‌شدن برای

یک نبرد بزرگ دیگر، از ویژگی‌های مهم عملیات بیت‌المقدس بود. نکته درخور توجه اینکه، فاصله بین دو عملیات بیش از یک ماه نبود، درحالی‌که دشمن بیش از یک سال و نیم در منطقه مستقر بود و در فرصت کافی، تدابیر دفاعی لازم را اتخاذ کرده بود. براین‌اساس و باتوجه‌به آمادگی بالای دشمن در خطوط پدافندی خود فرصت یک ماه برای نیروهای خودی، که الزاماً باید به نیروهای دشمن حمله و آنها را در سنگرها و دژهایشان منهدم می‌کردند، مدت زمان زیادی به حساب نمی‌آمد.

سرعت بالای یگان‌ها در امر بازسازی نیروها و آماده‌شدن برای یک نبرد بزرگ دیگر، از ویژگی‌های مهم عملیات بیت‌المقدس بود.

- همکاری و هماهنگی مطلوب در حدود شناسایی‌های مشترک و موارد خاص، اعم از یگان‌های هم‌جوار سپاه و ارتش.

- برگزاری جلسات توجیهی برای مسئولان.

- توجیه‌کردن فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌ها از طریق دکل‌های دیده‌بانی و شرکت‌دادن آنها در محورهای مشخص‌شده.

- دیده‌بانی‌کردن از مواضع دشمن از طریق دکل‌هایی که در دارخوین به‌صورت آشکار و در کفیشه به‌صورت مخفی وجود داشت.

- جمع‌آوری گزارش‌های واحد دیده‌بانی در هر ۲۴ ساعت و جمع‌بندی و ارسال آن به رده بالاتر.

- توزیع کالک و نقشه بین واحدهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع).

- اقدامات حفاظتی و ضداطلاعاتی و پوششی بنا بر وضعیت منطقه و آموزش‌های لازم و بعضی شناسایی‌ها که در روز انجام می‌گرفته ازجمله اقدامات شایان توجه این واحد است.

واحد اطلاعات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در حین عملیات نیز اقداماتی را به شرح زیر انجام داد:

- اختصاص‌دادن سه نفر از نیروهای اطلاعاتی به‌عنوان راهنما برای هدایت هر گردان در طی مسیر که تا پایان عملیات راهنمای فرمانده گردان و مسئول محور بودند.

- مشخص‌کردن عنصر اطلاعاتی برای دیگر واحدهای رزمی و پشتیبانی رزم ازجمله واحدهای زرهی، مهندسی، بهداری و...

- تهیه و تنظیم گزارش‌های شنود و ارسال سریع آن به رده بالاتر.

منطقه باتوجه به شناخت قبلی که از منطقه عمومی دارخوین و شرق کارون داشتند از چندین راه گوناگون شروع به شناسایی کردند. در ابتدا دکل‌های موجود در دارخوین را فعال کردند. با استفاده از این دکل‌ها تا عمق مواضع دشمن و حتی جاده اهواز-خرمشهر را به‌راحتی می‌توانستند دیده‌بانی کرده و از فعالیت‌ها و مواضع ایجاد دشمنی مطلع شوند. کار عمده دیگری که این رده انجام داد استفاده از عکس هوایی و نقشه بود نیروهای متخصص این واحد عکس‌های هوایی که توسط هواپیماهای خودی گرفته شده بود را کاملاً گویا کرده و کار روی نقشه منطقه را به‌نحو مطلوبی انجام می‌دادند. همچنین، نیروهای واحد اطلاعات با فعال‌تر کردن قسمت شنود، تا پایان عملیات بیت‌المقدس و آزادی خرمشهر فرمانده تیپ را همراهی کردند. نیروهای مذکور، اطلاعات به‌دست آمده از وضعیت دشمن بعضی و احیاناً پاتک‌هایی که قصد انجام آن را داشتند، بلافاصله به فرماندهان می‌رساندند. واحد اطلاعات در این عملیات دو محور عمده را برای شناسایی مشخص کرد. محور راست با مسئولیت برادر مهدی زیدی و محور سمت چپ با مسئولیت برادر مهدی بهرامی کار خود را شروع کردند. این دو محور بعضاً تا عمق مواضع دشمن پیشروی کرده و حتی چندین روز در منطقه دشمن باقی می‌ماندند و اطلاعات ارزشمندی را از دشمن جمع‌آوری کردند که این امر در پیروزی رزمندگان تیپ بسیار مؤثر بود.

مهم‌ترین اقدامات این واحد قبل از عملیات بدین شرح است:

- گشت و شناسایی، جمع‌آوری اخبار و اطلاعات از مواضع پدافندی دشمن در عمق ۷ تا ۲۵ کیلومتر.

- شناسایی معابر وصولی و مشخص کردن آنها.

- همکاری و هماهنگی با واحد تخریب تیپ، برای گشودن میادین مین و علامت‌گذاری و عبور دادن نیرو از معبر شناسایی‌شده.

واحد اطلاعات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) بلافاصله پس از عملیات غرورآفرین فتح‌المبین عناصر خود را به سمت دارخوین و منطقه عمومی شرق کارون انتقال داد و از چندین راه گوناگون شروع به شناسایی کردند.

مطابق، مستقیماً روی هدف مستقر شده و شروع به ایجاد خاکریز، سنگر و سکوی تانک و ۱۰۶ کرد.

- گروهان سوم نیز در احتیاط گروهان‌های اول و دوم قرار گرفت.^{۴۴}

گردان تانک

واحد تانک با استفاده از پل شنآوری که مقابل روستای کفیشه بود، از غروب روز ۱۳۶۱/۲/۹ داخل نخلستان‌ها شده و در آنجا استقرار یافت. باتوجه به گستردگی عملیات و وسعت دشت غرب کارون، که منطقه مانور جنوبی برای واحد تانک بود، این واحد پس از عبور نیروهای پیاده برای شروع عملیات و درگیری آنها با اولین قرارگاه گروهانی دشمن، کار خود را آغاز کرده و در منهدم کردن قرارگاه‌های گروهانی و گردانی دشمن و مناطقی که برای نیروهای پیاده دشوار بود تلاش چشمگیری انجام داد.

در مرحله دوم عملیات نیز واحد تانک با همان سازمان، همراه دیگر نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین (ع) خود را به دژ مرزی رساند و بعد از تصرف آن به تثبیت مواضع پرداخت. در این مرحله، حملات شدید دشمن در پیچ شهدا با تلاش نیروهای پیاده و به کمک آتش مستقیم تانک‌ها دفع شد.

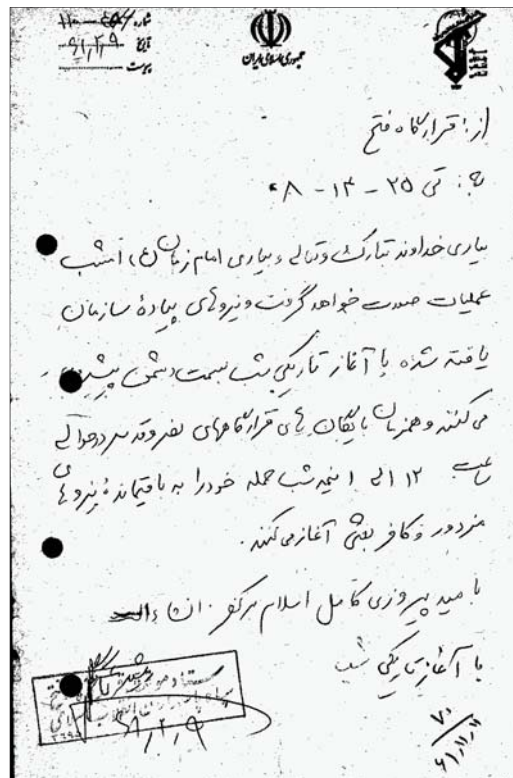
در مرحله سوم که فلش عملیات سمت خرمشهر بود، به واحد تانک مأموریت داده شد، از محور شلمچه و پل نو خرمشهر و شرق نهر عریض برای محاصره کردن دشمن و تصرف گمرک خرمشهر، همراه گردان حضرت موسی بن جعفر^(ع) وارد عمل شود. در این مرحله یک گروهان تانک به تعقیب و سرکوب دشمن در شلمچه پرداخت و یک گروهان دیگر نیز در محور پل نو وارد عمل شده و سپس وارد گمرک شدند.

علاوه بر اقدامات فوق در حین عملیات نیز بخش‌های مختلف واحد مهندسی اقداماتی را انجام دادند از جمله:

- گروهان یکم این واحد ضمن بازگشایی مسیر و ایجاد معبر و جاده تا هدف به گروهان دوم در ایجاد خاکریز ترکش گیر، تقویت خاکریز هدف و ایجاد سکوی تانک ۱۰۶ کمک می کرد.

- گروهان دوم واحد مهندسی، به محض شکسته شدن خط و عبور نیروهای پیاده و یک‌سازی

گردان نفربر
واحد نفربر با عبور از پل شناوری که ارتش احداث کرده بود در نخلستان‌های کفیشه مستقر شد. این



ابلاغ مأموریت به تیپ ۱۴ امام حسین (ع) برای اجرای عملیات بیت المقدس

پشت دژ مرزی برگشت و به استحکام مواضع خود پرداخت. در این مرحله، آتش مستقیم نفربرها هم در رفع حملات شدید دشمن در پیچ شهدا نقش بسزایی داشت.

در مرحله سوم که هدف آن آزادسازی خرمشهر بود، این واحد از طریق یک گروهان مکانیزه در منطقه شلمچه و یک گروهان در خرمشهر با محاصره کردن کامل دشمن به کمک نیروهای پیاده امام حسین (ع) شتافت.

واحد پدافند هوایی

واحد پدافند هوایی تیپ ۱۴ امام حسین (ع) که از تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲۸ در شهرک دارخوین مستقر بود، تعداد یک قبضه توپ ۵۷ م.م. و یک قبضه توپ ۱۴/۵ م.م. برای پوشش پدافند هوایی ارتفاع پست، محل

واحد باتوجه به مأموریت‌هایی که در انتقال گردان‌ها به جلو و حمل امکانات پشتیبانی برای گردان‌های تک‌ور به عهده داشت، دور تک را تند کرد و تحرک نیروهای پیاده را افزایش داد، به نحوی که صبح روز اول عملیات، کلیه نیروهای پیاده و زرهی کنار جاده اهواز - خرمشهر پدافند کردند و واحد نفربر (مکانیزه) در چند مورد جلوی جاده آسفالت اهواز - خرمشهر به سمت دژ مرزی، دشمن را تعقیب کرد. علاوه بر این، خود را برای تک‌های احتمالی دشمن آماده ساخت. در این خصوص، واحد نفربر همگام با رزمندگان اسلام دو پاتک ضعیف و یک پاتک قوی دشمن را با تمام قوا دفع کردند. همچنین در این عملیات حفاظت جناح چپ تیپ امام حسین (ع) به این واحد واگذار شد.^{۴۵} در مرحله دوم واحد نفربر (مکانیزه) تا حوالی پاسگاه زید، دشمن را تعقیب کرد و سپس به

تبیین نقش و عملکرد خط‌شکنان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)
در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس

جاده می‌زدند. مسئولیت این محور بر عهده برادر مرتضی علیجانی بود و باید این دو گردان را به جاده اهواز خرمشهر می‌رساند.^{۴۸}

در مرحله چهارم عملیات موقعی که گردان‌ها تا پشت میدان مین دشمن و نزدیکی شهر خرمشهر پیشروی می‌کردند، برادران تخریب با دلاوری و با در حالی که دشمن هوشیار بود معبر خود دشمن را پیدا کرده و تمام نیروهای عمل‌کننده با سلامت از میدان مین عراق عبور و خط دشمن را تصرف کردند.

جلسه توجیهی نیروها

در جلسه‌ای که در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۴، با حضور مسئولان لشکر ۹۲ زرهی ارتش و فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) برگزار شد، هماهنگی‌های لازم درمورد محل استقرار توپخانه‌ها و محل احداث پل بر روی رودخانه کارون به عمل آمد. در این جلسه پیشنهاد حسین خرازی درخصوص محل استقرار توپخانه مورد تأیید و موافقت سرگرد ریاحی، نماینده ارتش قرار گرفت. حسین خرازی، فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، در این جلسه تأکید کرد برای انتقال سریع مهمات به آن طرف رودخانه و جلوگیری از ایجاد اختلال در رساندن مهمات به نیروهای عمل‌کننده عملیات احداث پل بر روی رود کارون باید هرچه سریع‌تر انجام گیرد.^{۴۹}

بعد از ظهر روز چهارم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱، برادر مصطفی ردانی‌پور، تمامی پرسنل تیپ را در میدان صبحگاه به خط کرد و کادر تیپ و فرماندهان گردان‌ها و واحدها را به نیروها معرفی کرد:

فرمانده تیپ: حسین خرازی

جانشین تیپ: محمدرضا زاهدی

ستاد: حمید سلیمانی

مسئول اطلاعات: مهدی زیدی و حسن عابدی
مسئول طرح و عملیات: محمدرضا ابوشهاب و قربانعلی عرب

برای شناسایی میادین مین و خنثی کردن آن به منطقه اعزام می‌کرد. همواره یکی از عناصر اصلی گروه شناسایی تیپ امام حسین^(ع) در عملیات بیت‌المقدس نیروهای تخریب بودند و اغلب با همان نیروها تا عمق مواضع دشمن بعثی نفوذ می‌کردند.

گفتنی است برای اولین بار در عملیات بیت‌المقدس نیروها برای عبور از میدان مین دشمن از طناب سفید استفاده کردند. به این صورت که نیروهای تخریب پس از بازکردن معبر در میدان مین دشمن برای اینکه نیروها در میدان مین پراکنده نشوند و مسیر مشخصی را بپیمایند، راه عبور رزمندگان را با انداختن یک رشته طناب سفید از ابتدا تا انتهای میدان، مشخص می‌کردند.

برادر علیجانی که یکی از نیروهای تخریب در عملیات بیت‌المقدس بود می‌گوید:

«روزی از خاکریز اول و دوم دشمن که رد شدیم به جاده‌ای رسیدیم که ایفا و موتور یدک‌کش عراقی روی مین رفته بود. وقتی گزارش را به حسین خرازی دادیم، وی گفت این مین‌ها را ما قبل از اشغال خرمشهر به همراه برادران تخریب کار گذاشتیم.»

در شب عملیات بیت‌المقدس نیروها می‌بایست سی و چهار کیلومتر تا به جاده اهواز-خرمشهر را می‌پیمودند. سه خاکریز سر راه نیروها بود. یکی هشت کیلومتری، یکی دوازده کیلومتری، یکی هم نرسیده به جاده و خود جاده را شامل می‌شد. نیروهای تخریب در مرحله اول عملیات بدین ترتیب با رزمندگان همکاری داشتند.

گردان یا زهرا، رو به روی کفیشه، در خاکریز دایره‌ای شکلی که حالت قرارگاه بود و هشت کیلومتر با رودخانه فاصله داشت، عمل می‌کرد و راهنمایی گردانش را محمود شهدی بر عهده داشت.

گردان موسی‌بن‌جعفر^(ع) بعد از انهدام که قرارگاه، باید برای پاسگاه زید می‌رفت.

گردان امام رضا^(ع) و امام صادق^(ع) باید به محور

[illegible]

قبل از عملیات

در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۴ تعدادی از نیروهای اطلاعات جهت شناسایی بهتر منطقه به سمت خطوط دشمن حرکت کردند. دشمن که به علت تردد بیش از حد رزمندگان، حساس شده و اقدام به گذاشتن کمین در مسیرهای مختلف کرده بود، متوجه حضور نیروهای گشتی شد و با آنها درگیر شد. با این حال نیروهای گشتی توانستند با سلامتی کامل منطقه را ترک کنند.

حسین خرازی در پی اطلاع از افزایش نیروهای کمین دشمن در منطقه، در روز ۱۳۶۱/۲/۵، ضمن مشورت با بقیه برادران به منظور کسب اطلاعات بهتر و به‌روزر از نیروهای عراق، تصمیم گرفت از چهار گردان، تعداد ۴۰ نفر نیروی زبده (هر گردان ۱۰ نفر) را انتخاب کند و یک گروهان را هم به‌عنوان احتیاط این گروه مشخص کند، تا این نیروها بتوانند با اسیرکردن تعدادی از نیروهای کمین دشمن از آخرین وضعیت دشمن در منطقه مطلع شوند. دلیل دیگر این تصمیم، این بود که در روزهای گذشته، هر زمان نیروهای گشتی تیپ، به‌سمت دشمن رفته بودند، با نیروهای کمین برخورد کرده و موفق به نفوذ در عمق دشمن نشده بودند. براین‌اساس و برای تأیید این تک‌ایذایی - که عموم کادر تیپ هم با آن موافق بودند - برادران محمدرضا زاهدی، محمدرضا ابوشهاب و علی قوچانی به قرارگاه رفته و موضوع را با غلامعلی رشید در میان گذاشتند. باوجود موافقت غلامعلی رشید و سیدیحی (رحیم) صفوی با این اقدام، مصطفی ردانی‌پور و خلیل کاظمی یادآور شدند که اگر این عمل با موفقیت انجام نشود کل عملیات با مشکل روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل، تصمیم گرفته شد که برای اجرای این طرح با مراجعه به قرآن استخاره کنند. در جواب استخاره آیه‌ای به این مضمون آمد که خداوند ظلمی را برای شما نمی‌خواهد ولی خود شما اصرار می‌کنید. با مشخص شدن نتیجه استخاره، با لغو عملیات ایذایی موافقت شد.

مسئول تدارکات: اصغر صبوری، رسول کمال

مسئول پرسنلی: مجدالحسین

مسئول مهندسی: عبدالرزاق زارعان

مسئول دیدہ بانی: محمود نساج پور

مسئول تخریب: عبدالکریم صادقی

مسئول پی.ام.پی: علیرضا شب‌انگیز

مسئول تانک: رضا عسگری

مسئول تبلیغات: سعید آذریان

مسئول اخبارات: مصطفیٰ ربیعی

مسئول بهداری: یوسف کشفی

مسئول توپخانه: سید حبیب اعتصامی

مسئول یدافند هوایی: حسین مزروعی

مسئول ۱۰۶: سید حسن مؤمنی

مسئول شنود: سید حسن حسینی

مسئول خمیاره: ضیاءالدین نقنه‌ای

فرمانده گردان حضرت امیر المؤمنین^(ع): محمد رضا رحمتی

فرمانده گردان یازهرا (س): مهدی نصر

فرمانده گردان امام حسن^(ع): حسن آقایی،

فرمانده گردان امام حسین^(ع): خلیل کاظمی

فرمانده گردان امام سجاد^(ع): زال یوسف پور

فرمانده گردان محمدباقر^(ع): عباس فنایی

فرمانده گردان امام صادق^(ع): احمد خدیویور

فرمانده گردان موسی بن جعفر^(ع): کریم نصر

فرمانده گردان امام رضا(ع): علی موحد دوست

فرمانده گردان امام جواد(ع): منصور رئیسی

فرمانده گردان امام هادی^(ع): اصغر شرافت

فرمانده گردان امام حسن عسگری (ع): غضنفر جمیری.^{۵۰}

حسین خرازی به فرماندهان دستور داد که یگان‌های رزمی و مانوری در شامگاه ۱۳۶۱/۲/۴ حتماً به آموزش و رزم شبانه و توجیه اولیه منطقه عملیات بپردازند. وی درعین حال بر رعایت نکات ایمنی و مراقبت‌های اولیه بسیار تأکید کرد. براین اساس، با تاریک شدن هوا، یگان‌های رزمی مشغول آموزش در اطراف شهرک دارخوین شدند.

در مراسم صبحگاه گردان‌های تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۶، حسین خرازی درمورد نحوه عملکرد نیروها در عملیات، رفتار با اسرا و نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، تذکراتی داد. به دلایل امنیتی مقرر شد گردان‌ها از شهرک دارخوین خارج شوند تا در صورت بمباران شهرک تلفاتی به آنها وارد نشود.

گزارش نیروهای اعزامی اطلاعات که برای شناسایی به منطقه دشمن نفوذ کرده بودند، حاکی از آن بود که دشمن در منطقه بسیار فعال شده و ضمن احداث کانال‌های زیاد در منطقه (به منظور اختلال در عبور تانک‌های خودی)، اقدام به ایجاد مواضع مستحکم و مختلف کرده است. به این ترتیب فقط روزه‌ای در سمت چپ منطقه تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) که جزء محدوده تیپ ۸ نجف اشرف محسوب می‌شد باز بود. از این روی، پیشنهاد شد که رزمندگان با عبور از این منطقه نیروهای دشمن را دور بزنند. به همین منظور حسین خرازی به همراه مسئول اطلاعات (برادر مهدی بهرامی) برای نظارت بهتر منطقه به دیدگاه دارخوین رفته و کلیه تحرکات دشمن را زیر نظر گرفتند و سپس برای تبادل نظر عازم قرارگاه شدند.

حسین خرازی پس از بازگشت از قرارگاه در ساعت ۲۱ همه فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌های عمل‌کننده را برای توجیه شدن درمورد منطقه و عملیات فراخواند. وی پس از تلاوت آیاتی از قرآن که در رابطه با فتح بود در سخنانی با اشاره به نزدیک بودن عملیات و بیان توضیحاتی درباره آن اعلام کرد که نام عملیات "ذوالفقار" است و تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) زیر نظر قرارگاه فتح در این عملیات شرکت می‌کند. خرازی همچنین گفت که تیپ ۱ لشکر ۹۲ زرهی ارتش در این عملیات زیر نظر تیپ ۱۴ وارد عمل می‌شود.

وی در ادامه برنامه مرحله اول عملیات را

این گونه بیان کرد: تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) پس از عبور از رودخانه کارون در منطقه عمومی دارخوین، ۷ کیلومتر به طرف خاکریز دشمن حرکت کرده و پس از تصرف آن ۱۷ کیلومتر دیگر به مسیر تک خود ادامه می‌دهد و با آزادسازی جاده اهواز - خرمشهر در همان‌جا به پدافند می‌پردازد. به این منظور، با کمک برادران جهاد و ارتش، پلی بر روی رودخانه کارون، نزدیک منطقه کفیشه احداث شده تا نیروها و تجهیزات و ادوات زرهی، به راحتی بتوانند برای

عملیات به سمت غرب کارون به منظور ادامه تک انتقال یابند و برای اینکه مهمات سریع‌تر به نیروها برسد، تجهیزات و مهمات به آن طرف رودخانه انتقال داده شده است. حسین خرازی در تشریح نحوه مانوری که برای گردان‌های عمل‌کننده تعیین شده بود گفت:

۱. گردان امام محمدباقر^(ع)

به فرماندهی برادر عباس فنایی هدف اول را در هفت کیلومتری منهدم و همان‌جا پدافند می‌کند.

۲. گردان‌های امام رضا^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) به فرماندهی برادران علی موحددوست و کریم نصر هدف دوم را در ۱۲ کیلومتری هدف اول تصرف و در آنجا پدافند می‌کنند.

۳. گردان‌های امام جواد^(ع) و امام سجاد^(ع) به فرماندهی برادران منصور رئیسی و زال یوسف‌پور بر روی جاده آسفالت اهواز - خرمشهر پدافند می‌کنند و گردان‌های دیگر نیز در طول عملیات مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در ضمن حسین خرازی اعلام کرد که در سمت راست تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، تیپ ۲۵ کربلا و در سمت

ر تاریخ ۱۳۶۱/۲/۴ تعدادی از نیروهای اطلاعات جهت شناسایی بهتر منطقه به سمت خطوط دشمن حرکت کردند. دشمن متوجه حضور نیروهای گشتی شد و با آنها درگیر شد. با این حال نیروهای گشتی توانستند با سلامتی کامل منطقه را ترک کنند.

این قرارگاه شود. برخی از این مشکلات عبارت بود از: ۱. فقدان هرگونه عارضه در حدفاصل کارون تا جاده اهواز - خرمشهر، برای هماهنگی نیروها در پیشروی و همچنین برای پدافند مناسب در صورت اجرای پاتک از سوی دشمن.

۲. تأمین جاده اهواز - خرمشهر هم‌زمان با سرپل‌گیری که باوجود فاصله ۲۰ کیلومتری رودخانه کارون تا این جاده، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود. محدودیت زمان عبور باتوجه‌به تابش ماه و روشن‌شدن هوا به‌صورتی بود که هرگونه تعلل در پیشروی به‌علت نبودن مواضع پدافندی، نیروها را قبل از رسیدن به عارضه جاده در معرض دید و تهاجم دشمن قرار می‌داد.

۳. امکان‌پذیرنبودن عبور وسایل سنگین در مراحل اول عملیات برای احداث خاکریز.

۴. پاتک سنگین دشمن، باتوجه‌به تمرکز نیروهای احتیاط دشمن در شمال خرمشهر و تهدیدی که دشمن در روز اول عملیات بلافاصله پس از روشن‌شدن هوا از این جناح احساس خواهد کرد.^{۵۳} عملیات بیت‌المقدس در چهار مرحله اجرا شد. در مرحله اول عملیات، رزمندگان با عبور از رودخانه کارون موفق شدند جاده اهواز-خرمشهر را از کیلومتر ۶۸ تا کیلومتر ۱۰۳ تصرف و تثبیت کنند. در مرحله دوم که در شامگاه ۱۳۶۱/۲/۱۶ آغاز شد، علاوه‌بر بخش دیگری از جاده اهواز-خرمشهر مناطقی همچون جعفر، پادگان حمید و هویزه آزاد شد. در مرحله سوم که در آخرین ساعات روز ۱۳۶۱/۲/۱۹ به اجرا درآمد، رزمندگان در اجرای مأموریت خود توفیق نیافتند و سرانجام مرحله چهارم عملیات از شامگاه ۱۳۶۱/۳/۱ آغاز شد.^{۵۴}

شرح عملیات تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)

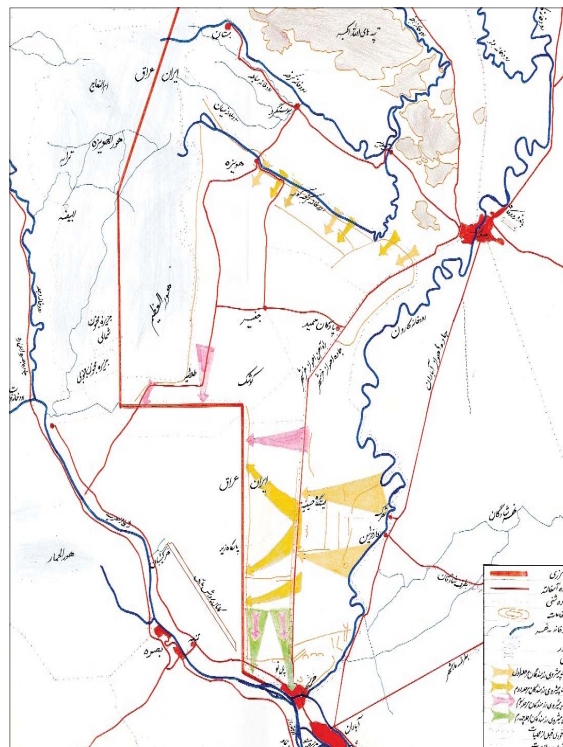
در عصر روز پنجشنبه مورخه ۱۳۶۱/۲/۹، رأس ساعت ۱۸، پس از توجیه‌شدن کلیه نیروها و سخنرانی برادر

چپ آن، تیپ ۸ نجف اشرف عمل می‌کنند و باید با این دو تیپ بر روی جاده اهواز - خرمشهر الحاق برقرار شود. درمجموع هدف اصلی در وهله اول رسیدن نیروها به جاده آسفالت بود و پس از رسیدن کلیه نیروها به آنجا در مرحله بعد، حمله اصلی شروع می‌شد. در ادامه فرمانده تیپ امام حسین^(ع) متذکر شد که برادران عسگری (مسئول زرهی) و شب‌انگیز (مسئول پی.ام.پی) به‌همراه برادر مستأجران (مسئول هماهنگی با ارتش) برای استفاده از نیروهای ارتش هماهنگی‌های لازم را به عمل می‌آورند و کلیه نیروها باید همکاری با یگان‌های هم‌جوار را در دستور کار خود قرار دهند. در پایان این جلسه توجیهی مقرر شد فرماندهان برای گرفتن فرکانس‌های بی‌سیم به برادر ربیعی (مسئول مخابرات) مراجعه کنند.^{۵۱}

شروع عملیات

قرارگاه مرکزی کربلا که به‌صورت مشترک با همکاری ارتش و سپاه سازماندهی شده بود، هدایت کلی عملیات بیت‌المقدس را بر عهده داشت. قرارگاه‌های تحت امر قرارگاه مرکزی کربلا شامل قرارگاه‌های فتح، نصر و قدس بود. دراین‌بین، قرارگاه فتح به فرماندهی برادر غلامعلی رشید از سپاه و سرهنگ ستاد مسعود منفرد نیاکی (فرمانده لشکر ۹۲ زرهی ارتش)، در محور میانی منطقه عملیاتی فعال بود. استعداد این قرارگاه عبارت بود از: تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به فرماندهی برادر حسین خرازی، تیپ ۸ نجف اشرف به فرماندهی برادر احمد کاظمی و تیپ ۲۵ کربلا به فرماندهی مرتضی قربانی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. همچنین لشکر ۹۲ زرهی اهواز، تیپ ۳۷ زرهی شیراز و تیپ ۵۵ هوابرد از نیروی زمینی ارتش یگان‌های ارتشی تحت امر این قرارگاه را تشکیل می‌دادند.^{۵۲}

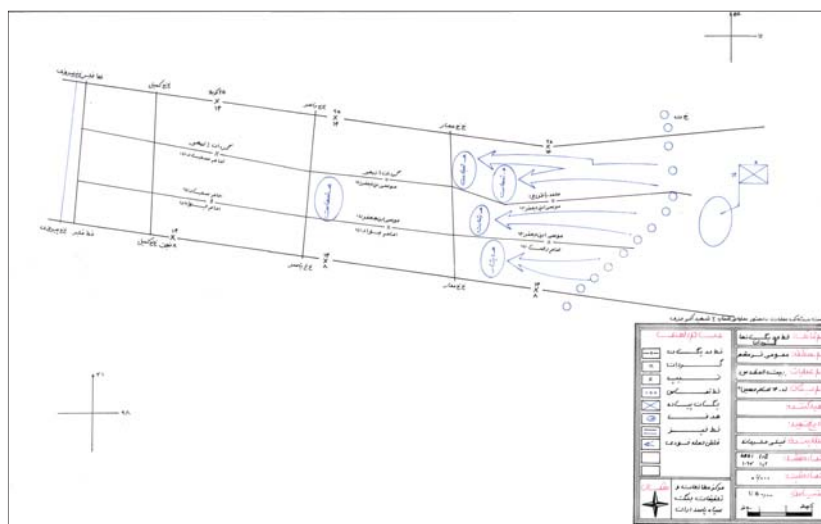
قرارگاه فتح در این عملیات با مشکلات و معضلاتی روبه‌رو بود که می‌توانست مانع از تحقق و تأمین اهداف



نقشه عملیاتی بیت المقدس و محورهای پیشروی رزمندگان اسلام

مصطفی ردانی پور، رزمندگان تیپ امام حسین^(ع) رمز عملیات و بستن بازو بند و پیشانی بند، آماده اجرای از شهرک دارخوین حرکت کرده و با عبور از پل احداث شده بر روی رودخانه کارون، در کفیشه نماز مغرب و عشاء را اقامه کردند و پس از توجیه شدن به

رزم عملیات و بستن بازو بند و پیشانی بند، آماده اجرای عملیات شدند. در ساعت ۱۵:۲۲ تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) عملیات بیت المقدس را عملاً از سمت غرب رودخانه کارون (کفیشه) آغاز کرد.^{۵۰}



مسیر پیشروی گردانهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)

گردان امام محمدباقر^(ع) برای حمله به خاکریز بیضی شکل دشمن از سه جناح با سه گروهان وارد عمل شد و به دلیل رعایت اصل غافلگیری، در مدت ۳۰ دقیقه توانست همه سنگرها و ادوات دشمن در منطقه را منهدم کند. در این عملیات پس از آنکه تلفات سنگینی به دشمن بعثی وارد آمد، مقر اصلی نیروهای عراق به دست رزمندگان اسلام افتاد. پس از پاک سازی کامل مقر و استقرار کامل نیروها و پدافند در آنجا، برادر عباس فنایی فرمانده گردان امام محمدباقر^(ع)، رأس



رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بیت‌المقدس

بخش دیگری از میهن اسلامی بود که از جاده اهواز-خرمشهر تا مرزهای بین‌المللی دژ مرزی ادامه داشت. عمق اهداف در این مرحله ۱۳ کیلومتر بود که با رمز "یا علی بن ابی طالب" در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۶ و در ساعت ۱۵:۲۳ شروع شد. مانور تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در مرحله دوم به این شرح بود:

در ابتدا حسین خرازی، نیروهای عمل‌کننده را به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول، شامل گردان امام صادق به فرماندهی احمد خدیوپور، گردان امیرالمؤمنین^(ع) به فرماندهی محمدرضا رحمتی، گردان امام محمدباقر^(ع) به فرماندهی عباس فنایی و گردان امام رضا^(ع) به فرماندهی علی موحد دوست، مأموریت داشت که با تک جبهه‌ای مستقیماً به خط دشمن زده و با درگیری مستقیم و برق‌آسا خطوط اولیه دشمن را شکسته و به تصرف خود درآورد.

گروه دوم شامل گردان موسی بن جعفر^(ع) به فرماندهی کریم نصر، گردان امام سجاد^(ع) به فرماندهی زال یوسف‌پور و گردان امام جواد^(ع) به فرماندهی منصور رئیسی باید با عبور از گروه اول و پس از درگیری با دشمن خود را به دژ مرزی می‌رساندند

مقر تیپ از شهرک دارخوین به ۵ کیلومتری جاده اهواز-خرمشهر انتقال یافت و گردان‌های خط‌شکن برای تجدید قوا به عقب بازگشتند.

دشمن که شب گذشته شکست سنگینی را متحمل شده بود با روشن شدن هوا اقدام به تجدید قوا کرده و در ساعت ۵۰:۹ دقیقه صبح روز ۱۳۶۱/۲/۱۱، پاتک شدیدی را اجرا کرد. ولی گردان‌های مستقر در خط با استفاده از دپوی بلندی که توسط دشمن در امتداد جاده اهواز - خرمشهر احداث شده بود، به راحتی در مقابل هجوم دشمن مقاومت کردند. در همان ابتدای پاتک، ۲ دستگاه تانک و یک ایفا با سرنشینانش هدف آتش رزمندگان قرار گرفت که این امر موجب تضعیف روحیه دشمن شد و در نتیجه عراق اقدام به عقب‌نشینی کرد. با دفع پاتک دشمن در روز اول عملیات و استقرار مقتدرانه رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) از ایستگاه ۸۰ تا ۹۰، که حدود ۱۰ کیلومتر از جاده اهواز - خرمشهر را شامل می‌شد، مرحله اول عملیات به پایان رسید.^{۵۷}

مرحله دوم و سوم عملیات

هدف از مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس، آزادسازی

گردان از تیپ ۲۵ کربلا و یک گردان از تیپ ۸ نجف از مرز به سمت چپ منطقه؛ یعنی شلمچه حرکت کرده و ضمن انهدام دشمن و پاک‌سازی منطقه، با نیروهای که در پایین منطقه (سمت چپ) عمل می‌کردند الحاق برقرار کنند. نحوه پیشروی از این قرار بود که یک گردان باید در سمت راست دژ به فاصله ۵۰۰ متر و یک گردان از سمت چپ دژ به فاصله ۵۰۰ متر حرکت می‌کرد و گردان دیگر، دژ را دور زده و با نفوذ به عمق الحاق را برقرار می‌ساخت. ولی مجدداً یگان‌های هم‌جوار به دلیل مقاومت شدید دشمن به اهداف خود نرسیدند و الحاق برقرار نشد. باین حال رزمندگان توانستند یک کیلومتر پیشروی کرده و سازمان دشمن را دچار اختلال کنند. به این ترتیب دشمن دیگر نتوانست به تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) پاتک کند. این درگیری‌های جزئی به صورت شبانه‌روزی تا ۱۳۶۱/۲/۲۹ ادامه داشت و با مقاومت رزمندگان تیپ امام حسین^(ع)، خللی در خطوط عملیات پیش نیامد و عملاً این خطوط تثبیت شده باقی ماند. در مجموع مرحله دوم و سوم عملیات بدون آنکه توفیق زیادی حاصل شود پایان یافت.

به سوی فتح خرمشهر

در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۳۰ بنا به دستور، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) خط مرزی را تحویل داد و برای اجرای عملیات به ابتدای جاده اهواز - خرمشهر انتقال یافت. طبق تصمیم فرماندهان قرار بود این یگان برای به محاصره درآوردن دشمن در خرمشهر، در منطقه‌ای به عرض ۱/۵ کیلومتر و عمق ۳ کیلومتر واقع در بین نهر عرایض و نرسیده به نهر نیلیه و قسمتی از جاده آسفالت به طول ۱/۵ کیلومتر تا کنار اروندرود وارد عمل شود. با اجرای این طرح ارتباط دشمن با عقبه خود از خرمشهر به طرف شلمچه کاملاً قطع می‌گردید و نیروهای دشمن در محاصره کامل قرار می‌گرفتند. به همین منظور، برای توجیه و ابلاغ طرح مانور گردان‌ها، جلسه‌ای در ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه روز ۱۳۶۱/۳/۱، در مقر تاکتیکی تیپ تشکیل

و منتظر می‌ماندند بنا به دستور تک خود را به سمت خطوط بعثی دشمن ادامه دهند. مقرر شد تانک‌های خودی نیز با چراغ روشن خود را هرچه سریع‌تر به دژ مرزی برسانند. گفتنی است که در این مرحله یک گردان از نیروهای پیاده ارتش تحت امر تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) قرار داشت که به عنوان احتیاط در پشت خط خودی مستقر شده و آماده اجرای دستورات بود.

هم‌زمان با آغاز مرحله دوم باران شدیدی همراه با رعد و برق شروع شد و این مسئله حمله را تسهیل کرد و رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، برق‌آسا به صفوف دشمن بعثی یورش برده و یکی پس از دیگری خطوط دشمن را به تصرف خود درآوردند. به نحوی که در ساعت ۱۲ شب، ۴ کیلومتر پیشروی کرده بودند و تا ساعت ۳:۲۰ صبح به دژ مرزی رسیده و کاملاً آن را تثبیت کردند. باین حال، چون هنوز یگان‌های هم‌جوار نتوانسته بودند خود را به دژ مرزی برسانند نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در معرض خطر قرار داشتند. با روشن شدن هوا، دشمن از این نقطه ضعف

استفاده کرد و با اجرای پاتک از سمت چپ تیپ امام حسین^(ع) فشار زیادی را به نیروهای تیپ وارد آورد. ولی با پایمردی و از جان‌گذشتگی رزمندگان تیپ امام حسین^(ع) این حملات بی‌نتیجه ماند.

به منظور جلوگیری از فشار دشمن و دفع خطر، تصمیم گرفته شد مرحله سوم عملیات ساعت ۱ بامداد روز ۱۳۶۱/۲/۱۸، اجرا شود. در این مرحله مقرر شد گردان امام هادی به فرماندهی برادر شرافت، گردان امام حسن عسگری^(ع) به فرماندهی برادر جمیری و گردان امام سجاد^(ع) به فرماندهی برادر یوسف‌پور به همراه یک

هم‌زمان با آغاز مرحله دوم باران شدیدی همراه با رعد و برق شروع شد و این مسئله حمله را تسهیل کرد و رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، برق‌آسا به صفوف دشمن بعثی یورش برده و یکی پس از دیگری خطوط دشمن را به تصرف خود درآوردند.

گردان‌های امام حسن^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) واگذار شد.^{۵۸} در ادامه، طبق شناسایی‌های واحد اطلاعات، برای اینکه نیروهای عمل‌کننده بتوانند از میدان مین دشمن به راحتی عبور کنند، نیروهای تخریب زودتر حرکت کرده و اقدام به بازکردن معبر کردند، اما با کمین دشمن مواجه شدند و به دلیل دیدی که دشمن روی منطقه مین‌گذاری شده داشت، نتوانستند معبری بکشایند. با نزدیک شدن گردان‌های عمل‌کننده به میدان مین، فرمانده تیپ اصرار داشت که حتماً معبر باز شود تا گردان‌ها بدون تلفات و درگیری به دشمن

نزدیک شوند. در همین حین، لطف خدا شامل رزمندگان شد و گروه کمین دشمن بعثی از میدان مین عبور کرد. به این ترتیب معبر توسط خود دشمن افشا و شد مسیر مناسبی برای عبور گردان‌ها مهیا گشت.^{۵۹}

گردان‌ها پس از عبور از میدان مین، در ۳۰ دقیقه بامداد با دشمن درگیر شدند و چون دشمن از مواضع مستحکم و سازمان‌یافته‌ای برخوردار بود، درگیری شدت یافت. با وجود آمادگی زیاد دشمن و استفاده بهینه از مواضع

تیربار خود، رزمندگان اسلام پس از نیم‌ساعت درگیری شدید، خط دشمن بعثی را به طور کامل تصرف کردند و تا ساعت ۲ بامداد، حدود ۴ کیلومتر پیشروی کرده و ساعت ۴ صبح توانستند خود را به محل راهبردی پل‌نو برسانند. در این مرحله از عملیات، گردان امام حسن^(ع) به فرماندهی حسن آقایی، در حین حرکت، ناخودآگاه از مسیر خود خارج و از سمت جاده اهواز - خرمشهر یعنی پلیس راه و کشتارگاه خرمشهر وارد عمل شد. این گردان نیز به شدت با دشمن درگیر شده و این درگیری تا ساعت ۲۰:۵ دقیقه ادامه یافت. نکته جالب توجه این

شد و ضمن بررسی نقاط ضعف و قوت آنها، آخرین اطلاعات از وضعیت آمادگی رده‌های تیپ گرفته شد. سپس فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) اعلام کرد که امشب رأس ساعت ۳۰:۲۱ عملیات علیه دشمن بعثی شروع خواهد شد. وی رمز بین برادران را کلمه ژاله و ژیان قرار داد، چون در زبان عرب حرف "ژ" وجود ندارد و دشمن از بیان آن عاجز بود. در ادامه فرمانده تیپ با بیان اینکه عرض منطقه عملیاتی ۱/۵ کیلومتر و عمق آن ۳ کیلومتر می‌باشد، اضافه کرد که یگان عمل‌کننده و هم‌جوار تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، تیپ ۸ نجف اشرف می‌باشد. فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، ۵ گردان عمل‌کننده را به این ترتیب مشخص کرد:

۱. گردان امام رضا^(ع) به فرماندهی علی موحد دوست.
۲. گردان موسی بن جعفر^(ع) به فرماندهی کریم نصر.
۳. گردان امام حسن^(ع) به فرماندهی حسن آقایی.
۴. گردان یا زهر^(ع) به فرماندهی مهدی نصر.
۵. گردان امام سجاد^(ع) به فرماندهی زال یوسف‌پور.

در ادامه طرح مانور هر گردان به این قرار تعیین گردید: گردان موسی بن جعفر^(ع)، مسئول شکستن خط و پاک‌سازی قسمتی از نهر عریض می‌باشد.

گردان امام سجاد^(ع)، مسئول پاک‌سازی کامل نهر عریض و منطقه محوله بوده و سپس پدافند در امتداد نهر عریض را برعهده دارد.

بعد از شکسته شدن خط، سه گردان دیگر (به ترتیب، گردان‌های امام حسن^(ع)، امام رضا^(ع) و موسی بن جعفر^(ع)) حرکت خود را آغاز می‌کنند به صورتی که گردان امام حسن^(ع) در امتداد نیروهای تیپ ۸ نجف اشرف، ضمن انهدام نیروهای دشمن، نرسیده به جاده خرمشهر - شلمچه، پدافند کند. گردان‌های امام رضا^(ع) و موسی بن جعفر^(ع) ضمن پاک‌سازی پشت جاده خرمشهر - شلمچه از محل استقرار گردان امام حسن^(ع) تا پل‌نو به طرف اروند رفته و با انهدام و پاک‌سازی نیروهای دشمن در کنار اروند و اطراف گمرک به سمت خرمشهر پدافند می‌کنند. پاک‌سازی جاده خرمشهر - شلمچه نیز به

خط مرزی را تحویل داد و برای اجرای عملیات به ابتدای جاده اهواز - خرمشهر انتقال یافت.

حضور داشتند، نشان داده شد که کاملاً در محاصره رزمندگان قرار دارند. این اقدام، تأثیر بسزایی در تقویت روحیه رزمندگان و بالعکس تزلزل روحیه دشمن بعثی داشت. با این‌همه دشمن ساعت ۳ صبح، برای شکستن محاصره بازهم از سمت شلمچه دست به پاتک زد و با اجرای آتش سنگین روی مواضع تازه تأسیس رزمندگان، سعی در آزاد کردن نیروهای محاصره‌شده در خرمشهر داشت، ولی با توفیق الهی هیچ موفقیتی به‌دست نیاورد. فرمانده دلاور تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به دلیل اشرافی که به منطقه پیدا کرده بود، یقین داشت، نیروهای زیادی از دشمن در خرمشهر وجود دارند و قطعاً با روشن شدن هوا پاتک‌های آنان از طرف خرمشهر و شلمچه افزایش می‌یابد، به همین دلیل به‌شدت تأکید داشت که تا قبل از اینکه دشمن خودش را پیدا کند باید نیروها وارد خرمشهر شوند. براین‌اساس وی مسئولان قرارگاه را مجاب کرد که اجازه دهند با یک گردان وارد خرمشهر شود. بدین‌ترتیب فرمانده تیپ امام حسین^(ع) در ساعت ۱۰ صبح از سمت پل نو با گردان موسی بن جعفر^(ع) به فرماندهی کریم نصر وارد خرمشهر شد.^{۶۱}

شهید صیاد شیرازی در این خصوص می‌گوید:
«در قرارگاه بودیم که بی‌سیم‌ها به صدا درآمد و صدای حسین خرازی را شنیدیم که می‌گفت می‌خواهیم با یک گردان وارد شهر بشویم. اجازه بدهید. به او گفتم نه و او اصرار می‌کرد، به او گفتم مگر می‌شود یک گردان با چند لشکر روبه‌رو شود. به هر صورت او اصرار می‌کرد و ناخودآگاه به او اجازه دادیم. پس از ساعتی او دوباره پشت بی‌سیم آمد و گفت که عراقی‌ها تسلیم شدند. ما باورمان نشد. به یک خلبان هلیکوپتر گفتم برو و از بالا خبر کسب کن. پس از چند لحظه تماس برقرار شد و گفت الله اکبر، تا چشم می‌بیند عراقی است که تسلیم شده‌اند. لذا حسین خرازی را از پشت بی‌سیم تشویق کرده و با پیام به رزمندگان تیپ امام حسین^(ع) آنان را مورد تشویق قرار دادیم و خسته نباشید به آنها گفتم و واقعاً این کار باورنکردنی بود که برادران انجام دادند.»^{۶۲}

است که اشتباه رفتن این گردان موجب شد که فرمانده تیپ از اوضاع ورودی شهر خرمشهر از سمت جاده اهواز - خرمشهر اطلاعات کاملی به‌دست آورد. به هر صورت پس از راهنمایی فرمانده تیپ از طریق بی‌سیم، گردان امام حسن^(ع) توانست ساعت ۶:۳۰ صبح، خود را به نیروهای خودی رسانده و مواضع پدافندی تعیین‌شده را تصرف کند. موفقیت در دستیابی به اهداف به حدی بود که فرمانده گردان امام رضا^(ع) برادر موحد دوست، مرتباً اعلام می‌کرد که نیروهای دشمن گروه گروه اسیر می‌شوند و برای انتقال آنان نیاز به خودرو است.^{۶۳}

تا ساعت ۷ صبح، حدود ۳ هزار نفر از نیروهای دشمن بعثی اسیر شدند. در ساعت ۸ صبح، جاده اهواز - خرمشهر تا جاده خرمشهر - شلمچه و از پل نو تا اروندرود به تصرف رزمندگان اسلام درآمد و الحاق بین نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) و تیپ ۸ نجف اشرف برقرار شد. در ادامه، دشمن بعثی که کاملاً به محاصره درآمده بود و هیچ راه فراری بجز آب اروندرود نداشت، تلاش زیادی

کرد که هم از طرف شلمچه و هم از داخل شهر خود را از محاصره خارج کند، ولی با تمام پاتک‌هایی که از قسمت راست (یعنی از طرف شلمچه) اجرا کرد، بر اثر پایمردی و ایثار و شهادت رزمندگان اسلام و کمک بی‌دریغ خداوند، نتوانست محاصره خرمشهر را بشکند. با تاریک شدن هوا پاتک‌های دشمن نیز پایان یافت و با تدبیر فرماندهی ساعت ۱۲ شب همه رزمندگان مستقر در خطوط پدافندی اطراف خرمشهر بانگ تکبیر را به مدت ده دقیقه سر دادند با شلیک هوایی تیرهای رسام، به نیروهای دشمن بعثی که در شهر خرمشهر

فرمانده دلاور تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به دلیل اشرافی که به منطقه پیدا کرده بود، یقین داشت، نیروهای زیادی از دشمن در خرمشهر وجود دارند بدین‌ترتیب فرمانده تیپ امام حسین^(ع) در ساعت ۱۰ صبح از سمت پل نو با گردان موسی بن جعفر^(ع) به فرماندهی کریم نصر وارد خرمشهر شد

عراقی که ناباورانه به حسین نگاه می کرد، برای رفتن آماده شد که حسین قمقمه آبش را به آن افسر داد و او رفت. یکی دو ساعتی گذشته بود که صدای هیاهوی زیادی از دور به گوش می رسید، جمعیت زیادی از عراقی ها زیرپوش های سفیدشان را بالای سرشان گرفته و به علامت تسلیم و به ستون به طرف مواضع نیروهای اسلام می آمدند. بدین وسیله و با تدبیر این فرمانده مخلص و شجاع سپاه اسلام حدود ۷۰۰۰ نفر عراقی یک جا تسلیم نیروهای اسلام شدند.^{۶۴}

از طرف دیگر، در قسمت گمرک هنوز درگیری وجود داشت. گردان موسی بن جعفر به فرماندهی کریم نصر، مأموریت آزادسازی گمرک را به عهده گرفت. در ساعت ۴:۴۵: هنگامی که بالگرد عراقی برای کمک رسانی به نیروهای محاصره شده گمرک وارد منطقه شد، برادر علی جعفری، مسئول اطلاعات تیپ آن را هدف قرار داد و بالگرد سقوط کرد. با منهدم شدن این بالگرد، همه امید دشمن یعنی بر باد رفت و باقیمانده نیروهای دشمن نیز سلاح های خود را بر زمین گذاشته و داوطلبانه خود را تسلیم رزمندگان کردند. به این ترتیب درگیری در ساعت ۴:۴۵ دقیقه به پایان رسید و الحاق بین رزمندگان تیپ ۱۴ و تیپ ۸ نجف برقرار شد و خرمشهر با جان فشانی رزمندگان اسلام، آزاد شد.^{۶۵}

عملکرد تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات بیت المقدس

علل موفقیت یگان مذکور در این عملیات را^(۶) می توان ناشی از دلایل متعددی دانست:

نخست اینکه، یکی از محورهای اصلی عملیات بیت المقدس، از سمت شهرک دارخوین، محل استقرار تیپ ۱۴ امام حسین (ع) شروع شده و تا جاده اهواز - خرمشهر (سهراب حسینی) ادامه می یافت. سهراب حسینی که در غرب جاده اهواز - خرمشهر قرار دارد، چند جاده را به هم مرتبط می ساخت. این سهراب علاوه بر اینکه جاده اهواز - خرمشهر را ادامه می دهد به پاسگاه زید و مرز

از طرف دیگر، رزمندگان اسلام با احداث خاکریز دوجداره در جاده خرمشهر - شلمچه فرماندهان عراقی را در حین فرار به اسارت درآورده و نزد فرمانده تیپ می آوردند.^{۶۶} در این مورد حسین سالمی می نویسد:

«بعد از ظهر روز دوم خرداد بود. ارتش بعث مجدداً اقدام به پاتک سنگینی می کند تا بلکه حلقه محاصره را بشکنند. اما مقاومت تمام عیار رزمندگان و آتش پر حجم توپخانه باعث می شود حدود ۳ تیپ عراق منهدم شده و لحظه به لحظه محاصره خرمشهر تنگ تر شود. فرماندهان سخت در تلاش و توجیه نیروها و سرکشی به نقطه خطوط خود بودند، که یکی از فرماندهان گردان از تیپ امام حسین (ع) مشاهده می کند، حسین خرازی به طرف سنگرشان می آید و می گوید: برادر خرازی ما یک افسر اسیر عراقی داریم که حرف نمی زند و فقط می گوید، من با هم درجه خودم صحبت می کنم. حسین خرازی سراغ عراقی آمد، رو به من کرد و گفت تو عربی بلدی؟ گفتم من بلدم، این حرف نمی زند. گفت بهش بگو من حسین خرازی فرمانده تیپ امام حسین (ع) هستم، ترجمه کردم، افسر عراقی نگاهی به حسین خرازی انداخت و باور نکرد که وی فرمانده تیپ امام حسین (ع) باشد.

حسین خرازی گفت: بهش بگو مهم نیست باور می کنی یا نه، مهم این است که خرمشهر دست نیروهای شماسست و ما هم آمده ایم آن را پس بگیریم و می گیریم، بچه های ما شهر را محاصره کرده اند و نیروهای شما یک روز یا حداکثر یک هفته بیشتر نمی توانند مقاومت کنند، زیرا راه تدارکاتی شما بسته و مهمات و غذا هم به شما نمی رسد و ناچاراً همگی کشته خواهید شد.

افسر عراقی سرش را بالا آورد و حالا مثل اینکه حسین را باور کرده باشد با تعجب به او نگاه می کند و به حرف هایش گوش می کرد. حسین گفت بهش بگو فقط تو می توانی آنها را از کشته شدن نجات دهی. حسین خرازی جلو رفته و دست های او را باز کرد و به او گفت برو به نیروهایتان بگو ما از خاکمان نمی گذریم. افسر

به‌منزله شکل‌گیری قدرت جدید دفاعی بود. همین امر محاسبات عراق را درهم ریخت و مهم‌ترین نتیجه آن شکست عراق در راهبرد جنگ برق‌آسا بود. بسط و تعمیق مفاهیم و روش‌های دوره مقاومت، موجب گسترش عقلانیت جدید دفاعی شد. آزادسازی مناطق اشغالی در تداوم این روند صورت گرفت و فتح خرمشهر به‌منزله بلوغ قدرت دفاعی ایران بود.

از نظر سیاسی و راهبردی، فتح خرمشهر نقطه چرخش در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که پس از آن ماهیت جنگ تغییر یافت. اگر پیش از فتح خرمشهر، اهداف جنگ ناظر بر به‌مخاطره‌انداختن موجودیت نظام برآمده از انقلاب و در نتیجه شکست یک انقلاب بود، با فتح خرمشهر مجدداً همان نگرانی‌هایی که با پیروزی انقلاب حاصل شده بود، ایجاد شد، زیرا پیامدهای شکست حمله عراق به‌منزله تحول جدیدی در غرب آسیا بود؛ همان چشم‌اندازی که با پیروزی انقلاب ترسیم شده بود. تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس توانست با درایت و کاردانی فرمانده و دلاوری‌های رزمندگان خود نقش حائز اهمیتی را در آزادسازی مناطق عملیاتی فتح‌المبین و همچنین آزادسازی خرمشهر ایفا کند.

توکل بر خداوند متعال در تمام کارهایشان بود. آنها هرچند از اسباب و امکانات مادی (تجهیزات نظامی و سایر ملزومات جنگی) در حد توان بهره می‌بردند، اما مسبب اصلی پیروزی‌شان را خداوند می‌پنداشتند، چراکه اعتقاد داشتند اثربخشی اسباب، از جانب خدای متعال است. آنان همواره این توصیه رهبرشان (امام خمینی) را سرلوحه کارهای خود قرار داده بودند: «رمز پیروزی شما برادران، توجه به خدا هست، هر قدرتی در مقابل شما هیچ و نابود است»^{۲۸}.

سخن پایانی

در این نوشتار به تبیین نقش تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس پرداخته شد. عملیات فتح‌المبین جهش بزرگی در قدرت رزمی ایران ایجاد کرد که امکان تغییر موازنه قوا را پدید آورد. پیروزی این عملیات، موجب شد که فرماندهان جنگ به این باور برسند که می‌توانند اقدامات بزرگ‌تری را انجام دهند و عملیات گسترده‌تری را طرح‌ریزی کنند. احساس قدرت در فرماندهان جنگ باعث شد تا از طرح‌ریزی عملیاتی با وسعت دوبرابر عملیات فتح‌المبین نگران نباشند. از طرف دیگر، از نظر نظامی، مقاومت در خرمشهر

[illegible]

۳۹. فتح الله جعفری، تحلیلی بر عملیات بیت المقدس، فصلنامه نگین، سال سوم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۴، صص ۶۴-۷۹.
۴۰. حسین حمیدی نیا، "دلایل نظامی شکست عراق در چهار عملیات ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس"، فصلنامه نگین، (۱۳۸۱)، شماره ۱، ص ۳۱.
۴۱. آرشیو مرکز اسناد و مطالعات جنگ، ۱۳۸۳، پیشین، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۴۲. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، سند شماره ۲/۱۲۷-۲/۱/۵ ل/۱۴: ۱-۲.
۴۳. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، سند شماره ۲/۱۳۲-۲/۱/۵ ل/۱۴: ۱.
۴۴. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، سند شماره ۲/۱۳۳-۲/۱/۵ ل/۱۴: ۲.
۴۵. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، سند شماره ۲/۱۳۴-۲/۱/۵ ل/۱۴.
۴۶. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، سند شماره ۲/۱۳۴-۲/۱/۵ ل/۱۴: ۲.
۴۷. مصطفی یاری، شاهد معبرها، (روایتی از خاطرات مرتضی علیجانی)، نشر ستارگان درخشان (۱۳۹۱)، صص ۱۷۳-۱۷۴.
۴۸. سند شماره ۵۰، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، دفتر راویان جنگ ایران و عراق، عملیات بیت المقدس، راوی: اسدالله احمدی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۱/۲/۱ تا ۱۳۶۱/۳/۷، صص ۶۰-۵۰.
۴۹. اسناد شماره ۵۰، ۶۳۹۲، ۶۴۵۲، ۶۴۶۸، ۶۳۹۳، ۶۳۹۴، ۶۳۹۵، ۶۳۹۷، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۵۰. سند شماره ۵۰، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، دفتر راویان جنگ ایران و عراق، عملیات بیت المقدس، راوی: اسدالله احمدی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۱/۲/۱ تا ۱۳۶۱/۳/۷، صص ۷۰-۶۰.
۵۱. حسین علایی، پیشین، ص ۴۴۷.
۵۲. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق، از خونین شهر تا خرمشهر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دهم، ۱۳۸۸، صص ۱۱۸-۱۱۹.
۵۳. مجید صارمی، تیپ ۳۷ زرهی در عملیات بیت المقدس، انتشارات ایران سبز، ۱۳۸۷، صص ۳۵-۳۴.
۵۴. سند شماره ۳۳، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، گزارش عملیات بیت المقدس لشکر ۱۴ امام حسین (ع) ص ۲.
۵۵. سند شماره ۵۰، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، دفتر راویان جنگ ایران و عراق، عملیات بیت المقدس، راوی: اسدالله احمدی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۱/۲/۱ تا ۱۳۶۱/۳/۷، صص ۷۳-۶۹.
۵۶. سند شماره ۳۳، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، گزارش عملیات بیت المقدس لشکر ۱۴ امام حسین (ع) صص ۱۶-۵.
۵۷. مهدی بهرامی، عملیات بیت المقدس، مصاحبه، اصفهان، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، (۱۳۹۳)، کد مصاحبه: ۰۷-۰۰۰۶.
۵۸. اصغر شفیعیون، عملیات فتح المبین، مصاحبه، اصفهان، کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، کد مصاحبه: ۰۷-۰۰۰۱ و ۱۰-۰۰۰۱.
۵۹. حسین رضایی اردستانی، عملیات بیت المقدس، اصفهان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، (۱۳۹۳)، کد مصاحبه: ۰۴-۰۰۰۴.
۶۰. کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، سند شماره ۲/۱۲۸-۲/۱/۵ ل/۱۴: ۱.
۶۱. حمید رئیس، عملیات های پدافندی یگان، اصفهان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، (۱۳۹۴)، کد مصاحبه: ۰۲-۰۰۱۶.
۶۲. حسین سالمی، روایت راویان، نشر ستارگان درخشان، چاپ اول، ۱۳۹۲، صص ۱۴۱-۱۴۰.
۶۳. حسین رضایی اردستانی، عملیات بیت المقدس، اصفهان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، (۱۳۹۳)، کد مصاحبه: ۰۴-۰۰۰۴.
۶۴. احمد علیرضایی، عملیات بیت المقدس، اصفهان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، (۱۳۹۴)، کد مصاحبه: ۰۱-۰۳۵۰.
۶۵. سید علی بنی لوحی، جز لبخند چیزی نگفت، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳، ص ۳۵.
۶۶. محمد خطیبی کوشک ارزش ها در دفاع مقدس، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۰، ص ۵۸.



فرماندهان و مسئولان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس

احمد شیرمحمدعلی*
محمدجواد سامانی نژاد**

چکیده	سابقه درخشان و خدمات ارزنده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، که از یگان‌های عملیاتی و مقتدر سپاه محسوب می‌شود، در طول جنگ تحمیلی زبانزد همه بود و باعث شد فرماندهان مسئول در قرارگاه توجه تام به این یگان مبذول داشته و نقش‌های حساس و کلیدی‌تر را به آن واگذار کنند.	
	لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از ابتدا دارای فرماندهانی مدیر، مدبر و شجاع بود که پس از شهادت آنها دلاورمردان دیگری از این لشکر، جانشین خلف آنها شده و به دفاع از این مرزوبوم در دوران دفاع مقدس پرداختند.	
	لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که در دوران دفاع مقدس در ۲۲ عملیات آفندی و ۵۹ عملیات پدافندی در خطوط دفاعی شرکت داشت در طول جنگ تحمیلی با فرماندهی افرادی چون شهید حسین خرازی، شهید مصطفی ردانی‌پور، شهید رضا حبیب‌اللهی، شهید عباس کردآبادی، شهید رضا رضایی، شهید محمود ضابط‌زاده، شهید محمود شالباف، شهید محسن عباسی، شهید علی موحد دوست، شهید علی قوچانی، شهید قربانعلی عرب، شهید عباس فنایی، شهید مهدی شاه‌زیدی و سردارانی چون محمدرضا ابوشهاب، محمدرضا زاهدی، سیدعلی بنی‌لوحی، اصغر صبوری، جانباز اسلام کریم نصر و... اداره می‌شد.	
	تعداد نیروهای مستعد، کارآمد و دارای قابلیت فرماندهی در رده‌های بالا در لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به حدی بود که در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۵ یک تیپ جدید از بدنه این لشکر با عنوان تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم به‌طور مستقل شکل گرفت.	
	در این مقاله به معرفی فرماندهان لشکر، فرماندهان گردان‌ها و مسئولان واحدهای لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات‌های آفندی این یگان، پرداخته شده است. یادآوری می‌شود اسامی فرماندهان از طریق مصاحبه شفاهی با فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس، اسناد موجود در بایگانی تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) و اسناد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس (شامل روایت راویان، گزارش عملیات، شرح عملیات، هدایت عملیات، طراحی و آماده‌سازی عملیات و...) به‌دست آمده است.	

* سرهنگ پاسدار

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران

سال سیزدهم □ شماره پنجاه و دوم □ بهار ۱۳۹۴

فراهم آوردن مقدمات شکست حصر آبادان را برعهده داشتند. این عملیات از سه جنبه حائز اهمیت بود: ۱. اولین عملیات موفقیت آمیز سپاه پس از شکست های نیروهای ارتش محسوب می شد؛ ۲. اغلب رزمندگان حاضر در این عملیات از نیروهای اعزامی از استان اصفهان بودند؛ ۳. تجارب و موفقیت های این عملیات زمینه ای برای عملیات های بعدی شد. در عملیات فرماندهی کل قوا فرماندهان محورهای اول، دوم و سوم؛ رضا رضایی، محمود پهلوان نژاد و منصور موحلی، به شهادت رسیدند.^۳

اولین فرمانده جبهه دارخوین، سیدیحیی صفوی بود که با انتقال ایشان به ستاد عملیات جنوب، فرماندهی این جبهه به شهید احمد فروغی سپرده شد، اما به دلیل اوضاع نابسامان به وجودآمده در اصفهان در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۵ او به شهر اصفهان بازگشت و سپس فرماندهی این جبهه به حسین خرازی واگذار شد. در عملیات فرماندهی کل قوا، حسن باقری و برادر سیدیحیی صفوی نیز به عنوان فرماندهان ستاد عملیات جنوب حضور داشتند.^۲

۸	تخریب	مرتضی تیموری
۹	مخابرات	مصطفی ربیعی
۱۰	شنود	سیدحسن حسینی
۱۱	(توپ) ۱۰۶	حسین قادری
۱۲	بهداری	یوسف کشفی
۱۳	محور اول	رضا رضایی
۱۴	محور دوم	محمود پهلوان نژاد
۱۵	محور سوم	منصور موحدی ^۱

جدول شماره ۱: فرماندهان جبهه دارخوین در عملیات فرماندهی کل قوا

را تصرف و در حاشیه شرقی کارون پدافند کنند و سپس با نیروهای محور فیاضیه - که مسئولیت تصرف پل حفار را به عهده داشتند - در حدفاصل پل قصبه تا پل حفار الحاق کنند. این عملیات نخستین عملیات مشترک سپاه و ارتش محسوب می‌شود. در این عملیات فرماندهی محور دارخوین را شهید حسن باقری و فرماندهی جبهه دارخوین را حسین خرازی برعهده داشت و جانشین وی نیز مصطفی ردانی‌پور بود.^۶

سال سیزدهم ☐ شماره پنجاه و دوم ☐ بهار ۱۳۹۴

محمدیه، سلمانیه، انرژی اتمی و حاشیه رودخانه کارون تا پل قصبه را بر عهده داشت.^۷

بعد از عملیات شکستن حصر آبادان، جبهه دارخوین مأموریت پدافند روستای دارخوین،

۱۱	مهندسی	عبدالرزاق زارعان
۱۲	ادوات	ضیالالدین نقنه‌ای
۱۳	تانک	رضا عسگری
۱۴	مخابرات	مصطفی ربیعی
۱۵	گردان اول	مهدی سلیمان‌پور
۱۶	گردان دوم	مرتضی میرکاظمی
۱۷	گردان سوم	حسین بالایی
۱۸	گردان چهارم	سیدحمید عقیلی
۱۹	گردان پنجم	قربانعلی عرب
۲۰	گردان ششم	عباس کردآبادی
۲۱	فرمانده خط	اکبر صاحبان ^۸

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده جبهه دارخوین	حسین خرازی
۲	جانشین	مصطفی ردانی‌پور
۳	پرسنلی و ستاد	سیدعلی بنی‌لوحی
۴	اطلاعات	علی اسحاقی
۵	عملیات	عباس کردآبادی
۶	آموزش	حاج‌رضا حبیب‌الهی
۷	تدارکات	اصغر صبوری
۸	دیده‌بانی	زین‌العابدین احمدی
۹	تخریب	مرتضی تیموری
۱۰	بهداری	یوسف کشفی

جدول شماره ۲: فرماندهان جبهه دارخوین در عملیات ثامن الائمه^(ع)

این مأموریت را تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در سه محور به اجرا درآورد.^۹

در این عملیات فرماندهی نیروهای اصفهان را که در قالب یک تیپ سازمان یافته بودند حسین خرازی برعهده داشت و جانشین تیپ هم مصطفی ردانی‌پور بود. در عملیات طریق‌القدس، فرمانده محور اول، احمد فروغی و فرماندهان برخی گردان‌ها از جمله سیدحمید عقیلی و بشیر ابراهیمیان به‌شهادت رسیدند. گفتنی است، قبل از عملیات طریق‌القدس جبهه دارخوین مأموریت پدافند تنگه چزابه و محمدیه را برعهده داشت.^{۱۰}

۳. فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات طریق‌القدس

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در این عملیات که در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸ اجرا شد، در منطقه دهلاویه بستان وارد عمل شد. باتوجه‌به عملکرد مقتدرانه تیپ مذکور فرماندهان عالی جنگ تصمیم گرفتند که حساس‌ترین منطقه نبرد را که محور اصلی عملیات بود، به این تیپ واگذار کنند. اهداف عملیات در این محور، عبور از خطوط اولیه و نفوذ در عمق مواضع دشمن، تسخیر توپخانه و دستیابی به نقطه کلیدی تنگه چزابه و مرز دو کشور و ساحل هورالهویزه بود؛

۵	محور دوم	مصطفی ردانی‌پور
۶	محور سوم (تیپ ۳۴ امام سجاد ^(ع))	عباس کردآبادی
۷	ادوات	حبیب اعتصامی
۸	مهندسی	عبدالرزاق زارعان

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده تیپ	حسین خرازی
۲	جانشین تیپ	مصطفی ردانی‌پور
۳	ستاد	سیدعلی بنی‌لوحی
۴	محور اول	احمد فروغی

۱۷	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	علی فوجانی
۱۸	گردان یا زهرا ^(س)	خلیل کاظمی
۱۹	گردان امام حسین ^(ع)	سیف‌الله حیدرپور
۲۰	گردان امام محمدباقر ^(ع)	عباس فنایی
۲۱	گردان موسی بن جعفر ^(ع)	کریم نصر
۲۲	گردان امام حسن ^(ع)	محمدرضا ابوشهاب ^۱

۹	خمپاره	سیدحبیب‌اعتصامی
۱۰	بهداری	یوسف کشفی
۱۱	پی.ام.پی	علیرضا شب‌انگیز
۱۲	پدافند هوایی	حسین مزروعی
۱۳	تانک	رضا عسگری
۱۴	مخابرات	مصطفی ربیعی
۱۵	تخریب	مرتضی تیموری
۱۶	گردان محمد رسول‌الله ^(ص)	حسین بالایی

جدول شماره ۴: فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات تنگه چزابه

در عملیات فتح‌المبین دلاورمردانی چون مرتضی تیموری مسئول تخریب، عزیزالله شاملو مسئول خمپاره و ۱۰۶، سعید آزادی‌فر مسئول دیده‌بانی، رضا عسگری مسئول زرهی، سیدابراهیم میرکاظمی فرمانده گردان امام حسین^(ع) و رضا قانع فرمانده گردان امام هادی^(ع) به‌شهادت رسیدند. بعد از این عملیات، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) علاوه بر منطقه محمدیه، در باغ شماره ۷، تپه‌های ۲۰۲ و تپه‌های عین خوش در خط پدافندی مستقر شد.^{۱۶}

۱۳	زرهی	رضا عسگری
۱۴	مخابرات	مصطفی ربیعی
۱۵	تخریب	مرتضی تیموری
۱۶	خمپاره و ۱۰۶	عزیزالله شاملو
۱۷	توپخانه	سیدحبیب‌اعتصامی
۱۸	تبلیغات	سعید آذریان
۱۹	دیده‌بانی	سعید آزادی‌فر
۲۰	گردان حضرت‌امیرالمؤمنین ^(ع)	ابوالقاسم میرکاظمی
۲۱	گردان یا زهرا ^(س)	خلیل کاظمی
۲۲	گردان امام حسن ^(ع)	علی شفیعی
۲۳	گردان امام حسین ^(ع)	سیدابراهیم میرکاظمی
۲۴	گردان امام سجاد ^(ع)	علی جعفری
۲۵	گردان امام محمدباقر ^(ع)	عباس فنایی

۵. فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات فتح‌المبین

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات فتح‌المبین، که در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲ اجرا شد، تحت امر قرارگاه قدس بود و برای آزادسازی غرب دزفول و شوش و منطقه غربی رودخانه کرخه و مناطق دشت عباس و عین‌خوش از سه محور باغ شماره ۷ و شیار و پل چیخواب با عبور از خطوط اولیه به عمق مواضع دشمن نفوذ کرد.^{۱۷}

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده تیپ	حسین خرازی
۲	جانشین تیپ	مصطفی ردانی‌پور
۳	ستاد	سیدعلی بنی‌لوحی
۴	اطلاعات	مهدی شاه زیدی
۵	عملیات	رضا حبیب‌الهی
۶	تدارکات	اصغر صبوری
۷	پرسنلی	حسن مجدالحسین
۸	مهندسی	عبدالرزاق زارغان
۹	تعاون	حسن عزیزی
۱۰	بهداری	یوسف کشفی
۱۱	پی.ام.پی	علیرضا شب‌انگیز
۱۲	پدافند هوایی	حسین مزروعی

۷. فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات رمضان

تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات رمضان که در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۲ اجرا شد، زیر نظر قرارگاه فتح در پنج مرحله وارد عملیات شد. رزمندگان این یگان با درهم کوبیدن همه مواضع دشمن تا نهر کتیبان در ضلع شمالی کانال ماهی، پیشروی کردند، اما به دلیل موفق نشدن جناح‌های کناری الحاق برقرار نشد و به ناچار رزمندگان عقب‌نشینی کردند. در نهایت پاسگاه زید و محورهای شمالی و غربی منطقه زید به مساحت ۴۰ کیلومتر مربع آزاد شد.^{۲۱}

در این عملیات فرماندهان واحد مهندسی، گردان امام

جواد^(ع)، گردان امام هادی^(ع) به ترتیب عبدالرزاق زارعان، مهدی زیدی و ضیاءالدین نقنه‌ای به شهادت رسیدند. همچنین در عملیات رمضان علی موحّد دوست فرمانده گردان امام رضا^(ع) زخمی شد و امرالله گرامی به جای وی هدایت گردان را به عهده گرفت که او نیز در این عملیات به شهادت رسید.

بعد از عملیات بیت المقدس، حسین خرازی، مصطفی ردانی پور و سیدعلی بنی‌لوحی، به عنوان فرماندهان و ستاد قرارگاه فتح انتخاب شدند. لذا فرماندهی تیپ امام حسین^(ع) به محمدرضا زاهدی واگذار شد.

بعد از عملیات رمضان، تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) مأموریت پدافند در روبه‌روی پاسگاه زید را بر عهده داشت.^{۲۲}

۱۹	توپخانه	سید حبیب اعتصامی
۲۰	پی.ام.پی	علیرضا شب‌انگیز
۲۱	۱۰۶	مهدی سرخی
۲۲	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	علی شفیعی
۲۳	گردان یا زهرا ^(س)	مرتضی صفاتاج
۲۴	گردان امام حسن ^(ع)	منصور رئیسی
۲۵	گردان امام حسین ^(ع)	کریم سلیمی
۲۶	گردان امام سجاده ^(ع)	رضا شکرچی
۲۷	گردان محمدباقر ^(ع)	مهدی نصر
۲۸	گردان امام صادق ^(ع)	علی باقری
۲۹	گردان موسی بن جعفر ^(ع)	حسین رضایی اردستانی، حسین صادقی
۳۰	گردان امام رضا ^(ع)	علی موحّد دوست، امرالله گرامی
۳۱	گردان امام جواد ^(ع)	مهدی زیدی
۳۲	گردان امام هادی ^(ع)	محمدرضا ریاحی
۳۳	گردان امام حسن عسکری ^(ع)	اصغر شرافت
۳۴	گردان یا مهدی ^(عج)	محمدرضا رحمتی
۳۵	گردان	محمد سنایی
۳۶	گردان	علی باقری ^{۲۰}

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده تیپ	محمدرضا زاهدی
۲	جانشین تیپ	علی قوچانی
۳	ستاد	حمید سلیمانی
۴	اطلاعات و عملیات	مهدی زیدی و مرتضی فزوه و حسن عابدی
۵	طرح و برنامه	محمدرضا ابوشهاب
۶	تدارکات	رسول کمال
۷	پرستلی	حسن مجدالحسین
۸	مهندسی	عبدالرزاق زارعان
۹	دیده‌بانی	علی آستانه
۱۰	تخریب	مرتضی علیجانی
۱۱	تانک	حسین رضایی برزانی
۱۲	عقیدتی	علی علیمحمدی
۱۳	تعاون	مجید طباطبایی
۱۴	پرستلی	جواد علاقه‌مندان
۱۵	مخابرات	محسن زاهدی
۱۶	ادوات	جعفر حشمتی‌فر
۱۷	بهداری	یوسف کشفی
۱۸	پدافند هوایی	محمود درکی

جدول شماره ۷: فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات رمضان

ہادی^(۲) کریم سلیمی، فرمانده گردان امام حسن عسکری^(۳) مہدی سامع، فرمانده گروہان مالک اشتر علیرضا ملاقلی، فرمانده گردان یا مہدی^(۴) اصغر امین الرعایا، فرمانده گردان محمد خدای بہ شہادت رسیدند۔

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) بعد از عملیات محرم، مأموریت پدافند در پاسگاه زید و تپه‌های ۱۷۴ و ۱۷۵ را بر عهده داشت.^{۳۵}

بعد از عملیات محرم در لشکر امام حسین^(ع) به مدت سه ماه، سه تیپ راهاندازی شد. با تشکیل این سه تیپ، لشکر مجبور شد که سه ستاد تیپ که هر کدام دارای رده‌های مشابه بودند را راهاندازی کند و برای تصدی مسئولیت‌های مختلف در این تیپ‌ها نیاز به نیروهای با تجربه و کارآمد بود، انتقال چنین نیروهایی از لشکر به تیپ‌ها بدنه لشکر را از نیروهای رزمی و کارآمد تهی می‌کرد. به همین دلیل حاج حسین خرازی، فرمانده مدبر لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) تیپ‌ها و به جای آن محورهای عملیاتی را فعال کرد. گفتنی است این تدبیر باعث می‌شد که نیروهای زبده از ستاد به سازمان رزم لشکر انتقال بیایند و عملاً محورها نقش تیپ‌ها را ایفا می‌کردند. علاوه بر این محورهای عملیات، بازوان پرتوان فرماندهی لشکر در اجرای عملیات‌ها به شمار می‌آمدند. از این روی تیپ‌ها بعد از سه ماه منحل شده و در عملیات‌های بعدی با همان سازمان قبلی وارد عمل شدند.^{۳۶}

۱۰	پرسنلی	حسن مجدالحسین
۱۱	مهندسی	حسن منصوری
۱۲	توپخانه	اکبر عکافزاده
۱۳	تخریب	علی خلیلی
۱۴	۱۰۶	مهدی سرخی
۱۵	تانک	حسین رضایی برزانی
۱۶	تبلیغات	سعید آذریان
۱۷	مخابرات	محسن زاهدی
۱۸	نفربری	علیرضا شب‌انگیز
۱۹	بهداری	یوسف کشفی
۲۰	پدافند هوایی	محمود درکی

۳۰	گردان امام رضا ^(ع)	حسین کریمی
۳۱	گردان امام جواد ^(ع)	حسن حقوقی
۳۲	گردان امام هادی ^(ع)	کریم سلیمی
۳۳	گردان حسن عسگری ^(ع)	مهدی سامع
۳۴	گردان	محمد خدای
۳۵	گردان مستقل قمر بنی هاشم ^(ع)	غلامرضا آقاخانی
۳۶	گروهان مالک اشتر	علیرضا ملاقلی
۳۷	گردان یا مهدی ^(عج)	اصغر امین الرعایا ^{۳۳}

۲۱	خمپاره	جعفر حشمتی فر
۲۲	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	عباس قربانی
۲۳	گردان یا زهرا ^(س)	حسین صادقی
۲۴	گردان امام حسن ^(ع)	مصطفی الهبخش
۲۵	گردان امام حسین ^(ع)	علی باقری
۲۶	گردان امام سجاد ^(ع)	ابراهیم خلیلی
۲۷	گردان امام محمدباقر ^(ع)	مرتضی شریعتی
۲۸	گردان امام صادق ^(ع)	محمد رضا ریاحی
۲۹	گردان موسی بن جعفر ^(ع)	علی ردانی

جدول شماره ۸: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات محرم

از دو محور به مواضع دشمن در تپه ۱۸۵ و شهر زبیدات هجوم برده و اهداف خود را تصرف کرد و مرحله دوم به دلیل عدم الحاق به اجرا درنیامد و در نهایت ارتفاعات ۱۱۲، ۱۴۳، ۱۴۵ در منطقه حمزین و چندین روستا در حاشیه رودخانه دویرج آزاد شد.^{۳۸}

۱۶	زرهی	حسین رضایی برزانی
۱۷	آموزش	علی باقری
۱۸	بهداری	یوسف کشفی
۱۹	تعاون	مجید طباطبایی
۲۰	گردان محمد رسول الله ^(ص)	احمد خطیبی
۲۱	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	احمد خسروی
۲۲	گردان یا زهرا ^(س)	غلامرضا آقاخانی
۲۳	گردان امام حسن ^(ع)	احمد آشتی جو
۲۴	گردان امام حسین ^(ع)	عباس قربانی
۲۵	گردان امام سجاد ^(ع)	عبدالله حق شناس
۲۶	گردان امام محمدباقر ^(ع)	محمد رضا یادگاری
۲۷	گردان امام صادق ^(ع)	احمد شفیعی
۲۸	گردان موسی بن جعفر ^(ع)	مصطفی نصر
۲۹	گردان امام جواد ^(ع)	علیرضا حیدری ^{۳۷}

جدول شماره ۹: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجرا

۹. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجرا

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجرا که در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۲۱ اجرا شد، از سه محور وارد عمل شد. در مرحله اول

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	محمد رضا ابوشهاب
۲	جانشین لشکر	علی قوچانی
۳	ستاد	سید علی بنی لوحی
۴	محور یکم	حسین رضایی برزانی
۵	محور دوم	حسین رضایی اردستانی
۶	اطلاعات	احمد موسوی
۷	عملیات	حسن آقایی
۸	پرسنلی	حسن مجدالحسین
۹	تدارکات	رسول کمال
۱۰	مهندسی	حسن منصوری
۱۱	تخریب	علی خلیلی
۱۲	توپخانه	سید حبیب اعتصامی
۱۳	خمپاره و ۱۰۶	محسن ملکی
۱۴	پدافند هوایی	یدالله درکی
۱۵	مخابرات	محسن زاهدی

قبل از عملیات والفجر لشکر ۱ امام حسین (ع) در قوچ سلطان، چاله سبز، ارتفاعات سورن و منطقه دزلی خط پدافندی تشکیل داد. با اجرای تک دشمن بر روی ارتفاعات چاله سبز، برای بازپس گیری این منطقه، یکی از گردان های لشکر وارد عمل شد و ارتفاع مذکور را تصرف و تثبیت کرد.^{۳۲}

۱۱	مه‌نلسی	حسن فتاحی
۱۲	تخریب	حسین قاسمی
۱۳	توپخانه	سید حبیب اعتصامی
۱۴	خ‌م‌پاره و ۱۰۶	غلام‌حسین هاشمی
۱۵	مخابرات	محسن زاهدی
۱۶	به‌داری	یوسف کشفی
۱۷	پدافند هوایی	حسین مزروعی
۱۸	آموزش	حسین رضایی‌اردستانی
۱۹	گردان‌حضرت‌امیرالمؤمنین ^(ع)	احمد خسروی
۲۰	گردان یا زهرا ^(س)	مرتضی صفاتاج، جواد نوروزی
۲۱	گردان امام حسین ^(ع)	عباس قربانی ^{۳۰}

لشکر ۱ امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۴ که در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۷ اجرا شد، با هدف تصرف پیشرفتگی دشت شیلر و تصرف ارتفاعات پنجوین، کانی مانگا و کله قندی در مرحله دوم وارد عمل شد. در مرحله دوم این عملیات که در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۹ آغاز شد، لشکر ۱ امام حسین^(ع) مأموریت تصرف ارتفاعات سه درختی، تخم مرغی، تپه شهدا و هر گنه را بر عهده داشت.^{۳۴}

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	حسین خرازی
۲	جانشین لشکر	محمدرضا زاهدی
۳	ستاد	اصغر صبوری
۴	محور یکم	قربانعلی عرب
۵	محور دوم	حسن آقایی
۶	محور سوم	حسین رضایی اردستانی
۷	اطلاعات	مصطفی حسن زاده، علی جعفری
۸	عملیات	محمدرضا ابوشهاب
۹	پرسنلی	جواد علاقه‌مندان
۱۰	تدارکات	رسول کمال
۱۱	مهندسی	حسن منصوری
۱۲	تخریب	مجید حاج شفیعی‌ها
۱۳	توپخانه	سیدحبيب اعتصامی
۱۴	تعاون	مجید طباطبایی
۱۵	مخابرات	محسن زاهدی
۱۶	بهداری	منصور سلیمانی
۱۷	پدافند هوایی	محمود درکی
۱۸	آموزش	علی موحد دوست
۱۹	نفربر	حسین کوه‌رنگی‌ها

۲۰	ادوات	غلامحسین هاشمی
۲۱	تبلیغات	محمدعلی سلیمانی
۲۲	تانک	حسین رضایی برزانی
۲۳	دژبانی	عباس رمضانی
۲۴	دیدهبانی	جعفر یوسف‌زاده
۲۵	گردان محمد رسول‌الله (س)	مصطفی نصر
۲۶	گردان حضرت امیرالمؤمنین (ع)	احمد خسروی، عباس قربانی
۲۷	گردان یا زهرا (س)	عباس قربانی
۲۸	گردان امام حسن (ع)	حسن قربانی
۲۹	گردان امام حسین (ع)	علی قوچانی
۳۰	گردان امام سجاد (ع)	محمدرضا یادگاری
۳۱	گردان امام محمدباقر (ع)	اصغر رجایی
۳۲	گردان امام صادق (ع)	احمد خطیبی
۳۳	گردان موسی بن جعفر (ع)	غلامرضا آقاخانی
۳۴	گردان امام جواد (ع)	رضا شکرچی
۳۵	گردان امام حسن عسکری (ع)	علیرضا حیدری
۳۶	گردان قمر بنی‌هاشم (ع)	یحیی درویشی ^{۳۳}

جدول شماره ۱: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات والفجر ۴

۱۲. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات خیبر

لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات خیبر که در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۳ اجرا شد در سه منطقه زید، جزیره مجنون و طلائیه وارد عمل شد.^{۳۷}

در این عملیات فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) روز دهم اسفندماه در محور طلائیه بر اثر آتشبار مستقیم دشمن به شدت مجروح و دست راستش قطع شد. همچنین مسئول

اطلاعات لشکر علی جعفری، مسئول واحد مهندسی حسن منصوری، مسئول واحد تخریب مجید حاج شفیعی‌ها، فرمانده گردان امیرالمؤمنین (ع) عباس قربانی و فرمانده گردان امام حسن (ع) ابراهیم خلیلی به شهادت رسیدند. در این عملیات محمدرضا زاهدی به دلیل جانباز شدن برادر کریم نصر به فرماندهی تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم (ع) منصوب شد. همچنین برادر سیدحبيب اعتصامی در این عملیات به

شعربافچی به شهادت رسیدند و فتحی شیرازی و حسین منصوریان به اسارت دشمن درآمدند.

بعد از عملیات بدر، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در منطقه هورالعظیم، جاده خندق و پاسگاه زید پدافند کرد. همچنین، رزمندگان این لشکر قبل از عملیات والفجر ۸، در شط علی، هزار قله (لری)، برکه مختار و حاشیه ارونند خط پدافندی را به منظور آمادگی بیشتر برای عملیات والفجر ۸ تحویل گرفتند.^{۴۱}

عملیاتی منتهی می شد.^{۴۲}

در عملیات بدر شهید حسین خرازی شخصی را به عنوان جانشین خویش معرفی نکرد، اما مسئول عملیات وظایف مربوط به جانشین لشکر را نیز انجام می داد.

در این عملیات فرمانده گردان محمد رسول الله^(ص)، احمد خطیبی، فرمانده گردان امام حسن^(ع)، محمدرضا چنگانی، فرمانده گردان موسی بن جعفر^(ع)، غلامرضا آقاخانی و فرمانده گردان حضرت ابوالفضل^(ع) مسعود

۲۰	ش.م.ر.	همایون مرتضایی
۲۱	دیده بانی	جعفر یوسفزاده
۲۲	بهداری	منصور سلیمانی
۲۳	تعاون	حمید آصالح
۲۴	آموزش	حسین رضایی اردستانی
۲۵	گردان محمد رسول الله ^(ص)	احمد خطیبی
۲۶	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	محمد سلمانی
۲۷	گردان با زهرا ^(س)	اصغر شفیعیون
۲۸	گردان امام حسن ^(ع)	محمدرضا چنگانی
۲۹	گردان امام حسین ^(ع)	حسین منصوریان
۳۰	گردان امام محمدباقر ^(ع)	اکبر احسنزاده
۳۱	گردان موسی بن جعفر ^(ع)	غلامرضا آقاخانی
۳۲	گردان حضرت ابوالفضل ^(ع)	مسعود شعربافچی
۳۳	گروهان مستقل مالک اشتر	تقی علیجانی
۳۴	گروهان مستقل علی اصغر ^(ع)	فتحی شیرازی
۳۵	گروهان مستقل قمر بنی هاشم ^(ع)	نوروزعلی جعفری
۳۶	گروهان مستقل مسلم بن عقیل ^(ع)	ماشالله دوست محمدی ^{۳۹}

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	حسین خرازی
۲	ستاد	سیدعلی بنی لوحی
۳	محور یکم	حسن آقایی
۴	محور دوم	علی قوچانی
۵	محور سوم	قربانعلی عرب
۶	اطلاعات	سیداحمد موسوی
۷	عملیات	محمدرضا ابوشهاب
۸	پرسنلی	محمدعلی مهره کش
۹	تدارکات	رسول کمال
۱۰	مهندسی	حسن فتاحی
۱۱	تخریب	حسین قاسمی
۱۲	توپخانه	مهدی مظاهری
۱۳	ادوات	غلامحسین هاشمی
۱۴	یگان دریایی	حسین رضایی برزانی
۱۵	پدافند هوایی	محمدرضا علیرضایی
۱۶	مخابرات	محسن زاهدی
۱۷	نفربر	یوسف رجبی
۱۸	تانک	سیدمحسن مسجدی
۱۹	تبلیغات	محمد سلیمانی

جدول شماره ۱۳: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بدر

۱۴. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در
عملیات والفجر ۸

بعد از عملیات والفجر ۸ حسن قربانی،
فرمانده گردان حضرت ابوالفضل به شهادت
می‌رسد.

شکر ۱۴ امام حسین^(ع) بعد از عملیات
والفجر ۸ در شط علی، هزار قله، جاده
فاو - البحار، کارخانه نمک و سپس
جاده ام القصر و حاشیه خور عبدالله خط
پدافندی داشت.^{۴۳}

در عملیات والفجر ۸ از لشکر امام حسین^(ع) علی موحد دوست مسئول واحد آموزش در خط فاو به شهادت رسید. همچنین در این عملیات علی قوچانی فرمانده محور دوم و حسن قربانی فرمانده گردان حضرت یونس^(ع) به شهادت رسیدند.

۲۰	تبلیغات	محمد سلیمانی
۲۱	بهداری	منصور سلیمانی
۲۲	تعاون	حمید آصالح
۲۳	یگان دریایی	حسین رضایی برزانی
۲۴	مالی	صفرعلی گورابی
۲۵	دیدهبانی	جعفر یوسفزاده
۲۶	ش.م.ر.	همایون مرتضایی
۲۷	تانک	سیدمحسن مسجدی
۲۸	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	محمد سلمانی
۲۹	گردان یا زهرا ^(س)	سیداکبر صادقی
۳۰	گردان امام حسن ^(ع)	علیرضا فرزانه‌خو
۳۱	گردان امام حسین ^(ع)	علی باقری
۳۲	گردان امام محمدباقر ^(ع)	اکبر احسنزاده
۳۳	گردان موسی‌بن جعفر ^(ع)	ناصرعلی بابایی
۳۴	گردان امام رضا ^(ع)	محمدرضا زاهدی
۳۵	گردان حضرت ابوالفضل ^(ع)	حسن قربانی
۳۶	گردان یا مهدی ^(عج)	جواد صالحی
۳۷	گردان حضرت یونس ^(ع)	حسن قربانی سینی
۳۸	گردان حضرت حمزه ^(ع)	علی مزروعی ^{۴۲}

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	حسین خرازی
۲	جانشین لشکر	محمد رضا ابوشهاب
۳	ستاد	سیدعلی بنی‌لوحی
۴	محور یکم	حسن آقایی
۵	محور دوم	علی قوچانی
۶	محور سوم	حسین رضایی اردستانی
۷	محور چهارم	علی موحد دوست
۸	اطلاعات	سیداحمد موسوی
۹	عملیات	محمد رضا ابوشهاب
۱۰	پرسنلی	محمدعلی مهره‌کش
۱۱	تدارکات	عیسی شریفی
۱۲	مهندسی	حسن فتاحی
۱۳	تخریب	اصغر حاج‌قاسمی
۱۴	توپخانه	محمد رضا سلیمانی
۱۵	ادوات	غلامحسین هاشمی
۱۶	آموزش	علی باقری
۱۷	پدافند هوایی	محمد رضا علیرضایی
۱۸	مخابرات	محسن زاهدی
۱۹	نفربر	یوسف رجبی

جدول شماره ۱۴: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۸

مشرف شده و محمدرضا ابوشهاب هدایت عملیات را به عنوان جانشین لشکر عهده دار گردید. همچنین مسئول مخابرات برادر محسن زاهدی بود که سعید رشادی به عنوان جانشین وی در عملیات به عنوان مسئول مخابرات حضور داشت.

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۳ در جاده فاو - ام القصر، حاشیه خور عبدالله، هزار قله و شطعلی پدافند انجام داد.^{۴۶}

۱۳	مخابرات	محسن زاهدی، سعید رشادی
۱۴	پدافند هوایی	محمدرضا علیرضایی
۱۵	ش.م.ر.	همایون مرتضایی
۱۶	تعاون	مرتضی امیدیان
۱۷	زرهی	یوسف رجبی
۱۸	یگان دریایی	سیدعباس عطایی
۱۹	تبلیغات	محمدعلی سلیمانی
۲۰	بهداری	منصور سلیمانی
۲۱	دیده بانی	جعفر یوسف زاده
۲۲	ادوات	غلامحسین هاشمی
۲۳	گردان امام رضا ^(ع)	محمدرضا زاهدی
۲۴	گردان حضرت یونس ^(ع)	سیداحمد موسوی
۲۵	گردان امام محمدباقر ^(ع)	اکبر احسن زاده ^{۴۷}

جدول شماره ۱۵: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۳

حسین^(ع) و امام رضا^(ع) به ترتیب علی باقری و محمدرضا زاهدی به شهادت رسیدند. در عملیات کربلای ۴ حسین رضایی اردستانی با حفظ سمت (فرمانده محور) مسئول واحد آموزش نیز بوده است.

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) همزمان با حضور در عملیات کربلای ۴ در جاده فاو - ام القصر و حاشیه خور عبدالله نیز خط پدافندی داشت.^{۴۸}

۱۵. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۳

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۳ که در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۱۰ اجرا شد، مأموریت تصرف اسکله العمیه و البکر را بر عهده داشت و غواصان و خطشکنان این لشکر توانستند اسکله العمیه را تصرف کنند.^{۴۹} در این عملیات فرماندهی لشکر برعهده حسین خرازی بود اما ایشان به زیارت حج

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	حسین خرازی
۲		
۳	ستاد	سیدعلی بنی لوحی
۴	محور یکم	حسین رضایی اردستانی
۵	اطلاعات	سیداحمد موسوی
۶	عملیات	محمدرضا ابوشهاب
۷	پرسنلی	محمدعلی مهره کش
۸	آموزش	علی باقری
۹	تدارکات	عیسی شریفی
۱۰	مهندسی	حسن فتاحی
۱۱	تخریب	حسین ادهم
۱۲	توپخانه	مهدی مظاهری

۱۶. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۴

مأموریت لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۴ که در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ اجرا شد، این بود که از اروندرود عبور کرده و جزیره ام الرصاص و بلجانیه را پشت سر گذاشته و در پشت جاده آسفالت پدافند کند.^{۴۸}

در این عملیات فرماندهان گردان های امام

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	حسین خرازی
۲	ستاد	سیدعلی بنی‌لوحی
۳	محور یکم	حسن آقایی
۴	محور دوم	حسین رضایی اردستانی
۵	اطلاعات	سیداحمد موسوی
۶	عملیات	محمدرضا ابوشهاب
۷	پرسنلی	محمدعلی مهره‌کش
۸	تدارکات	عیسی شریفی
۹	مهندسی	حسن فتاحی
۱۰	تخریب	مهدی جمشیدیان
۱۱	توپخانه	مهدی مظاهری
۱۲	ادوات	غلامحسین هاشمی
۱۳	آموزش	حسین رضایی اردستانی
۱۴	پدافند هوایی	محمدرضا علیرضایی
۱۵	دیده‌بانی	جعفر یوسف‌زاده
۱۶	مخابرات	محسن زاهدی
۱۷	زرهی	یوسف رجبی
۱۸	بهداری	منصور سلیمانی
۱۹	تعاون	علی غلامی

۱۹	تعاون	علی غلامی
----	-------	-----------

حسین^(ع) حسین خرازی به شهادت رسید. همچنین فرمانده توپخانه مهدی مظاهری و مسئول واحد مخابرات محسن زاهدی در این عملیات به درجه شهادت نائل گردیدند.

در عملیات کربلای ۵ حسین رضایی اردستانی با حفظ سمت (فرمانده محور) مسئول واحد آموزش نیز بوده است.

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۵، در شلمچه، جاده فاو - ام القصر و حاشیه خور عبدالله خط پدافندی تشکیل داد.^{۵۰}

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	حسین خرازی
۲	ستاد	سیدعلی بنی لوحی

۲۳	ش.م.ر.	همایون مرتضایی
۲۴	گردان محمد رسول الله (س)	سیدباقر رضوی
۲۵	گردان حضرت امیرالمؤمنین (ع)	محمد سلمانی
۲۶	گردان یا زهر (س)	اسماعیل صادقی
۲۷	گردان امام حسن (ع)	علیرضا فرزانه‌خو
۲۸	گردان امام حسین (ع)	حسین بیدارم
۲۹	گردان امام سجاده (ع)	سیداکبر صادقی
۳۰	گردان امام محمدباقر (ع)	اکبر احسن‌زاده
۳۱	گردان موسی بن جعفر (ع)	ناصر بابایی
۳۲	گردان امام رضا (ع)	اکبر عنایتی
۳۳	گردان یا مهدی (عج)	جواد صالحی
۳۴	گردان حضرت ابوالفضل (ع)	محمود جان‌نثاری
۳۵	گردان حمزه	علی مزروعی
۳۶	گردان حضرت یونس (ع)	سیداحمد موسوی
۳۷	گردان مالک اشتر	مرتضی قربانعلی ^{۵۰}

جدول شماره ۱۷: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات کربلای ۵

۶	اطلاعات	سیداحمد موسوی
۷	عملیات	محمدرضا ابوشهاب
۸	پرسنلی	محمدعلی مهره‌کش
۹	تدارکات	عیسی شریفی
۱۰	مهندسی	حسن فتاحی
۱۱	تخریب	مهدی جمشیدیان
۱۲	توپخانه	مهدی مظاهری
۱۳	ادوات	غلامحسین هاشمی
۱۴	تبلیغات	محمدعلی سلیمانی
۱۵	پدافند هوایی	محمدرضا علیرضایی
۱۶	مخابرات	محسن زاهدی
۱۷	زرهی	یوسف رجبی
۱۸	بهداری	منصور سلیمانی
۱۹	تعاون	علی غلامی
۲۰	آموزش	حسین رضایی اردستانی
۲۱	دیده‌بانی	جعفر یوسف‌زاده
۲۲	یگان دریایی	عباس عطایی

۱۸. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات کربلای ۱۰

لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات کربلای ۱۰ که در تاریخ ۱۳۶۷/۲/۱ در ارتفاعات گلان و اسپیدار اجرا شد، مأمور تصرف ارتفاع گلان و اسپیدار مشرف بر شهر مأووت گردید.^{۵۱}

بعد از عملیات کربلای ۵ که محمدرضا زاهدی به‌عنوان فرمانده لشکر امام حسین (ع) انتخاب گردید، وی

۵	محور سوم	حسین رضایی اردستانی
۶	اطلاعات	سیداحمد موسوی
۷	پرسنلی	محمدعلی مهره‌کش
۸	تدارکات	عیسی شریفی
۹	عملیات	محمدرضا ابوشهاب

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	محمدرضا زاهدی
۲	ستاد	سیدعلی بنی‌لوحی
۳	محور یکم	اسماعیل صادقی
۴	محور دوم	حسین رضایی برزانی

۲۵	گردان یا زهرا ^(س)	اسماعیل صادقی
۲۶	گردان امام حسن ^(ع)	علیرضا فرزانه‌خو
۲۷	گردان امام حسین ^(ع)	حسین بیدارم
۲۸	گردان امام محمدباقر ^(ع)	اکبر احسن‌زاده
۲۹	گردان موسی بن جعفر ^(ع)	مهدی اعتصامی
۳۰	گردان امام رضا ^(ع)	مرتضی قربانعلی
۳۱	گردان یا مهدی ^(عج)	جواد صالحی
۳۲	گردان حضرت ابوالفضل ^(ع)	محمود جان‌نثاری
۳۳	گردان حضرت یونس ^(ع)	محمدعلی شفیعی ^{۶۶}

جدول شماره ۱۹: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات نصر۴

۱۶	بهداری	منصور سلیمانی
۱۷	تبلیغات	محمدعلی سلیمانی
۱۸	یگان دریایی	عباس عطایی
۱۹	آموزش	حسینیان
۲۰	پدافند هوایی	محمد رضا علیرضایی
۲۱	ش.م.ر.	همایون مرتضایی
۲۲	دیده‌بانی	جعفر یوسف‌زاده
۲۳	مالی	صفرعلی گورابی
۲۴	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	محمد سلمانی

ارتفاعات حلبچه (کلر و ارتفاعات بیزل) خط پدافندی تشکیل داد. همچنین بعد از عملیات والفجر ۱۰ علاوه بر جاده فاو - ام‌القصر و حاشیه خور عبدالله، مأموریت پدافند در ارتفاعات شاخ بالامبو و دارزرین نیز به این یگان واگذار شد.^{۶۷} لازم به ذکر است در این عملیات برادر حسین رضایی برزانی مسئول محور در منطقه فاو به همراه برادر حمید رئیسی (مسئول خط) انجام وظیفه می‌کرده است.

۱۲	ادوات	غلامحسین هاشمی
۱۳	تبلیغات	محمدعلی سلیمانی
۱۴	پدافند هوایی	محمد رضا علیرضایی
۱۵	مخابرات	سعید رشادی
۱۶	زرهی	یوسف رجبی
۱۷	بهداری	منصور سلیمانی
۱۸	تعاون	حمید آصالح
۱۹	یگان دریایی	عباس عطایی
۲۰	ش.م.ر.	همایون مرتضایی
۲۱	مالی	صفرعلی گورابی
۲۲	آموزش	محمد سلمانی
۲۳	دیده‌بانی	جعفر یوسف‌زاده

۲۰. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۱۰

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۱۰ که در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ اجرا شد، در منطقه حلبچه و خرمال وارد عمل شد و مأموریت تصرف ارتفاع کانی کروشکان، شاخ بالامبو، تیمور ژنان و دارزرین را بر عهده داشت.^{۶۸} لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۱۰ در جاده فاو - ام‌القصر، حاشیه خور عبدالله و

ردیف	نام واحد	نام مسئول
۱	فرمانده لشکر	محمد رضا زاهدی
۲	ستاد	سیدعلی بنی‌لوحی
۳	محور یکم	ناصر بابایی
۴	محور دوم	اسماعیل صادقی
۵	اطلاعات	سیداحمد موسوی
۶	عملیات	حسین رضایی اردستانی
۷	پرسنلی	محمدعلی مهره‌کش
۸	تدارکات	عبسی شریفی
۹	مهندسی	حسن فتاحی
۱۰	تخریب	مهدی جمشیدیان
۱۱	توپخانه	حسین حسینی‌منش

۳۱	گردان موسی بن جعفر ^(ع)	سید مهدی اعتصامی
۳۲	گردان امام رضا ^(ع)	مرتضی قربانعلی
۳۳	گردان یا مهدی ^(عج)	جواد صالحی
۳۴	گردان حضرت ابوالفضل ^(ع)	محمود جان نثاری
۳۵	گردان حضرت یونس ^(ع)	محمدعلی شفیعی ^{۶۱}

جدول شماره ۲۱: فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات بیت المقدس ۷

۲۶	گردان حضرت امیرالمؤمنین ^(ع)	نادعلی قربانی
۲۷	گردان یا زهرا ^(س)	جواد امینی
۲۸	گردان امام حسن ^(ع)	علیرضا فرزانه‌خو
۲۹	گردان امام حسین ^(ع)	حسین بیدارم
۳۰	گردان امام محمدباقر ^(ع)	اکبر احسن‌زاده

جمع‌بندی

دوران دفاع مقدس برگ زرینی از تاریخ سراسر افتخار انقلاب اسلامی است که در آن اراده حق تعالی، به دست دلاورمردانی خستگی‌ناپذیر تحقق یافت که همه چیز خود را در طبق اخلاص گذاشتند و کمر همت به بندگی خداوند بستند.

فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس، از ویژگی‌هایی ارزشمند برخوردار بودند، که برگرفته از مکتب حیات‌بخش اسلام، به‌ویژه قیام امام حسین^(ع) بود.

پایبندی به ولایت فقیه؛ سخت‌کوشی، پشتکار، سعی و تلاش؛ توکل به فضل خدا و به یاد او بودن در همه حال؛ اخلاص؛ تعهد و پایبندی به اصول و مبانی دینی؛ تقوا و صیانت نفس از

پلیدی‌ها و توجه به واجبات و مستحبات؛ ایثار و از خودگذشتگی؛ دوری از دنیاطلبی و بی‌توجهی به تمامی جلوه‌های آن؛ عشق به اهل بیت به‌خصوص حضرت اباعبدالله الحسین^(ع) و ساده‌زیستی و قناعت به کمترین امکانات از بارزترین خصایص فرماندهان این لشکر بود. فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به دلیل بهره‌مندی و ارتزاق از فرهنگ اسلامی شیعی، ویژگی‌هایی را در خود پروراندند که فراتر از ویژگی‌های انسان‌های عادی محسوب می‌شد. در تحلیل شخصیت چهره‌های و تابناکی، که با شهادت خود جاودانه گردیدند، مانند شهید حسین خرازی، شهید حجت‌الاسلام مصطفی ردانی‌پور و... خصائصی متعالی به چشم می‌خورد که فقط در مکتب حیات‌بخش اسلام شیعی می‌توان آنها را یافت.

فرماندهان و مسئولان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)
در دوران دفاع مقدس

۱۷. حمید رئیس، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، پیشین.
۱۸. سند شماره ۵۰، صص ۱۳-۱۸ و اسناد شماره ۶۳۹۲ و ۶۴۵۲ و ۶۴۶۸ و ۶۳۹۳ و ۶۳۹۴ و ۶۳۹۵ و ۶۳۹۷ و ۶۴۰۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۱۹. اصغر شفیعیون، عملیات بیت‌المقدس، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۰۰۱/۲۱.
۲۰. محسن هدایی، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۴، کد مصاحبه: ۱۰-۰۱۰۴.
۲۱. اسناد شماره ۷۹۳۹ و ۷۹۵۰ و ۷۹۶۰ و ۷۹۶۱ و ۷۹۶۳ و ۷۹۶۷ و ۷۹۶۸ و ۷۹۶۹ و ۷۹۷۰ و ۷۹۷۲ و ۷۹۶۵ و ۷۹۷۱ و ۷۹۴۰ و ۷۹۴۷ و ۷۹۳۳ و ۷۹۴۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
۲۲. حسین سالمی، پیشین.
۲۳. ابوالقاسم صادقی، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۴، کد مصاحبه: ۰۱-۰۲۵۰.
۲۴. سند شماره ۷۴ مرکز اسناد و تحقیقات، دفاع مقدس: گزارش عملیات محرم، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ص ۱- سند شماره ۸۹۲۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ۱۳۸۲، شرح عملیات لشکر امام حسین^(ع) در عملیات بدر؛ و - طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) ۱۳۷۴، معاونت عملیات، مدیریت تحلیل نبرد، موجود در کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، صص ۵۳-۵۱.
۲۵. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سند شماره ۷۴، پیشین، صص ۱۶-۷؛ و - حسین علایی، روند جنگ ایران و عراق، جلد اول، تهران، نشر مرز و بوم، ۱۳۹۱، صص ۵۷۱.
۲۶. حسین رضایی اردستانی، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۴، کد مصاحبه: ۰۰۰۴-۰۹.
۲۷. همان.
۲۸. اسناد شماره ۱۱۰۲۰ و ۱۱۰۲۲ و ۱۱۰۲۳ و ۱۱۰۲۴ و ۱۱۰۰۷ و ۱۱۰۱۵ و ۱۱۰۲۶ و ۱۱۰۲۱ و سند شماره ۱۱۰۲۷، ص ۳ و سند شماره ۱۱۰۳۰، ص ۳ و سند شماره ۱۱۰۳۱، ص ۳ و سند شماره ۱۱۰۳۳، ص ۳؛ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ و - طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۵۷-۵۵.
۲۹. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، ص ۵۳.
۳۰. رضایی اردستانی، حسین عملیات محرم، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، (۱۳۹۲)، کد مصاحبه: ۰۰۰۴-۰۱۰.

۳۱. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۵۹-۶۱.

۳۲. حمید رئیسی، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، پیشین.
۳۳. اسناد شماره ۱۳۴۳۵ و ۱۳۴۴۵ و ۱۳۴۴۸ و ۱۳۴۵۰ و ۱۳۴۵۱ و ۱۳۴۵۲ و ۱۳۴۵۳ و ۱۳۴۳۱ و ۱۳۴۳۷ و ۱۳۴۴۰ و ۱۳۴۳۳ و ۱۳۴۲۹ و ۱۳۴۹۴ و ۱۳۴۹۶ و ۱۳۵۰۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۶۸-۶۶.

۳۴. علیرضا شب‌انگیز، عملیات محرم، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۰۳۷/۳.

۳۵. ابوالقاسم صادقی، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، پیشین.

۳۶. سند شماره ۱۴۳۲۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ۱۳۷۹، هدایت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات خیبر و سند شماره ۱۴۳۲۴ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ۱۳۸۲، طراحی و آماده‌سازی عملیات تیپ امام حسین^(ع) در عملیات خیبر و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۷۹-۸۲ و حسین رضایی اردستانی، عملیات خیبر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۰۰۴-۰۷.

۳۷. اصغر شفیعیون، عملیات خیبر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۰۰۱/۲۰.
۳۸. حسین رضایی اردستانی، (عملیات خیبر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۰۰۴-۰۷.

۳۹. سند شماره ۱۰۳۴، صص ۱۰-۹ و سند شماره ۱۵۴۴۱، ص ۳ و سند شماره ۱۵۴۴۶، ص ۳ و سند شماره ۱۵۴۵۹، ص ۱ و سند شماره ۱۵۴۴۴، ص ۱ و سند شماره ۱۵۴۴۵، ص ۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۸۹-۸۷.

۴۰. اکبر دادخواه، عملیات بدر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۱۱۶-۱۱.

۴۱. حمید رئیسی، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.

۴۲. سند شماره ۱۱۴۷، صص ۱۰-۸ و سند شماره ۱۷۸۷۶، ص ۳ و سند شماره ۱۷۸۷۹، ص ۳ و سند شماره ۱۷۸۷۰، ص ۳ و سند شماره ۱۷۸۷۱، ص ۱ و سند شماره ۱۷۸۷۳، ص ۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۹۴-۹۲.

۴۳. ابوالقاسم صادقی، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.

۴۴. سند شماره ۱۲۳۷، صص ۲۱-۱۸ و سند شماره ۲۰۳۲۱، ص ۳ و سند شماره ۲۰۲۹۷ و سند شماره ۲۰۳۱۱، ص ۳ و سند شماره ۲۰۳۱۵، ص ۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص

۴۵. حسین سالمی، پیشین، صص ۳۲۲-۱۰۰-۱۰۲.

۴۶. حسین رضایی اردستانی، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.
۴۷. سند شماره ۱۲۸۴، صص ۱۶-۱۴ و سند شماره ۱۲۸۵، صص ۱۳-۱۰ و سند شماره ۱۲۸۶، صص ۱۳-۸ و سند شماره ۲۱۳۹۳، ص ۳ و سند شماره ۲۱۳۹۴، ص ۳ و سند شماره ۲۱۳۹۵، ص ۳ و سند شماره ۲۱۳۹۶، ص ۳: و سند شماره ۲۱۳۹۸ و سند شماره ۲۱۳۹۹ و سند شماره ۲۱۴۰۰ و سند شماره ۲۱۳۶۶، ص ۳ و سند شماره ۲۱۳۷۲ و سند شماره ۲۱۳۷۴، ص ۳ و سند شماره ۲۱۳۸۲ و سند شماره ۲۱۳۸۴ و سند شماره ۲۱۳۸۵، ص ۳ و سند شماره ۲۱۳۸۶، ص ۳ و سند شماره ۲۱۳۷۳، ص ۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس،

۴۸. محمدجواد امینی، عملیات بدر، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۳، کد مصاحبه: ۰۱۴۴-۲۳.
۴۹. محسن هدایی، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، ۱۳۹۴، کد مصاحبه: ۰۱۰۴-۱۰.

۵۰. سند شماره ۱۳۷۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر راویان جنگ ایران و عراق، کربلای ۵، راوی: سیدمحمد اسحاقی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۵/۱۰/۱۶ تا ۱۳۶۵/۱۰/۲۴، صص ۱۱-۹، و - سند شماره ۲۱۴۲۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۱، طراحی و آماده‌سازی عملیات تیپ امام حسین^(ع) در عملیات کربلای ۵، ص ۳ و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۱۵-۱۱۲.

۵۱. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، ص ۱۱۱.

۵۲. حمید رئیسی، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.
۵۳. سند شماره ۱۴۵۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر راویان جنگ ایران و عراق، کربلای ۱۰، راوی: عباس غریب بافقی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۶/۱/۲۷ تا ۱۳۶۶/۲/۳، صص ۹-۷؛ و - سند شماره ۱۴۵۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر راویان جنگ ایران و عراق، کربلای ۱۰، راوی: عباس غریب بافقی، تاریخ گردآوری از ۱۳۶۶/۲/۳ تا ۱۳۶۶/۲/۱۳، صص ۷-۶ و طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۱۹-۱۱۷.

۵۴. محسن هدایی، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.
۵۵. حسین رضایی اردستانی، ۱۳۹۴، عملیات‌های پدافندی یگان، مصاحبه، تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، اصفهان، کد مصاحبه: ۰۰۰۴-۰۹.

۵۶. طلایه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۲۵-۱۲۳؛ و - سند شماره ۱۴۸۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر راویان جنگ ایران و عراق، نصره، راوی: عباس



فرماندهان و مسئولان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)
در دوران دفاع مقدس

۶۱. - سند شماره ۸۴۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش عملیات بیت‌المقدس ۷ لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و طایفه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۳۵-۱۳۲.
۶۲. طایفه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۳۲.
۶۳. محسن هدایی، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.
۶۴. - سند شماره ۸۴۵ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش عملیات بیت‌المقدس ۷ لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و طایفه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۳۵-۱۳۲.
۶۵. طایفه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۲۹-۱۲۷.
۶۶. یدالله ایزدی، "عملیات والفجر ۱۰"، مجله نگین، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۴۰-۳۷.
۶۷. ابوالقاسم صادقی، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.
۶۸. طایفه‌داران معاونت عملیات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پیشین، صص ۱۲۹-۱۲۷.
۶۹. یدالله ایزدی، "عملیات والفجر ۱۰"، مجله نگین، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۴۰-۳۷.
۷۰. ابوالقاسم صادقی، ۱۳۹۴، عملیات‌های پدافندی یگان، پیشین.



بررسی نقش پشتیبانی استانی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

در دوران دفاع مقدس

احمد شیر محمد علی*

محمدجواد سامانی نژاد**

چکیده		

با شروع جنگ تحمیلی در شهریورماه ۱۳۵۹، به دلیل توان کم نیروهای مسلح برای مبارزه و دفاع از این مرزوبوم، تمام استان‌های کشور و اقشار مختلف جامعه، برای حفظ میهن اسلامی در مقابل تجاوز عراق به حمایت از رزمندگان اسلام پرداخته و پا در میدان نبرد نهادند. در این میان استان اصفهان از پیشگامان عرصه شهادت و شهامت به حساب می‌آید که نقش بسزایی در دوران دفاع مقدس ایفا کرد. استان اصفهان در مقایسه با سایر استان‌های کشور بیشترین تعداد شهید را از اقشار مختلف در راه دفاع از میهن اسلامی تقدیم کرده است. وجود پشتیبانی قوی از نظر امکانات و نیرو، اعزام‌های گسترده داوطلبان به جبهه از اصفهان، حرکت آفرینی زنان استان، روحانیون همیشه در صحنه اصفهان و پشتیبانی اصناف اصفهان به عنوان جهادگران اقتصادی و نظامی، از جمله عوامل مؤثر در عملکرد مقتدرانه لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس بوده است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش پشتیبانی استانی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اصفهان، لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، اعزام نیرو، زنان اصفهان، روحانیون، اصناف، پشتیبانی و کمک‌های مردمی.

مقدمه

در نطقی با تأکید بر مالکیت مطلق کشورش بر اروندرود (که وی آن را شط العرب می‌نامید) و ادعای تعلق جزایر سه‌گانه ایران به اعراب، جنگ را در سه جبهه زمینی، هوایی و دریایی علیه ایران آغاز کرد. جنگ هشت‌ساله که با حمایت همه‌جانبه استکبار جهانی، توسط رژیم بعثی عراق بر مردم ایران تحمیل شد، تنها محدود به خطوط مقدم جبهه‌ها نبود، بلکه تمام سرزمین اسلامی ایران اعم از شهرها و روستاها

در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با حمله هوایی عراق به چند فرودگاه ایران و تعرض زمینی ارتش بعث به شهرهای غرب و جنوب کشورمان، جنگ هشت‌ساله رژیم صدام حسین علیه ایران آغاز شد. این جنگ، ۱۹ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و چند روز پس از آنکه صدام، عهدنامه الجزایر را در برابر دوربین‌های تلویزیون بغداد پاره کرد، به‌طور علنی شروع شد. صدام

* سرهنگ پاسدار

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران

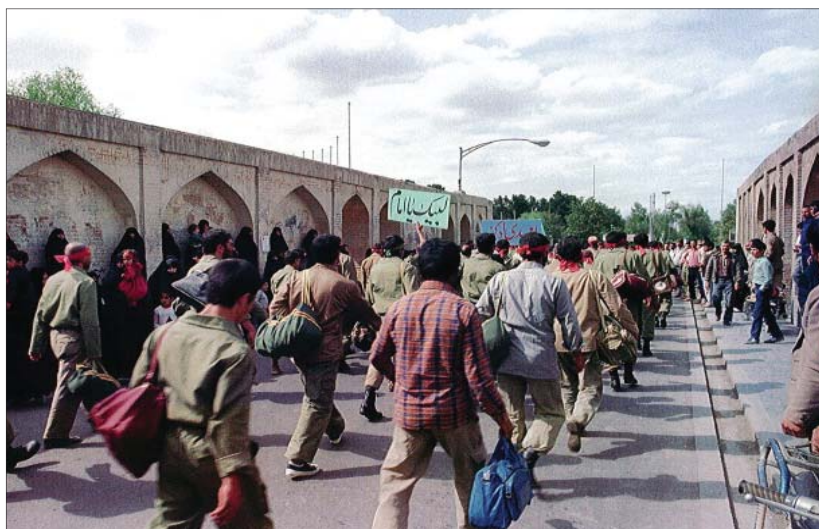
سال سیزدهم □ شماره پنجاه و دوم □ بهار ۱۳۹۴

اصفهان سهم بزرگی در جنگ تحمیلی داشته است، به طوری که این استان ۲۳ هزار شهید را در دوران دفاع مقدس تقدیم انقلاب کرده و دارای چندین یگان خط شکن بوده است، با این همه، تاکنون آن طور که باید، ابعاد نقش اصفهان در دفاع مقدس بررسی نشده است. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش پشتیبانی استانی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، پرداخته است. در تدوین این نوشتار علاوه بر مطالعاتی که در مورد دوران دفاع مقدس به نگارش درآمده، از اسناد و تصاویر موجود در بایگانی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و نیز مصاحبه‌هایی از اقشار مختلف استان که در چارچوب تاریخ شفاهی دوران دفاع مقدس صورت گرفته، استفاده شده است.

نحوه پشتیبانی اصناف از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس؛ نقش روحانیون استان اصفهان در این دوران؛ تأثیر پشتیبانی و کمک‌های مردمی در عملکرد لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)؛ نحوه عملکرد زنان اصفهان در پشتیبانی از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)؛ روند و سازوکار اعزام نیرو به لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و به طور کلی نقش استان اصفهان در دوران دفاع مقدس موضوعاتی است که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است.

را دربرگرفت. این جنگ در حالی شروع شد که مردم ایران به تازگی یک انقلاب عظیم را پشت سر گذاشته و به بازسازی کشور و آرامش و سازندگی می‌اندیشیدند. نیروهای مسلح نیز به دلیل تغییرات کلی خصوصاً در ساختار فرماندهی، آمادگی جنگ و توان رویارویی با یک نبرد بزرگ را نداشتند. از این رو نظامیان عراق در ماه‌های اول پس از شروع حمله، موفق شدند چند شهر مرزی را در غرب و جنوب ایران تصرف کنند. در این هنگام، کمک‌های مردمی به جبهه‌ها نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری را در مقابله با دشمن تجاوزگر ایفا کرد. به طوری که از تمام استان‌ها، اقشار جامعه و تمام سنین برای مبارزه با ارتش بعث عراق به جبهه‌ها شتافتند و از هیچ کمکی در این زمینه دریغ نوزیدند.

یکی از استان‌هایی که نقش قابل توجهی در دفاع هشت ساله داشت، استان اصفهان می‌باشد. جوانان اصفهان با آغاز جنگ تحمیلی به جبهه جنوب و منطقه دارخوین رفته و به تشکیل خطی مستحکم در مقابل ارتش عراق مبادرت ورزیدند که به "خط شیر" معروف شد. جبهه دارخوین که متشکل از جوانان اصفهان بود در ادامه دفاع مقدس به تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) تبدیل شد و بعدها به لشکر ارتقا یافت.



اعزام از اصفهان به جبهه‌های جنوب، سی‌وسه پل اصفهان

اعزام نیرو

می‌کرد و مازاد نیروهای خود را به مناطق دیگر نظیر کردستان و... می‌فرستاد. بدین ترتیب نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) از سپاه منطقه اصفهان تأمین می‌شد.^۱ درخصوص اعزام نیرو در اصفهان ذکر چند نکته ضروری است:

– انقلاب اسلامی ایران و ظهور نظام اسلامی، حاصل تلاش مردم مسلمان ایران و هدایت روحانیت آگاه، شجاع و مبارز بود. از این روی وقتی کشور اسلامی مورد هجوم اشغالگران قرار گرفت، می‌بایست روحانیت و رهبری انقلاب، وظیفه مردم را در این باره روشن کرده و به آنان درخصوص لزوم دفاع از میهن آگاهی می‌دادند. اولین نقشی که روحانیت به‌خوبی از عهده آن برآمد، بسیج مردم برای دفاع بود. بسیج و تشویق مردم به حضور در عرصه‌های دفاع در اصفهان، به اشکال مختلفی نمود پیدا کرد. برای مثال، در زمان عملیات‌ها که یگان‌ها برای تکمیل سازمان خود نیازمند نیرو بودند، ائمه‌جمعه در نماز جمعه و روحانیون در مساجد اصفهان وظیفه ارشاد مردم برای اعزام به جبهه را برعهده داشتند. – در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان ستادی با عنوان ستاد تبلیغات جبهه و جنگ وجود داشت که عهده‌دار تبلیغ برای تشویق مردم به حضور در جبهه‌های

پس از فرمان تاریخی امام برای تشکیل ارتش بیست میلیونی در آذرماه سال ۱۳۵۹، پایگاه‌های بسیج، در مساجد شکل گرفتند. لذا زادگاه بسیج، کانون گرم مساجد بود. نیروهای اعزامی از بسیج، از خاستگاه مسجد برای نبرد به رزمگاه می‌شتافتند براین اساس، مسجد به‌عنوان پایگاه بسیج، خاستگاه اصلی نیرو در شهر اصفهان به حساب می‌آمد. پایگاه‌ها، نیروها را به نواحی انتقال می‌دادند. در نواحی نیروها پس از گذراندن آموزش متمرکزتر و اختصاصی‌تر به مناطق منتقل می‌شدند. سپس مناطق، نیروها را به پادگان‌های آموزشی ۱۵ خرداد، شهید منتظری، غدیر، امام حسین^(ع)، حمزه، مالک اشتر، ثارالله و شهید مؤذنی برده و در آنجا نیروها به‌صورت متمرکز، در حدود یک هفته تا ۴۵ روز تحت آموزش قرار می‌گرفتند. پس از آن نیروها به سپاه منطقه که واقع در خیابان کمال اسماعیل (کوچه موتوری) بود انتقال می‌یافتند. در مقاطعی اعزام نیروها از محل‌های دیگری چون پادگان ۱۵ خرداد یا پادگان غدیر و مسجد انقلاب انجام می‌گرفت که در نهایت سپاه منطقه اصفهان، نیروها را به مقر لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در اهواز، یعنی شهرک دارخوین اعزام



نیروها در حین گذراندن آموزش‌های اولیه در پادگان غدیر در سال ۱۳۵۹

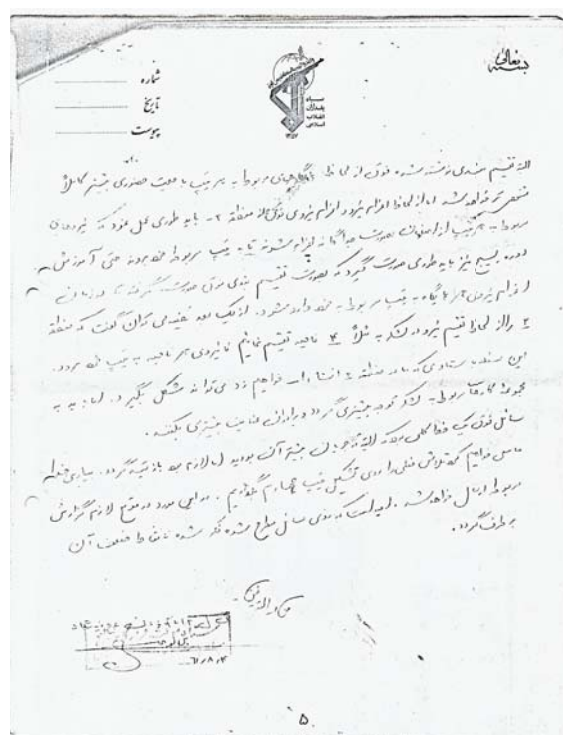
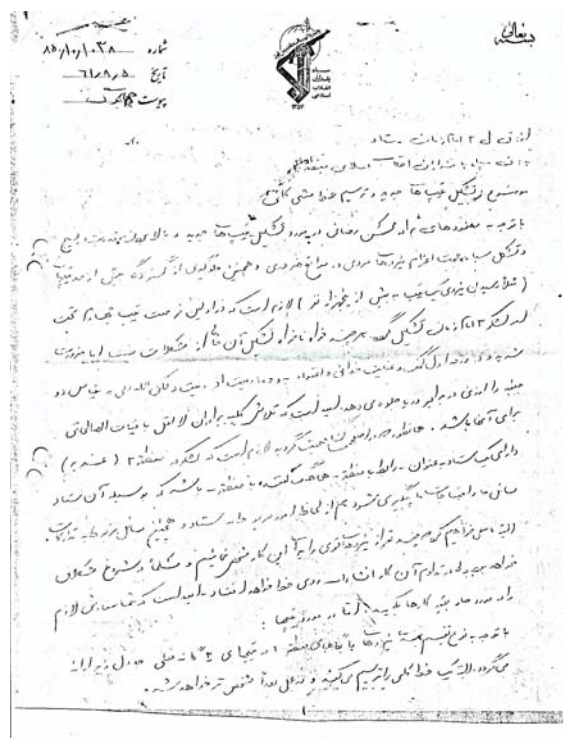
جنوبی، کوهپایه، جرقویه - که شامل روستاهای ورزنه، محمدآباد، نیک آباد، حسین آباد، حسن آباد، اژی، تودشک و... بود - در جبهه‌های حق علیه باطل حضور فعال داشتند.

به تدریج با افزایش نیروهای این استان، تیپ‌ها و لشکرهای مختلفی تأسیس شد و نیروهای شهرهای گوناگون استان اصفهان در یگان‌های مختلفی قرار گرفتند. سند شماره ۱ حاکی از تشکیل تیپ‌های جدید در استان اصفهان می‌باشد. در این سند تقسیم‌بندی شهرهای استان اصفهان متناسب با تشکیل تیپ‌ها ذکر شده است.

نوع سال	تأمین کادر اصلی (براساس شهر و استان)	تأمین نیروی رزمی (براساس شهر و استان)	پشتیبانی (امکانات) (براساس شهر و استان)	ملاحظات
سال ۱۳۵۹	اصفهان	اصفهان و حومه (اردستان، نایین، داران، زرین شهر)	اصفهان و حومه، اهواز	نیروهای محدودی نیز از شهرهای دیگر در این سال در جبهه دارخوین حضور داشتند.
سال ۱۳۶۰	اصفهان، اردستان، کاشان، گلپایگان، شهرضا	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، شهرضا	استان اصفهان	
سال ۱۳۶۱	اصفهان، اردستان، کاشان، شهرضا، سمیرم	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، گلپایگان، خوانسار، شهرضا، سمیرم	استان اصفهان	
سال ۱۳۶۲	اصفهان، اردستان، کاشان، سمیرم	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، گلپایگان، خوانسار، سمیرم	استان اصفهان	
سال ۱۳۶۳	اصفهان، اردستان، کاشان، سمیرم	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، گلپایگان، خوانسار، سمیرم	استان اصفهان	
سال ۱۳۶۴	اصفهان، اردستان، کاشان، سمیرم	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، گلپایگان، خوانسار، سمیرم	استان اصفهان	
سال ۱۳۶۵	اصفهان، اردستان، کاشان، سمیرم	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، گلپایگان، خوانسار، سمیرم	استان اصفهان	
سال ۱۳۶۶	اصفهان، اردستان، کاشان، سمیرم	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، گلپایگان، خوانسار، سمیرم	استان اصفهان	
سال ۱۳۶۷	اصفهان، اردستان، کاشان، سمیرم	اصفهان، اردستان، نایین، نطنز، کاشان، گلپایگان، خوانسار، سمیرم	استان اصفهان	

شهرهای تأمین‌کننده نیرو برای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس

شماره تاریخ پوست		بنیاد ملی
شماره	تاریخ	پوست
شماره	تاریخ	پوست
شماره	تاریخ	پوست
شماره	تاریخ	پوست
شماره	تاریخ	پوست
شماره	تاریخ	پوست
شماره	تاریخ	پوست
شماره	تاریخ	پوست

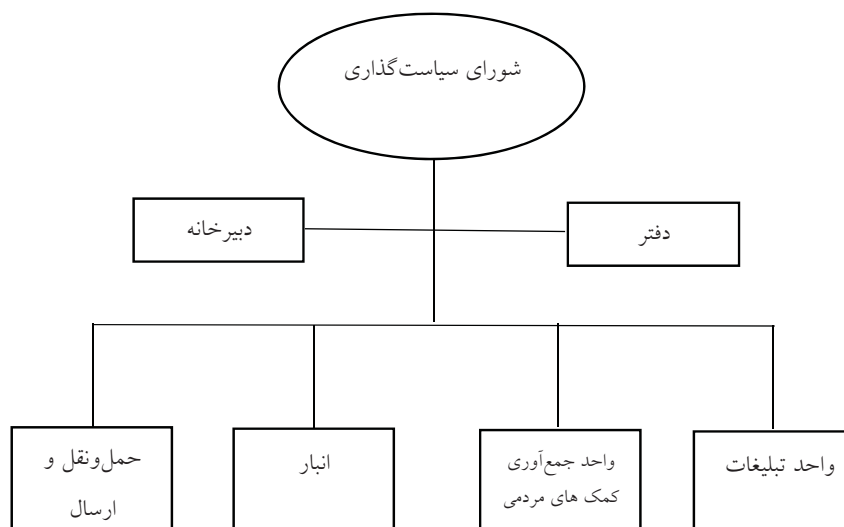




کاروان شهید بهشتی و کاروان وحدت تشکیل شد.^۲

در آغاز دوران دفاع مقدس، کمک‌های مردمی در اصفهان به صورت پراکنده و بدون اینکه تحت نظارت ستاد خاصی باشد به مناطق جنگی فرستاده می‌شد. در ادامه جنگ تحمیلی، برای ارسال کمک‌های مردمی به جبهه تشکیلی در محل ستاد نماز جمعه اصفهان به طور خودجوش ایجاد شد و شروع به کار کرد. با اعلام نیازهای رزمندگان در جبهه، اقشار مختلف مردم، امکانات، اجناس و کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را به این ستاد تحویل می‌دادند.

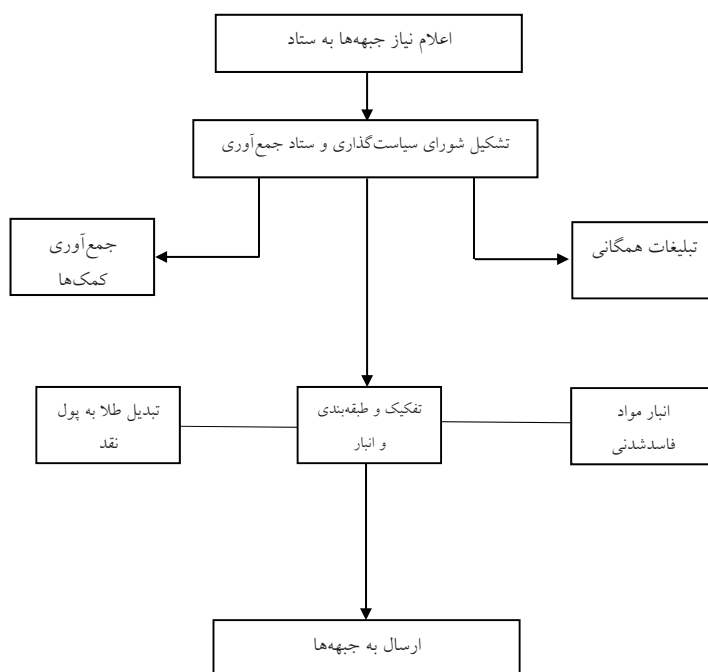
برای ارتقا و بهبود کیفیت فعالیت‌های کمک‌رسانی، مسئولان کشور به این نتیجه رسیدند که ستادی را تحت عنوان ستاد کمک‌های مردمی برای جذب و هدایت کمک‌های مردمی تشکیل بدهند تا این امر با انسجام بیشتری انجام شود. براین اساس، ستاد کمک‌های مردمی در شهر اصفهان تشکیل شد و افراد علاقه‌مند به عضویت ستاد درآمده و به فعالیت پرداختند. از طرف دیگر در اصفهان کاروان‌های کمک‌های مردمی نیز با عنوان



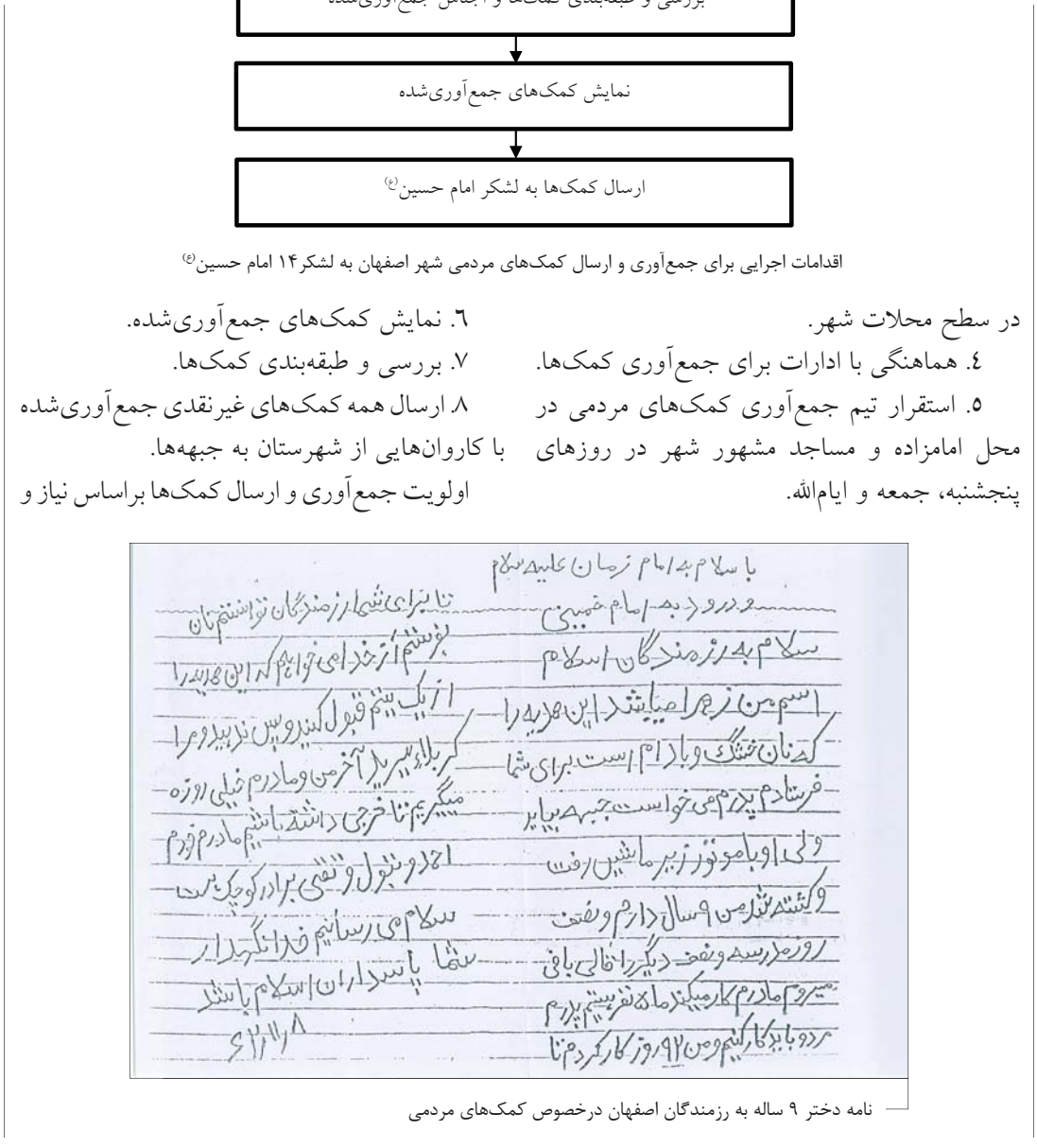
ساختار ستاد کمک‌های مردمی اصفهان

نحوه جمع‌آوری کمک‌ها

۱. هماهنگی و ارتباط ستاد کمک‌های مردمی
۲. اعلام نیاز یگان به ستاد کمک‌های مردمی.
۳. حرکت خودرو جمع‌آوری کمک‌های مردمی



فرایند کمک‌های مردمی در اصفهان

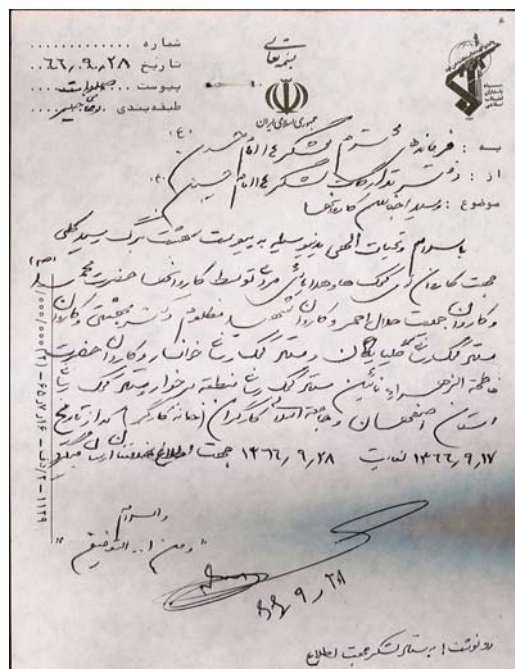


درخواست لشکر بود. گاهی مصالح ساختمانی و گاهی وسیله نقلیه مورد نیاز بود. البته ارسال مواد غذایی، پوشاک، مواد شوینده و بهداشتی به عنوان نیاز ثابت همیشه مورد نظر بود. پایگاه بسیج به منزله کانال ارتباط مردم با سپاه پاسداران، شوراهای اسلامی محله ها به عنوان کانال ارتباطی روستاییان با جهاد سازندگی و همچنین ستاد کمک های مردمی و پشتیبانی آموزش و پرورش از مهم ترین مجریان این امر محسوب می شدند.

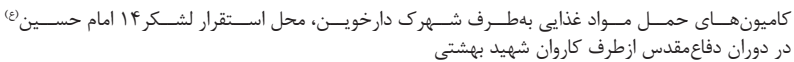
مسئولان ستاد کمک های مردمی هر چند وقت یک بار، با سفر به جبهه ها نیازمندی های رزمندگان را، بررسی و شناسایی می کردند. برای مثال، فرماندهان و مسئولان پشتیبانی یگان ها با توجه به شرایط آب و هوایی جبهه های غرب و جنوب اقلام مورد نیاز این مناطق را شناسایی کرده و با همفکری فرماندهان و رزمندگان و بررسی هایی که در کل جبهه ها انجام می گرفت، اقدام به جمع آوری کمک های مردمی می کردند.^۳

نمونه هایی از کمک های مردمی کمک های غیرنقدی در قالب کالاهای متنوع، مستقیم به جبهه های نبرد ارسال می شد، ولی کمک های نقدی صرف مخارج ضروری جنگ می گشت. طلا و جواهرآلات اهدایی تبدیل به پول نقد شده و از آن طریق نیازهای جبهه ها تأمین و در بعضی موارد پول نقد به مسئولان پشتیبانی یگان ها داده می شد.

از دیگر نمونه های فعالیت های مردمی در این زمینه، اقدام صاحبان وانت بارها و کامیون دارانی بود که به صورت داوطلبانه و گاهی شبانه روزی، با وسیله نقلیه شان در جمع آوری کمک های مردمی در محلات شهر و روستاهای هم جوار با ستاد همکاری می کردند. در مواقعی که برای ارسال کمک های جمع آوری شده به مناطق جنگی



سند شماره ۳: نمونه کمک های مردمی به لشکر ۱۴ امام حسین (ع)



در پی راه‌اندازی واحد بهداری لشکر ۱۴
امام حسین (ع)^۲ به‌مرور زمان چندین دستگاه
آمبولانس از محل کمک‌های نقدی و
جواهر آلات مردمی خریداری شد.



حاج آقا مصطفی بدر در محل استقرار کاروان شهید بهشتی

کمک‌های مردمی متعددی از جمله کاروان شهید بهشتی، کاروان شهید وحدت، جمعیت هلال احمر شهر اصفهان، ستاد کمک‌رسانی سپاه گلپایگان، سپاه پاسداران خوانسار، کاروان حضرت فاطمه الزهرا نایین، سپاه پاسداران اصفهان، جامعه اسلامی کارگران خانه اصفهان، سپاه پاسداران کاشان و... ارسال می‌شد.^۴

چنان‌که پیش از این اشاره شد، یکی از نهادهای فعال مردمی در طول هشت سال دفاع مقدس، کاروان شهید بهشتی اصفهان بود که با تدبیر حجت‌الاسلام حاج آقا محمد بهشتی‌نژاد و تعدادی از خیرین از جمله حاج آقا مصطفی بدر تشکیل شد. این کاروان یکی از کانون‌های بزرگ و توانمندی بود که با جمع‌آوری کمک‌های مردمی و انتقال آن به جبهه‌های جنوب و غرب کشور بخشی از نیازهای رزمندگان و مردم محروم مناطق جنگ‌زده را تأمین می‌کرد. حاج آقا مصطفی بدر در خاطرات خود

ستادهای کمک‌های مردمی، اجناس اهدایی را از هم تفکیک می‌کردند، آن بخش از اقلام اهدایی که فاسدشدنی بود در یخچال و سردخانه نگهداری می‌شد و در مواردی که در سردخانه امکانات کافی وجود نداشت، سعی می‌شد مواد فاسدشدنی، هرچه زودتر به‌دست رزمندگان رسانده شود و معمولاً هر ده روز، چند کامیون از کمک‌های مردمی آماده و به جبهه‌ها ارسال می‌شد.

تعدادی از وسایل جمع‌آوری شده هم مستقیم به رزمندگان در جبهه‌ها داده می‌شد و بعضی اقلام هم به دلایل مختلف به انبار انتقال داده می‌شد. بعضی هدایا مثل تنقلات در ایام عید، دهه فجر یا هفته دفاع مقدس به‌وسیله خود رزمندگان مستقیم در جبهه توزیع می‌شد. گروه‌های مردمی در نماز جمعه اقدام به دسته‌بندی و تقسیم اجناس می‌کردند.

هدایای مردمی و اقلام مورد نیاز لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) از طریق ستادهای

چی کار کنیم تا اینکه خداوند شما را مثل یک فرشته نجات اینجا فرستاد. تقریباً ۲۰ هزار کیلو آرد و ۲ دستگاه کامیون نان خشکه برایشان برده بودیم. از اهواز که برگشتیم، برای کمک‌رسانی بهتر، خانواده‌ام را بسیج کردم تا کمک کنند. همسرم و بچه‌هایم؛ مسئولیت اصلی را برعهده گرفتند».^۵

درمجموع، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس از پشتیبانی بسیار قوی برخوردار بود و این عامل باعث می‌شد لشکر در سخت‌ترین وضعیت بتواند ایستادگی و مقاومت چشمگیری از خود نشان دهد. درواقع تعهد مردم اصفهان به انقلاب و تعداد زیاد رزمندگان این استان عامل تقویت کمک‌های مردمی و پشتیبانی از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) بود، که این امر علاوه‌بر افزایش رضایت درونی مردم به‌علت سهم‌بودن در دفاع مقدس، سبب افزایش توان جسمی و روحی رزمندگان این یگان نیز می‌گردید.

درباره نحوه اقدامات کاروان کمک‌های مردمی شهید بهشتی می‌نویسد:

«با بالاگرفتن آتش جنگ، تصمیم گرفتیم نیروهایمان را افزایش داده و کاروان را تقویت کنیم. اولین قدمی که برای این کار برداشتیم این بود که یک ماشین مخصوص تبلیغات آماده کردیم و یک بلندگو با آژیر خطر و چراغ گردان روی آن نصب کردیم تا بهتر بتوانیم اطلاع‌رسانی کنیم. سپس راه افتادیم داخل خیابان‌های شهر اصفهان و عده‌ای هم رفتند در روستاها و از مردم کمک گرفتند. این‌گونه تبلیغ و اطلاع‌رسانی و درخواست کمک باعث شده کمک‌های مردمی بیشتر و سریع‌تر جمع‌آوری شود. طوری‌که توانستیم در یک مرحله ۹ دستگاه ماشین سنگین، از کمک‌های مردمی بار بزنیم و برای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در منطقه دارخوین ببریم. هدایا را تحویل انبار دادیم. هنگام پیاده‌کردن آردها، انباردار خوشحال شد و گفت: آردمان تازه تمام شده بود؛ نگران بودیم که از فردا



کامیون‌های حمل مواد غذایی به‌طرف شهرک دارخوین، محل استقرار لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس ازطرف کاروان شهید بهشتی



برادران مصطفی ردانی پور و حسین خرازی و جمعی از دوستانشان در منزل شخصی شهید ردانی پور در اصفهان، ۱۳۶۱/۰۵/۳۰

نقش روحانیون اصفهان در دوران

دفاع مقدس

در این بخش نقش دو روحانی شهید اصفهان در دوران دفاع مقدس، شهید مصطفی ردانی پور و شهید عبدالله میثمی مورد بررسی قرار می گیرد.

شهید حجت الاسلام مصطفی ردانی پور*

نقش شهید مصطفی ردانی پور در دوران دفاع مقدس را از دو بُعد کلی می توان بررسی کرد:

۱. سیر تکاملی حجت الاسلام مصطفی ردانی پور در

دوران دفاع مقدس

با شروع جنگ تحمیلی، شهید ردانی پور به همراه عده ای از همزمان خود نبرد با اشراک کردستان را به

* وی در سال ۱۳۳۷ در یکی از خانه های قدیمی منطقه ای در پشت مسجد امام در شهر اصفهان متولد شد. شهید ردانی پور سال اول طلبگی را در حوزه علمیه اصفهان سپری کرد. پس از آن برای ادامه تحصیل و بهره مندی از محضر فضلا و بزرگان راهی شهر قم شد و در مدرسه حقانی به تحصیلات خود ادامه داد. مدرسه حقانی در آن زمان بنا به فرموده شهید بهشتی^(ره) پذیرای طلابی بود که از جهت اخلاقی، ایمانی و تلاش علمی نمونه بودند. ایشان در ۱۵ مرداد ۱۳۶۲، در عملیات والفجر ۲ در منطقه حاج عمران به شهادت رسید.

دوستان دیگر واگذار کرده و وارد جبهه جنوب شد. وی در کنار نیروهای اعزامی از اصفهان (سپاه منطقه ۲) که در نزدیکی آبادان و در جبهه دارخوین مستقر بودند، شروع به فعالیت کرد. شهید ردانی پور چندین ماه با رزمندگان اسلام در خطی که به خط شیر معروف بود، علیه دشمن بعثی به مبارزه پرداخت. از مهم ترین علل شش ماه مقاومت مستمر نیروها در این خط حضور این روحانی عزیز و دلسوز بود که با سخنرانی های خود و برگزاری مراسم دعا به رزمندگان روحیه می داد.

وی در عملیات ثامن الائمه^(ع)، طریق القدس و فتح المبین به عنوان جانشین فرماندهی تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) به دفاع از میهن اسلامی پرداخت.^۶

نبوغ نظامی این روحانی جان برکف باعث شد تا در حین عملیات بیت المقدس، هنگامی که سازمان سپاه انقلاب اسلامی گسترش یافت، به فرماندهی سپاه سوم صاحب الزمان^(عج) برگزیده شود این سپاه متشکل از لشکرهای امام حسین^(ع)، ۸ نجف اشرف، ۲۵ کربلا و تیپ قمر بنی هاشم^(ع) بود.^۷ وی در عملیات رمضان، فرماندهی قرارگاه فتح سپاه را به عهده داشت. شهید ردانی پور در کمتر از سه سال، سطوح فرماندهی رزمی را تا سطح

«مصطفی اگر بعد از کنارکشیدن از فرماندهی سپاه سوم، مسئولیت دیگری می‌پذیرفت، به‌احتمال زیاد، به‌عنوان نماینده حضرت امام در قرارگاه خاتم‌الانبیاء(ص) که بر کل جنگ نظارت داشت انتخاب می‌شد، اما او اراده رفتن داشت و چیزی را می‌دید که هیچ‌کس، نه می‌دید و نه می‌فهمید.»^۸

۲. نقش حجت الاسلام مصطفی ردانی پور در دوران دفاع مقدس

نقش شهید ردانی پور در دوران دفاع مقدس از ابعاد متعددی قابل بررسی می باشد، که در این بخش به اهم آنها اشاره می شود.

مصلطفی ردانی پور را نه تنها یک فرمانده، باید یکی از راهبردشناسان دوران دفاع مقدس دانست که در تدوین نبرد عاشورایی و راهبرد آن در مقابله با دشمن بعثی عراق، از نبوغ در طرح ریزی های عملیاتی، سازماندهی یگان های رزم و آموزش های نیروهای مردمی برخوردار بود. این شهید بزرگوار با تدبیر خود، جنگ نامتقارنی را به پیروزی می رساند که در آن طرف مقابل از تمام تجهیزات و امکانات از عده و عده گرفته تا پشتیبانی برتر اقتصادی، سیاسی و تبلیغی برخوردار بود. وی نیروهای اسلام را با تکیه بر ایمان و اعتقاد راسخ به پروردگار به مبارزه با جبهه کفر وامه داشت.

مصلطفی ردانی پور را نه تنها یک فرمانده، باید یکی از راهبردشناسان دوران دفاع مقدس دانست که در تدوین نبرد عاشورایی و راهبرد آن در مقابله با دشمن بعثی عراق، از نبوغ در طرح ریزی های عملیاتی، سازماندهی یگان های رزم و آموزش های نیروهای مردمی برخوردار بود. این شهید بزرگوار با تدبیر خود، جنگ نامتقارنی را به پیروزی می رساند که در آن طرف مقابل از تمام تجهیزات و امکانات از عده و عده گرفته تا پشتیبانی برتر اقتصادی، سیاسی و تبلیغی برخوردار بود. وی نیروهای اسلام را با تکیه بر ایمان و اعتقاد راسخ به پروردگار به مبارزه با جبهه کفر وامه داشت.

یکی از کسانی که تحت تأثیر شخصیت او در مقاومت
چزابه قرار گرفته بود، سرهنگ نیایکی فرمانده لشکر ۹۲
زرهی ارتش بود. وی صبح اول وقت به فرماندهان ستاد
خود می‌گوید: «شما بروید؛ من عصر می‌آیم؛ می‌خواهم
ببینم امروز این جوان چه کار می‌کند.» با اشاره به آقا
مصطفی که در سنگر بود، گفت: «قدر این مرد را بدانید،

قلبی داشت. به محض اینکه مصطفی به استادش دست داد، آیت الله مصباح خم شد دست مصطفی را بوسید. مصطفی تکانی خورد و رنگش از شرم سفید شد. آیت الله این قدر سریع این کار را کرد که مصطفی نتوانست هیچ واکنشی نشان بدهد و خشکش زد. بعد از آن مصافحه شد و خدمت استادش عرض ادب نمود. آیت الله مصباح دست شاگردی را بوسید که درس و بحث را رها کرده و به میادین جهاد رفته بود.^{۱۳}

روحیه جهادی شهید ردانی پور تا به حدی بود که در شب عروسی خود میکروفن را به دست می گیرد و گریه کنان می گوید: «فکر نکنین من با ازدواج به دنیا چسبیده ام. این وظیفه من بود، حضور در جبهه هم وظیفه دیگر من. فردا عازم جبهه هستم».^{۱۴}

هر طلبه ای که به خط می آمد، شهید ردانی پور چند ساعتی با او خلوت می کرد و به او درس شهادت و زندگی می داد. او سه اصل را برای طلبه لازم می دانست: اول، مطالعه داشتن؛ دوم، در دسته خط شکن بودن و سوم اینکه همیشه عمامه اش بر سرش باشد.^{۱۵} در خاطرات مصطفی ردانی پور در این باره آمده است:

«آن طرف کارون، روستای کفیشه، نیروها در سنگرهای استتار و به صورت چریکی مستقر بودند. سی چهل نفر می شدند و جلو آنها یک گردان زرهی عراق خط محکمی داشت. نزدیک غروب آمد دارخوین و گفت: به کفیشه می روم تا برای بچه ها دعای توسل بخونم! تنها سوار قایق شد و رفت. فردا صبح دنبالش رفتم. نیروهای این محور تازه عوض شده بودند و آقا مصطفی را نمی شناختند. به یکی از آنها گفتم: اون بنده خدا که دیشب آمد دعا خواند را دیدی؟ نمی دونم. یک نفر آمد و گفت: مرا فرستادند نگهبانی بدم و تا صبح هم نخوابیده و به جای چند نفر نگهبانی داد. حالا هم آنجا زیر نخل ها خوابیده است».^{۱۶}

ج) بُعد معنوی

در نبرد نابرابر و در مقابل دشمنی که به انواع سلاح ها و امکانات جنگی مجهز بود، اساسی ترین و

شاید هر صد سال یک نفر مثل او پیدا شود که برای این سرزمین عزت ابدی بیاورد.^{۱۱}

ب) روحیه جهادی شهید ردانی پور

حضرت امام و دیگر رهبران و مدیران عالی رتبه کشور تأکید داشتند که در دوران جنگ و دفاع مقدس، مهم ترین مسئله کشور و اساسی ترین دغدغه مسئولان و مردم حفظ روحیه انقلابی و جهادی و اولویت دادن به جنگ و دفع تجاوز دشمن باشد. شهید مصطفی ردانی پور در دوران دفاع مقدس مقابله با دشمن بعثی و دفاع از میهن اسلامی را بر همه چیز ارجح می دانست. وی حتی در زمان مجروحیت نیز از حضور در جبهه غافل نماند. سیدعلی بنی لوحی در این باره می نویسد:

«صبح عملیات بیت المقدس، آمدیم پشت جاده آسفالت اهواز- خرمشهر که چند ساعتی بود تصرف شده بود. دست مصطفی در گچ بود و با عصا راه می رفت. این یادگار عملیات قبلی بود. مصطفی با همان دست در گچ و عصابه دست در لحظه لحظه عملیات بزرگ بیت المقدس حضوری اثرگذار داشت؛ مخصوصاً در رسیدن به اروندرود که به محاصره کامل خرمشهر انجامید، مانند یک نیروی تک تیرانداز در میان بسیجی ها حضور داشت. بچه های خط شکن، با دیدن مصطفی در میان خود، به وجد آمده بودند».^{۱۲}

همچنین درباره روحیه جهادی این شهید بزرگوار نقل شده است:

«بعد از یکی از عملیات ها، آقا مصطفی خبر داد که برای زیارت حضرت معصومه (س) و دیدار با علما عازم قم هستیم. به همراه جمع دیگری از فرماندهان جنگ، به قم رفتیم و روز اول پس از زیارت حرم، در جلسه درس اخلاق استاد مظاهری حاضر شدیم. بعد از آن، با مصطفی به مؤسسه در راه حق رفتیم. مصطفی آنجا کاری داشت. در راه پله های مؤسسه بودیم که دیدیم آیت الله مصباح یزدی در حال بالا آمدن از پله ها است. ایشان قبل از انقلاب، استاد مصطفی بود و مصطفی هم به ایشان ارادت



روحانیون شهید مصطفی ردانی پور و عبدالله میثمی

«اگر نبودند افرادی از علما که بعد از غیبت قائم، شما مردم را به سوی او دعوت و راهنمایی کنند و با دلایل و برهان‌های خداوند، از دین او دفاع کنند و بندگان ضعیف خدا را از دام ابلیس و سرکشان نجات دهند، احدی نمی‌ماند مگر آنکه از دین خدا خارج می‌شد. ولی این علما، زمام دل‌های شیعیان ضعیف ما را به دست می‌گیرند، همان‌گونه که ناخدای کشتی، سکان کشتی را به دست می‌گیرد. همانا ایشان برترین افراد نزد خداوند عزوجل می‌باشند. مصطفی اسلام‌شناسی بود که با عمامه‌ای به سر، لباس فرماندهی به تن داشت، از آن روی توانست آن‌گونه دین‌باوری که مورد نظر امام خمینی بود را در میان رزمندگان نهادینه کند».^{۱۷}

همچنین در زمینه آموزش‌های عقیدتی شهید ردانی پور به رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) نقل شده است: «در حساس‌ترین مرحله عملیات بیت‌المقدس که پیشروی برای تصرف خرمشهر ادامه داشت، در عمق جبهه شلمچه و در زیر آتش بسیار سنگینی که نفس همه را بریده بود آمد و دوربین کشید و شبکه برق منطقه عمومی بصره را نشان داد و گفت: اگر هدف عملیات خرمشهر نبود، می‌توانستیم بصره رو تصرف

برجسته‌ترین عامل استقامت، موفقیت و پیروزی‌های بزرگ و شگفت‌آور رزمندگان، نیروی ایمان، ارزش‌های معنوی و تکلیف‌محوری جبهه حق و مجاهدان در راه خدا بود. چنان‌که بارزترین تفاوت دفاع مقدس با تمام جنگ‌های تاریخ، وجه دینی و عقیدتی آن است. ایمان و استقامت جوانان و مردم، عاملی بود که تمام طراحی‌ها و سلاح‌ها و حملات ناجوانمردانه دشمنان را خنثی و پیشروی‌های بزرگی را برای ایران اسلامی فراهم می‌ساخت. روحانیت در تقویت بنیه ایمانی، ارزشی و استقامت مردم در دوران انقلاب و جنگ نقش محوری و چه بسا منحصربه‌فردی داشتند. شهید ردانی پور نمونه برجسته این دسته از روحانیون به حساب می‌آید. این روحانی شهید در تقویت بُعد معنوی و آموزش‌های عقیدتی به رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) نقش مهمی ایفا کرد. درباره این خصیصه مصطفی ردانی پور آورده‌اند:

«یک شخصیت چند بعدی غیرقابل تصور داشت، از آن آدم‌های استثنایی. بالینکه از فرماندهان رده اول جنگ بود، اما وجهه روحانی بودن او غلبه داشت بر فرمانده بودنش. مصداق این کلام امام هادی^(ع) بود که می‌فرمایند:

شهید حجت الاسلام عبدالله میثمی

شهید عبدالله میثمی* در دوران دفاع مقدس از طرف حجت الاسلام والمسلمین شهید محلاتی، نماینده محترم حضرت امام^(ع) در سپاه، به عنوان نماینده امام در قرارگاه خاتم الانبیا^(ص) - که قرارگاه مرکزی و هدایت کننده تمامی نیروهای سپاه و بسیج و سایر نیروهای مردمی بود - برگزیده شد، حضور وی در میان برادران سپاهی، بسیجی و ارتشی، باعث قوت قلب آنان بود.^{۲۱} از برجسته ترین خصایص شهید میثمی در دوران دفاع مقدس شیوه مدیریت وی در آن برهه حساس کشور می باشد که در ادامه به آن اشاره می شود.

الف) مدیریت معنوی و ارشادی

مردم متدین و خدامحور همیشه وظایف و تکالیف شرعی خود را از روحانیت دریافت کرده و با هدایت و راهنمایی آنان به انجام وظایف دینی خود پرداخته اند. از این روی، یکی از رسالت ها و وظایف بزرگ روحانیت در دوران دفاع مقدس ترغیب و دعوت مردم برای حضور در میدان جنگ و امتثال امر امام بود، همان نقشی که خدا به آن امر کرده و آنان از پیامبر اکرم^(ص) به ارث برده بودند. «یا ایها النبی حرض المؤمنین علی القتال/ ای رسول مؤمنان را به جنگ ترغیب کن».^{۲۲}

در خصوص نقش شهید میثمی در ترغیب و دعوت مردم برای حضور در میدان نبرد نقل کرده اند:

«پیش از آمدن او به یاسوج، تعداد نیروهایمان اندک بود و در گزینش نیرو مشکلات زیادی داشتیم. او که آمد، بسیاری از مسائل خود به خود حل شد. حضور حاج آقا

* وی در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، در خانواده ای مذهبی در شهر اصفهان متولد شد. پدرش با تعلق به قرآن، نام او را عبدالله گذاشت. عبدالله در دوره دبیرستان، هم زمان با تحصیل، در کنار پدرش مشغول به کار شد. از نوجوانی شور و علاقه خاصی به مسائل مذهبی و ترویج و تبلیغ علوم الهی داشت و شاید همین انگیزه او را در مسیر فراگیری دروس حوزوی و ورود به سلک روحانیت و طلبگی قرار داد. در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۶۵ سحرگاهان، در منطقه عملیاتی کربلای ۵، از ناحیه سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و بعد از سه روز در ۱۲ بهمن ماه درگذشت. پیکر وی در گلستان شهدای اصفهان در قطعه حمزه سیدالشهدا دفن شد.

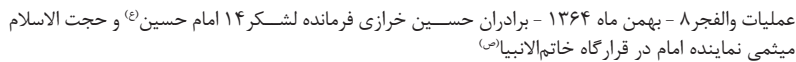
کنیم. همان وقت یک بسیجی آمده بود و می پرسید که با لباس خون آلود، نماز خواندن درست است یا نه؟ با حوصله جواب او را داد و مقداری هم فراتر از حد معمول. به او گفتم: این بنده خدا هم فرصت گیر آورده، عاشق عمامه تو شده؛ گفتم: وقتی اون سؤال شرعی می پرسه، مخصوصاً از نماز من دیگه فرمانده نیستم. این همان چیزی هست که من می خواهم.^{۱۸} در مورد روحیه معنوی شهید ردانی پور خاطرات زیادی نقل شده است:

«مصطفی بدون اینکه از حالت دعا خارج شود با پای برهنه و با گریبان چاک شده به طرف بیابان در جهت شرق که در انتها به آب گرفتگی هور شادگان ختم می شد، شروع به حرکت کرد و یاران او نیز، هم صدا و گریان او را همراهی کردند. حالت عجیبی بود. صدای سربازان امام زمان در بیابان پیچیده بود: "یا ابن الحسن کجایی؛ آقا چرا نیایی؟"

مصطفی خوب فهمیده بود که اگر تانک و آرپی. جی نداریم و برای مقابله با دشمن باید از کوکتل مولوتوف و سلاح انفرادی استفاده کنیم، باید به بهترین و زیباترین سلاح که توکل به خدا و توسل به اهل بیت است مجهز شویم. مصطفی مرد چنین میدانی بود و این همان چیزی بود که باعث شد عملیات های در شب، کمر بعثی ها را بشکند».^{۱۹}

در پایان باید خاطرنشان ساخت، نقش های متعددی که شهید ردانی پور در دوران دفاع مقدس برعهده داشت، تأثیر شایان توجهی در غلبه جبهه حق بر باطل از خود به جا گذاشت. این تأثیر در ابعاد نظامی و خصوصاً معنوی بسیار برجسته می باشد. به طوری که سردار سیدیحیی صفوی در مورد شهید ردانی پور می گوید:

«این جانب وجود او را در دوران دفاع مقدس به مثابه لطف و عنایت خاصه حضرت حجه ابن الحسن^(عج) و انتخاب شده از جانب خدا برای روزگاری خاص می دانم».^{۲۰}



میثمی در مدارس، مساجد، حسینیه‌ها و روستاها سبب شد تا بسیاری از نیروهای جوان به طرف سپاه جذب شوند. در یکی از کمیسیون‌هایی که برای گزینش تشکیل داده بودیم، در جواب یک نفر که مدام انگشت روی عیب‌های افراد می‌گذاشت، گفت: بگذارید همه کسانی که به انقلاب علاقه دارند، به سپاه بیایند، وظیفه ماست اینها را تربیت کنیم و پرورش‌شان دهیم. ما باید سعیمان را بکنیم؛ آن وقت اگر هنوز مشکل داشتند، مانع‌شان می‌شویم. در اسلام اصل بر برائت است. از ابتدا نباید بگوییم این آدم بدی است و به درد سپاه نمی‌خورد. همین برخورد او باعث شد زمانی که به شیراز رفت، سپاه یاسوج چندین گردان نیرو داشته باشد؛ نیروهایی مخلص، باایمان و جنگنده که در جنگ حضور فعال داشتند.»^{۳۳}

یکی از مهم‌ترین نقش‌های شهید میثمی در دوران دفاع‌مقدس تقویت و ارتقاء روحیه معنوی رزمندگان برای کسب موفقیت و رسیدن به نتایج پیروزی‌بخش در صحنه‌های نبرد بود. وی در مورد نقش عامل ایمان و معنویت در دوران دفاع‌مقدس می‌گفت: «توان ما به‌میزان امکانات در دست ما نیست. توان ما به‌میزان اتصال ما به خداست.»

در بخشی از خاطرات شهید میثمی در مورد نقش معنوی

باتوجه به مسئولیت و اهمیتی که وجود او برای قرارگاه خاتم الانبیا(ص) داشت، هیچ کس انتظار نداشت که او را در

خط مقدم ببیند، ولی شهید میثمی همواره تأکید می کرد: من احساس می کنم اگر پیش بچه های رزمنده و خط مقدم نیایم، شرمنده تمام بسیجی ها و رزمندگان هستم. عملیاتی نبود که حاج آقا میثمی در خطرناک ترین مناطق حضور نداشته باشند. هر جا که دشمن پاتک می کرد، او حاضر می شد و به مدافعان (چه ارتشی و چه سپاهی) روحیه می داد. در عملیات بدر، با موتور در نقاط مختلف خط، حرکت می کرد و به بچه ها روحیه می داد در حالی که عبایش را دور بدن پیچیده و وسایل شخصی اش را در چفیه ای بسته بود و زیر بغل داشت، بی ترس و واهمه، به همه نقاط سرکشی می کرد.^{۲۵}

برادر علی شمشخانی درباره حضور وی در خط مقدم می گوید:

«تعریف راستین و عملی زندگی طلبگی بود. فاعل به خیر به دست برادر دینی اش بود. خواهنده خیر نه برای خودش که برای دیگران بود. با نام و لقب و شهرت همواره دشمنی سرسختی داشت. هرگز به کسی بروید نگفت. من کلامی بجز بیابید از او نشنیدم. او را هرگز شهید نکردند. بلکه میثمی شهید شد. والحق میثمی باید نماینده امام باشد و این مقام باید از آن میثمی باشد و ما با ریسمان میثمی به روحانیت متصلیم و پیوند بدین ریسمان، تنها راه جنگ زدن به سعادت است.»^{۲۶}

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین جمی، امام جمعه آبادان، درباره شهید عبدالله میثمی گفته بود:

«در کربلای ۵ رفت و به همه فرماندهان لشکرها سر زد؛ مثل والفجر ۸ و عملیات بدر که یادم هست در شرق دجله به سراغ فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و ۳۱ عاشورا رفت تا ببیند آنجایی را که می خواستند خاکریز درست بکنند و سنگر بسازند، چطور شد؟ همان جا بیل برداشت و زیر آن بمباران های شدید و آتش توپخانه و گلوله مستقیم دشمن، با آرامش خاصی به برادران کمک کرد. باین حال چند روزی در خط مقدم در شرق بصره ماند و مقاومت کرد.»^{۲۷}

در مورد روحیه جهادی شهید میثمی آورده اند:

«دو سال پیاپی، شهید محلاتی، به حاج آقا میثمی گفت: بیابید و شما هم به حج بروید. با وجودی که این سفر مدت

زمان زیادی طول نمی کشید، قبول نکرد و گفت: حس می کنم تکلیفم در اینجا است؛ در جبهه ها. حتی بعدها هم، وقتی بر این امر اصرار کردند، پاسخ داد: خیر، اگر قرار باشد اجرای از حج ببریم، همان اجر را در اینجا هم به دست می آوریم. شهید محلاتی، نماینده حضرت امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که خود نیرویی مؤثر در دوران مبارزه بود، در جای دیگری خطاب به عده ای از علما و روحانیون می گوید: من به حال آقای میثمی غبطه می خورم. من نتوانستم آقای میثمی را بشناسم. آخر چگونه می شود، به او التماس می کنیم که

وسيله جور می کنیم پانزده روز در کنار خانه خدا، آنجا مراسم حج خود را انجام بده و برگرد. بگوید: من حاضر نیستم جبهه و جنگ را رها کنم. من نمی آیم.»^{۲۸}

نقش شهید میثمی در عملیات کربلای ۵ انکارناپذیر است. بعد از عملیات کربلای ۴، از آنجا که رزمندگان به اهداف مورد نظر دست نیافته بودند اجرای عملیات کربلای ۵، می توانست تا حدودی بحران روحی ناشی از این عدم موفقیت را جبران کند. از سوی دیگر، در آن زمان، دشمن به طور مرتب به کشور حمله کرده و

تلفات بسیاری را به جمهوری اسلامی وارد می ساخت. از این روی، فرماندهی جنگ ضرورت دید به نیروها پایان مأموریت و مرخصی نداده و همان یگان های عمل کننده را سریعاً وارد عملیات بعدی کند. اما این کار در وضعیتی که اکثر یگان ها آسیب دیده، شهید و زخمی زیادی داده بودند و از نظر روحی و سازمانی آمادگی لازم را نداشتند، به آسانی ممکن نبود. وقتی روحانیون مستقر در قرارگاه ها و به ویژه نماینده امام در قرارگاه خاتم شهید میثمی، از این تصمیم اطلاع یافتند، با یک برنامه دقیق همه روحانیون یگان های رزم را جمع کرده و آنها را درباره این موضوع و تصمیم

در عملیات بدر، با موتور در نقاط مختلف خط، حرکت می کرد و به بچه ها روحیه می داد در حالی که عبایش را دور بدن پیچیده و وسایل شخصی اش را در چفیه ای بسته بود و زیر بغل داشت، بی ترس و واهمه، به همه نقاط سرکشی می کرد.

کارها و مسئولیت‌هایش کند. حتی یک بار هم در خاطرم نیست که بیاید و تقاضای اعتبار و پول برای کارها بکند. سخت‌ترین فرماندهان سپاه، در مقابل محبت ایشان، نرم می‌شدند و با او همکاری می‌کردند. شاید هیچ‌کس نتوانست بدین گونه که این شهید عزیز در قلب‌ها جا باز کرد، در قلوب دیگران رخنه کند. میزان محبوبیت او و اعتمادی را که افراد مختلف به ایشان داشتند، از این نکته می‌توان فهمید که بسیاری از افراد، که از لحاظ شخصیتی کاملاً متفاوت بودند، خصوصی‌ترین مسائلشان را نزد وی بازگو می‌کردند و راهنمایی می‌خواستند. نفوذ کلام آقای میثمی را در کمتر کسی دیده‌ایم. بسیار کم سخنرانی می‌کرد، ولی با همان مدت اندک، تأثیر صحبت‌هایش کاملاً تعیین‌کننده بود و درحقیقت ختم کلام محسوب می‌شد. فکر می‌کنم علت این نفوذ کلام فقط این بود که صحبت‌هایشان صمیمانه بود و از دل برمی‌خواست، لاجرم بر دل‌ها می‌نشست. جنبه دیگری که در صحبت‌های آقای میثمی مطرح بود و از لحن کلام او نیز به‌خوبی حس می‌شد، تواضع بود. این تواضع، ایشان را در علو معنوی خاصی قرار داده و باعث شده بود همیشه برای ایشان احترام خاصی قائل باشم»^{۳۲} از طرف دیگر، شهید میثمی در مدیریت خود همیشه حفظ بیت‌المال را یک اصل می‌دانست و رفتار وی در این موارد الگویی برای سایرین بود. چنان‌که در این باره درمورد شهید میثمی نقل شده است:

«برای ملاقات با آیت‌الله حائری به شیراز رفته بودیم. بعد از اینکه برنامه‌هایمان را به انجام رساندیم، دیدیم فرمانده سپاه شیراز ماشین خود را با یک راننده، برای بازگرداندن ما به اهواز، آماده کرده است. حاج‌آقا میثمی گفت: من بلیط اتوبوس گرفته‌ام. فرمانده سپاه شیراز اصرار کرد. حاج‌آقا میثمی گفت: اصرار نکنید. اتوبوس دو راننده پایه یک دارد. یکی که خسته شد، دیگری می‌راند. بنابراین لازم نیست یک نفر به‌خاطر من بی‌خوابی بکشد. از طرف دیگر،

اساسی توجیه و آماده کردند. سپس روحانیون به یگان‌های رزم مراجعت کرده و با بیانی شیوا و قوی رزمندگان عزیز را برای عملیات بعدی آماده کردند و نتیجه آن عملیات بزرگ کربلای ۵ و آزادسازی شلمچه گردید.^{۳۹}

شهید صیاد شیرازی با شناختی که از شهید میثمی پیدا کرده بود، درباره ایشان می‌گوید:

«به معنی واقعی یک روحانی مبارز بود. مبارزه و تفکر مبارزه داشتن، چیزی نیست که بتوان آن را با فشار و حرف بیان کرد. انسان باید در صحنه‌های سخت و دشوار مورد آزمایش قرار بگیرد تا فهمید که چقدر روی تفکر مبارزه پایبند است و چه اندازه مبارزه او اصالت دارد؟ و به‌طور دقیق این موضوع درباره آقای میثمی صدق می‌کند.»^{۴۰}

محسن رضایی:

اساس مدیریت و ارتباط ایشان با دیگران، تواضع و محبت بود. سخت‌ترین فرماندهان سپاه، در مقابل محبت ایشان، نرم می‌شدند و با او همکاری می‌کردند.

ج) شهید میثمی؛ انسان کامل

مدیریت شهید میثمی مدیریتی انسانی بود. او با برقراری ارتباط معنوی و متواضعانه، مخاطبان خود را به راحتی جذب می‌کرد و تحت تأثیر قرار می‌داد. او به دیگران و به‌ویژه رزمندگان، عشق می‌ورزید و محرم اسرار و همنشین خلوت‌ها و گوش‌شنوا برای درد دل دوستان و ارادتمندانش بود. حضورش کاملاً مشهود بود و با قائل شدن کرامت انسانی و شخصیت برای همه معاشرائش آنها را متأثر و مجذوب خود می‌کرد.^{۴۱} محسن رضایی در وصف محبت و تواضع شهید میثمی می‌گوید:

«اساس مدیریت و ارتباط ایشان با دیگران، تواضع و محبت بود. همیشه تأکید داشت و معتقد بود با محبت همه کارها را می‌توان انجام داد. هیچ‌گاه ندیدم ایشان، کمبود امکانات را بهانه‌ای برای انجام‌ندادن



عملیات خیبر - بهمن ماه ۱۳۶۲

از راست حجت‌الاسلام میثمی نماینده امام در نیروی زمینی سپاه، محسن رضایی فرمانده کل سپاه و عبدالله رودکی از مسئولین لشکر ۱۹ فجر به صورت نشست در اتاق عملیات قرارگاه مرکزی در منطقه طلاییه

عده‌ای گفتند این خانواده وضع خوبی ندارند. بهتر است غذا نخوریم او خندید و گفت نباید دل این بنده‌های خدا را بشکنیم. اگر غذا نخوریم، ناراحت می‌شوند. غذا را می‌خوریم اما از جایی دیگر جبران می‌کنیم.^{۳۵}

شهید عبدالله میثمی همیشه در جهاد بود، او نه تنها از بیم مرگ، جهاد در مقابل دشمن را ترک نکرد، بلکه در جهاد و در مسئولیت‌های خطیر خود به دنبال رسیدن به فوز عظیم شهادت بود که بالاترین مراحل کمال انسانی است. شهید عبدالله میثمی فرماندهی اهل خرد، محبوب، با نفوذ و همچنین مورد اعتماد سایر فرماندهان بود. عبدالله میثمی ثمره عینی دوران دفاع مقدس و دوران انتشار اندیشه امام خمینی (ره) بود. دورانی که به این سادگی‌ها تکرار نخواهد شد و زمینه عملی برای پرورش این گونه انسان‌های کامل و جامع، به وجود نخواهد آمد. عبدالله میثمی در واقع یکی از نام‌آورترین سرداران فداکار اسلام در عصر انقلاب اسلامی و درعین حال گمنام‌ترین فرماندهان دوران دفاع مقدس در میان بسیاری از مردم ایران می‌باشد.

من و چهل نفر دیگر با یک وسیله نقلیه می‌رویم؛ در استهلاک ماشین و سوخت صرفه‌جویی می‌شود. بار دیگر، در شوش، از ساعت نه صبح تا یک بعدازظهر تلاش کرد تا با تلفن عمومی با خانواده‌اش تماس بگیرد. گفتیم: حاج آقا، سپاه که پنج شش خط تلفن دارد، از آنجا زنگ می‌زنیم، پولش را به حساب سپاه واریز می‌کنیم. گفت: نخیر، می‌خواهم از بیت‌المال به هیچ شکلی استفاده نکنم. اگر خودم کوچک‌ترین استفاده شخصی بکنم، دیگر به آن آقای نوعی نمی‌توانم بگویم از بیت‌المال استفاده نکن.^{۳۳}

شهید میثمی، به لحاظ مسئولیتی که به عهده داشت، می‌بایست فقط با فرماندهان در ارتباط باشد، باین حال او هرگز وقت خود را محدود به فرماندهان عالی‌رتبه نمی‌کرد، بلکه با تمام افراد ارتباط برقرار کرده و همنشین می‌شد.^{۳۴} درمورد این خصوصیت نقل کرده‌اند:

«به دیدار از خانواده شهدا اهتمام داشت. بدون خبر به منزل شهدا می‌رفت تا خانواده شهدا به زحمت نیفتند. یک بار به دیدار خانواده‌ای رفتم. هرچه اصرار کردیم غذا تهیه نکنند، قبول نکردند.

صنف تأمین می‌شد و تا موقعی که گروه فداییان اسلام و گروه شهید چمران برقرار بود کمک‌ها به‌طور مستمر ادامه داشت.^{۳۸}

با تشکیل لشکرهای ۱۴ امام حسین^(ع)، نجف اشرف و تیپ قمر بنی‌هاشم^(ع) برای آنها تراشکاری مجهزی با ماشین تراش، دریل، پرس، جوش و دستگاه سنگ خریداری و با تمام ابزارآلات مربوط ارسال گردید و تا پایان جنگ کارگر تراشکار و مکانیک و آهنگر برای انجام کارهای تراشکاری به یگان‌های مذکور روانه می‌گردید.

با وجوه جمع‌آوری شده در اتحادیه و تعاونی (ماشین‌ساز و فلز تراش تام)، ۴ دستگاه آمبولانس نو خریداری و به‌همراه آمبولانس‌های اهدایی سایر همشهری‌ها به جبهه‌ها ارسال گردید. از آنجا که اوایل جنگ در جبهه‌ها اغلب آمبولانس وجود نداشت، مجروحان را حتی با کمپرسی به بیمارستان‌های صحرایی منتقل می‌کردند.

آن دسته از وسایط موتوری که امکان تعمیر آنها در جبهه نبود به اصفهان حمل و پس از تعمیر و نصب قطعات لازم به محل‌های مورد نظر ارسال می‌گردید. علاوه‌براین، اقدامات لازم برای تعمیر و به‌کارگیری مجدد بسیاری از خودروهای غنیمتی عراق نیز در اصفهان صورت می‌گرفت.

همچنین، گروهی از برادران به سرپرستی برادر و پدر شهید حاج عباس هزارستان، خودروهایی که از خارج از کشور خریداری شده بود از بندرعباس به جبهه‌های جنوب، غرب و کردستان می‌بردند و تحویل لشکرها و تیپ‌ها می‌دادند؛ هزینه سفر اغلب رانندگان هم توسط اتحادیه پرداخت می‌شد.^{۳۹}

از طرف دیگر، در مدت هشت سال جنگ تحمیلی، از ابتدا مرتب نیروهای فنی، تراشکار، مکانیک سنگین و سبک، آهنگر و جوشکار هر ماه به‌نوبت به سپاه، جهاد جنوب، غرب و کردستان اعزام می‌شدند و چون برای اعزام نیروها وسیله نقلیه نبود، توسط تعاونی تام، مینی‌بوس نو خریداری شد که همراه مرتب نیروها را به جبهه می‌برد.

محاصره اقتصادی توسط امریکا و هم‌پیمانانش بود، اگر کارخانه یا واحدی برای تهیه قطعه‌ای به مشکل برخورد، به این شورا، که پیشکسوتان صنف و صنعتگران در آن حضور داشتند، مراجعه کند تا از این طریق ترتیب ساختن قطعه یا قطعات داده شود و آن کارخانه یا کارگاه تعطیل نگردد. با شروع جنگ تحمیلی اعضاء این اتحادیه در کنار سایر هم‌وطنان غیرتمند فعالیت خود را آغاز کردند.^{۳۶}

خبرگزاری پارس از اصفهان در مهرماه سال ۱۳۵۹، در این باره اعلام کرد:

«شورای فنی و صنعتی اصفهان طی تلگرافی به ریاست جمهوری و دفتر نخست‌وزیری که رونوشت آن نیز به خبرگزاری پارس مرکز اصفهان رسیده است، یادآور شده که اعضاء شورا که از اصناف تراشکار، مکانیک، ریخته‌گر، آهنگر تشکیل شده در رابطه با ساختن قطعات یدکی و سایر مایحتاج خودروها و سایر ادوات جنگی که درخور امکانات داخلی باشد، آماده هرگونه کمک و فداکاری در راه اسلام و پاسداری از قرآن می‌باشد.»^{۳۷}

برخی اقداماتی که به‌همت این صنف انجام شده است به این شرح می‌باشد:

اولین همکاری این صنف با گروه شهید چمران آغاز شد که جنگ‌های نامنظم را طراحی و اجرا کرده بودند، کلیه نیازهای فنی آنها از قبیل اعزام نیروهای فنی، مکانیک، آهنگر، باطری‌ساز و صافکار به اهواز و آبادان و کردستان از طریق این صنف مرتفع می‌شد صنف مذکور علاوه‌بر خرید کلیه قطعات مورد نیاز خودروها، در مواردی که امکان تعمیر خودروها در جبهه‌ها نبود، به‌وسیله تریلر و کامیون آنها را به اصفهان حمل و پس از تعمیر و بازسازی به جبهه‌ها می‌فرستاد. نمایندگان این صنف به‌منظور بررسی نیازها به اهواز سفر کردند و در بازگشت چند دستگاه وانت و آمبولانس را خریداری یا تعمیر و بازسازی کرده و به جبهه‌ها ارسال کردند. همچنین کلیه قطعات یدکی بعضی سلاح‌ها و خودروها خریداری یا ساخته شده و به مناطق جنگی فرستاده می‌شد. مواد غذایی فداییان اسلام در کردستان و آبادان هم توسط این

در بعضی مواقع با وجود کمبود قطعات، مجبور بوده به هر نحوی این قطعه‌ها را تهیه کنیم. حتی اگر نیاز می‌شد شبانه به مقر عراقی‌ها نفوذ کرده و قطعات مورد نیاز را از خودروهای آنها باز می‌کردیم.

آنچه بیان شد بخش کوچکی از کمک‌های اتحادیه صنف فنی و صنعتی اصفهان بود. علاوه بر این صنف، دیگر اصناف مثل صنف بازاریان و صنوف طلا و جواهر، خیاط، پوشاک، آرایشگر، نانوا، صنایع غذایی، جوشکار، آهنگر، خدمات خودرو و... نیز کمک‌های شایان توجهی را به جبهه‌ها و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) داشتند.

نقش زنان اصفهان در دوران دفاع مقدس

در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی و هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، زنان به موازات مردان با حضور در عرصه دفاع مقدس، نقش مهمی در پیشبرد اهداف جنگ داشتند، به صورتی که هرگونه داوری درباره جنگ بدون در نظر گرفتن نقش آفرینی زنان، ناقص و ناتوان از تحلیل جامع واقعیت خواهد بود. چنان‌که مقام معظم رهبری نقش زنان را در جنگ کمتر از مردان نمی‌داند و با اشاره به اهمیت آن می‌گوید: «اگر زنان حماسه جنگ را نمی‌سرودند و در خانه‌ها جنگ را به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردان اراده و انگیزه رفتن به جنگ را پیدا نمی‌کردند و خیل عظیم بسیجی‌ها به سمت جبهه روانه نمی‌شد.»^{۴۲}

براین اساس، در ادامه مهم‌ترین ابعاد مشارکت زنان اصفهان در دفاع مقدس ذکر می‌شود.

الف) حرکت آفرینی

حرکت آفرینی یکی از مهم‌ترین نقش‌های بانوان اصفهان در جریان انقلاب و نیز حمایت از رزمندگان در طول دفاع مقدس تلقی می‌شود. بانوانی که با تشویق همسران خود و برعهده گرفتن مسئولیت خانواده و مدیریت مخارج خانه و بر دوش کشیدن بار تربیتی فرزندان، با صبر و شکیبایی برای همسرانشان این امکان را فراهم می‌کردند تا به دور از هرگونه نگرانی در جبهه حضوری مستمر داشته باشند. مادرانی که با شنیدن خبر شروع حمله و حرکت جدیدی از رزمندگان اسلام، فرزندان خود را رهسپار جبهه‌ها می‌کردند.

گفتنی است مادران اصفهانی همچون دیگر مادران ایرانی حتی پس از شهادت یکی از فرزندان، به عنوان تکلیف و وظیفه در فرزندان دیگر خود نیز ایجاد انگیزه کرده و آنها را برای حضور در جبهه‌های نبرد ترغیب می‌کردند. از میان خانواده‌های استان اصفهان ۱۰۸۵ خانواده دارای ۲ شهید، ۵۹ خانواده دارای ۳ شهید، ۷ خانواده دارای ۴ شهید، ۳ خانواده دارای ۵ شهید و ۳ خانواده نیز دارای ۶ شهید می‌باشد.^{۴۳}

شایان توجه است که جوانان غیور و انقلابی اصفهان،

در دامن مادرانی پرورش یافتند که با تربیت صحیح فرزندان خویش از بدو تولد آنها را با آموزه‌های اسلامی و شرکت در مجالس مرثیه امام حسین (ع) و ائمه اطهار آشنا می‌کرده، به تدریج در وجود آنان مبارزه با کفر و دشمنان اسلام را نهادینه ساخته بودند و این خود عاملی مؤثر در پیشسازی و سلحشوری جوانان از جان‌گذشته اصفهان در تمام صحنه‌های نبرد بوده است.

در این زمینه بانو نجفی (مادر شهید علی قوچانی) که به تربیت اسلامی فرزندان خویش همت گماشته بود می‌گوید:

«از ابتدای کودکی، سعی می‌کردم فرزندان خود را با آموزه‌های اسلامی، مسائل اعتقادی، مبارزه با دنیاپرستی، ولایت‌پذیری، سیره معصومین و امام‌شناسی آشنا کنم.»^{۴۴}

ب) نقش پشتیبانی زنان

در طول جنگ، به دلیل آنکه بخش کوچکی از درآمد کشور صرف هزینه جنگ می‌شد، استفاده از توان نیروهای مردمی در امر پشتیبانی جنگ بسیار ضروری بود. در این میان، زنان اصفهان با حضور فعالانه در ستادهای پشتیبانی نقش مهمی را در این عرصه ایفا

کردند.^{۴۵} ایجاد ستادهای جمع‌آوری کمک‌های مردمی در مساجد و مدارس، دست‌بندی و ارسال انواع نیازمندی‌های رزمندگان، تعمیر تجهیزات، بازسازی وسایل و البسه، پتو و وسایل زینتی رزمندگان در جبهه‌ها،^{۴۶} تهیه مواد غذایی و شست‌وشوی پتو، ملحفه و البسه رزمندگان،^{۴۷} از جمله فعالیت‌های پشتیبانی زنان در جبهه‌ها بود. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پشتیبانی زنان، کمک‌های اقتصادی آنان به جبهه‌ها در عین نیازمندی‌شان بود؛ زنان اصفهان با آگاهی از وضعیت جنگ، ساده‌زیستی را سرلوحه خود قرار داده و ضمن محدود نگه داشتن سطح توقعات خود، در امر

از میان خانواده‌های استان اصفهان ۱۰۸۵ خانواده دارای ۲ شهید، ۵۹ خانواده دارای ۳ شهید، ۷ خانواده دارای ۴ شهید، ۳ خانواده دارای ۵ شهید و ۳ خانواده نیز دارای ۶ شهید می‌باشد.

یکی دیگر از کارگاه‌های خیاطی که توسط ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان اصفهان، تجهیز و راه‌اندازی شد، خیاط‌خانه‌ای واقع در محل حسینیه خرداد زاد بود. این خیاطی نیز، با همکاری خواهران مؤمن و متعهد، فعالیت‌های خود را در جهت دوخت و دوز لباس و ملحفه، به‌منظور استفاده دلاورانی که در میدان‌های رزم به سر می‌بردند، ادامه می‌داد. تمام امکانات و مواد اولیه مورد نیاز این کارگاه خیاطی، از طریق جهاد سازندگی استان اصفهان تهیه می‌شد و در اختیار نیروهای فوق‌الذکر قرار می‌گرفت. یکی دیگر از کارگاه‌های تولید لباس مورد نیاز رزمندگان، کارگاه خیاطی حرفه‌ای بود که به‌منظور تأمین البسه لازم جهت استفاده سپاهیان اسلام،

«در اصفهان برای کمک به رزمندگان از هر فعالیت دریغ نورزیده، جوراب می‌بافتم، لباس می‌دوختم و هر کار از دستم برمی‌آمد با تمام وجود انجام می‌دادم تا آخر خردادماه سال ۶۱، بود که مدرسه بچه‌ها تعطیل شده بود و حاج‌آقا از جبهه برای مرخصی آمده بودند وقتی شور و حال ما را در دفاع از آرمان مقدس جمهوری اسلامی دیدند، پیشنهاد کردند اگر دوست دارید این سه ماهه که بچه‌ها هستند به منطقه جنگی غرب به

سال سیزدهم □ شماره پنجاه و دوم □ بهار ۱۳۹۴



بانوان اصفهان در حال بسته‌بندی مواد غذایی برای ارسال به شهرک دارخوین، محل استقرار لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)

جهاد سازندگی باختاران اطلاع دادند و آنها از من خواستند که یک دوره فشرده درمورد زنان و زایمان را در کرند غرب فراگیرم تا این مشکل تا حدودی حل گردد و من هم بعد از طی یک دوره، زایمان‌های طبیعی را در همان منطقه انجام می‌دادم. شب و نصف شب می‌آمدند درب منزل ما و مرا برای زایمان خانم‌ها می‌بردند و در کنار این کارها، با بچه‌ها، کارهای تبلیغاتی و کمک‌رسانی نیز انجام می‌دادیم. مواد غذایی مانند سیب‌زمینی و خرما، داروهای سرماخوردگی تقویتی، وسایل پانسمان، در آمبولانس می‌گذاشتیم و به روستاهای خیلی دور و خیلی محروم می‌رفتیم. بعد از آن به اسلام‌آباد غرب رفتیم و در آنجا برای رزمندگان مرغ و حبوبات پاک می‌کردیم و از خود مردم آنجا هم برای جبهه کمک می‌گرفتیم و از هرگونه فعالیت‌های دریغ نمی‌کردیم.»^{۱۰} خانم سبجانی یکی از رزمندگان دوران دفاع مقدس که دوره امدادگری را گذرانده بود، با همکاری سپاه پاسداران، بهداری سپاه را تشکیل می‌دهد. ایشان در خردادماه ۱۳۵۹، به‌همراه چند تن از خواهران به‌عنوان امدادگر عازم کردستان شد. او در خاطرات خود می‌نویسد:

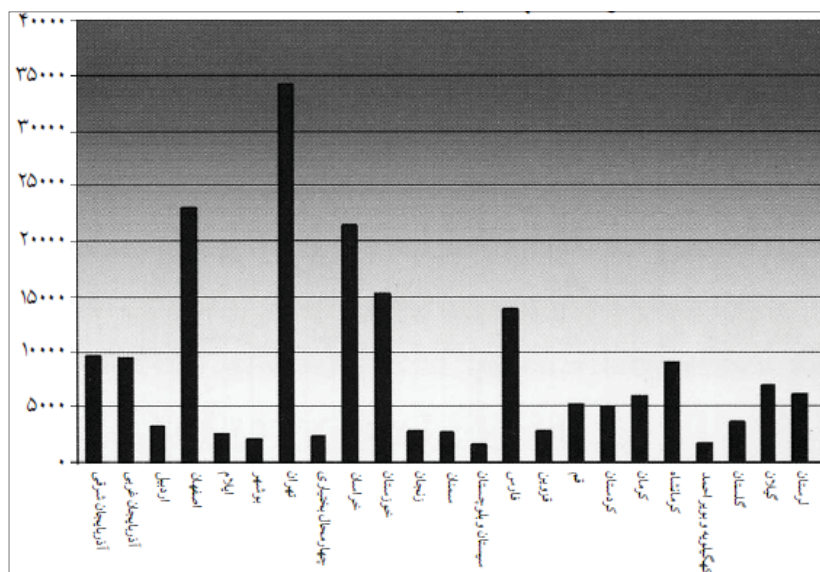
«ما در ساختمان آتش‌نشانی که در ۱۰ کیلومتری شهر واقع شده بود و برادران سپاهی و ارتشی در آن مستقر بودند

نام ریجاب، پشت جبهه بیایید و هم به مردم محروم کمک کنید و هم به رزمندگان یاری رسانید. ما هم از خداخواستیم قبول کردیم و اسباب و اثاثیه که لازم بود جمع کردیم و عازم منطقه جنگی شدیم. در آنجا برای رزمندگان لباس می‌شستیم، وصله می‌کردیم و تبلیغات فرهنگی هم در میان مردم گُرد که واقعاً از همه‌چیز محروم بودند، انجام می‌دادیم. درضمن یک دوره کمک‌های اولیه به‌صورت فشرده در هلال‌احمر اصفهان دیده بودم. حاج آقا هم که از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کردند، از کارگری تا دکتری. یک روز به من گفتند: این خانم‌ها وقتی می‌خواهم برای آنها تزریقات انجام بدم، خیلی نگران و ناراحت‌اند. شما بیایید کار تزریقات خانم‌ها را به‌عهده بگیرید. من هم به یاری خداوند کار پانسمان و تزریقات خانم‌ها را انجام می‌دادم. در آن منطقه امکانات خیلی کم بود، خانم‌ها وقتی می‌خواستند زایمان کنند، مجبور بودیم آنها را با آمبولانس از این منطقه به کرند غرب ببریم که بتوانند زایمان کنند. یک شب که خانمی را برای زایمان به کرند غرب می‌بردیم در بین راه دردش شدت گرفت و ما همان‌جا توقف کرده و اول با کمک خدا و بعداً با کمک من و خود آن خانم، زایمان در آمبولانس انجام شد و ما از وسط راه به ریجاب برگشتیم. این خبر را حاج آقا به واحد پزشکی

ساکن شدیم. مأموریت یک ماهه بود، ولی ما ۶ ماه در آنجا بودیم. همیشه کومه‌له رأس ساعت ۶ صبح حمله می‌کرد. بعد به تهران آمدم تا سال ۶۰ که سپاه، بیمارستان نجمیه را در اختیار گرفت و ما برای راه‌اندازی آن شرکت کردیم و بعد به جبهه رفتیم. در فروردین ماه سال ۶۰، زمانی که رسماً جنگ شروع شده بود ابتدا به اهواز رفتیم. مردم، شهر را خالی کرده بودند و در زیرزمین‌ها ساکن بودند. دشمن در آبادان و خرمشهر اختیار کاملی داشت و شهر، امنیت نداشت. سپاه در هفت گل مسجد سلیمان چادرهای صحرایی زده بود و ما به مجروحین سرپایی رسیدگی می‌کردیم. یک ماه و نیم در آنجا بودیم. بعد به همراه هیئت پزشکی عازم کرمان شدیم که شاهد زلزله‌ای در سطح وسیع بود. مجدداً در سال ۶۱، هم‌زمان با عملیات رمضان به اهواز رفتیم. ورزشگاه تختی را به صورت نقاهتگاه درآوردیم. چون عملیات طولانی شده بود مجروحین زیادی برای ما می‌آوردند. وقتی هم که عملیاتی نبود، مشغول فعالیت‌های فرهنگی و عقیدتی در میان پرستارانی که از مراکز دیگر اعزام می‌شدند، می‌شدیم.»^۵

بخشی از نقش پشتیبانی زنان اصفهان در دوران دفاع مقدس مربوط به حضور آنان در جبهه‌های جنگ و کمک مستقیم به رزمندگان بود. مادر شهید علی قوچانی، در دوران جنگ تحصیلی در جبهه دارخوین که رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در آنجا استقرار داشتند، حضور یافته و در امر پشتیبانی و کمک به رزمندگان بسیار تلاش کرد. ایشان در این زمینه می‌گوید:

«با خواهرانی که در جهاد مشغول به فعالیت بودند قصد عزیمت به جبهه‌های جنوب به‌منظور رساندن مواد غذایی به رزمندگان را کردیم. از این‌رو، کاروانی متشکل از خانم یزدان‌پناه، خانم جعفری و بنده به‌همراه دو تریلی پر از مواد غذایی به‌سمت جبهه‌های جنوب راه افتادیم. هنگام رسیدن به پادگان گلف و هماهنگی با مسئولین، از ما خواسته می‌شود که چادر مشکی‌های خود را درآورده و چادرهایی را تهیه کنیم تا به رنگ خاک باشد. ما پس از انجام دستور داده شده، مواد غذایی را سنگر به سنگر بین رزمندگان تقسیم کرده و ضمن دیدار با رزمندگان نیازهای

تعداد شهدا به تفکیک استان‌ها در دوران دفاع مقدس^{۵۴}

روانشناختی و انگیزشی بسیار درخور توجه است. زنان متعهد و انقلابی اصفهان با اعتقادات دینی و باورهای مذهبی خود موجب جهت‌دهی به مردان اصفهان شدند، که نتیجه آن حضور بسیار پررنگ مردان این خطه از میهن اسلامی در جبهه‌های نبرد و تقدیم ۲۳۰۰۰ شهید می‌باشد.

اصفهان و دوران دفاع مقدس

در این بخش سعی بر آن است با ارائه آمار شهدای اصفهان به بررسی نقش این استان در دوران دفاع مقدس پرداخته شود. نمودار ذیل بیانگر تعداد شهدای استان‌های کشور می‌باشد.

اصفهان با ۲۳۰۰۰ هزار شهید در دوران دفاع مقدس نسبت به جمعیتش بیشترین شهید را تقدیم انقلاب

دو عامل پشتیبانی و روحیه از اهمیت خاصی برخوردار است. پشتیبانی به‌موقع و مناسب نیروها در خطوط مقدم از یک‌سو و برخورداری نیروهای عمل‌کننده از روحیه بالا از سوی دیگر، از عوامل بسیار مهم موفقیت نیروهای نظامی در اجرای مأموریت‌های محوله بود. رزمندگان این یگان به‌لحاظ ماهیت مردمی آن در طول دفاع مقدس از دو عنصر فوق در حد بالایی برخوردار بودند و همین عوامل موجب پیروزی‌های شگرف آنها بر دشمن می‌گردید. درحقیقت رزمندگان برای مقابله با دشمن هم به امکانات و لوازم مادی نیازمند بودند و هم به عوامل روحی و روانشناختی که فقدان هریک از این دو، مقاومت نیروهای دفاعی را با دشواری روبه‌رو می‌ساخت.

نقش زنان اصفهان در دوران دفاع مقدس از بُعد

اشار اصفهان	تعداد کل	تعداد شهدای استان اصفهان	درصد نسبت به کل
دانش‌آموز	۳۶۰۰۰	۵۴۸۶	۱۵ درصد
روحانی	۳۲۴۰	۵۴۰	۱۵ درصد
فرهنگیان	۳۷۲۸	۳۵۰	۹/۳۸ درصد
دانشجو	۵۰۰۰	۳۴۰	۷ درصد ^{۵۵}

جدول شماره ۲: تعداد شهدای اقشار مختلف اصفهان

براساس اطلاعات جدول فوق، تعداد شهدای دانش‌آموز کشور ۳۶۰۰۰ نفر می‌باشد که ۱۵ درصد آن (تعداد ۵۴۸۶) سهم استان اصفهان می‌باشد. همچنین یک‌ششم شهدای روحانی کشور (تعداد ۵۴۰ روحانی شهید) متعلق به این خطه از میهن اسلامی می‌باشد. از طرف دیگر، تعداد کل شهدای فرهنگی کشور ۳۷۲۸ نفر می‌باشد که ۳۵۰ نفر از شهدای آن از اصفهان است. همچنین ۷ درصد شهدای دانشجوی کشور نیز متعلق به استان اصفهان می‌باشد.

در مقاله حاضر سعی شد در حد توان، بخش کوچکی از سهم اصفهان در دوران دفاع مقدس نشان داده شود. اصفهان با تقدیم ۲۳ هزار شهید در طول جنگ تحمیلی نقشی اساسی در دفاع مقدس داشته است. اصفهان فرماندهی اصلی سپاهیان اسلام در دوران دفاع مقدس را برعهده داشت. مقام معظم رهبری در مورد نقش استان اصفهان در دفاع مقدس فرمودند:

عملکرد مقتدرانه لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در دوران دفاع مقدس مرهون عوامل متعددی است از جمله:

- پشتیبانی قوی از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) از طریق کاروان شهید بهشتی و کاروان وحدت و دو ستاد پشتیبانی این استان که در دفاع هشت ساله بسیار مؤثر بوده‌اند.
- حضور روحانیون اصفهان در تمام عرصه‌ها، از راهنمایی و تشویق مردم به حضور در جبهه تا ایفای نقش به عنوان یک رزمنده در میدان نبرد.
- مادران و همسران بزرگواری که در ایفای نقش خویش در انتقال فرهنگ عاشورایی و مهدوی در دوران دفاع مقدس کوشا بوده‌اند.
- اعزام‌های گسترده داوطلبان از اصفهان به شهرک دارخوین (محل استقرار لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)) که موجب شده بود این یگان از نظر تعداد نیرو در سطح بالایی قرار بگیرد، به طوری که لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در طول جنگ تحمیلی ۱۳ هزار شهید تقدیم انقلاب و دفاع از میهن اسلامی کرد.^{۵۵}
- اصناف مختلف اصفهان به عنوان مولدان اقتصادی نیز در طول دوران دفاع مقدس حمایت‌های بی‌شائبه‌ای را از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به عمل آوردند.

استان	شاهد ایرانی	جمعیت سال ۱۳۶۵	نسبت شاهد به جمعیت (درصد)	رتبه انسانی	نسبت جمعیت به شاهد
اصفهان	۲۲۶۴۴	۳۲۹۴۹۱۶	۰/۶۹	۱	۱۴۶
قم	۴۱۳۸	۶۱۶۹۶۳	۰/۶۷	۲	۱۴۹
سمنان	۲۶۶۶	۴۱۷۰۳۵	۰/۶۴	۳	۱۵۶
ایلام	۲۳۸۲	۳۸۲۰۹۱	۰/۶۲	۴	۱۶۰
کرمانشاه	۸۹۸۲	۱۴۶۲۹۶۵	۰/۶۱	۵	۱۶۳
یزد	۳۴۷۷	۵۷۴۰۲۸	۰/۶۱	۵	۱۶۵
خوزستان	۱۴۸۲۲	۲۶۸۱۹۷۸	۰/۵۵	۶	۱۸۱
مرکزی	۵۲۷۹	۱۰۸۲۱۰۹	۰/۴۹	۷	۲۰۵
آذربایجان غربی	۹۲۵۰	۱۹۷۱۶۷۷	۰/۴۷	۸	۲۱۳
همدان	۷۰۷۸	۱۵۰۵۸۲۶	۰/۴۷	۸	۲۱۳
کردستان	۵۰۲۷	۱۰۷۸۴۱۵	۰/۴۷	۸	۲۱۵
لرستان	۵۹۹۴	۱۳۶۷۰۲۹	۰/۴۴	۹	۲۲۸
فارس	۱۳۷۳۴	۳۱۹۳۷۶۹	۰/۴۳	۱۰	۲۳۳
مازندران	۹۸۶۸	۲۲۷۴۳۱۳	۰/۴۳	۱۰	۲۳۰
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷۳۶	۴۱۱۸۲۸	۰/۴۲	۱۱	۲۳۷
تهران	۳۳۱۸۸	۸۰۹۵۱۲۴	۰/۴۱	۱۲	۲۴۴
خراسان	۲۱۱۲۶	۵۲۸۰۶۰۵	/۴۰	۱۳	۲۵۰
کرمان	۵۹۷۸	۱۶۲۲۹۵۸	۰/۳۷	۱۴	۲۷۱
زنجان	۲۸۷۰	۷۸۲۹۸۸	۰/۳۷	۱۴	۲۷۳
چهارمحال و بختیاری	۲۲۹۳	۶۳۱۱۷۹	۰/۳۶	۱۵	۲۷۵
قزوین	۲۸۱۰	۸۰۵۶۱۲	۰/۳۵	۱۶	۲۸۷
گیلان	۶۹۲۲	۲۰۸۱۰۳۷	۰/۳۳	۱۷	۳۰۱
بوشهر	۱۹۹۳	۶۱۲۱۸۳	۰/۳۳	۱۷	۳۰۷
گلستان	۳۶۱۹	۱۱۴۵۰۳۳	۰/۳۲	۱۸	۳۱۶
آذربایجان شرقی	۹۶۶۱	۳۰۷۷۸۸۲	۰/۳۱	۱۹	۳۱۹
اردبیل	۳۲۲۹	۱۰۳۶۲۰۲	۰/۳۱	۱۹	۳۲۱
هرمزگان	۱۱۵۰	۷۶۲۲۰۶	۰/۱۵	۲۰	۶۶۳
سیستان	۱۶۱۱	۱۱۹۷۰۵۹	۰/۱۳	۲۱	۷۴۳
کل	۲۱۳۵۲۷	۴۹۴۴۵۰۱۰	۰/۴۳	—	۲۳۲ ^{۵۳}

رتبه‌بندی استان‌ها براساس نسبت شاهد به جمعیت باتوجه‌به اطلاعات مندرج در جدول، استان اصفهان بالاترین رتبه را از نظر نسبت شاهد به جمعیت داراست.

۴۳. WWW.NESFEJAHAN.NET

جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، پیشین، ص ۴۲.

۵۰. پروین رجبی، پیشین، ص ۸۳.

۵۱. همان، ص ۷۴.

۵۲. نجفی، نقش زنان اصفهان در دفاع مقدس، مصاحبه با

مادر شهید علی قوچانی، پیشین.

۵۳. گنجینه (ویژه نامه هفته دفاع مقدس)، شماره هفتم،

مهرماه، ۱۳۹۳، ص ۷.

۵۴. "آمار شهدای جنگ تحمیلی"، فصلنامه نگین ایران، سال

چهارم ۱۳۸۴، شماره چهاردهم، ص ۱۵۶.

۵۵. ستاد کنگره شهدا و ایثارگران روحانی استان اصفهان،

بنیاد شهید استان اصفهان.

۵۶. جعفر شیرعلی نیا، دایره المعارف مصور تاریخ جنگ ایران

و عراق، تهران: انتشارات سایان، ۱۳۹۲، ص ۵۲۰.

۵۷. طیبه کیانی، پیشین، مقدمه.

۵۸. بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان.

۴۴. نجفی، نقش زنان اصفهان در دفاع مقدس، مصاحبه با

مادر شهید علی قوچانی، کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام

حسین (ع)، اصفهان، ۱۳۹۴، کد مصاحبه: ۰۱۱۷-۰۲.

۴۵. زهرا رحمانیان، نقش پشتیبانی- رزمی زنان در دوران

دفاع، تهران: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، ۱۳۷۶، ص ۱۹.

۴۶. طاهره طهماسبی گنجور، مشارکت سیاسی زنان در

دوران دفاع مقدس، گزارش تفصیلی همایش اول و دوم آیه های

ایثار، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۲، ص ۶۴.

۴۷. فرهاد درویشی، اعظم امامی، مشارکت سیاسی زنان در

جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، سال نهم، شماره سی و دوم،

(۱۳۸۹)، ص ۴۲.

۴۸. پروین رجبی، نقش زنان در دفاع، نشر زاینده رود، ۱۳۸۶،

ص ۸۴.

۴۹. فرهاد درویشی، اعظم امامی، مشارکت سیاسی زنان در

نقش شهید حاج حسین خرازی در تغییرات نظامی دوران دفاع مقدس

دکتر اصغر منتظرالقائم*

مقدمه

قهرمانان سرمایه اجتماعی بسیار گرانقدری برای تحولات جوامع هستند و چنانچه به نماد تبدیل گردند در عناصر و ابزارهای فرهنگی جوامع به عنوان اسوه بازتاب خواهند داشت. برخی از این قهرمانان چنان جایگاهی می‌یابند که همچون فریدون، رستم و آرش کمانگیر، قهرمانان شاهنامه حکیم فردوسی، در تاریخ فرهنگ ایران، اثری پایدار و برای ابدیت جاودانه خواهند داشت. این قهرمانان دیگر یک اثر تاریخی نیستند که در سیر حوادث دچار آسیب و تخریب گردند، بلکه هیچ‌گاه از خاطره ایرانیان زدوده نخواهند شد و دارای تأثیری جاودانه خواهند بود.

در دوران معاصر، دوران دفاع مقدس یکی از عرصه‌های نقش‌آفرینی قهرمانانی بود که بی‌شک تأثیراتی چشمگیر در تاریخ برجای گذاشته‌اند. یکی از این قهرمانان شهید حسین خرازی است که در مقاله حاضر نقش وی در تغییرات سیاسی و نظامی دوران دفاع مقدس به روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از مصاحبه مورد بررسی قرار گرفته است. سؤالات این تحقیق عبارت است از:

۱. اسباب رشد و پیشرفت سریع فرماندهی نظامی

به تغییرات قابل‌رؤیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع در طول زمان که جریان تاریخی آن را متحول کند، دگرگونی گویند. به بیان دیگر دگرگونی عبارت است از چگونگی درجات شدت و ضعف تغییر جوامع در چشم‌اندازهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی. یکی از عناصر تأثیرگذار در تاریخ، نخبگان و قهرمانانی مثل پیامبران یا سلاطین و حُکام هستند که با بهره‌گیری از توان و استعداد خود می‌توانند جوامع را شناخته و بر آنها اثر گذارند، بی‌تردید عمل نخبگان به شرایط اجتماعی نیز بستگی دارد. از منظر جامعه‌شناسی تاریخی دو عنصر تداوم و تغییر در ارتباط با یکدیگر هستند و نخبگان می‌توانند منشأ اثر بر این دو باشند. درحقیقت، گذر زمان نمایشی از چگونگی درجات شدت و ضعف نقش نخبگان در دگرگونی جامعه در چشم‌اندازهای مختلف است. بررسی دگرگونی‌های اجتماعی نشان از تثبیت موقعیت اجتماعی داشته و حتی از بعد هویت‌شناسی می‌تواند پیوسته منظر کم‌وبیش ثابتی را جهت تبیین نقش اجتماعی نخبگان عرضه کند.

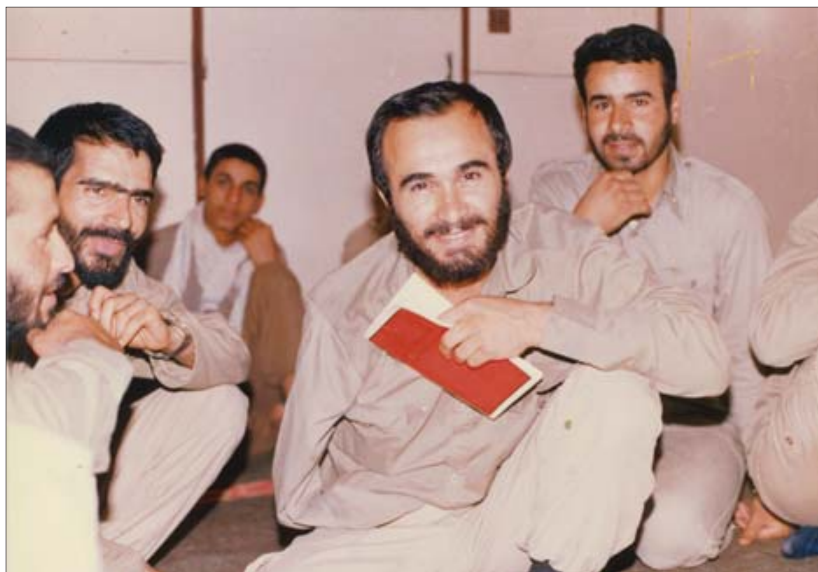
* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

خط دفاعی به غیر از مردم وجود نداشت و پیوسته خبر سقوط شهرهای جنوب شنیده می‌شد، خرازی در آغازین ماه‌های جنگ تحمیلی از کردستان به جبهه‌های جنوب آمد و از سوی سردار رحیم صفوی به فرماندهی منطقه عملیاتی دارخوین منصوب شد.^۲ با انتخاب او تحول عظیمی در جبهه دارخوین روی داد. حسین برای جلوگیری از نفوذ دشمن جوی آبی را در نزدیکی کارون به همراه نیروهای تحت امر خود به یک خاکریز تبدیل کرد و این اولین خط دفاعی منطقه بود که به "خط شیر" معروف شد. پس از مدتی، ابتکار و طرح اولیه احداث یک کانال توسط محمود پهلوان‌نژاد مطرح شد^۳ که مورد موافقت خرازی قرار گرفت. نیروهایی که از کردستان آمده بودند به همراه نیروهای تازه‌نفس اعزامی از اصفهان شکاری به طول ۱۷۵۰ متر تا نزدیک خطوط بعضی‌ها حفر کردند. از نیمه دوم بهمن ۱۳۵۹ که هدایت عملیات در منطقه عمومی دارخوین به او واگذار شد، حاج حسین با آموزش مستمر رزمندگان آنان را برای یک عملیات آماده ساخت تا سرانجام ستاد عملیات جنوب با عملیات موافقت کرد. حاج حسین فرمانده جبهه دارخوین و هم‌زمان او، در عملیاتی برنامه‌ریزی شده در طول چندین ماه سرانجام موفق شدند، با استعداد سه گروهان مواضع لشکر زرهی دشمن در شمال منطقه سرپل عراق را درهم بشکنند و حماسه‌ای بیافرینند که نقش بسیار مؤثری در روند سیاسی و نظامی آن مقطع جنگ تحمیلی ایفا کرد. هم‌زمان با این عملیات در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱، امام خمینی بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوای مسلح ایران عزل کرد، به همین مناسبت این عملیات به نام "فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا" نام‌گذاری شد. یکی از تأثیرات این عملیات تقویت خط امام و عزل بنی‌صدر از ریاست‌جمهوری از سوی مجلس شورای اسلامی بود.^۴ این عملیات باعث افزایش تجربیات نظامی نیروهای مردمی و سپاه پاسداران در زمینه‌های مختلف

و ماندگاری شهید حسین خرازی چه بوده است؟
۲. عوامل، شرایط و کارگزاران تغییر در دوران دفاع مقدس چه بوده است؟

حاج حسین خرازی، فرزند کریم در سال ۱۳۳۶ در یکی از محلات قدیمی اصفهان به نام کوی باغ کلم به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۵۵ تحصیلات متوسطه خود را در رشته طبیعی به پایان رساند و به خدمت وظیفه عمومی رفت. در مشهد، ضمن گذراندن دوران خدمت نظام وظیفه در محافل مذهبی به مطالعه علوم قرآنی پرداخت. در این هنگام او را به اجبار به ظفار در کشور عمان فرستادند، خرازی چون این سفر را معصیت می‌دانست نمازهای خود را کامل می‌خواند. در سال ۱۳۵۷، پس از صدور فرمان امام خمینی مبنی بر فرار سربازان از پادگان‌ها وی نیز فرار کرد و به صفوف مردم پیوست و با کوشش تمام در راه به‌ثمر رسیدن انقلاب فعالیت کرد.^۱

خرازی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کمیته دفاع شهری اصفهان که پس از مدتی به سپاه پاسداران تبدیل شد، وارد و به‌سبب آشنایی‌اش با تجهیزات نظامی، به‌عنوان مسئول اسلحه‌خانه کمیته منصوب شد. در پاییز سال ۱۳۵۸، برای مبارزه با ضدانقلاب به‌همراه صد نفر از اعضای سپاه استان اصفهان به گنبد و بندر ترکمن رفت و پس از برقراری امنیت در ترکمن صحرا، به اصفهان بازگشت. هنگامی که زمزمه خودمختاری کردستان بلند و در این منطقه آشوب بر پا شد، وی به پاوه و کردستان رفت و در آزادسازی شهر سنندج از دست گروه‌های مخالف انقلاب اسلامی نقش مؤثری ایفا کرد. در مدتی که فرماندهی گردان ضربت در کردستان را بر عهده داشت، برای آزادسازی و تأمین امنیت شهرها و روستاها کوشش بسیاری کرد و با یافتن کمین‌های دشمن و مقابله با آنها، امنیت ستون‌های نظامی و مردم را در جاده‌ها تأمین می‌کرد. باوجود نگرانی‌هایش در کردستان، با شروع جنگ تحمیلی از آنجایی که در جنوب هیچ تجهیزات و



عملیات والفجر ۸- بهمن ماه ۱۳۶۴

حسین خرازی در میان تعدادی از نیروهای کادر لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در شهرک داخوئین

ازجمله تأثیر نزدیک شدن به دشمن برای شروع تک، رعایت اصل غافلگیری، تأثیر حضور فرماندهان در میدان نبرد و خطوط مقدم و... گردید و می توان آن را «آموخته های سلسله عملیات الگو» نامید. با اجرای این عملیات هسته اصلی تیپ امام حسین^(ع) شکل گرفت و این عملیات زمینه ساز عملیات های بزرگی چون ثامن الائمه^(ع) و... گردید.

عملیات ثامن الائمه^(ع) عملیاتی مهم و حساس بود که دو هدف عمده داشت: نخست آزادسازی آبادان و شکستن محاصره این شهر و تحقق فرمان امام و دوم شکست استکبار جهانی و رسانه های وابسته در جنگ روانی علیه ایران و شکست نیروهای متجاوز بعثی عراق، زیرا بعثی ها یک بار در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۲۸ به مواضع رزمندگان حمله کردند و با تلفات زیاد و دادن ۳۰ اسیر مجبور به عقب نشینی شدند. این عملیات هم زمان با بحران داخلی در ایران پس از واقعه هفتم تیر و شهادت ۷۲ تن از یاران امام و فاجعه شهادت رجایی و باهنر در هشتم شهریورماه، اجرا شد. درگیری های هواداران بنی صدر و منافقین با مردم و نیروهای انقلاب در شهرها مشکلات بسیاری را ایجاد

کرده بود. در چنین وضعیتی حاج حسین نیروهای تحت امر خود را به استعداد سه گردان از سه محور کنار کارون، کنار جاده آسفالت آبادان - اهواز و کنار نهر شادگان آماده اجرای عملیات کرد تا حرکت نهایی در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ آغاز گردید. تصرف پل قصبه اهمیت زیادی داشت، لذا فرماندهان جبهه دارخوین ازجمله حاج حسین، ردانی پور، سلیمانی، عسکری و سلیمان پور از این مسیر وارد عمل شده و این پل را تصرف کردند. تصرف پل قصبه باعث اختلال در تصمیم گیری فرماندهان عراقی شد زیرا باید نیروهای خود را در پل حفار متمرکز می کردند. در همین حال رزمندگان این پل را به آتش بستند و باعث سردرگمی و بحران در منطقه تحت تصرف دشمن شدند.^۹

از نتایج مهم این عملیات به غنیمت گرفتن ده ها تانک از تیپ ۶ زرهی عراق بود که سپاه پاسداران با استفاده از این تانک ها نخستین یگان زرهی خود را تشکیل داد. پس از این عملیات، تیپ های امام حسین^(ع)، کربلا و عاشورا تشکیل شد و آنها با استفاده از غنائم بسیاری که در عملیات ثامن الائمه^(ع) به دست آوردند یگان های خود را تسلیح کردند. این یگان ها

ارزش نهادن به نظر و فکر فرماندهان باعث رشد فکری و افزایش انگیزه آنها در اجرای مأموریت و عملیات می‌شود؛ بدین ترتیب آنها را برای برعهده گرفتن مسئولیت فرماندهی یگان‌های تیپ امام حسین^(ع) آماده می‌کرد.

دشمن بعضی با انتقال نیروها و ادوات و تجهیزات وسیعی در تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۷، به چزابه حمله کرد.^۷ در عملیات مولای متقیان^(ع) رزمندگان تیپ امام حسین^(ع) حماسه بزرگی آفریدند و در طول ۱۴ روز به سختی مقاومت کردند. اوج عملیات روز ۱۳۶۰/۱۲/۱ بود؛ در این روز همچون روزهای قبل رزمندگان با ایثار و از خودگذشتگی و شهادت طلبی تمام با چنگ و دندان از منطقه چزابه حفاظت کردند. در این میان شهید خرازی خود در خط مقدم و در کنار رزمندگان حضور داشت.

حماسه مقاومت خرازی دلاور مرد بی‌همتا، در برابر حمله بیش از ۲۰ تیپ زرهی، مکانیزه و پیاده عراق به تنگه چزابه در تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۷، به همگان اثبات کرد که وی یکی از شمشیرهای بران و آبدیده انقلاب اسلامی و امام خمینی^(ره) و یکی از فرماندهان عالی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. خروش حماسی شهید خرازی چنان بود که خالد حسین النقیب یکی از افسران ارشد عراقی در چزابه، می‌نویسد: «در آن موقعیت آرزو می‌کردم به جای مرگ تدریجی یک بار و برای همیشه از دنیا بروم. در صحنه رویارویی تیپ‌های ویژه با نیروهای ایرانی متجاوز از ۱۰ تیپ به‌طور کامل در چزابه تارومار شدند.»

حاج حسین پس از دفع حمله بعضی‌ها به چزابه، مأموریت یافت در منطقه عملیاتی فتح‌المبین، جاده دهلران - دزفول و دشت عباس تا عین‌خوش را از تصرف اشغالگران بعضی آزاد سازد. وی در حدود ۱۵ گردان از نیروهای پیاده تیپ را در پادگان دوکوهه به‌طور فشرده تحت آموزش قرار داد و سپس دستور داد نیروها به منطقه دالپری وتی شکن اعزام شوند.

در عملیات آزادسازی بستان (طریق‌القدس) شرکت فعال داشتند.

با ابلاغ ستاد عملیات جنوب تیپ امام حسین^(ع) با استعداد ۱۵ گردان به فرماندهی شهید خرازی و جانشینی شهید حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی ردانی‌پور تشکیل شد.^۸ یک ماه بعد در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۸، عملیات طریق‌القدس از محور شمال کرخه شروع و با انهدام کامل لشکرهای متجاوز عراق و تصرف تپه‌های رملی چزابه با موفقیت به آزادسازی بستان انجامید. در این عملیات تلفات بسیاری از لحاظ نفرات و ادوات به دشمن وارد آمد. آزمون فرماندهی شهید خرازی در عملیات طریق‌القدس و آزادسازی بستان با دورزدن دشمن بعضی از تنگه چزابه با موفقیت همراه شد. در طرح‌های مانور عملیات نظر حسین تعیین‌کننده بود. شهید خرازی در بعدازظهر روز عملیات، حماسه شگرفی آفرید که در تاریخ جنگ‌های دنیا بی‌نظیر بود، به‌طوری‌که هنگام پاتک یگان‌های بعضی عراق، فقط با

یک گروهان جلوی حملات شدید آنان را سد کرد و سپس با یک نیروی ۱۵ نفره پیاده به مقابله با پاتک بعضی‌ها رفت و تا نیمه‌شب مقاومت کردند و سرانجام با حمله نیروهای تازه‌نفس حملات بعضی‌ها دفع گردید. تجربه نظامی او بسیار پر ارزش بود و در جلسات قرارگاه روی طرح‌های وی حساب جداگانه‌ای باز می‌کردند. روش حاج حسین این‌گونه بود که وقتی منطقه عملیات مشخص می‌شد زمان‌بندی می‌کرد و به نظر تمام مسئولان یگان تحت امر خود تارده دسته گوش می‌داد و با آنها مشورت می‌کرد. او معتقد بود

آبان سال شصت، با ابلاغ
ستاد عملیات جنوب تیپ
امام حسین^(ع) با استعداد
۱۵ گردان به فرماندهی شهید
خرازی و جانشینی شهید
حجت‌الاسلام والمسلمین
مصطفی ردانی‌پور تشکیل شد.



عملیات والفجر مقدماتی - بهمن ماه ۱۳۶۱
سرهنگ صیادشیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش و برادر حسین خرازی فرمانده قرارگاه فتح در حال بحث و گفتگو روی کالک منطقه

و با چراغ خاموش دوباره از این مسیر برگردند. این تاکتیک سبب شد تا بعضی‌ها که درصدد حمله بودند منصرف گردند. سرانجام تیپ امام حسین^(ع) پس از سه روز مقاومت، با موفقیت جناح‌های دیگر از محاصره خارج گردید.^۸ بدین‌سان عملیات پیروزمند فتح‌المبین به اهداف خود دست یافت و حدود ۲۴۰۰ کیلومتر از خاک اشغالی جمهوری اسلامی ایران و جاده مهم دهلران - دزفول آزاد گردید و شهرهای اندیمشک و دزفول و شوش از تیررس دشمن خارج شد.^۹

خرازی و نیروهای تحت امر او در عملیات بیت‌المقدس هم حماسه‌های بی‌نظیری آفریدند و سهم بسزایی در آزادسازی منطقه عملیاتی و شهر خرمشهر از تصرف دشمن متجاوز داشتند. عملیات در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ از غرب کارون آغاز گردید. سحرگاهان و درحالی‌که رزمندگان با پای پیاده عازم جاده خرمشهر - اهواز بودند، خرازی دستور داد رزمندگان سوار بر تانک‌ها، نفربرها و خودروها شده و خود را به جاده برسانند. وی در مرحله چهارم این عملیات، سه گردان

واحدهای تیپ حدود یک ماه پیش از عملیات در منطقه مستقر شدند و گردان‌های پیاده حدود ۲۰ روز قبل از شروع عملیات، در موقعیت مهدی در منطقه استقرار یافتند. عملیات فتح‌المبین با یک وقفه یک‌روزه در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۱ آغاز شد و نیروهای تیپ امام حسین^(ع) به فرماندهی شهید خرازی از دو محور موفق شدند محورهای مورد نظر را در باغ شماره ۷ و جاده عین‌خوش تا پل چهل‌دهانه تصرف کنند. نیروهای بعضی مستقر در کوه‌های شمالی منطقه نیز تا عصر همان روز به اسارت درآمدند. تیپ امام حسین^(ع) به اهداف خود دست یافته بود، ولی به دلیل عدم موفقیت جناحین در محاصره قرار گرفت. بعدازظهر از طرف قرارگاه به شهید خرازی دستور عقب‌نشینی داده شد، ولی شهید خرازی از شهید ردانی‌پور خواست که استخاره کند، در پاسخ سوره فتح آمد، لذا حاج حسین اعلام کرد ما مقاومت می‌کنیم. شب، حاج حسین دستور داد کلیه خودروهای واحدها با چراغ روشن از جاده عین‌خوش به دشت عباس حرکت کنند

می‌شود با یک گردان با چند لشکر روبه‌رو شد. به هر صورت او اصرار می‌کرد. ناخودآگاه به او اجازه دادیم پس از ساعتی دوباره وی با بی‌سیم گفت عراقی‌ها تسلیم شدند و ما باورمان نمی‌شد زیرا واقعاً این کار باورکردنی نبود که انجام دادند.»

براین اساس، شهید خرازی بنا بر اعتراف فرماندهان عالی جنگ در طول سال دوم جنگ تحمیلی در دگرگونی‌های سیاسی و نظامی جبهه‌های نبرد و تغییر موازنه جنگ به ضرر صدام و اشغالگری حزب بعث نقشی تعیین‌کننده ایفا کرد و در پیروزی‌های جمهوری اسلامی از عملیات فرماندهی کل قوا تا بیت‌المقدس سهم بسزایی داشت.

شهید خرازی در عملیات رمضان جانشین قرارگاه فتح و سپاه سوم صاحب‌الزمان^(عج) بود و پس از عملیات رمضان و کنارکشیدن شهید ردانی‌پور از فرماندهی قرارگاه، وی به‌جای مصطفی منصوب شد. حاج حسین در عملیات محرم فرمانده قرارگاه فتح بود و در عملیات والفجرمقدماتی فرماندهی سپاه سوم صاحب‌الزمان^(عج) را برعهده داشت و چندین لشکر زیر نظر او وارد عملیات شدند. وی در اواخر عملیات والفجر^۱، بار دیگر به‌سمت فرماندهی لشکر امام حسین^(ع) منصوب گردید.* شهید خرازی بار دیگر در عملیات والفجر^۲ در تاریخ ۱۳۶۲/۴/۲۹، در منطقه حاج‌عمران شایستگی خود را در فرماندهی به اثبات رساند. وی در عملیات والفجر^۴ (۱۳۶۲/۷/۲۷) در منطقه مریوان و پنجوین به‌همراه رزمندگان تحت امر خود در لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) حضور داشت و در انهدام قوای دشمن بعثی رشادت‌های بی‌نظیری به‌ویژه در تصرف تپه کانی‌مانگا از خود نشان داد.^{۱۱} شهید خرازی در عملیات خیبر، ابتدا در منطقه پاسگاه زید در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۳، عملیات دشواری را با استعداد ۱۵ گردان در سه محور انجام داد و با عبور از میادین مین و چندین رشته سیم‌خاردار، موانع خورشیدی و

* تپ امام حسین از عملیات محرم به لشکر اتقا یافت.

را از جاده شلمچه - پل نو مأمور فتح خرمشهر کرد. رزمندگان تیپ امام حسین^(ع) صبح روز ۱۳۶۱/۳/۲ به گمرک رسیدند. خرازی از اولین لحظه‌های رسیدن نیروها به اروند در خط مقدم مستقر شده و سرتاسر منطقه را کنترل می‌کرد. حاج حسین قبل از شروع مرحله نهایی به نیروهایش گفت: باید هدف ما تصرف خرمشهر باشد، اگر تا بصره هم پیش برویم مردم در انتظار آزادی خرمشهر هستند. در نخستین ساعات روز، یکی از افسران عراق به اسارت درآمد. حاج حسین با او صحبت کرد و خیلی قاطع به او گفت: تو را به شهر می‌فرستم، تو با سربازان عراقی صحبت کن و بگو با آنها بدرفتاری نخواهیم کرد و آنها را قانع کن که نترسند و تسلیم شوند، در غیر این صورت بسیاری از آنها زیر آتش کشته خواهند شد. لحظاتی بعد هزاران عراقی با سرداران شعار الله اکبر و الموت لصادم و درحالی‌که پارچه‌های سفید در دست داشتند و پیراهن‌های خود را درآورده بودند به‌طرف رزمندگان می‌آمدند. در خرمشهر ۱۵ هزار سرباز دشمن به اسارت درآمدند و یکی از عجیب‌ترین رویدادهای هشت سال دفاع مقدس اتفاق افتاد. سردار سرلشکر محسن رضایی می‌گوید: آن دو نفری که در فتح خرمشهر (عملیات بیت‌المقدس) تیر خلاص را به صدام زدند حسین خرازی و احمد کاظمی بودند.^{۱۲}

حاج حسین در عملیات محرم
فرمانده قرارگاه فتح بود و در
عملیات والفجرمقدماتی فرماندهی
سپاه سوم صاحب‌الزمان^(عج) را
برعهده داشت.

شهید صیاد شیرازی در سخنانی به مناسبت سالگرد آزادی خرمشهر در سال ۱۳۷۱، درباره شهید خرازی گفت: «در قرارگاه صدای شهید خرازی را از بی‌سیم شنیدیم که می‌گفت اجازه بدهید با یک گردان وارد خرمشهر شویم، ولی به وی گفتیم مگر



عملیات والفجر ۸ - بهمن ماه ۱۳۶۴ - برادران محسن رضایی فرمانده کل سپاه، حسن آقایی مسئول محور یکم، سیدیحیی صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، محمد درودیان راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و گروهی از رزمندگان در منطقه عملیات

در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱۹، در منطقه هورالهوریزه اجرا شد. مأموریت تصرف جاده کنار رودخانه دجله را بر عهده داشت؛ در این عملیات باوجود رشادت گسترده فرماندهان گردانهای لشکر به دلیل آبگرفتگی دهها کیلومتر پشت سر و دسترسی نداشتن به آتش پشتیبانی و تدارک رزمندگان، سه نفر از فرماندهان گردانهای لشکر به شهادت رسیدند و سرانجام دستور بازگشت نیروهای لشکر صادر گردید. پس از آن چند روزی حفاظت از جاده ۱۳ کیلومتری خندق در داخل هور به شهید خرازی واگذار شد. وی با هوشمندی و نظارت دقیق از نزدیک کار زدن سنگرهای بتنی برای حفاظت از رزمندگان را دنبال می کرد و باوجود شهادت فرمانده محور و یار دیرینه خود قربانعلی عرب و حملات سنگین هوایی و آتش توپخانه دشمن در کنار رزمندگان ماند و از این جاده حفاظت کرد.^{۱۲}

شهید خرازی در عملیات والفجر ۸، پس از حدود چهار ماه برگزاری دوره های آموزشی برای نیروهای لشکر، در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ در شبه جزیره فاو وارد عمل شد. وی با کمک رزمندگان تحت امر خود

کانال های سدکننده و سنگرهای کمین، به عمق خط دفاعی دشمن دست یافت، ولی به دلیل عدم الحاق یگان های دیگر دستور بازگشت به مواضع قبلی صادر شد. پس از آن لشکر امام حسین (ع) مأمور عملیات در منطقه طلائیه گردید. حاج حسین و نیروهای تحت امر وی آزمون سخت دیگری را با موفقیت پشت سر گذاشتند و با شجاعت بی نظیر و توکل به خداوند از میادین مین و سنگرهای کمین دشمن و شکاف در کنار هور عبور کرده و خطوط دفاعی عراق را منهدم کردند. باین حال به دلیل روشن شدن هوا و آتش سنگین دشمن و نرسیدن به پل طلائیه کار پیشروی کند گردید و سرانجام شهید خرازی که با صلابت بسیار برای کنترل خط در کنار رزمندگان مانده بود، به شدت مجروح و دست راست خود را تقدیم انقلاب اسلامی کرد. حاج حسین پس از این حادثه می گفت: «خواستند ملائکه الله مرا به عالم بالا ببرند، هنوز دل از دنیا نکنده بودم، ولی فقط همین اندازه لیاقت داشتم.» شهید خرازی پس از سه ماه معالجه، بهبود یافت و به جبهه بازگشت. وی در عملیات بدر که

سخت و بحرانی، فقط دو هفته پس از عملیات کربلای ۴، عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه آغاز شد این عملیات در منطقه عمومی شلمچه و شرق بصره درحالی که سراسر منطقه از میادین مین و سیم خاردار و موانع خورشیدی با عرض دو کیلومتر پوشیده شده بود و باوجود آب گرفتگی گسترده در منطقه انجام شد. درواقع این عملیات ۴۵ روزه، نبردی بزرگ و طولانی بود که با سنگین ترین و بیشترین پاتک های دشمن و آتش شدید و بمباران شیمیایی همراه بود. شهید خرازی فرمانده دلاور و شجاع با صبر و استقامت و توکل به نصرت الهی موفق به انهدام قرارگاه سپاه سوم و دفع ۹ پاتک شدید دشمن گردید.^{۱۳} در عملیات کربلای ۵ تلفات دشمن شامل بیش از ۳۰ هزار کشته و ۸۰ هزار زخمی بود و ۲۲۰ دستگاه تانک و نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو، ۸۵ قبضه انواع توپ و هزاران قبضه سلاح های سبک و سنگین به غنیمت نیروهای خودی درآمد و بیش از ۸۰ فروند هواپیما، ۷۰۰ تانک و همچنین ۸۱ تیپ و گردان مستقل از ارتش عراق منهدم شد که نشان دهنده گستردگی این عملیات بود.^{۱۴}

حاج حسین سرانجام درحالی که عشق به خداوند و اهل بیت، سراسر وجودش را فراگرفته بود در تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۸، در منطقه عملیاتی شلمچه و نهر جاسم در منطقه عمومی عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید. رزمندگان لشکر پیکر او را به شهرک دارخوین بردند. هنگامی که خبر شهادت او از بلندگوی شهرک اعلام شد همه غرق در ماتم شدند و به طرف مسجد لشکر آمدند و تابوت او را بر روی دست های خود حمل کردند. فریاد "وای حسین کشته شد" همه جا را فراگرفت. کم کم تابوت شکست و کفن او هویدا شد و هنوز جنازه بر دست ها بود. با پیداشدن چهره خونین او قیامتی برپا شد. رزمندگان بی تاب شده بودند

پاتکی اجرا کرد که گارد ریاست جمهوری عراق را به تسلیم واداشت و بدین گونه حماسه دیگری آفرید. روزنامه واشنگتن پست دراین باره نوشت:

«شکست سختی که بر نیروی ویژه گارد ریاست جمهوری عراق وارد آمده است، موجب شده که رژیم صدام از تلاش های خود جهت بازپس گیری فاو دست بردارد.»

یکی از برگ های زرین کارنامه شهید خرازی عملیات غرورآفرین، بی نظیر و شگفت انگیز کربلای ۳ بود. این عملیات با هدف تصرف اسکله نفتی العمیه و ضربه زدن به صدور نفت عراق و اثبات حاکمیت ایران بر خلیج فارس اجرا شد. عملیات آبی کربلای ۳ در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۱۰، با تلاش یک گردان غواص آموزش دیده و یک گردان سوار شناور تحت امر شهید خرازی در شب و باوجود امواج سهمگین و و جزرومد شدید آب انجام گرفت. رزمندگان لشکر امام حسین^(ع) پس از سه روز حضور در اسکله با انهدام آن به سواحل ایران بازگشتند. شهید خرازی در

گفتند: «در جبهه ما جشن گرفته اند زیرا به رده های مختلف از طریق بی سیم گفته اند که یکی از فرماندهان بزرگ ایران کشته شده است.

عملیات کربلای ۴ که در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ اجرا شد با شش گردان از نیروهای آموزش دیده آبی و خاکی در زیر آتش شدید دشمن بعثی وارد عمل شد در این عملیات پس از تصرف جزیره ام الرصاص به دلیل برقرار نشدن الحاق و بمباران و آتش شدید دشمن، در پایان روز دوم عملیات نیروها بنا به دستور قرارگاه به عقب بازگشتند.

شهید خرازی پس از عملیات ناموفق کربلای ۴ ازجمله فرماندهانی بود که اصرار فراوان بر اجرای یک عملیات دیگر داشت. در آن اوضاع



عملیات والفجر ۸ - بهمن ماه ۱۳۶۴

سخنرانی برادر حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) برای جمعی از رزمندگان مسلح قبل از عزیمت به منطقه عملیات در منطقه دارخوین

نشان داده بود در گلستان شهدای اصفهان، قطعه کربلای ۵ ردیف ۴، شماره ۷ به خاک سپرده شد.

بازتاب شهادت حاج حسین خرازی در بین دشمن

چند روز پس از عملیات کربلای ۵، در جریان دفع پاتک بعثی ها چند نفر اسیر شدند و پس از بازجویی ها گفتند: «در جبهه ما جشن گرفته اند زیرا به رده های مختلف از طریق بی سیم گفته اند که یکی از فرماندهان بزرگ ایران کشته شده است»

فرازی از وصیت نامه شهید

«من عبدالعاصی حسین خرازی اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و اشهد ان علیاً و اولاده المعصومین حجج الله گواهی می دهیم که ائمه معصومین گفتارشان بر ما حجت و امثال امر و اطاعتشان واجب و پیروی آنها موجب نجات و مخالفتشان موجب عذاب و آنها امامان و شفیعیان روز جزا هستند.»

بخشی از پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای - که در آن زمان رئیس جمهور

و کنترل نیروها میسر نبود. جنازه را به مسجد چهارده معصوم بردند.

سپس سردار رحیم صفوی در مراسم وداع با فرمانده شهید لشکر، وی را این چنین توصیف کرد: «این برادر عزیزمان حسین، روز ۲۳ بهمن آمد به کمیته دفاع شهری و من به او گفتم نگهبانی بلدی و او گفت من سربازی هم رفته ام. به هر حال او از یک روز بعد از انقلاب، فعالیت نظامی خود را شروع کرد و در جنگ های گنبد، کردستان و سپس سراسر جنگ تحمیلی با حضور مؤثر خود، تعیین کننده بود. او موقعی کار خود را شروع کرد که لشکر سازمانی و مکانی نداشت او هفت سال ادامه داد. ایشان به اوج کمال رسیده و روحش قوی شده بود. ... این شهدا برای اینکه چهار وجب خاک را آزاد و پیشروی کنند شهید نشدند و دشمنان ما نیامده بودند خوزستان را بگیرند آمده بودند این نهضت و انقلاب را در نطفه خفه کنند. ...»

جنازه شهید خرازی به اصفهان منتقل شد و در محلی که در آخرین سفر، آن را به همسر و دوستانش

کشور بودند - به مناسبت شهادت شهید خرازی چنین است:

«شهید خرازی در طول شش سال جنگ قله‌هایی از افتخار و شرف را فتح کرده بود، اینک به قله رفیع شهادت دست یافته است.»^{۱۵}

حسین خرازی فرمانده شجاع و با صلابت لشکر امام حسین^(ع) بود که بالندگی خود را در فرهنگ جبهه و شهادت به دست آورد و تبدیل به یکی از قهرمانان بی‌نظیر تاریخ ایران و اسلام گردید. نام او نشان از آزادگی، فداکاری، گذشت و ایثار و عشق به لقاءالله دارد. یاد و خاطره این قهرمان بزرگ برای همیشه در تاریخ ایران جاویدان خواهد ماند. او یک سرمایه عظیم اجتماعی بود که اسوه ملت شجاع ایران خواهد ماند، زیرا به نماد و سمبل مقاومت و شهادت‌طلبی تبدیل شده است. انسان خودساخته، عارف و زاهدی که دنیا در نزد او بی‌ارزش بود؛ شهیدی که شاهد است و نزد پروردگار خود متنعّم و دارای کرامتی بی‌پایان.

از دیدگاه معارف اسلامی انسان یک کرامت ذاتی دارد، از آن جهت که خلیفه، آیت و مظهر اسماء الهی است و به همین دلیل ملائکه‌الله بر وی سجده کردند.* خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را بر خشکی و دریا سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم.**

علاوه بر کرامت ذاتی، دیگر کرامت انسان اکتسابی است که در عمل اختیاری انسان تجلی می‌یابد، درحقیقت انسان از طریق انتخاب و تصمیم‌گیری می‌تواند میان هدایت و گمراهی یکی را برگزیند. آن‌گونه که خداوند می‌فرماید: «مَنِ اهْتَدَىٰ فَأَنَا مِيْتَدَىٰ

لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَأَنَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ و ما کُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا: هرکس راه هدایت یافت تنها به نفع و سعادت خود راه یافته و هرکه به گمراهی شتافت، آن هم به زیان خود رفته و هیچ‌کس بار عمل دیگری را به دوش نگیرد و ما تا رسولی نفرستیم هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد.»***

بدین‌سان قرآن نقش مهمی برای انسان در تعیین سرنوشت خود قائل است و همواره انسان را مسئول اعمال خویش می‌داند. انسان‌ها در انتخاب هدف و انجام اعمال پسندیده و ناپسند آزاد و در ساخت شخصیت خود، جامعه و تاریخ مختار هستند. تفاوت اساسی معارف اسلام با مکاتب دیگر در این است که انسان‌ها موظف به کوشش در حیات دنیوی خود هستند و نتیجه تلاش خود را مشاهده خواهند کرد.***

استعداد انسان‌ها براساس تأثیر فرد بر جامعه به سه گروه قابل تقسیم است:

۱. عموم مردم که نه در سطح بالای استعداد هستند نه در پایین‌ترین سطح قرار دارند، به همین سبب در حرکت جامعه و تاریخ تأثیر چندانی ندارند.
۲. افراد ناتوان، محجور و سفیه که ناگزیر هستند تحت کنترل دیگران قرار گیرند.
۳. کسانی که از استعداد درخشان و هوشمندی بالا و اراده قوی برخوردارند. اینان شرایط جوامع را درک کرده و می‌توانند آن را در خدمت اهداف خود بگیرند و قوای خود را شکوفا کنند. این افراد دارای اقتدار و نفوذ گسترده‌ای در جامعه هستند و از تحرک اجتماعی بالایی برخوردارند و با نیروی اراده و قدرت تصمیم‌گیری، جامعه و تاریخ را به حرکت درمی‌آورند. اگرچه عمل این دسته تحت تأثیر شرایط اجتماعی، محدود می‌گردد، هر اندازه قدرت و تصمیم‌گیری

* سوره بقره - آیات ۳۴ - ۳۰.
** سوره اسراء - آیه ۷۰.

*** سوره اسراء - آیه ۱۵.
**** سوره نجم - آیات ۴۰ - ۳۸.

امام علی^(ع) فرمود: «ولا يحملُ هذا العلمَ إلا اهل البصر و الصبر و العلم بمواضع الحق»^{۱۸}

جمع‌بندی

شهید خرازی یکی از فرماندهان دوران دفاع مقدس بود که در فرهنگی دینی تربیت شد و در دوران انقلاب اسلامی پرورش یافت. وی همواره یکی از مدافعان سرسخت انقلاب بود و برای حفظ آن از هیچ کوششی دریغ نداشت. حاج حسین از اصفهان تا ترکمن صحرا، پاه، سنج و تمامی نقاط کردستان و در جبهه‌های جنوب سربازی فداکار و از جان گذشته بود. نبوغ و استعداد وی از عملیات فرماندهی کل قوا شناخته شد و در عملیات‌های ثامن الائمه^(ع)، طریق القدس، جزابه، فتح المبین، بیت المقدس اوج گرفت. وی در بازپس‌گیری و آزادسازی هزاران کیلومتر از اراضی اشغالی ایران و در تغییرات دفاع مقدس تأثیر بسزایی داشت. حسین خرازی در عملیات رمضان، محرم، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ جانشین قرارگاه فتح و فرمانده سپاه سوم بود و چندین لشکر و تیپ را راهبری می‌کرد. خرازی با بازگشت به لشکر امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۲ و ۴، خیبر، بدر، والفجر ۸، کربلای ۳، کربلای ۴ و کربلای ۵ رزمندگان این لشکر را فرماندهی کرد و باینکه چند بار از جمله در عملیات‌های خیبر و فاو مجروح شد، لشکر امام حسین^(ع) را به لشکری پیروزمند تبدیل کرد و در پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمن اشغالگر در طول دوران دفاع مقدس تأثیر فراوان گذاشت.

در این اشخاص قوی‌تر باشد نیل به درجات عالی و کمالات برتر برایشان آسان‌تر خواهد بود. این گروه را در مباحث تاریخی نوابغ و قهرمانان و در علوم اجتماعی گروه مرجع، خواص و نخبه می‌نامند. گوی روشه جامعه‌شناس فرانسوی، نخبگان را براساس اقتدار و نفوذ به شش گروه تقسیم‌بندی کرده است:

۱. مذهبی ۲. تکنوکرات ۳. مالکیت ۴. ایدئولوژیک ۵. خارق‌العاده ۶. سمبولیک^{۱۹}

نیروی اسوه‌سازی در انسان‌ها

بررسی تاریخ و جامعه بشری نشان می‌دهد که درصد بالایی از افراد جوامع را عموم مردم تشکیل می‌دهند و فقط گروه کوچکی از آنها نخبگان و قهرمانان‌اند. گروه اول ناگزیر به همانندسازی و الگوسازی برای خود هستند. نیروی همانندسازی فطری و اکتسابی افراد به گونه‌ای هوشمندانه و غیرهوشیارانه برای حفظ شخصیت خود می‌کوشد افرادی را که برای وی جاذبه دارند به عنوان الگو بپذیرد. مکانیسم دفاعی، نداشتن بصیرت، محسوس‌گرایی و جاذبیت قهرمانان موجب می‌شود انسان‌ها با خودآگاهی برای حفظ استقلال شخصیت خود به اسوه‌سازی بپردازند. بر همین اساس، عموم مردم در حیات خود ستاره‌هایی را انتخاب می‌کنند تا از نور آنان روشنایی گیرند. امیرمؤمنان^(ع) می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا، يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ: أَكَاغَ بَاش! هَرَّ پِیروی را پیشوایی است که از او پیروی می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد»^{۲۰} و شناخت امام نیاز به بصیرت و پایداری در راه حق و شناخت مواضع حق دارد. همان‌گونه که



لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

به روایت تصاویر

ابوالقاسم صادقی*

محمد جواد سامانی نژاد**

مقدمه

راه اندازی کمیته تدوین تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به منظور ثبت عملکرد این یگان در دوران دفاع مقدس، کمیته مذکور نیز ضمن بایگانی تصاویر لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، اقدام به جمع آوری تصاویر رزمندگان و شناسنامه دار کردن*** آنها کرده است. گفتنی است، تاکنون این کمیته حدود ۷۰ درصد از تصاویر مربوط به لشکر ۱۴ امام حسین (ع) را جمع آوری کرده است.

تصاویر لشکر ۱۴ امام حسین (ع) درباره موضوعاتی چون آموزش، توجیه عملیات توسط فرماندهان، حضور رزمندگان یگان در مقرهای لشکر و مناطق عملیاتی و... می باشد.

در نوشتار حاضر از بین تصاویر موجود در بایگانی تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که تعداد آن حدود ۱۴۰,۰۰۰ تصویر می باشد، ۳۰ تصویر مهم در تاریخ لشکر انتخاب شده است، که می توان آنها را به ۷ بخش تقسیم بندی کرد. این بخش ها شامل آموزش گردان ها و واحدها برای اجرای عملیات های آتی، توجیه عملیات توسط فرماندهان برای نیروهای رزم، جلسات مشورتی فرماندهان لشکر، تصاویر رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در مسیر و حین عملیات، بازدید فرماندهان و مسئولان از لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، تصاویر دسته جمعی گردان ها و واحدها و اقدامات واحدها برای عملیات می باشد.

در پی تجاوز رژیم بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران در شهریورماه ۱۳۵۹، جوانان اصفهانی با حضور در جبهه جنوب و منطقه دارخوین، حماسه ها و رشادت هایی فراموش نشدنی خلق کردند که برای همیشه جاودان و ماندگار خواهد بود. در ابتدای جنگ، جبهه دارخوین و خط شیر، به عنوان اولین خط دفاعی، سد استواری در برابر نیروهای رژیم بعثی بود که به همت دلاورمردان اصفهان اداره می شد. در عملیات طریق القدس جوانان اصفهانی به فرماندهی شهید حسین خرازی در قالب یک تیپ با عنوان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) سازماندهی شدند و در مرحله دوم عملیات محرم این یگان از تیپ به لشکر ارتقا یافت و پس از آن، لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به عنوان یکی از توانمندترین یگان های سپاه در طول دوران دفاع مقدس مأموریت های حساس و کلیدی بسیاری را اجرا کرد.

آثار برجای مانده از دوران دفاع مقدس هر کدام به نحوی واقعیت های آن دوران را روایت می کند. در این میان، عکس ها و تصاویر به عنوان یکی از مهم ترین منابع تاریخی، اهمیت زیادی در انعکاس وقایع آن دوران دارند.

در دوران دفاع مقدس، واحد تبلیغات لشکر ۱۴ امام حسین (ع) عهده دار ضبط و نگهداری فیلم ها و تصاویر مربوط به این یگان بود. این واحد هم اکنون نیز به این امر اهتمام می ورزد. از سوی دیگر، با

* سرهنگ پاسدار

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران

*** شناسایی افراد در تصویر و همچنین مشخص کردن زمان و مکان آن

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)
به روایت تصاویر

الف) آموزش گردان ها و واحدها

تصویر شماره ۱

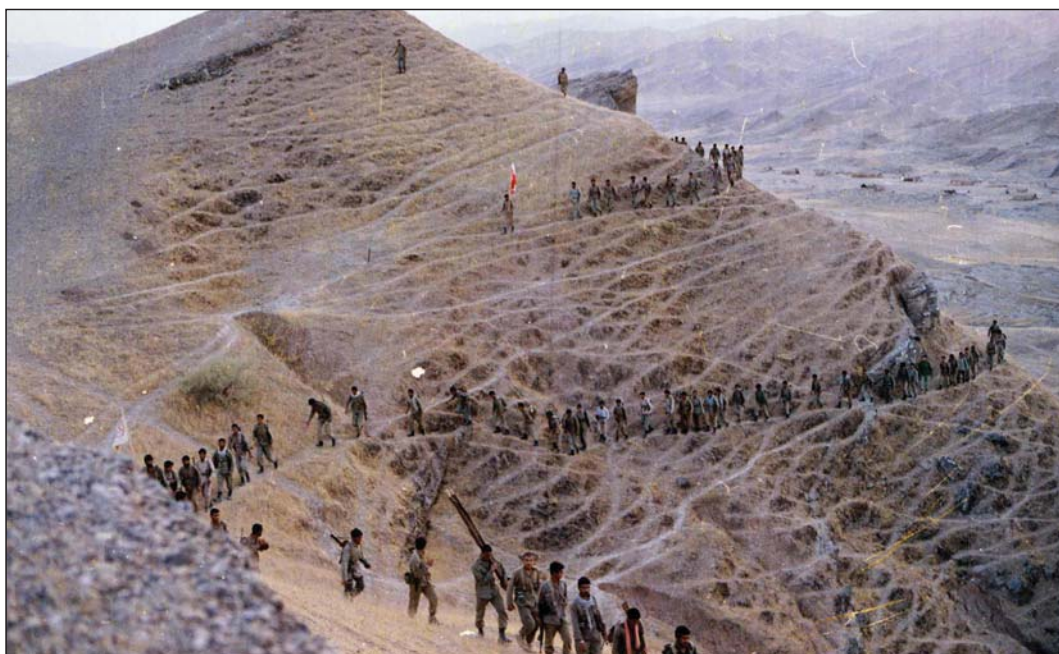
[illegible]

تصویر شماره ۲



آموزش گردانی نیروهای رزمی پیاده به منظور تعلیم نحوه حرکت در هور، منطقه شادگان، سال ۱۳۶۳

تصویر شماره ۳



گردان‌های رزم لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در حین کوه‌پیمایی صبحگاهی در ارتفاعات اطراف اندیمشک و سد دز، سال ۱۳۶۴

[illegible]

تصویر شماره ۴



دوره آموزشی گردان حضرت یونس برای اجرای عملیات کربلای ۳ در خلیج فارس، سال ۱۳۶۵

تصویر شماره ۵



آموزش گروهان ویژه مالک اشتر در اردوگاه عرب، سال ۱۳۶۵

[illegible]

ب) سخنرانی و توجیه عملیات توسط فرمانده برای نیروهای رزم
تصویر شماره ۶



توجیه عملیاتی فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، شهید حسین خرازی در قرارگاه مرکزی برای اجرای عملیات
طریق القدس، سال ۱۳۶۰

تصویر شماره ۷



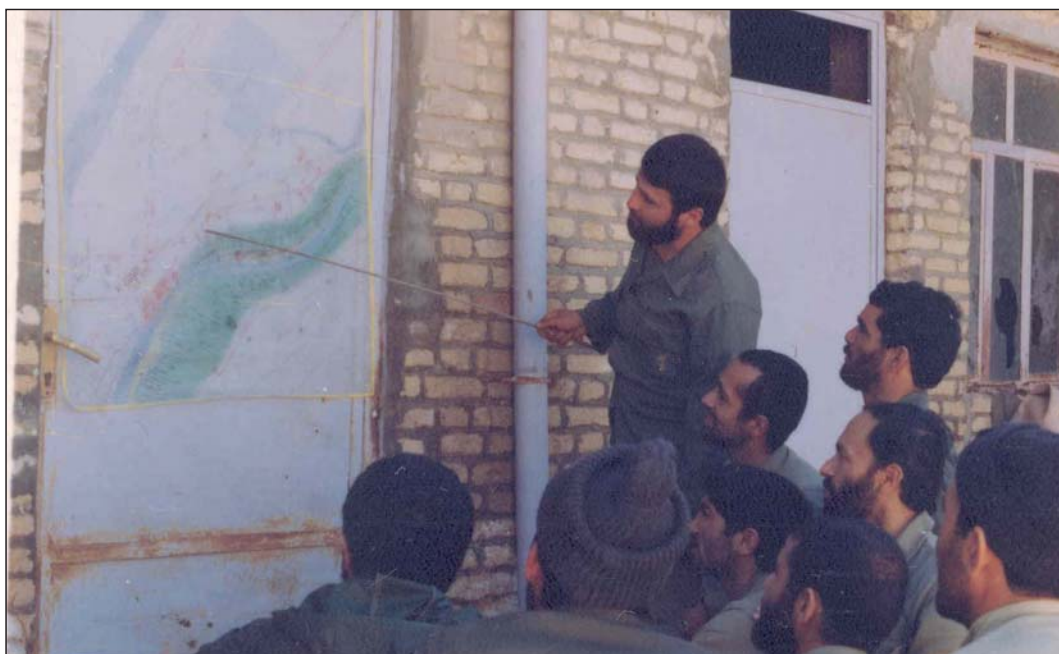
سخنرانی شهید مصطفی ردانی پور جانشین فرمانده تیپ ۱۴ امام حسین^(ع)، برای نیروهای لشکر در مسجد امیرالمؤمنین،
شهرک دارخوین، پیش از عملیات رمضان، سال ۱۳۶۱

تصویر شماره ۱۰



سخنرانی توجیهی فرمانده لشکر شهید حاج حسین خرازی، برای نیروهای غواص در منطقه کفیشه برای عملیات والفجر ۸، سال ۱۳۶۴

تصویر شماره ۱۱



توجیه عملیات کربلای ۴ توسط فرمانده گردان امام حسین^(ع)، شهید علی باقری، خرمشهر، سال ۱۳۶۵

تصویر شماره ۱۲



تصویر شماره ۱۳



سال سیزدهم □ شماره پنجاه و دوم □ بهار ۱۳۹۴

ت) جمعی از رزمندگان

تصویر شماره ۱۴



عبور رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از رودخانه کارون، قبل از عملیات والفجر ۸، سال ۱۳۶۴.

تصویر شماره ۱۷



آماده شدن گردان حضرت ابوالفضل (ع) لشکر ۱۴ امام حسین (ع) برای عملیات کربلای ۱۰، منطقه ماؤوت، ۲۵ فروردین ماه سال ۱۳۶۶

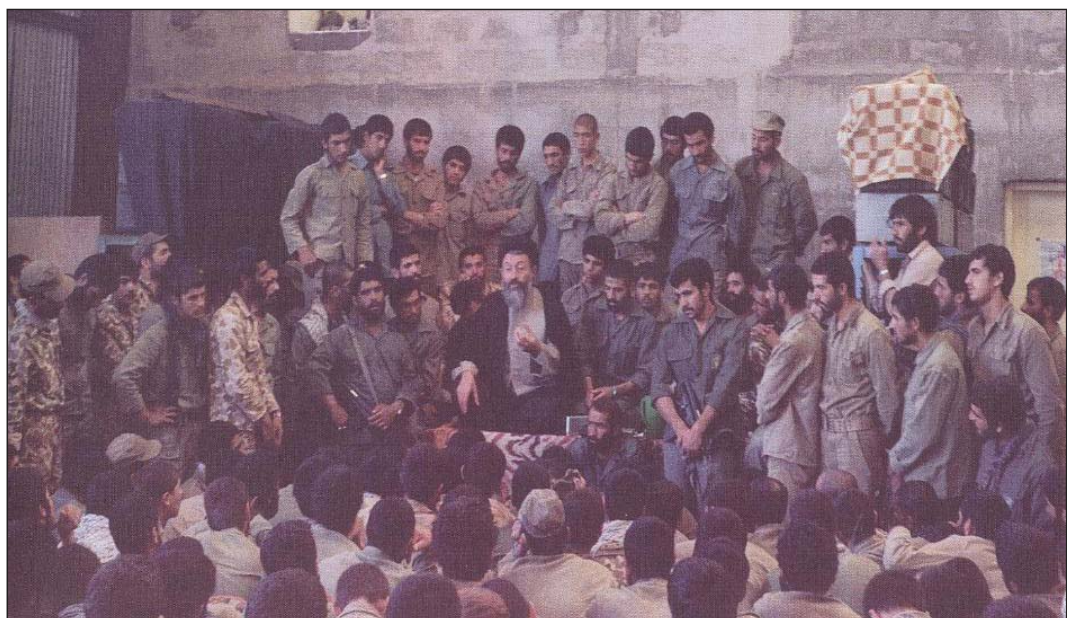
تصویر شماره ۱۸



نیروهای رزمی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، منطقه دالپری، سال ۱۳۶۱

A large crowd of people, many holding flags, gathered in a vast, open field under a cloudy sky, with rolling hills in the background. The crowd is arranged in a long, dense line across the middle ground. Several flags are visible, including red, black, green, and white ones. The field is a mix of green and brown, suggesting a dry or semi-arid environment. In the background, there are rolling hills with patches of green and brown. A few more people are visible in the distance on the right side of the field. The sky is overcast with grey clouds.

تصویر شماره ۲۰



۲۲♦

تصویر شماره ۲۱



کردستان، والفجر، بازدید برادر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به ترتیب از سمت راست: حسن آقایی مسئول محور لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، محسن رضایی، شهید جنگعلی زاده از نیروهای واحد تبلیغات، رسول کمال تدارکات لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، حسین رضایی اردستانی مسئول محور لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، شهید غلامرضا آقاخانی فرمانده گردان موسی بن جعفر^(ع).

تصویر شماره ۲۲



بازدید آیت الله جزایری امام جمعه اهواز از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با حضور سکانشاهان یگان دریایی و نیروهای ادوات، کفیشه، سال ۱۳۶۳.

[illegible]

لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)
به روایت تصاویر

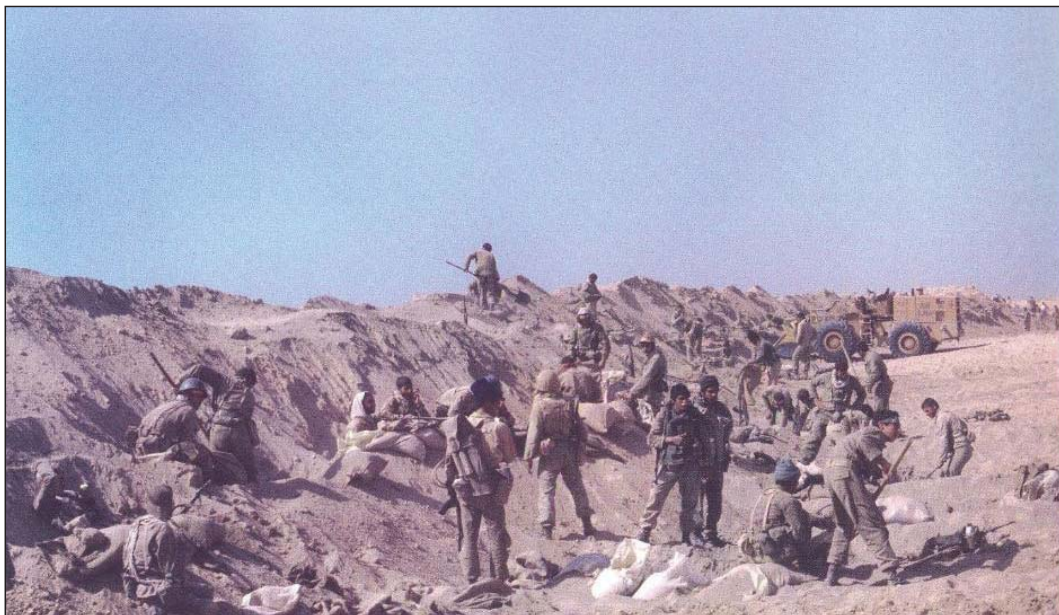
تصویر شماره ۲۳



بازدید سیدرحیم صفوی جانشین نیروی زمینی سپاه از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)
به ترتیب از سمت راست: برادر سیدیحیی صفوی، محمدرضا زاهدی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، ناصر بابایی
فرمانده گردان موسی بن جعفر^(ع)، فاو - البحار، سال ۱۳۶۶

ج) در حین عملیات

تصویر شماره ۲۴



نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در جبهه شمرهانی، ۱۵ آبان ماه ۱۳۶۱

			سال سیزدهم □ شماره پنجاه و دوم □ بهار ۱۳۹۴	
--	--	--	--	--

تصویر شماره ۲۵



تصرف اسکله العمیه در خلیج فارس (عملیات کربلای ۳) به دست غواصان لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، گردان حضرت یونس^(ع)، سال ۱۳۶۵

تصویر شماره ۲۶



شلمچه، محور لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، گردان موسی بن جعفر^(ع) در عملیات کربلای ۵، سال ۱۳۶۵

تصویر شماره ۲۹



پشتیبانی آمادی از رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات والفجر ۸، منطقه اروندکنار، سال ۱۳۶۴

ح) پس از عملیات

تصویر شماره ۳۰



اصفهان، ۲۵ آبان ماه ۱۳۶۱ (روز ایثار مردم اصفهان)، عروج رزمندگان



نگاهی به لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس به روایت اسناد

مسعود قاسم زاده*

محمد جواد سامانی نژاد**

مقدمه

تاریخ این یگان را در دوران دفاع مقدس، به عنوان بخشی از تاریخ ایران اسلامی در جنگ تحمیلی بازگو می کنند و از این نظر بسیار حائز اهمیت می باشند. به طور کلی اسناد لشکر ۱۴ امام حسین (ع) موضوعاتی نظیر، ابلاغ به لشکر برای انجام عملیات های آفندی و پدافندی، ابلاغ به گردان های لشکر برای آموزش نیروها به منظور افزایش آمادگی و توان رزم یگان، نامه فرماندهان به واحدها و گردان ها برای آماده باش به منظور اجرای عملیات، نامه تشکیل تیپ ها، واحدها و گردان های جدید در لشکر، معرفی سازمان رزم لشکر در عملیات های گوناگون به قرارگاه های مرکزی و... را در بر می گیرد.

در مقاله حاضر از بین اسناد موجود در بایگانی تاریخ شفاهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که تعداد آن حدود ۶۰۰۰ سند می باشد، ۳۰ سند مهم و تأثیرگذار در تاریخ لشکر انتخاب شده، که می توان آنها را به سه بخش تقسیم کرد: بخش اول، نامه های رده بالا مانند قرارگاه های مرکزی به لشکر ۱۴ امام حسین (ع)؛ بخش دوم، نامه های فرماندهی به قرارگاه و بخش سوم نامه های فرماندهی لشکر به رده های پایین می باشد. گفتنی است اسناد در هر بخش براساس سیر تاریخی ارائه شده است.

حضور جوانان اصفهان در آغازین روزهای دفاع مقدس در منطقه دارخوین و حماسه آفرینی آنها در نخستین عملیات های این دوران، سبب تشکیل یگانی با عنوان تیپ ۱۴ امام حسین (ع) شد که در طول زمان به یکی از قدرتمندترین یگان های سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد. به نحوی آثار به جامانده از دوران دفاع مقدس هرکدام واقعیت های آن دوران را بازگو می کند. یکی از این آثار اسناد هستند که به عنوان مهم ترین منابع تاریخی، اهمیت زیادی در نشان دادن وقایع دوران جنگ دارند و در مواردی تنها شواهد حوادث آن زمان هستند.

مسئولان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) که از همان ابتدا به عنوان فرماندهان جبهه دارخوین شناخته می شدند، نامه هایی که به آنها ابلاغ می شده و یا به رده های مختلف ارسال می کردند را حفظ و نگهداری کرده و تا حد امکان نسبت به بایگانی صحیح اسناد مذکور اهتمام می ورزیدند. به طوری که تقریباً نزدیک به ۶۰ درصد اسناد لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس در حال حاضر توسط این یگان جمع آوری شده است. همچنین در طول جنگ تحمیلی هر رده یک رابط پرسنلی (منشی گردان) داشته که به امور مخصوص رزمندگان (تعداد نیرو، تعداد شهدا، پیگیری امور ایثار گران و...) و از طرف دیگر به امور اداری رسیدگی می کرده است. اسناد لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

* سرهنگ پاسدار

** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی تهران



جمهوری اسلامی ایران



وزارت دفاع

شماره: _____
تاریخ: _____
پست: _____

بگلی سری

سر

رودخانه اروندر اداسه دهانه تادر حاشیه شرقی رودخانه اروندر به اذنه خاندان ...

۲- تکلیف عملیات تپ ۱.

تپ ۸۰ نصف

الف مأموریت

ممنوع اشتغال سربل همراه با دیگرگان کی قرارگاه از پل شریعتی، نیروی دینی موجود در غرب کارون را منهدم، ابتدا؛ خطا حاده اسفالت اهرار - خورشهر را بگت تی ۵۵ هواپرد تی ۳ ال ۴۲ از کراتر ۵ ال ۷۰ تا مایه نامیده و پس حرکت خود را در حق با عبور از خطا حاده اسفالت اهرار - خورشهر ادامه دهد و مرکزین الهی را ترمیم نماید و آماه باشد به دستور تک را بپست.

رودخانه اروندر مجاز از به اذنه مناسب و منطقی ادامه دهد.

ب- تک که نیرو به ترمیمی که در نامه شماره ... ابرام گردید در حاشیه شرقی و غربی کارون مستقر است.

ذکر این مطلب ضروری است که نامی جابج راست، قرارگاه بعد از شمس الیه هاهنگی کی لازم از طریق قرارگاه ما و در صورت ... خواهد کرد.

ب- ارقام - موقوف به آشنایی با تی ۵۵ هواپرد و نیز توافق با تی ۴۲، قرارند که با این تی ... از غای عمل نامیده هاهنگی کی لازم را در این زمینه در مورد شناسایی

بگلی سری

شماره: _____ تاریخ: _____ پست: _____

جمهوری اسلامی ایران

سر

انجام تأسیسات و محل قرارگاه و... برقرار نماید - بگلی سری

ج - خط حه - در شمال از مختصات (۵۲۸-۷۶۷) تا مختصات (۴۴-۶۰۶) حه
در جنوب " " (۴۹۰-۲۲۰) " " (۴۱۸-۲۲۴) حه
در غرب " " (۱۶۶-۳۲۵) " " (۱۲۵-۲۴۵) مرز

د - سازمان رزمی

- تیپ را با ۷ لگه (۵ لگه پیاده - ۲ لگه تانک - ۱ لگه کماندو) آماده اجرای تأسیسات نماید -
- قرارگاه تیپ را مدتها در محل قرارگاه لگه ۵ حه نشانیه شهر کلاهدون انتخاب نماید و ارتباط با فرماندهی
آزاد با قرارگاه تیپ برقرار نماید -
- مقر قرارگاه تیپ خود را در شرق کلاهدون در محلی مناسب انتخاب نماید -
- هماهنگی را با رگبار در دستورات قبلی ذکر شده از نقل و انتقالات افغانی نگاهبانی کلاهدون حفاظت
الامانات را رعایت نماید -
- با ۲۵ رگبار ۱۲۰ (۹۲) ممتد در لازم را غایت حه خود را برقرار نماید -

بگلی سری

جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تاریخ: ...

پست: ...

تی ۲۵ کره

انف: نامدریت

بگن سری

حضرت اشغال سرپل هراه ایگات کی دیگر (از پی رحمانی ترم) نیزه دشتی درجه در سرید عبود
(غوب رودخانه کاره) را منهدم و ابتداء خط حاده اسفالمه اهراز - فرستار رانگت تی ۹۲ ال ۲
از کیلومتر ۷۰ ال ۸۰ - کاسه نایب و پس بکوت خود را در غوب یا عبود از حاده ارام
دهیه دمرت بون ابلی را ترمیم و کاسه نایب نمرده آساده باشد بنا بر دستور رانگت راست رودخانه
ار دشتی محظور بر بداند مناسب و منطقی ادا دهیه -

تفت گدیرد به قلم شریکی که در نامه نمرده - - - ابلان گریه در حاشیه شری و غوب کاروان سدو

ب. اعام - گد - کاتک و مکانیزه تی را با کد رانگت و مکانیزه تی ۹۲ ال ۲ ادا نام نایب دهیه تی

۵۵ لارم را در این زمینه در مورد شناسایی انجام وضعیت و محل و ارتقاء ... برقرار نایب -

ج. خط حده - در حال

در جنوب

در غرب

بگن سری

(۲۲۴-۴۱۸) تا (۲۰۷-۱۱۴)

(۱۸۵-۵۱۷) تا (۱۶۴-۱۲۰)

(۲۴۰-۱۶۴)



جمہوری اسلامی ایران

9/0

بکریاں سرین

تا به نامین نامه و پس حرکت خود را در معنی ماعبر از خانه ادا به و سر رسید اهل را
تبریم و تا به نامین نامه آمده باشید بنام دستار کف را به است رود خانه ارونه منظور و پراکنده مناب
و منطقه و مسدود کردن راه یافت دشمن ادا به دهی -

یست که نیز در بعضی نسخ (که در راجه شده) — ابداع کرد در حالتی منتهی و عجب کار و (ح) منتهی
منتهی —

ب۔ ادغام - کد تائٹ و کد مکانیز، تی را با کد لمر تائٹ و مکانیزه تی ال ۹۲۱ ادغام نمایند و
همانگی که لازم را در این زمین در مورد شناسایی، انجام نمایند و محل قرارگاه ... سبز از ناسیم -

ج. حفاة
 ١. (١١٤ - ٢٠٥) ج (١٥٠ - ٤١٨) ج
 ٢. (١٩٦ - ١٩٠) ج (٤٠ - ٤٢٠) ج
 ٣. (١٥٦ - ١٠٨) ج (١٥٨ - ٠٠٠) ج

۵۔ ساز پوزی

- سیب را با استعداد لاله (هله باده - آله تانک - آله کانیزه) آماده اجرای ناموسیه نماید
 - خوارگاه سیب را مدتها در انبارهای نامی انتخاب نماید و بعد از برگشت با مشورت از باطو غمباران خرد
 را با خوارگاه خرد - سیب را نماید - *محرر*

- بقوتہ ارکانی خرد او در قیاس و در علم و فلسفه انسانی
- از نقل و انتقال به احوال دیگران و با همی و با ملوک و ممالک اطلاعات را حاصل نماید -

بہکانی سہری

دکارف ہماہ

ب - با مسئولین فرهنگی و ادبی - نمایندگان - هیأت اوقات - کتابخانه - هیات امناء و هیات مدیره و هیات
فتح تاسیس کننده و هیات مدیره که لازم را ایجاد نماید

۵- لازمست فائز و فائز که در دسته کز آمدن در شرف قلب نما و نقش خوانی و حرکات و سبک
و انظار و در دسته کز آمدن -

هـ. با توجه به معنی آنی هموار و حال از نقاط حساس و عوارض طبیعی و مصنوعی شهر،
استفاده از جاده، آبشار، گریز و دیگر انواع طرح استثنای خود را بر این یک شهر واحد

جمهوری اسلامی ایران

سازمان اطلاعات و امنیت

شماره: تاریخ: پست:

بگلی سری

دیده اکتشاف جوت ما و راهکارهای در میان بگزاریم تا مورد استفاده گمان های دیگر قرار نگیرد -

و - روزانه اطلاعات عملیات سپه که موظفند که گزارشات کتبی خود را مست به حرکت دشمن در منطقه دستا به اطلاعات عملیات و راهکارهای ارسال دارند -

لیت کتبی -

۱ - تی ۸ صفت

۲ - تی ۲۵ رید

۳ - تی ۱۴ ۱۴ شهریور ۱۳۶۰

۴ - ل ۹۲

۵ - و راهکارهای جوت اطلاع

۶ - ما ۵۳۰

ق - فای

رشد

۹۰/۲۳

توسط افسر مسئول ارسال شود

سند شماره ۱: نامه نحوه اجرای عملیات بیت المقدس به تیپ ۱۴ امام حسین (ع) از طرف فرماندهی کل سپاه پاسداران در مورخه ۱۳۶۰/۱/۲۳.

سند شماره ۲

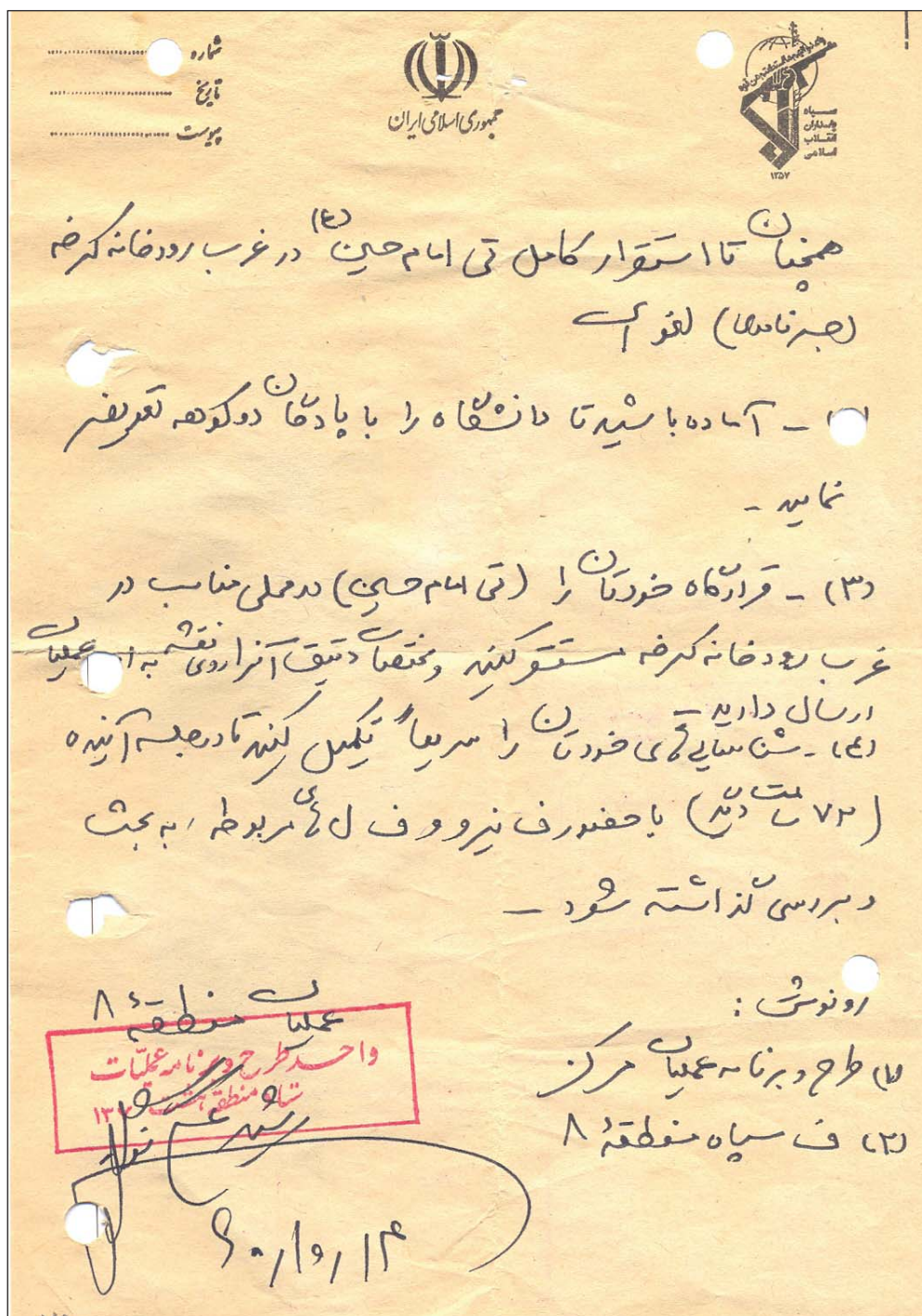
شماره ۹۱۵-۱۰۴
تاریخ ۶۰/۱۰/۱۴
پست سرب برکت

جمهوری اسلامی ایران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

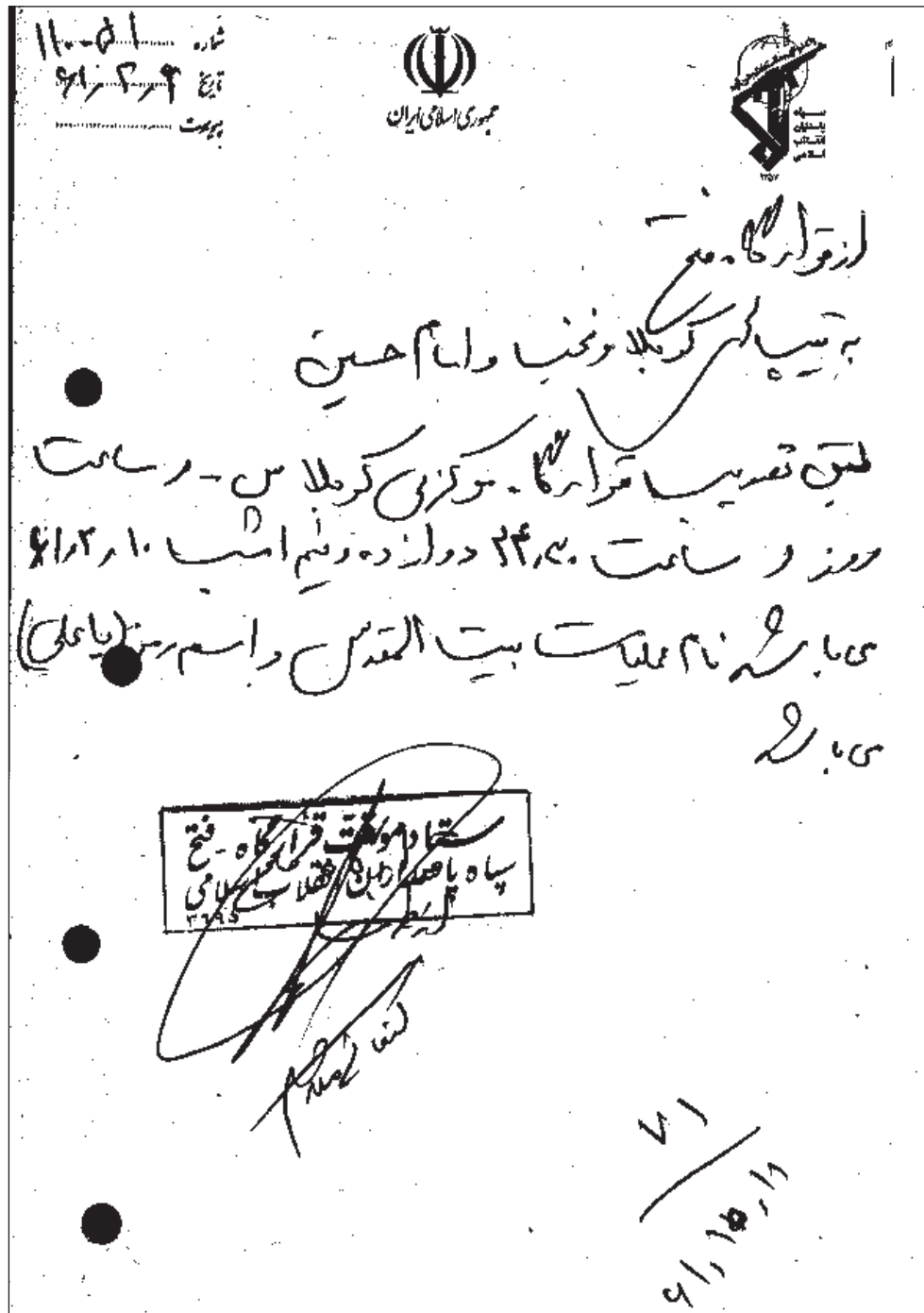
از: عملیات منطقه ۸
ب: آی امام حسین (ع)

پرونده شماره ۸۸۵-۱۰۴، باز هم
۶۰/۱۰/۱۴
تا آنکه محمدرضا میگردد که منته بقوت خود در برافشایی
و ضمناً هر چه در دسترس محل قرارگاه است را در غرب رودخانه
(چیر نادری) معین و مستقر گردید و شناسایی آی خود را
ادامه دهد که در جبهه آینه (۷۲ متری) با حضور
فرمانده نیروی دریایی مربوطه پس از محبت گذاشته شود
و ضمناً آماده باشد که دانشگاه را تخلیه کند و به یادگان
دکوه بخاطر نزدیکی به قرارگاه آی و منطقه عیار منتقل شود
تکلیف جزو به جزو عبارت است از:
۱- مرخصی آی از رده ف است تا ف آی و مسئولیت مدارک



سند شماره ۲: نامه رشید علی نور به تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) مورخه ۱۳۶۰/۱۰/۱۴، برای تخلیه دانشگاه
جندی شاپور و انتقال به پادگان دوکوهه به منظور استقرار و آمادگی برای اجرای عملیات فتح المبین.

سند شماره ۳



سند شماره ۳: ابلاغ قرارگاه فتح به تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۹ برای اجرای عملیات بزرگ بیت المقدس.

سند شماره ۴

شماره ۸۵۰۹۱۰۹۵
تاریخ ۸۹/۶/۲۱
پست یک برگ

بکلی سری

اقدام سریع

بسم الله الرحمن الرحیم

بسمه گیرندگان

از: ل ۳ صاحب الزمان (عج) (طرح و برنامه)

موضوع: دستور و عمل

۱- عملیات محرم در روز ۱۰/۸/۶۱ و اس ساعت ۲۱ شب بنا به دستور انجام خواهد شد

تذکر: اینکه برادران برنامه راطوری تنظیم نمایند که محورهای عملیاتی را اس ساعت مذکور در خط اول دشمن باشند

۲- رمز عملیات بین کلیه تیپها و نیروها (یا حسین جواب: شهید) میباشد و در روز چنانچه راه دور باشد با بالا بردن تفتنگ با دود مست سه مرتبه علامت دهند

۳- مسئول هر محور بایستی نظارت عملی بر نیروهای خود داشته باشد نه ارتبای با بی سیم

۴- متکی نبودن قرارگاه بت یکدیگر و تأمین و پوشش جانی بین بوسیله نیروی خود همان قرارگاه

۵- هر گردان يك دسته رزبی از شجاعترین نیروهای خود در جلو داشته باشد

۶- تعدادی از بی جی زن و تیربار برای خفه کردن تیربار دشمن از قبیل مشخص و توجیه شوند

۷- نیروی ضد کمین هر محور قبل از مستقر شدن کمین دشمن در هر محور مستقر گردد با مأموریت:

الف: شناسائی محبر کمین دشمن
قبل از ضرب ۸۱۰، ۶۱

ب: شناسائی محبر محل کمین دشمن

ج: از بین بردن کمین دشمن بنا به دستور فرمانده گردان عمل کنند و در آن محور

۸- فرستادن اموال با راننده خودی پشت سر پیاده در هر محبر کمین و از ساندن رشک (در محبر و نیروی خودی)

۹- داشتن نیروی اطلاعاتی به اندازه کافی و برقرار کردن ارتباط بین نیروی عمل کنند و احتیاط بوسیله پیک و همچنین ارتباط قرارگاهها

۱۰- سکوت رادیویی کامل تا قبل از ساعت مذکور و سکوت نیروها

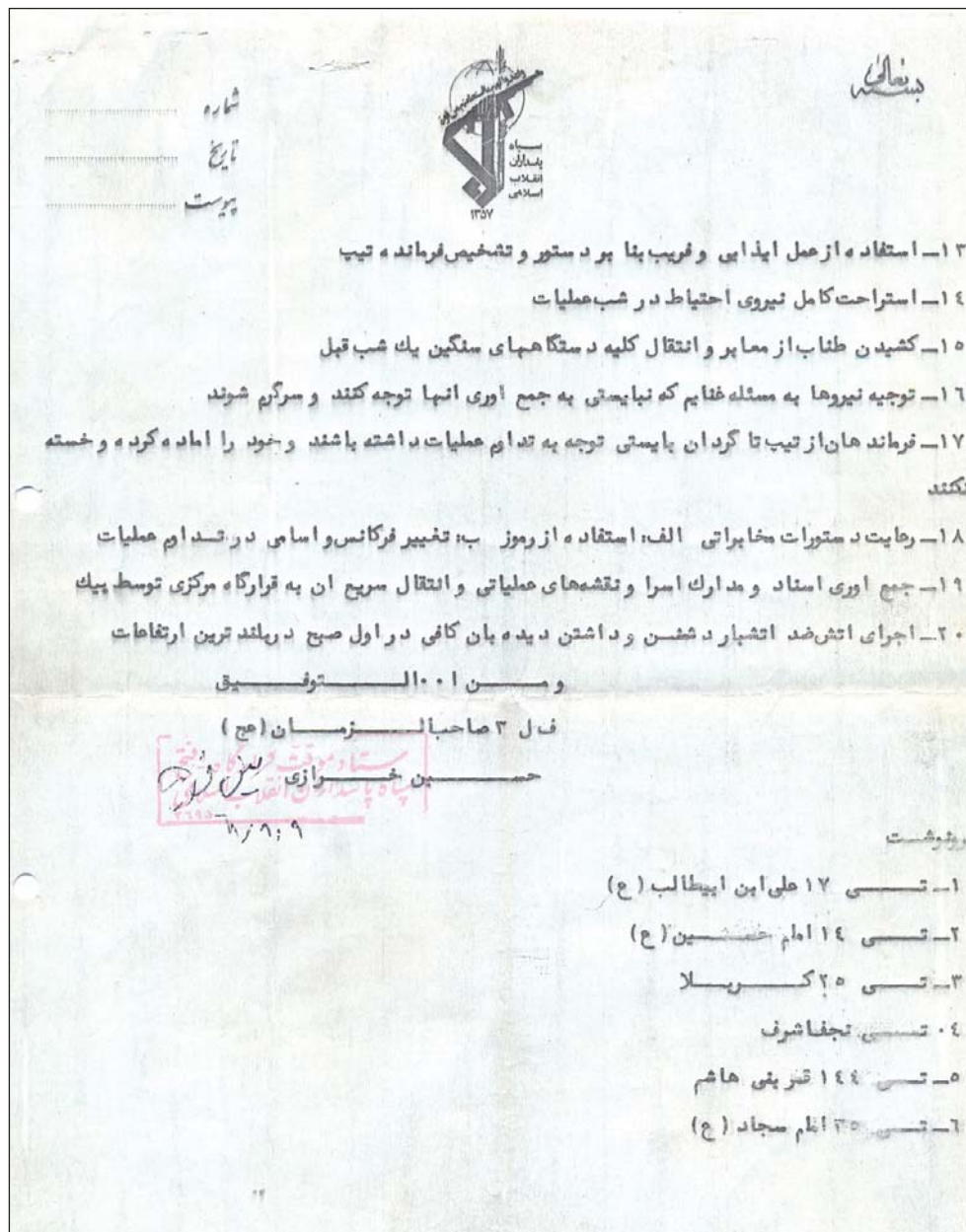
۱۱- توجیه نیروها به اینکه در معا بر مین بهیچ وجه توقف نکنند و نخواهند و منور دشمن سرعت عمل آنها را کند و کم نکند

۱۲- زدن تابلوی راهنمای هر تیپ در معا بر بعد از عبور پیاده

۷۵

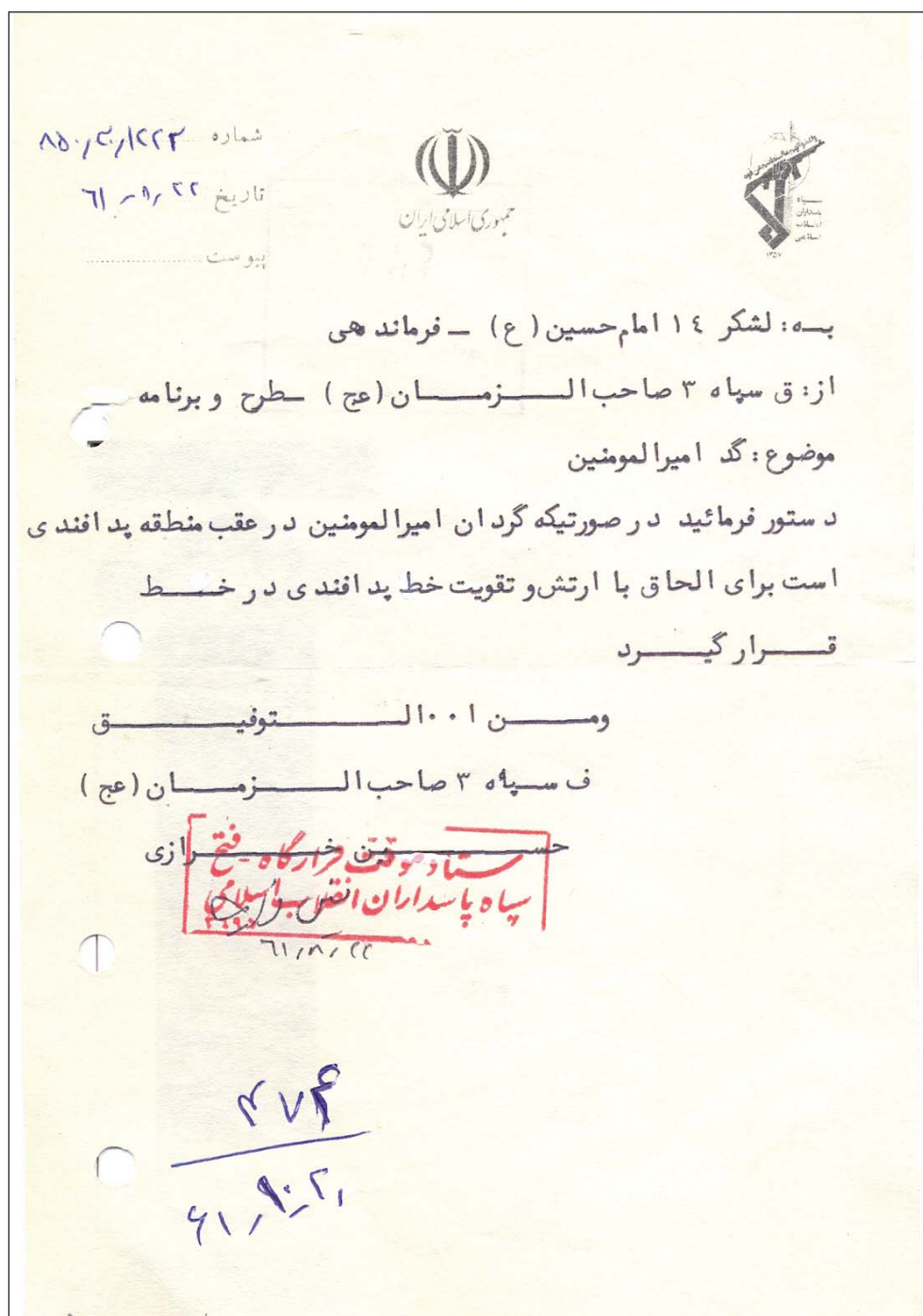
معد تنظیم نیرو

صیانت (۵)



سند شماره ۴: ابلاغ اجرای عملیات محرم از فرمانده لشکر ۳ صاحب الزمان (عج) برادر حسین خرازی به تیپ ۱۴ امام حسین (ع) در مورخه ۱۳۶۱/۷/۹؛ لازم به ذکر است در عملیات محرم فرماندهی مشترکی بین سپاه و ارتش (فرمانده مشترک قرارگاه قائم) سازماندهی شد که فرماندهی آن برعهده حسین خرازی بود. تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ ۸ نجف اشرف، تیپ ۲۵ کربلا، تیپ ۱۷ علی بن ابی طالب، تیپ ۳۵ امام سجاد (ع)، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (که تمامی این یگان ها بجز تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم و تیپ ۳۵ امام سجاد به رده لشکر ارتقا یافتند) و تیپ های یکم از لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۸۴ خرم آباد از ارتش یگان های تحت امر این قرارگاه را تشکیل می داد.

سند شماره ۵



سند شماره ۵: نامه واحد طرح و برنامه قرارگاه سپاه ۳ صاحب الزمان (عج) به لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، برای تشکیل خط پدافندی توسط گردان امیر المؤمنین (ع)، ۱۳۶۱/۸/۲۲.

سند شماره ۶۵

[illegible]

سند شماره ۶: نامه فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیا^(ص) به قرارگاه سلمان برای تحویل خط پدافندی خندق از لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به لشکر ۵ نصر ۱۳۶۴/۴/۱.

لازم به ذکر است در عملیات محرم، فرماندهی مشترکی بین سپاه و ارتش (فرمانده مشترک قرارگاه خاتم) سازماندهی شد که فرماندهی آن برعهده حسین خرازی بوده است. یگان‌های تحت امر این قرارگاه شامل تیپ‌های ۱۴ امام حسین^(ع)، ۸ نجف اشرف، ۲۵ کربلا، ۱۷ علی‌بن‌ابیطالب^(ع)، ۳۵ امام سجاد^(ع)، ۴۴ قمرینی‌هاشم^(ع) از سپاه و از لشکر ۲۱ حمزه و تیپ ۸۴ خرم‌آباد از ارتش بوده است.

شماره ۵۵۸ / ارباب رق
تاریخ ۶۴۸ / ۲۲
پیوست



بسمه تعالی



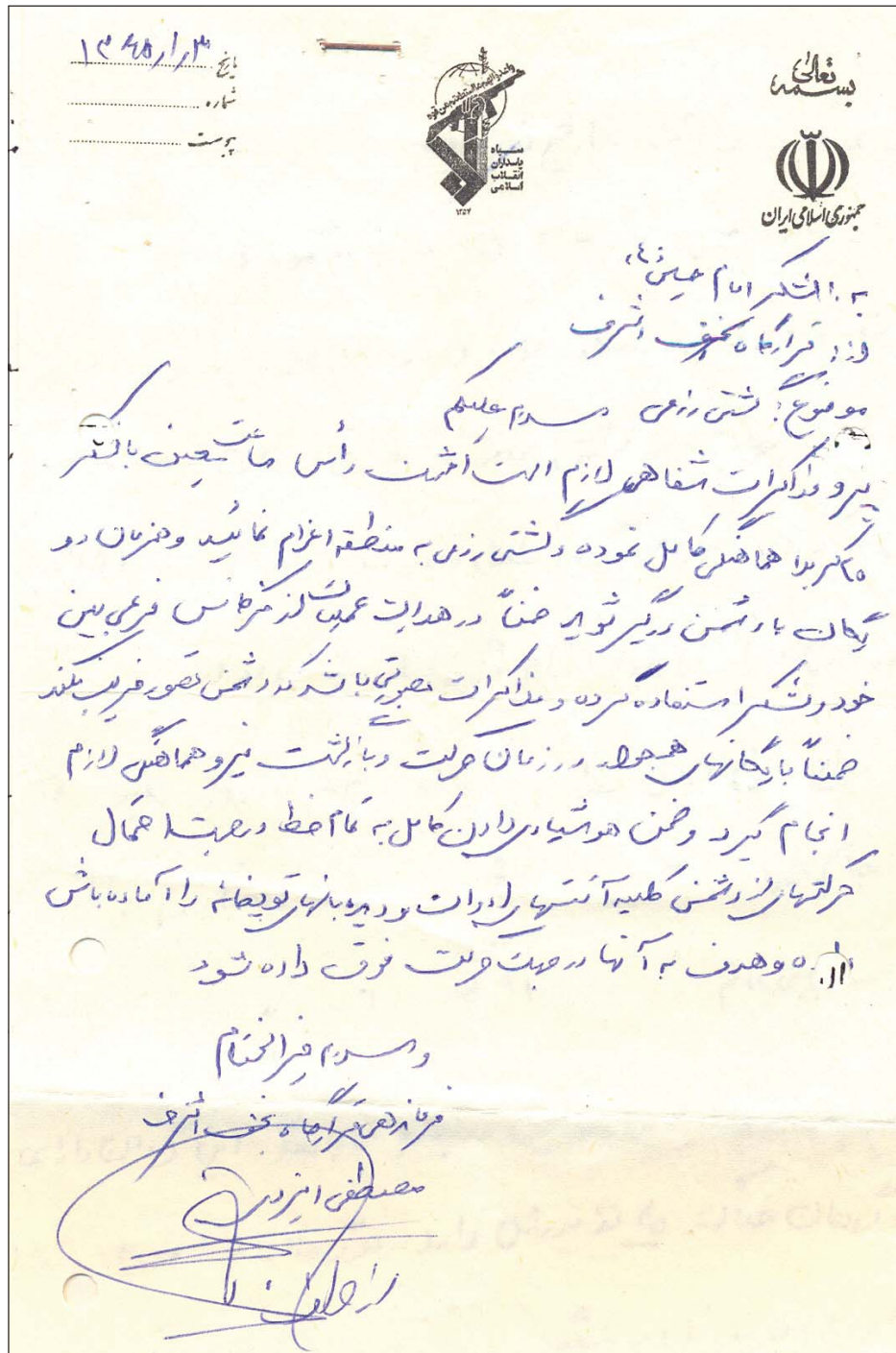
جمهوری اسلامی ایران

به ، فرماندهی لشکر امام حسین (ع)
از ، فرماندهی قرارگاه نجف
موضوع: محبت محدود
سلام علیکم

طبق اطلاع واصله محبت محدود که قرار بود در میان آن رگ
در محدوده قرارگاه میوان انجام گردد بنا به دلایلی لغو گردیده است
باجمله با اظهارات برادر محسن رضائی فرماندهی کل سپاه عیناً
امکان محبت در محدوده فوق (در حد محدود) مقدور است البته
در ادامه با مطلع فرایند تا هنگامی که لازم نیست آتش
سپاه و رزمندگان و غیره نسبت به اعلام اکید را در بر تدریس و امکانات
لازم تا انجام دهد نتیجه را به حامل نامه تحویل داده و پیافیه
فرماندهی و گرجه . نجف
از طرف (لودر) در منطقه دو ۵۵۲۹

سند شماره ۷: ابلاغ اجرای عملیات در منطقه هزارقله میوان از طرف فرماندهی قرارگاه نجف، مصطفی
ایزدی به فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، ۱۳۶۴/۸/۲۲.

سند شماره ۸



سند شماره ۸: نامه فرماندهی قرارگاه نجف، مصطفی ایزدی به لشکر ۱۴ امام حسین (ع) برای انجام گشت
رزمی و اجرای عملیات به همراه لشکر ۵۲ کربلا ۱۳۶۵/۱/۳.

سند شماره ۹

شماره: ۱۴۷۲ اسفند	بسمه تعالی	
تاریخ: ۸۵/۳/۳۱		
پیوست: مهر		

به: فرماندهی لشکر امام حسین (ع)

از: فرماندهی قرارگاه نوح سلام علیه

مختار تقدیرت خطبه افتخاری و پوشش جناح سمت چپ، لازم است سرایت نسبت به دریافت از جاده ای که از پایگاه مرکزی امیرالمؤمنین به سمت خاکسبز و دهبار، حوزت ان کشته شده اقدامات لازم را بعمل فرمایند. در این رابطه از رزهی و دریافت هراتی بصورت مناسب استفاده نمایند. همچنین نسبت به شکستن جاده فاد - ام القصر در جلوی پستنی خط بمقتور ایجا در اینج صند تا تک اقدام نمایند

والسلام

فرماندهی قرارگاه نوح

حسن عدوی

عبدی

۸۵/۳/۳۱

سند شماره ۹: نامه فرماندهی قرارگاه نوح به فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در خصوص تشکیل خطوط پدافندی ۱۳۶۵/۳/۳۱.

سند شماره ۱۰

شماره: ۲۹۴ - ۳۰ اردیبهشت
تاریخ: ۲۵.۶.۳۰
پیوست: ۱. دعا برای شهادت و شرف
۲. امامت

بسمه تعالی




ب: فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
ل: فرماندهی قرارگاه نوح (ع)

بسم الله

محطف به رسیدگی ۴۵۲ - ۱ اردیبهشت - فرماندهی نیروی زمینی - ارتش فرماندهی قرارگاه نوح
۹ - ۵ - ۶۵

با مریست دارید یا یکا گری تا می امکان است درجه در اندکری بیاری خداوند تعالی
در است پس روز ۰ ر به سکوی العمه کت خوره و از آن طرف و این
نماید و سر آماره باید بسته جهت تصرف سکوی الکبر: روز ۰ ر
در است پس " متقابلاً ابلاغ فراموش شد

و تفکرم الله تعالی

فرماندهی قرارگاه نوح (ع)

خبرنامه
۲ - ۶ - ۶۵

سند شماره ۱۰: نامه قرارگاه نوح به لشکر ۱۴ امام حسین (ع) برای اجرای عملیات کربلای ۳ و فتح اسکله العمیه، ۱۳۶۵/۶/۳؛ می باشد. این عملیات به طور عمده توسط غواصان لشکر ۱۴ امام حسین (ع) انجام شد.

شماره ۱۰۹
تاریخ ۶۵/۱/۲۶
پیوست



و فرزندانی کل

بسم الله الباری المنتقم

اِنَّ لِلَّذِينَ يَقْلُوبُونَ اَبْهَامَهُمْ ظُلُمًا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰی لَعْنِهِمْ لَقَدِيرٌ

سرافراز کار امام زمان، فرزند شکر ۱۴ امام حسین (ع) برادر حسین خرازی

و انبض پرچم را بر بدنه و چون در هنگام نبرد با کفر دشمن را انداختند فرزندان

وَاللّٰهُ اِنْ تَطَعْتُمْ اَمِیْنٌ - اِنِّیْ اِحَابِیْ اَبَدًا عَنْ دِیْنِیْ

و تولا خیر تا کنون که دست ما بخدا هدیه کرده ایم و ما را این شهادت را به دست

ایم که همراه یاران با وفای اسلام آید و محبوی سر زشت سزای بکفر شده ایم (۱۲۱۹)

پرچم سبزی که در دست برافرازد مطهر حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) در

آفران بوم به نومی سپارم تا با استعانت از خداوند متعال در عین ترقی نقطه جبهه دشمن

بمافزایی. بدان امید که به زودی در کنار تربت پاک امام حسین (ع) در جبهه

عید اسع غار حوت و به امانت امام است در معیت رزمندهان اسلام برپا کنم

و انصر الان بعد از لغز زخم برادر علی شهنشاه

۶۵/۱/۲۶

سند شماره ۱۱: نامه برادر شمشخانی به فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، حاج حسین خرازی مبنی بر نصب پرچم مقدس امام علی بن موسی الرضا (ع) بر فراز بقعه موجود در منطقه ۱۳۶۵/۱۰/۳.

سند شماره ۱۲

نسخه تالی
برادر حسین خرازی
سرور عظیم خداقوت

استاد الله بایاری خداوند قادر متعال اسب ستم
راست باره سماع عمل مکتبه (شیرازی خورنجان) ●
و ستم چپ باره لکتر فجر و مسئولیت خاثریز
نظارتان تالیف باره و قرارگاه روری فجر و جناح
فجر بعهد شما میباشد
ضمناً اسب برای بهتر هدایت کردن نیروی شما و برادر روری
در تکمیل محمل باشد
بواسطه زیارت تریلا
برنده سید رحیم صفوی
۶۵/۱۰/۲۵

سند شماره ۱۲: نامه سیدیحیی رحیم صفوی به حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) برای
اجرای عملیات، ۱۳۶۵/۱۰/۲۵.

شماره:
تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۸
پیوست:

بسم الله الرحمن الرحيم وقرنایمی کل

الله اکبر..... چه یارانِ عزیزی بارِ سفر بسته و از میانِ دوستان به موطنِ اصلی عشاق کوچ کردند، تلخی دنیا را با شیرینی دیدار به فراموشی می سپردیم و چه مشکل است دنیا را تحمل کردن بعد از رفتن این عزیزان.

خدایا حسین ما را در آخرت نزد صریقین قرار بده و یاد او را به دل ما بیاور ساز حسین جان تو که خاکِ گرم و خونین دار خوین را در جای جای خود ثبت کرده است به جنگ کربلائی ما قوت دادی و یارانت مصمم تر از گذشته بدینالت خواهند آمد. بعد از شهادت دوستانِ عزیزی تو بار دیگر به یاد حسین مظلوم کربلائی افتد و بدون توجه به مشکلات سر را در آنطور که اسام فرمود با شیطانی به شیرینی غسل را هتان را خواهند پیمود.

و شما ای لشکریان امام حسین علیه السلام بدانید که حسین تان را تقدیم خدا کردید تا خطِ خونین عاشورا را تراوم بخشیده و اشقا الله خداوند شما را توفیق خواهد داد. ما برادرِ عزیزی را از دست دادیم که اگر نبود وصایای شهدا بر تحمل و صبر این مصائب، خدا میدانند در این دنیا لحظه ای قرار نمی گرفتند. اما چه کنیم که مکلفیم عدالت علی علیه السلام را برقرار نموده تا حقِ مظلومین را از ظالمین بگیریم، فساد را ریشه کن و اشقا الله آیات قرآن مجید را در سراسر جهان حاکم کنیم.

خدایا شهدای ما را عزیز، مقامشان را بزرگ، یادشان را جاویدان و آنها را با پیامبر عظیم الشان، امیر مؤمنان و سالار شهیدان محشور بگردان و لشکریان امام

۱۵

[illegible]

شماره
تاریخ ۱۳۶۵/۱۲/۸
پیوست

سید
علی
مطهر
۱۳۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم

و قمر فرائدی کل

حُسن را که از طلایه داران فتح المبین و بیت المقدس بوده اند و در کربلاهای -
امروز بر روی جاده مستقیم کربلا مُصرّانه به پیش میروند را همیشه موفق و پیروز
بدار. خداوند اسلام عزیز را پیروز بگردان، خداوند امامِ عزیز را سالم و
پابرجا بدار.

فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
مُحسن رضایی
(ع)

سند شماره ۱۳: پیام فرمانده وقت سپاه، برادر محسن رضایی به مناسبت شهادت حاج حسین خرازی فرمانده دلیر لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در عملیات کربلای ۵ در منطقه شلمچه، ۱۳۶۵/۱۲/۸.

[illegible]

آنی KK سری	از جیت	شماره ۲۷۷-۱-غ رط
خیلی فوری		
فوری		
عادی		

از فرماندهی نیروی زمینی

به فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) تاریخ ۶۶/۴/۵

برادر زاهدی رضائی

سلام عظیم: جهت دفاع از خط مقدم بهمدی اسلحه و دفاع از خرابی شهر

بعض در یافت این دستر با استفاده از کلاه گردان یا مهدی و ادوات

در منطقه خط بالوسه تا جاده آسفالت را از لشکر قدس

محرل گرفته و دشمن کافر را سرکوب نمایند.

لشکر رضا زاهدی روز دیگر با بنزین ها همراه شد

فرماندهی نیروی زمینی: علی سید

جانشین سید علی

۶۶/۴/۵

نیروی زمینی

سری

گوبنده	گیرنده	از واحد	تاریخ	ساعت
--------	--------	---------	-------	------

سند شماره ۱۴: نامه فرماندهی نیروی زمینی، برادر علی شمخانی و سیدیحیی صفوی به فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، محمدرضا زاهدی ۱۳۶۶/۴/۵؛ در این نامه فرمانده نیروی زمینی خواستار سرکوب دشمن در منطقه بالوسه تا جاده آسفالت توسط گردان یا مهدی، ادوات و زرهی لشکر امام حسین (ع) شده است.

شماره ۱-۹۲۳-۱۰۰۰	تاریخ ۹/۳/۷۷	پیوست	طبقه بندی
---------------------	-----------------	-------	-----------




به: فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)،
از: فرماندهی نیروی زمینی سپاه
موضوع: ابداع مأموریت
سدهم معلم

بدینوسیله موارد زیر جهت اجرا، ابداع می‌شود
در زمان است در اسرع وقت حداکثر تا ۲۸ ساعت آینده بایک گردان
نیروی دریایی مشرورم زنی در منطقه محوطی هور (سپاه ششم)
آماره اجرایی مأموریت، به شرح زیر است:

فرماندهی نیروی زمینی

۱- تیرگناه سر به دست اوضاع در پلری
۲- سپاه ششم به نام مبارک با دست اوضاع

۱- ماسک ۲ نفره
۲- پیراهن ۱ سینه

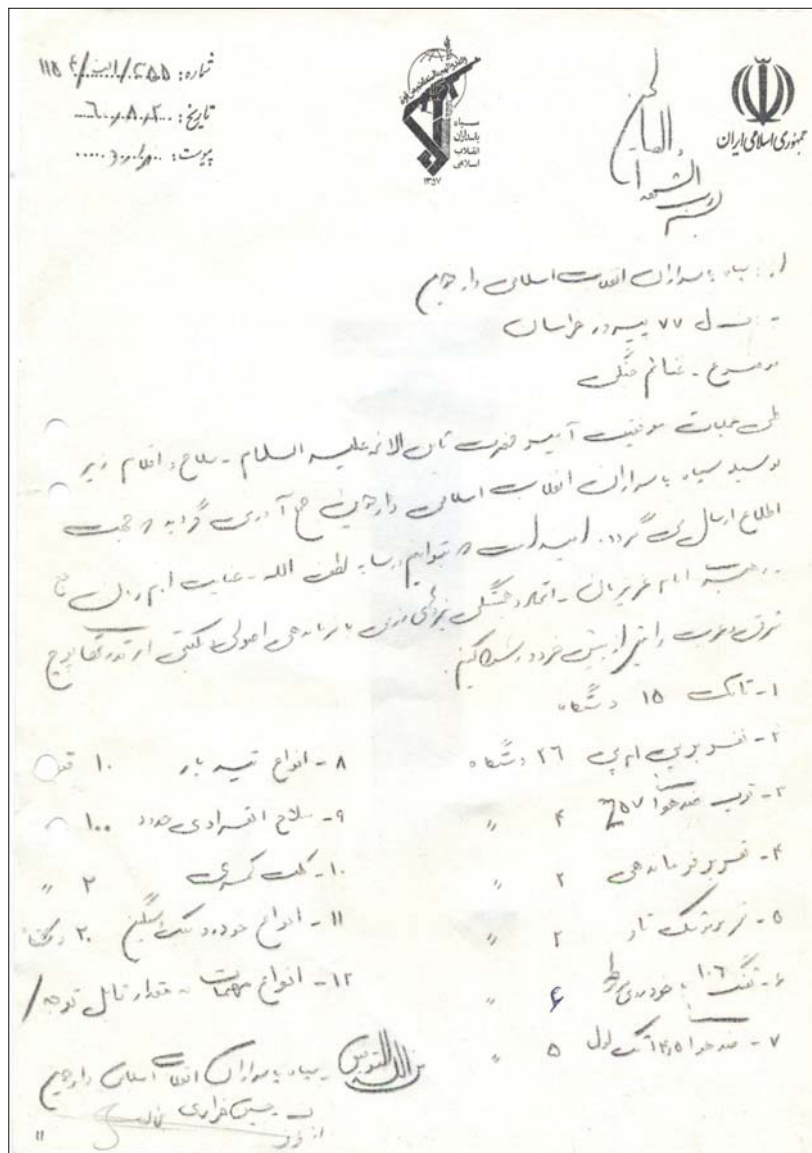
محل ثبت	شماره ثبت	تاریخ ثبت	اقدام کننده	سابقه

۲۸

سند شماره ۱۵: ابلاغ کسب آمادگی برای اجرای مأموریت در منطقه هور از طرف فرماندهی نیروی زمینی سپاه به فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، ۱۳۶۷/۳/۹.

بخش دوم: نامه های فرماندهی لشکر به قرارگاه

سند شماره ۱۶



سند شماره ۱۶: نامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارخوین به فرماندهی لشکر ۷۷ پیروز خراسان، ۱۳۶۰/۸/۲؛ این نامه مربوط به تجهیزات به غنیمت گرفته شده در عملیات ثامن الائمه بوده و حاکی از این است که از همان ابتدای شروع جنگ تحمیلی نیروهای سپاه پاسداران سعی در هماهنگی با ارتش داشته‌اند. به همین دلیل توان رزم خود را که با به دست آوردن غنائم جنگی افزایش پیدا کرده بود به اطلاع یگان (ارتش) هم‌جوار رسانده‌اند. در این عملیات رزمندگان اصفهان در مهم‌ترین محور عملیات، یعنی محور دارخوین به مبارزه پرداختند.

سند شماره ۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

در ساعت ۲۱۴۰ روز ۲۸ آذر ۱۳۶۰ در محل پاسگاه فرماندهی تیپ ۱ پیروز لشکر ۷۷، برادران سپاه با یگان‌های ارتش به منظور هماهنگی بیشتر بین دو رده (سپاه و ارتش) برای اجرای بهتر عملیات مولای متقیان (منطقه عملیاتی چزابه)، ۱۳۶۰/۱۱/۲۸؛ در این جلسه از فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، حسین خرازی، علی قوچانی و مصطفی ردانی پور حضور داشته‌اند.

پیام‌ها و یادداشت‌ها:

۱- برادر فازی ۲- برادر قوچانی ۳- برادر قهرمانی ۴- برادر میرزایی ۵- برادر محمدی

۶- برادر مصطفی ۷- برادر محمدی ۸- برادر قهرمانی ۹- برادر قوچانی ۱۰- برادر قهرمانی

۱۱- برادر قهرمانی ۱۲- برادر قهرمانی ۱۳- برادر قهرمانی ۱۴- برادر قهرمانی

۱۵- برادر قهرمانی ۱۶- برادر قهرمانی ۱۷- برادر قهرمانی ۱۸- برادر قهرمانی

۱۹- برادر قهرمانی ۲۰- برادر قهرمانی ۲۱- برادر قهرمانی ۲۲- برادر قهرمانی

۲۳- برادر قهرمانی ۲۴- برادر قهرمانی ۲۵- برادر قهرمانی ۲۶- برادر قهرمانی

۲۷- برادر قهرمانی ۲۸- برادر قهرمانی ۲۹- برادر قهرمانی ۳۰- برادر قهرمانی

۳۱- برادر قهرمانی ۳۲- برادر قهرمانی ۳۳- برادر قهرمانی ۳۴- برادر قهرمانی

۳۵- برادر قهرمانی ۳۶- برادر قهرمانی ۳۷- برادر قهرمانی ۳۸- برادر قهرمانی

۳۹- برادر قهرمانی ۴۰- برادر قهرمانی ۴۱- برادر قهرمانی ۴۲- برادر قهرمانی

۴۳- برادر قهرمانی ۴۴- برادر قهرمانی ۴۵- برادر قهرمانی ۴۶- برادر قهرمانی

۴۷- برادر قهرمانی ۴۸- برادر قهرمانی ۴۹- برادر قهرمانی ۵۰- برادر قهرمانی

۵۱- برادر قهرمانی ۵۲- برادر قهرمانی ۵۳- برادر قهرمانی ۵۴- برادر قهرمانی

۵۵- برادر قهرمانی ۵۶- برادر قهرمانی ۵۷- برادر قهرمانی ۵۸- برادر قهرمانی

۵۹- برادر قهرمانی ۶۰- برادر قهرمانی ۶۱- برادر قهرمانی ۶۲- برادر قهرمانی

۶۳- برادر قهرمانی ۶۴- برادر قهرمانی ۶۵- برادر قهرمانی ۶۶- برادر قهرمانی

۶۷- برادر قهرمانی ۶۸- برادر قهرمانی ۶۹- برادر قهرمانی ۷۰- برادر قهرمانی

۷۱- برادر قهرمانی ۷۲- برادر قهرمانی ۷۳- برادر قهرمانی ۷۴- برادر قهرمانی

۷۵- برادر قهرمانی ۷۶- برادر قهرمانی ۷۷- برادر قهرمانی ۷۸- برادر قهرمانی

۷۹- برادر قهرمانی ۸۰- برادر قهرمانی ۸۱- برادر قهرمانی ۸۲- برادر قهرمانی

۸۳- برادر قهرمانی ۸۴- برادر قهرمانی ۸۵- برادر قهرمانی ۸۶- برادر قهرمانی

۸۷- برادر قهرمانی ۸۸- برادر قهرمانی ۸۹- برادر قهرمانی ۹۰- برادر قهرمانی

۹۱- برادر قهرمانی ۹۲- برادر قهرمانی ۹۳- برادر قهرمانی ۹۴- برادر قهرمانی

۹۵- برادر قهرمانی ۹۶- برادر قهرمانی ۹۷- برادر قهرمانی ۹۸- برادر قهرمانی

۹۹- برادر قهرمانی ۱۰۰- برادر قهرمانی

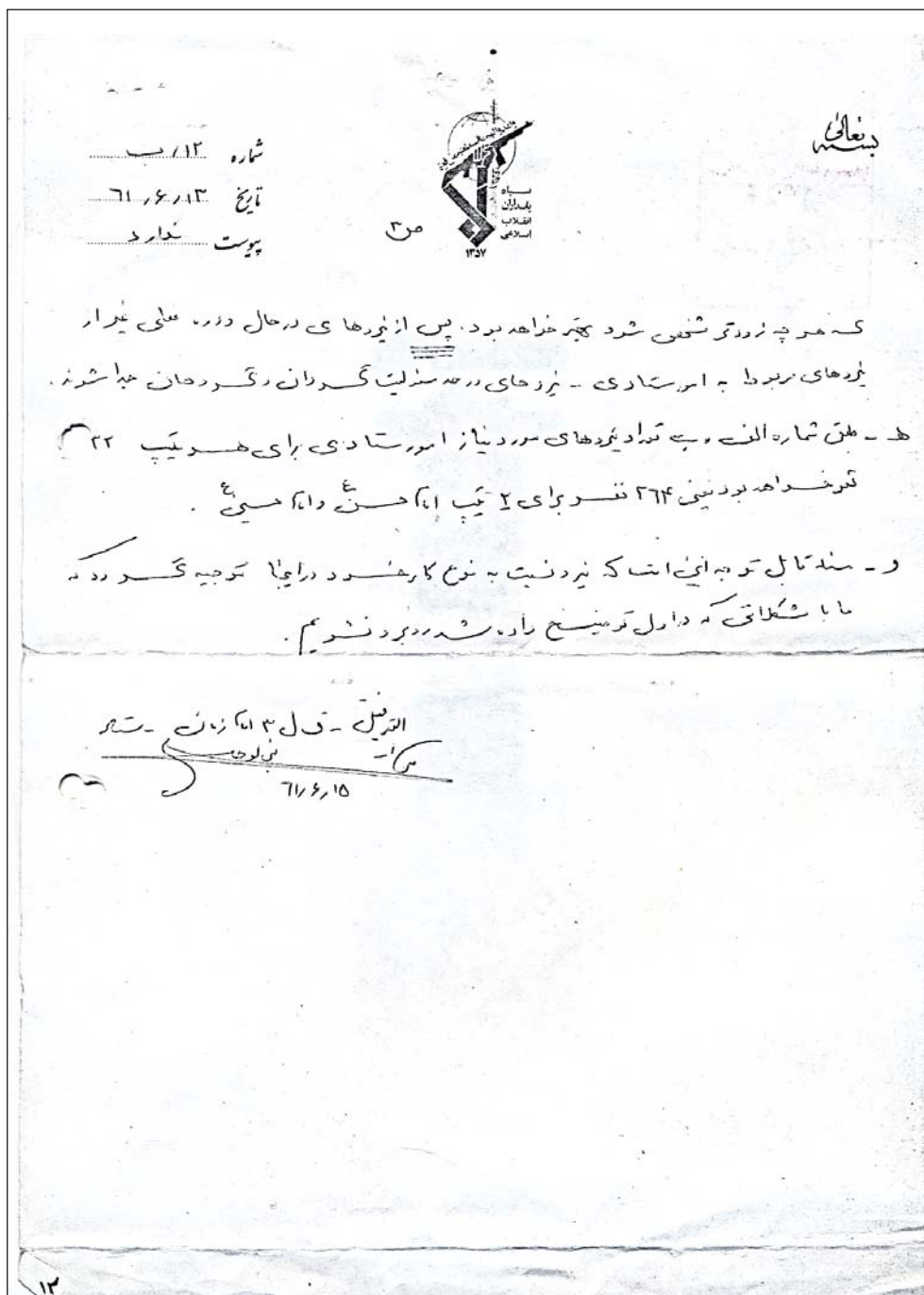
سند شماره ۱۷: نتیجه جلسه‌ای در محل پاسگاه فرماندهی تیپ ۱ پیروز لشکر ۷۷، میان شورای فرماندهی سپاه با یگان‌های ارتش به منظور هماهنگی بیشتر بین دو رده (سپاه و ارتش) برای اجرای بهتر عملیات مولای متقیان (منطقه عملیاتی چزابه)، ۱۳۶۰/۱۱/۲۸؛ در این جلسه از فرماندهان تیپ ۱۴ امام حسین (ع)، حسین خرازی، علی قوچانی و مصطفی ردانی پور حضور داشته‌اند.

[illegible]

۵۔ سئل تادری گسرهات ۳ قر
۶۔ سئل تدرکات گسرهات ۱ قر
۷۔ " " مخبرات " ۱ قر
۸۔ " " جباری " ۱ قر

ج - کیفیت نبردهای فوق با توجه به نوع سوابق آنها مشخص است که با بیتی درجه حدی باشد
نیز مسئول ستاد گردان با بیتی جوا بگویی کلیه مسائل غیر عملیاتی گردان
باشد و کنترل ایاب و ذهاب نبردهای گردان - ارزیابی - و بسیاری مسائل دیگر بگویی
به سببیت های فوق دارد. در خصوصت با کمی دقت می توان نبردی لازم را شناسایی
کرد و معلوم است مسئول ستاد گردان لااقل باید که در حد فوق کار کرده داشته
باشد.

د - غیر از یزدهای مربوط به اسرار ستادی فوق (غیر عیقاتی) یزدهای عیقاتی نیز مورد
تذکره می باشد. ما چهار خدا هم یزدها و اعدای مثل زهری - تو بجان - چپاره - ۱۰۶ - ۱۰۷ -
غیره یزدهی است از نوع یزدها فوق همین که عدد را عدد واحد مثل زهری حد اقل تا شتر
کادر ثابت (شش دین) احتیاج خواهد داشت آنچه که در این مرحله باید بدان توجه نمود
این است که کافی که در آئینش فلای داری بعد عیقاتی نمی هستند از بعد چپاره شونده و
ما احتیاج به حد اقل تا یزدهی در حد گنجایش سربیت گردان در کبر دهان خواهیم داشت



سند شماره: نامه قرارگاه لشکر ۳ امام زمان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منطقه ۲، ۱۳/۶/۱۳۶۱؛ در این نامه مسئول ستاد قرارگاه امام زمان، سیدعلی بنی‌لوحی، خواستار نیروهای رزم برای تکمیل کادر یگان شده است. لشکر با آمادگی بهتر در عملیات شرکت کند.

شماره: ۸۵۰۸۰۸۲۱۷
تاریخ: ۶۱/۸/۸۳
پست: لاهیجان



جمهوری اسلامی ایران

کد پستی: ۱۷۵۷۱۱۱۱

از: آقای ... به: آقای ...

موضوع: ...

بسم الله الرحمن الرحیم

پس از عرض سلام - یک سری مطالب که ضروری است انتقال یابد بصورت جداگانه به بعضی از ...

الف: علیاً شرم: اهمیت سوخت آب از سده آب که در منطقه چمنه ی پیش آه رود بخرفته می ...

مادی نه است. برنامه در منطقه فوق به این صورت بود که گردانهای مدر آنجا عمل می کردند

در حالت عادی می دانستند بر اقصی به آن طرف رودخانه بود و حتی علاوه بر آنجا که اکثریت

بوده اند به آن طرف می رفته و آب عادی بوده چون رفتن یکجا زود انجام گرفته بود و

وقت داشتند از فرماندهی تیپ دستور داده می شد که برای کم کردن احتمال خطر به

این طرف آب بازگشت نمایند تا این زمان هم آب عادی بوده چه فاصل این زمان و شاید

نیاحت بود که لازم بوده برادران کار را شروع نمایند آب طیفان می کند بصورت سیل

این آب دانسته از رودخانه از منطقه خرم آباد به چمنه ی گبر دو حدوداً بارانهای سیل آسای

منطقه خرم آباد و در این سده جریان می یابد آب شاید به ارتفاع پیش از ۱۷۰ متری رسیده

بود که وقتی برادران شروع به رفتن می کنند از آنجا که یک قدر را برای رفتن بنده و غزن

می شده اند البته دستها بهم داده و با هم از آن حضرت ... عی از آب عبور می کنند

و در بخرفته می توان گفت همه افرادی که کم بلیه بهه یا گریه که بهه و دنبال جریان پیدا شده

و سیل آب غرق می شدند. عددی هم به آن طرف می رفته و به جهت حدود ۲۰۰ نفر بهه

به اسلحه آتش از آب برده بوده و طبق گفته یکی از برادران عی ۲۰-۳۰ اسلحه بیشتر نداشته اند

در عمل با غریبه ناچاراً درگیر شده و با الله اکبر و تاجک ... از رودخانه ...



شماره:
تاریخ:
چوبند:

رضی الله عنه است که همی گفته - عراقیه که طبقه منطقه نور انگش در شمر کرده و هجوعاً همه را به همکار
پرساخته و حدود ۵۳ متر را از یکدیگر گرفته الله عنه ای نه گفته همه را به این طرف آب باز گذاشته
که در همان موقع تعداد ۵۳ نفر در آن کجی دارد که در آن منطقه هم هستند در برهه مانده بودند
دیروز و امروز با هلی کوپتر حمله را تکرار کردند که از یکتا یک مینرانی حالاً حدود ۱۸۰ متر فاصله
دیده شده و کلیه بارانها را هم شکسته اند تا آنجا که فرسخ کنان است با گدا کردن و جنگیده بودند
طوری که هم در آن منطقه عددها قابل توجه از عراقیه را کشته بودند حتی وقتی برادران به منطقه رفتند کشته ها
عراقیه را دیده بودند در شمر نتوانستند به هم را فاصله کنند هر چند منطقه در دست فوجش می باشد.
در شمر برادران روزی که برادران به منطقه رفتند هنوز شمر تسخیر نشده بود و جایی که هر دو
بای آنها کرم افتاده بوده برادران آنها را اشتباه دادند.
ب. پتیه ها ۱۷۵ - پتیه ها فوق نیز در منطقه یکتا یک حسین بوده و موقعیت آن طوری است که در
قفس از جاده استات دیده دارد و یک تک برادران یکتا یک حسین بر پتیه مسلط شده اند
دشمن به حسب اهمیت و جایگاه این پتیه ها داشت آن کس بیدار سگینی را روی منطقه رکبت ملول
این منطقه حدود ۱۸۵ کیلومتر بود و دشمن در این ۱۸۵ کیلومتر در عرض ۵۰۰ متر آن کس بیدار
سگینی را رکبت طوری که حدود ۵۰۰ متر است اصلاً قطع نشده. شمر فوج از فاصله ۲ کیلومتری باز
روی پتیه می منطقه را می دیدیم و حسب به حسب کوبیده می شده طوری که کس را به راه رفتن نبود.

شماره:
تاریخ:
پست:



جمهوری اسلامی ایران



جمهوری اسلامی ایران

پس از تأیید استقامت ناچاراً به ایران به دیپلماتیک رجا به اسفالت بازگشت نمودند.

در اثنای این سفر، رئیس کتب و نشر، فرهنگستان، ریاست و این دانشگاه به دعوت کردند که
کسی از جایش نماند و به این محفل آمدند و آنکه صرف نموده و اوضاعی بود که می شد
از وضع فوق بودند امروز عصر به این گفتند که حدود ۲۵۰ نفر از ایران به این محفل می آمدند
و بعد از آن ۱۷۵ و از طرف آن آمده اند که بیشتر آنها از قبیل اکبر حسین و بیاضی
ج - وضع کلی و کلی منطقه نسبتاً خوب است و دشمن نیز به اندازه ای رده - بازگشت به ایران از
سازمان کتب و نشر که به این پیش می آورده و به این است که به این دشمن با نیروی
آنها را به این نموده و ۲۲ نفر از این کرده اند که از این رده شده و به این است
نزد روز به روز به این تغییر شده و به این رده شده اند که از این رده شده و به این است
اهمیت جاده اسفالت به دیپلماتیک رجا به این رده شده و به این است که به این است
سکونت نموده است.

د - تا حالا پس از عملیات حدود ۲۰۰ نفر از این رده شده و به این است که به این است
کیفیت بسیار بهتری بوده است که علت آن حدود ۲۰۰ نفر از این رده شده و به این است
بسیار است که مخصوصاً نیروی انسانی از اوضاعی حرف نه است.

ه - تا به به طلایی شدن و به این رده شده و به این است که به این است
نموده و به این رده شده و به این است که به این است
و - به این رده شده و به این است که به این است



شماره: ۱۹
تاریخ:
پوست:

مرد دینیت بنزد - حدود ۱۶ ف و معارف گسردان و نگردهان شهید و مجروح داده و یب ام حسن
آباد شهید و مجروحین مستوفین و معارفین گردان و گردهان در سنه پنجم محرم ۱۳۶۱
تری یکصد و سی و هشتاد و نه نفر است و کمر شکن است.
۱- که کل شهید و مجروحین تخمیناً ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر است به ضمیمه اسلحه و تجهیزات این
مطلب است که در فکری که در اول عیدت بنبرد و ممالا اداره داشته محمداً میری
حدود ۲۵ گردان شهید و مجروح در سطح پنجای عمل کنند ...
۲- تکلیف تیپها - الف - با شش نفره - من روی یزدهای منطقه دارم فکری کنم عیب
بیاید در چهار چوب در کد برای منطقه ۲ خوب باشد با ضمیمه این که برای هر
کد یک یب زدهی شکل از ۱۰ گردان شهید و مجروح در حوض
۵ یب تکلیف (عیناً به یب زدهی) به این صورت که تیپ مجتبی اشرف
کد شهید و تیپهای آن از ۱- استانی یزد - ۲- کائنات - ۳- نکر - اردستان و اصفهان -
۳- کد آباد - درجه ۲۰۰ تکلیف شهید و با ضمیمه یک یب زدهی و یب ملی (اک صبیح)
با کد به خودی دارد به آن در یب شده و با الحاق یب کمر بنی هاشم به آن
تکلیف کد (اک صبیح) را به ضمیمه یک یب زدهی و برای منطقه ۲ بستر
از تیپهای فوق شاید صلاح باشد در این سند و خطا می کند آن باید و بکرم
البته با شخصی که در وضع فرماندهی کد ۱۲ از آنجا بسیار از مسائل مربوط به سردیها
حل شده و بسیاری خدایاتش برادران هم دردی خطا داده اند.
۳- کادرسپاه - یاری خدایان را که نباشد کار را شروع نمایند باید این سند مطرح شود
که خدای نگارده سال قبل نگار شده و با کد به جهت کار دوست آن در دسترس

سند شماره ۱۹: نامه مسئول ستاد قرارگاه سپاه ۳ امام زمان، سیدعلی بنی لوحی به فرماندهی سپاه پاسداران
منطقه ۲، ۱۳۶۱/۸/۳۱؛ موضوع نامه مربوط به گزارش کامل عملیات محرم و تأثیر پیروزمندانه این عملیات
در روحیه رزمندگان می باشد.

سند شماره ۲۰

بیاض

شماره الف
تاریخ ۱۳۵۷ / ۱ / ۱۶
پوست

برای تهیه به نزدیک نیروی یا دشمن یا دلی محکم و مطمئن بطور از محبت به خدا (امام حسین)

به قرارگاه مشترک خاتم الانبیا سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران

اول لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

موضوع: امکانات مورد نیاز عملیات موشکی به این لشکر

۱- تعداد پی - اس بی هر تیپ گردان اگر امکان دارد ۲ الی ۳ گردان از نیروهای پوششی با شند .

۲- چند عدد دیو یا یک کر

۳- ۳۰ عدد فایق جیمینی یا فایور گلاس و ۳ عدد فایق آلمینوسی

۴- پیل مأمور به لشکر جهت جای موشک

۵- مختصات ۲۰ عدد تراکتور یا بعد از عملیات

۶- ۳۰۰ عدد جلیقه نجات

۸- مأمور کردن تعدادی ماشین کم در به تعاون مهندسی (۵۰ عدد) برای این لشکر

۹- چند عدد دوربین مادون قرمز

۱۰- تجهیزات گذاشتن بی سیم مأمور کرد ۳ تعداد بی سیم به این لشکر

۱۱- تعداد ۱۵۰ عدد موتور جهت سرعت عمل تیم های موشک

۱۲- تعیین آثار عملیات که بحمد الله هماهنگ است ولی مهات ۱۲۲ خیلی محدود است

۱۳- اوره موتوری جهت بریدن نخها ۱۰ عدد

۱۴- اگر است تعدادی اسلحه آتش زا

۱۵- اعزام گروهی از راکت های تیروز جهت هله برد

سند شماره ۲۰: نامه فرمانده وقت لشکر، محمدرضا ابوشهاب به قرارگاه مشترک خاتم الانبیاء سپاه، ۱۳۶۱/۱۱/۱۶؛ در این نامه فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) خواستار امکانات و تسلیحات مورد نیاز برای عملیات آتی به منظور اجرای بهتر و موفقیت آمیز تر عملیات می باشد.

سند شماره ۲۱

بسم تعالی

اسم: حاج آقا میرزا حسین علی محمدی

تاریخ: ۱۳۶۱/۳/۶

موضوع: واحد پدافند هوایی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به واحد پدافند قرارگاه خاتم الانبیا (ع)

موضوع: آمار توپهای ضد هوایی این واحد

شماره	نوع توپ	شماره جزء	توضیح
۱-	۳۰۴۱۵۵	۳۰۴۱۵۵	آماره در دسترس در حین ستوری است.
۲-	~	~	~
۳-	~	~	~
۴-	~	~	آماره در دسترس در حین ستوری است.
۵-	~	~	~
۶-	~	~	آماره در دسترس در حین ستوری است.
۷-	~	~	~
۸-	~	~	~
۹-	~	~	~
۱۰-	~	~	~
۱۱-	~	~	~
۱۲-	۳۰۴۱۵۵	۳۰۴۱۵۵	آماره در دسترس در حین ستوری است.
۱۳-	۳۰۴۱۵۵	۳۰۴۱۵۵	آماره در دسترس در حین ستوری است.
۱۴-	۳۰۴۱۵۵	۳۰۴۱۵۵	آماره در دسترس در حین ستوری است.
۱۵-	۳۰۴۱۵۵	۳۰۴۱۵۵	آماره در دسترس در حین ستوری است.

تعداد شعبه ای این واحد

در دسترس این سند به نام این مسئول قرار می گیرد. محل بابت مخصوص دارد و همچنین تمبرگاه ستوری محمودی.

موضوع: آمار توپهای ضد هوایی این واحد

سند پدافند لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

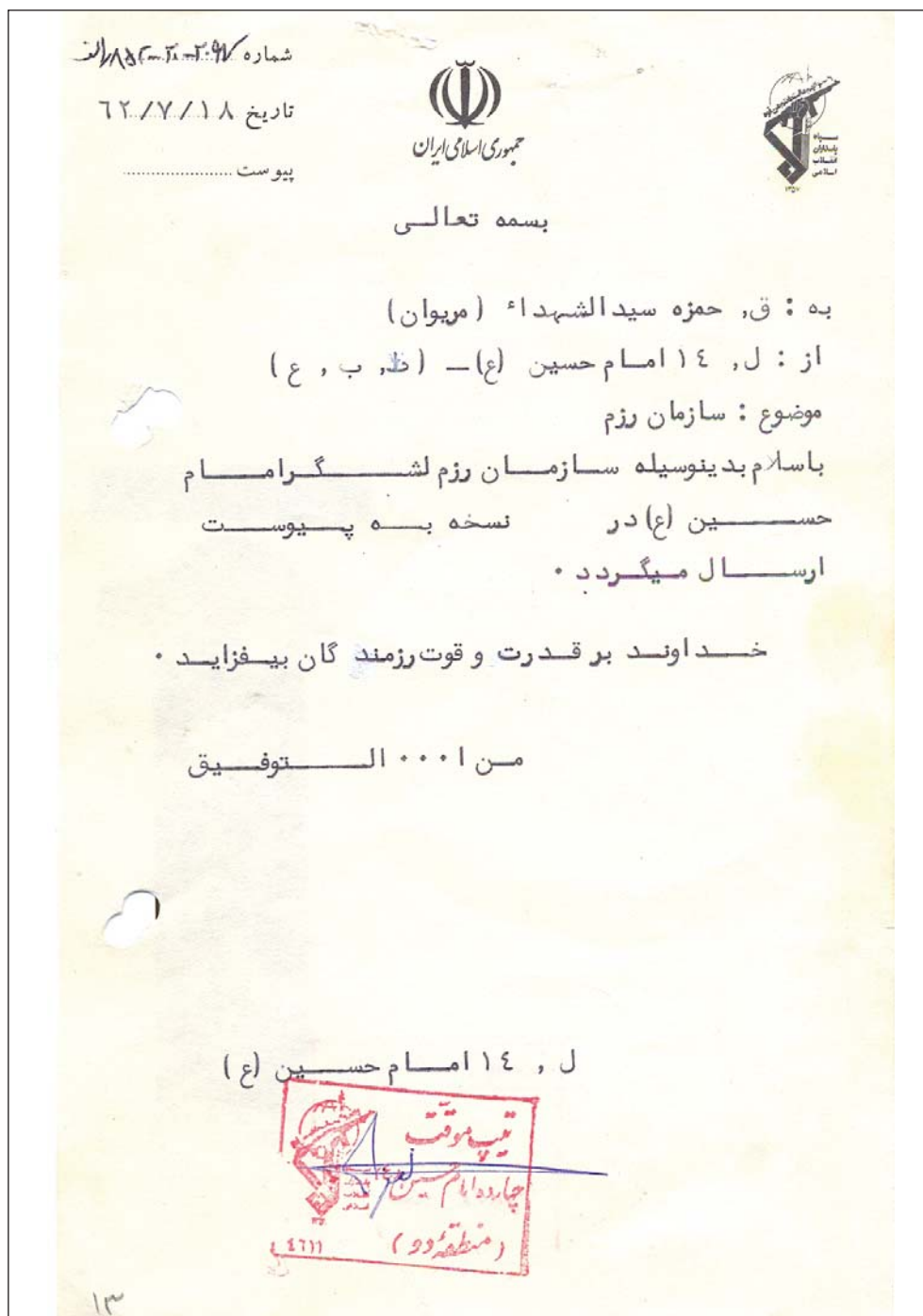
محمود درکی

۱۳۶۱/۳/۶

سند شماره ۲۱: نامه واحد پدافند هوایی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به واحد پدافند قرارگاه خاتم الانبیا، مورخه ۶۲/۳/۶ درخصوص آمار توپهای ضد هوایی این واحد، ۱۳۶۲/۳/۶؛ می باشد. این نامه که به درخواست رده بالا تنظیم شده، گزارشی کامل از کلیه تجهیزات و محل استقرار توپها و چگونگی و درصد آمادگی نیروهای واحد پدافند هوایی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به فرماندهی محمود درکی را می باشد.

سند شماره ۲۲

شماره		
تاریخ	جمهوری اسلامی ایران	
پیوست	بسمه تعالی	
گردانهای پیاده		
گردان دژیانی	۱- گد رسول ۰۰۰۱ (ص)	
گردان خمپاره اندازن دمحبی	۲- گد امیرالمؤمنین (ع)	
گردان تعاون	۳- گد امام حسن (ع)	
گروهان تیربارکالیر سنگین	۴- گد امام سجاد (ع)	
واحد تدارکات شامل، پشتیبانی	۵- گد امام محمدباقر (ع)	
، ترابری ، خدمات	۶- گد امام جعفر صادق (ع)	
	۷- گد موسی بن جعفر (ع)	
تیپ زرهی		
	گردان مهندسی رزمی شهید زارعان	
	گردان تخریب شهید تیموری	
	گردان توپخانه موسی بن جعفر (ع)	
	گردان ۱۰۶ شامل سه گروهان باضافه دسته ویژه آرپی جی ۱۱	
	شهید حسن مؤمنی	
	گردان پدافند شهید خیام شامل آتشبارهای ۱، ۲، دسته	
	ویژه موشک زن (سهند)	
	گردان بهداری رزمی	



سند شماره ۲۲: نامه لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) به قرارگاه حمزه درباره معرفی سازمان رزم لشکر شامل گردان‌های پیاده و واحدها، ۱۳۶۲/۷/۱۸؛ می‌باشد. اهمیت این نامه از آن جهت است که امکان تصمیم‌گیری بهتر برای قرارگاه را به‌منظور تعیین خط حد لشکر ۴۱ امام حسین^(ع) در عملیات آتی فراهم می‌کند.

سند شماره ۲۳

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره ۱۶

طیقه بندی: خلی مهران
ارجحیت: (کلیه و اکتی)

مرکز پیام

به: فرماندهی ناحیه اصفهان
از: فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

بسم الله الرحمن الرحیم، بدینوسیله به پیغام شماره ۱۲۹۷/۲/۴/۸۰۳/۳۴۰۶
ستاد سپاه جنوب جنوب منبری بر نیروهای رزم مورد نیاز به اطلاع میرساند که
با توجه به احتساب ۹ گردان و ۳ گردان احتساب (طبق دستور فرستاد
کلیه سپاه) نیروی حدود ۵۰۰۰ نفر مورد نیاز این گردان را به هزاران نفر
که این تعداد به نیروهای تخصصی که جداگانه تقاضای صدور می‌باشد
گفت: مختصر

و به ۱ - التوفیق
فرماندهی ناحیه لشکر ۱۴ امام حسین (ع)
حسین خرازی

با لشکر ۱۴ امام حسین (ع)

روزیست به:
گردان بختیاری

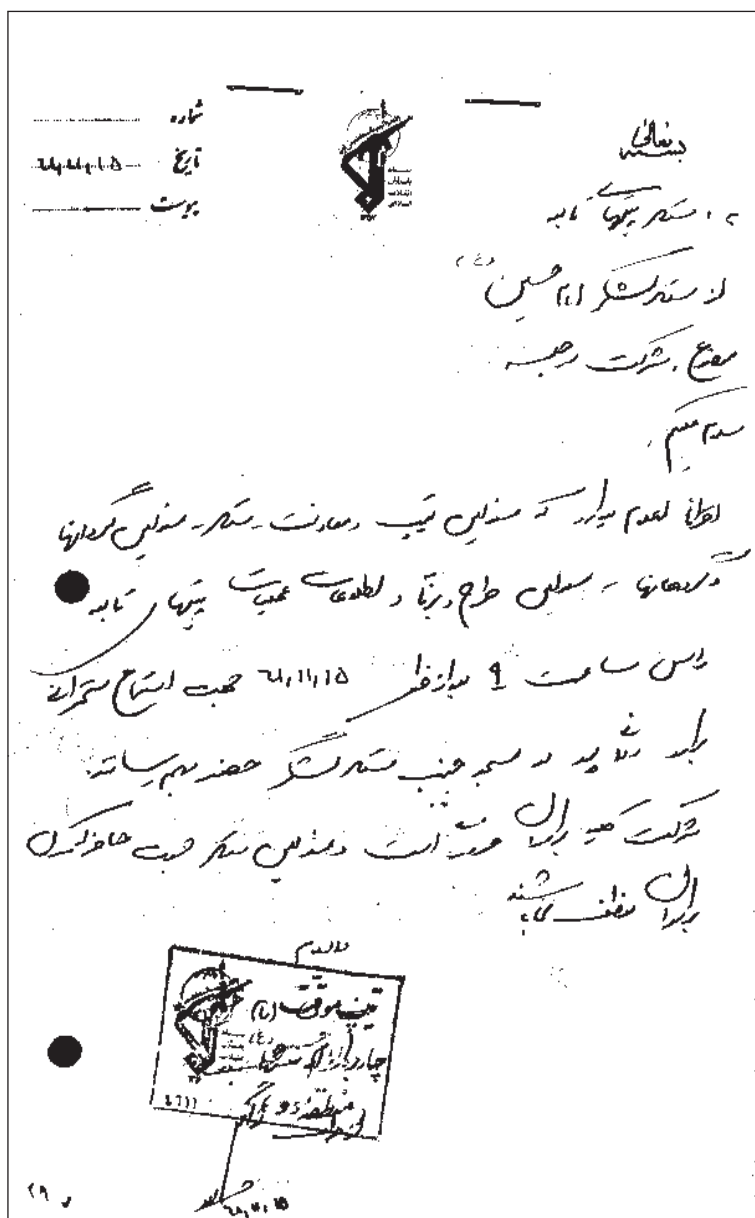
شماره: ۱۲۹۷/۲/۴/۸۰۳/۳۴۰۶
تاریخ و ساعت: ۱۵/۴/۸۰

کشف کننده:

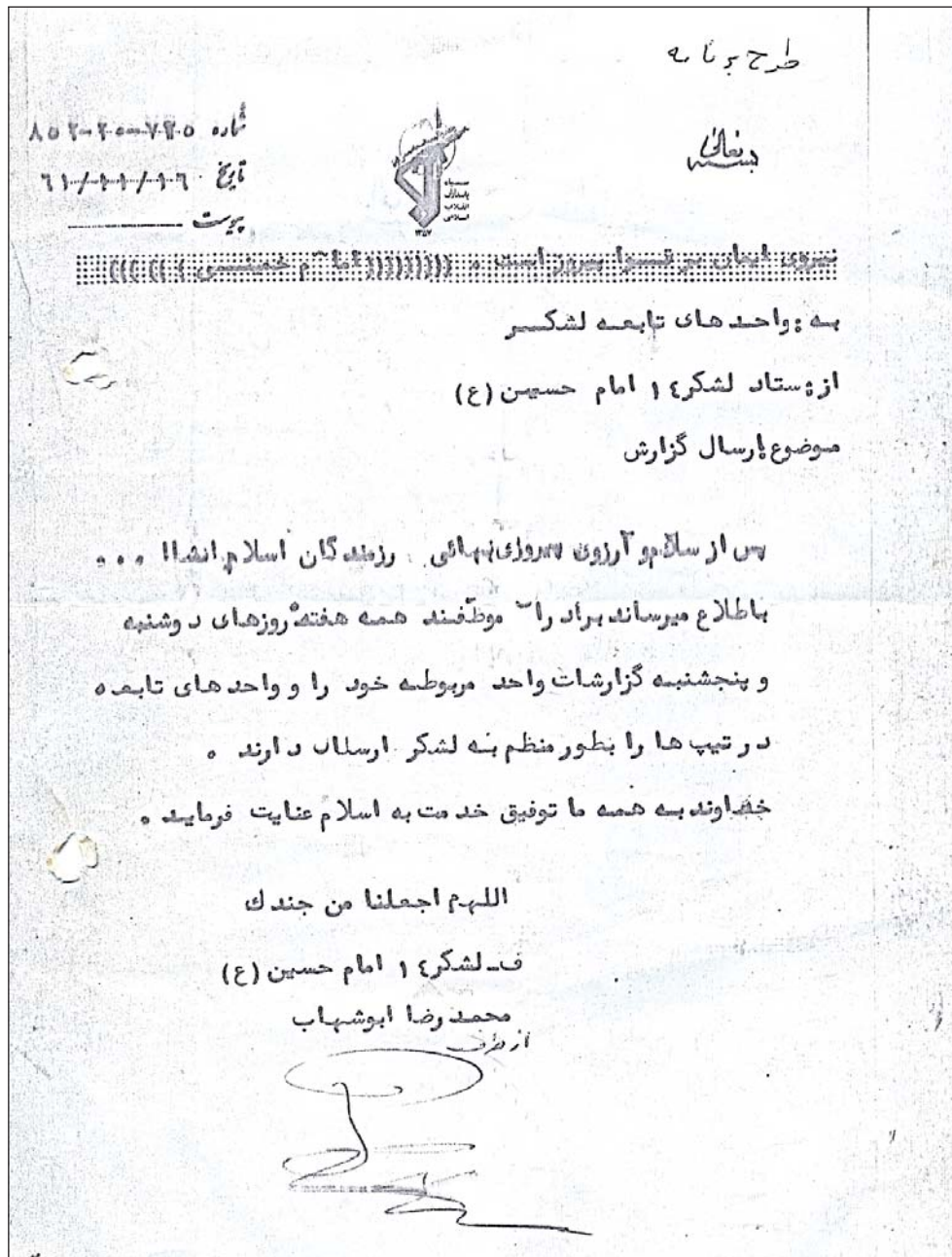
سند شماره ۲۳: نامه فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، به فرماندهی ناحیه اصفهان، ۱۳۶۵/۳/۸؛ می باشد.
در این نامه حسین خرازی خواستار نیروی مورد نیاز برای اجرای عملیات می باشد. این امر سبب تکمیل
نیروهای رزم گردانها و واحدها برای اجرای بهتر و موفقیت آمیزتر عملیات می شد.

بخش سوم: نامه های فرماندهی لشکر به رده های پایین

سند شماره ۲۴

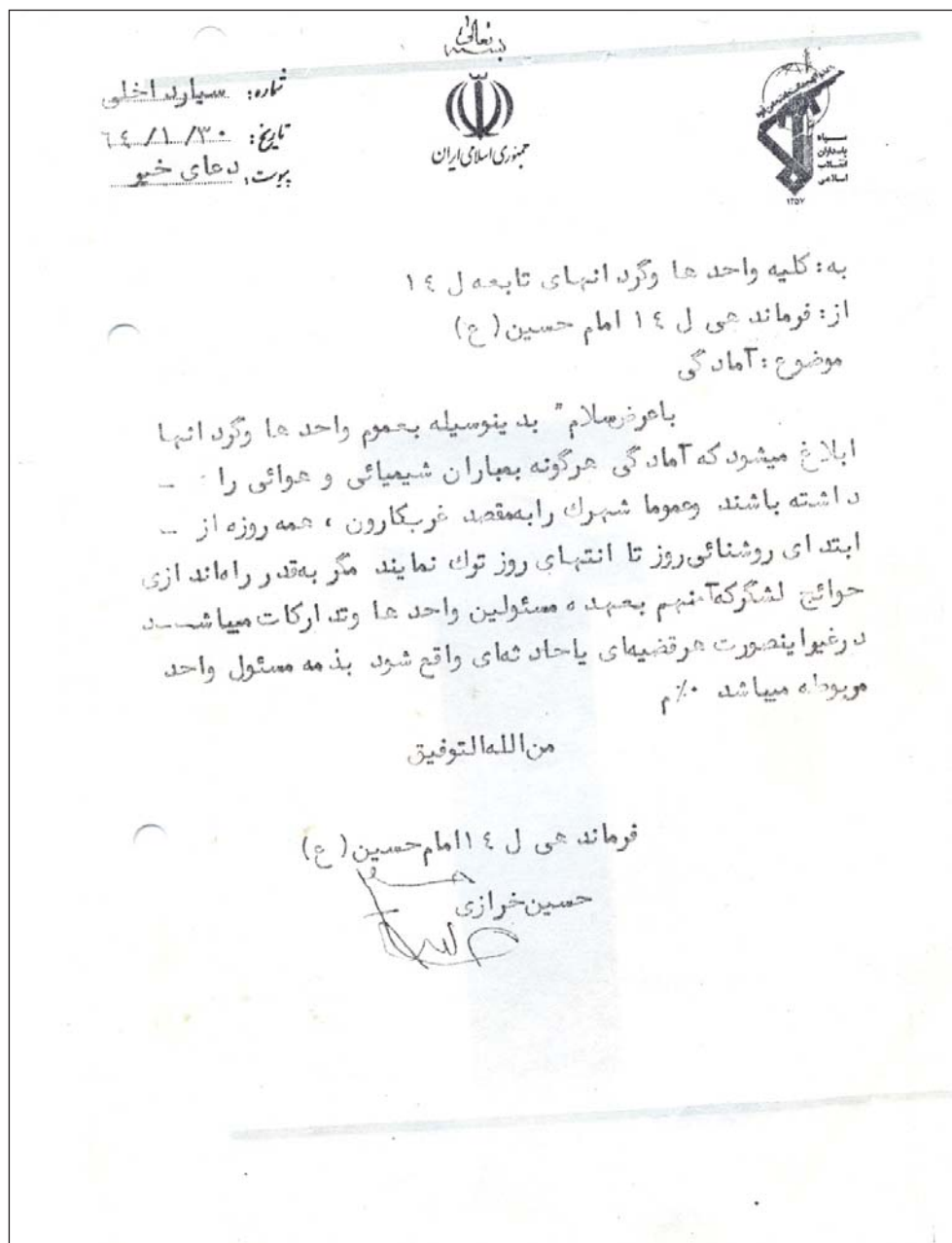


سند شماره ۲۴: نامه ستاد لشکر ۱۴ امام حسین (ع) به ستاد تیپ های تابعه برای حضور فرماندهان در جلسه ای در مسجد ستاد لشکر، به منظور استفاده از سخنرانی برادر مصطفی ردانی پور، در زمینه توجیه منطقه عملیاتی آتی، ۱۳۶۱/۱۱/۱۵.



سند شماره ۲۵: نامه فرماندهی وقت لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، محمد رضا ابوشهاب به واحدهای تابعه لشکر، ۱۳۶۱/۱۱/۱۶؛ می باشد. این نامه در زمینه دریافت گزارش از رده های مختلف لشکر در خصوص آمادگی جسمانی نیروها، امکانات و تجهیزات و... بوده که برای تسلط بیشتر فرماندهی بر نیروهای تابعه لشکر برای تصمیم گیری بهتر در امور نظامی قابل توجه است.

سند شماره ۲۶



سند شماره ۲۶: نامه فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، حسین خرازی به کلیه واحدها و گردانهای تابعه لشکر به درخصوص آمادگی واحدها و گردانها در زمینه بمبارانهای احتمالی در شهرک دارخوین (محل استقرار لشکر ۱۴ امام حسین (ع) در دوران دفاع مقدس) و ترک شهرک در روزها با هدف حفظ نیروها و کاهش تلفات ۱۳۶۴/۱/۳۰؛ این امر در جهت رعایت پراکندگی در مقرهای عقبه لشکر درخور توجه بوده است.

سند شماره: ۱۳۹۴/۲/۱۱
تاریخ: ۱۳۹۴/۲/۱۱
پیوست: دعای شیر

جمهوری اسلامی ایران

به: واحدهای بسیج و پرسنل ۱۴
از: فرمانده ۱۴ امام حسین (ع)
موضوع: مدیریت تقسیم نیروهای بسیجی و مشمول

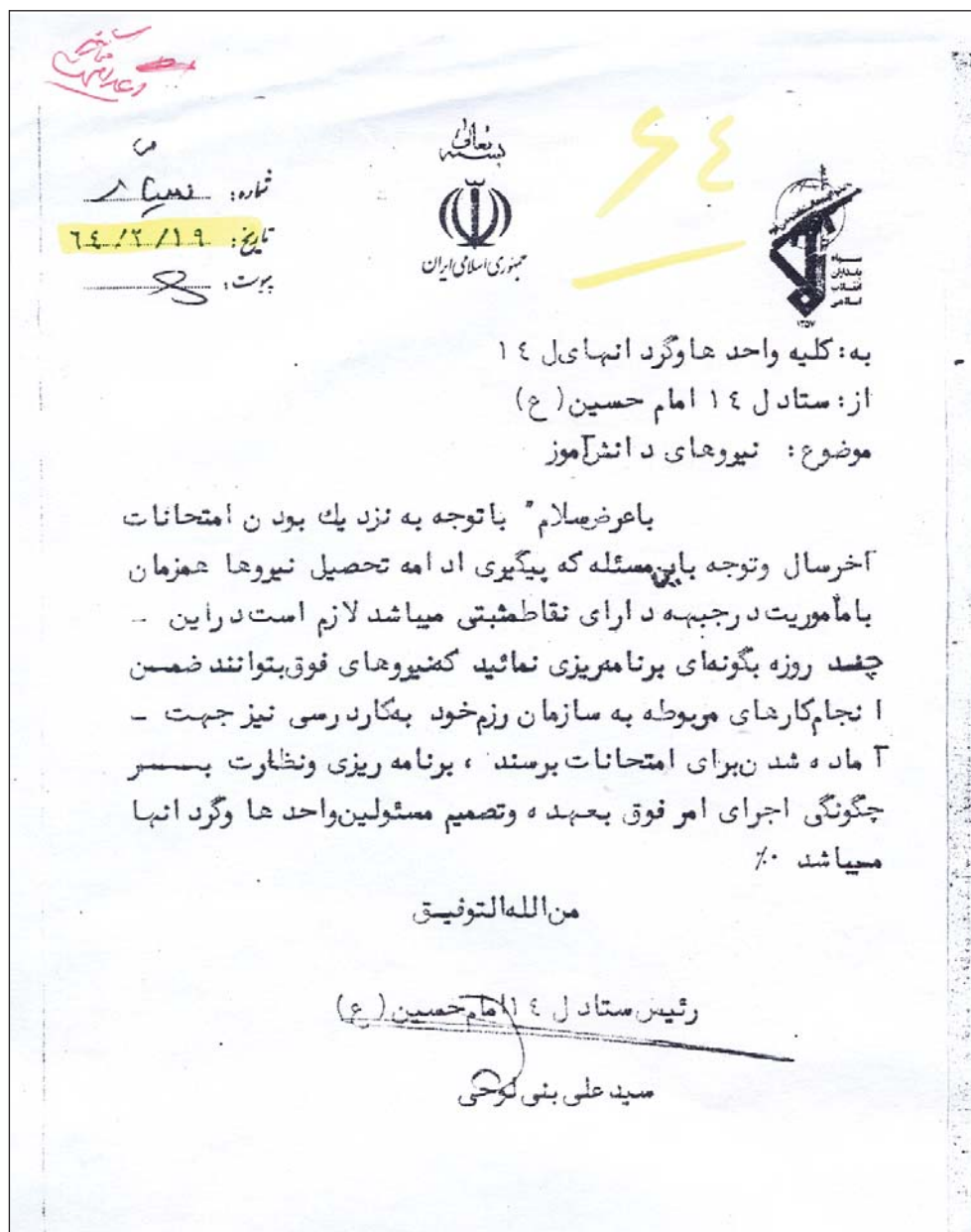
با عرض سلام، بدینوسیله سیر تقسیم نیرو در لشکر که با نثار فرماندهی تنظیم شده جهت اجرا و اقدام اربابان
میکرد، لازم است برای جلوگیری از پراکندگی و اتلاف وقت نیروها در قضاوت کانی صورت گرفته و به واحدهایی که قید نشدن
مگر در صورت تأیید فرماندهی یا ستاد نیرو اعزام نگردد: (۱) تقسیم نیروهای بسیجی؛
الف - هشت گردان فعلی لشکر در حدود (۲) گروهان تشکیل سازمان گردد؛
ب - بعد از اجرای بند الف، به ترتیب گردانهای امیرالمومنین (ع) - امام حسین (ع) - ابوالفضل (ع) - امام
موسی بن جعفر (ع) - حضرت رسول (ص) - یازدها (س) - امام محمد باقر (ع)، از (۲) گروهان به (۳) گردان
تبدیل گردد؛ ج - به تدارکات فقط نیروهای تخصصی مربوطه و به انتظامات و مدیریت داخلی طبق سقف نیرو و
که مشخص شده جایگزین گردد؛
(۲) تقسیم نیروهای مشمول: سقف مشمول واحد ها به موجب اولویت زیر تأمین گردد؛
الف - هر گردان - (۵۰) نفر ب - تخریب (۴۰) نفر ج - اطلاعات، عملیات (۳۰) نفر د - مهندسی
رزمی (۱۵۰) نفر ه - یگان دریایی - (۷۰) نفر
تبصره یک - مجموع نیروهای هر گروهان مستقل حدود (۱۰۰) نفر خواهد بود؛
تبصره دو - هر گروهان (۷۶) نفر و کادر گردان حد اکثر (۲۰) نفر و نتیجتاً یک گردان با استعداد (۳) گروهان
مجموعاً (۲۴۸) نفر خواهد بود؛
تبصره سه - نیروهای قدیمی هر واحد که زمان مشمولیت آنها رسیده است در صورت نیاز شد بد واحد و یا تخصص کم
نیرو پیدا کرد با ستاد همان واحد بکار گرفته شود؛
تبصره چهار - در صورتی که نیروی به صورت اعزام مجدد یا مشمول به لشکر اعزام شود و شامل بند های فوق نباشد
لیکن قبلاً در واحدهای مشمولیت داشته و اکنون مورد تقاضای مشمول واحد می باشد اقدام بلا مانع خواهد بود؛
تبصره ه - تقسیم نیروهای پاسدار حتی الامکان به صورت اولویت های تقسیم مشمولین و همچنین به مشمولین
تخصصی افراد در واحدهای رزمی خواهد بود؛
تذکر مهم - در صورت نیاز هر واحد به نیرو اعزام از بسیج مشمول کدر بند های فوق قید نشده است پرسنلی و بسیجی
فقط در صورت تأیید و اجازه فرماندهی مجاز به اقدام بوده و مشمولین واحد ها باید به فرماندهی یا ستاد مراجعه
نمایند؛

بسم الله الرحمن الرحیم

فرمانده ۱۴ امام حسین (ع)
حسین خرازی

روشنیت: کلیه واحدها و گردانهای ۱۴

سند شماره ۲۷: نامه حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، به واحدهای بسیج و پرسنلی درباره سیر
تقسیم نیروهای بسیجی و مشمول، ۱۳۹۴/۲/۱۱؛ این نامه نظارت فرماندهی بر تقسیم نیروها بر اساس مأموریت
لشکر و تحویل به رده های زیر مجموعه با توجه به نیازهای آن رده و خواسته فرماندهی برای تصمیم گیری بهتر در
عملیات های آتی را نشان می دهد.



سند شماره ۲۸: نامه مسئول ستاد لشکر ۱۴ امام حسین (ع) سید علی بنی لوحی، به کلیه واحدها و گردان
های تابعه لشکر، ۱۳۶۴/۲/۱۹؛ در این نامه، مسئول ستاد لشکر از کلیه مسئولان رده ها خواستار برنامه ریزی
آموزشی به نحوی که با امور درسی و امتحانات رزمندگانی که اشتغال به تحصیل دارند تداخل پیدا نکند.
لازم به ذکر است، این امر اهتمام فرماندهان لشکر در زمینه رشد علمی و تحصیلی نیروها همزمان با ارتقای
سطح آمادگی جسمی رزمندگان را نشان می دهد.

سند شماره ۲۹

جمهوری اسلامی ایران

بسم تعالی

شماره: _____
تاریخ: _____
پست: _____

از: ...
به: ...
موضوع: ...

باسلام - بدین وسیله ابلاغ میگردد طرف ...
ساعت ... از ...
حفظ ...
امضا ...
تاریخ ...

ن ل ۱۴ ...
...
۶۵/۱۱/۲۴

جمهوری اسلامی ایران

بسم تعالی

شماره: _____
تاریخ: _____
پست: _____

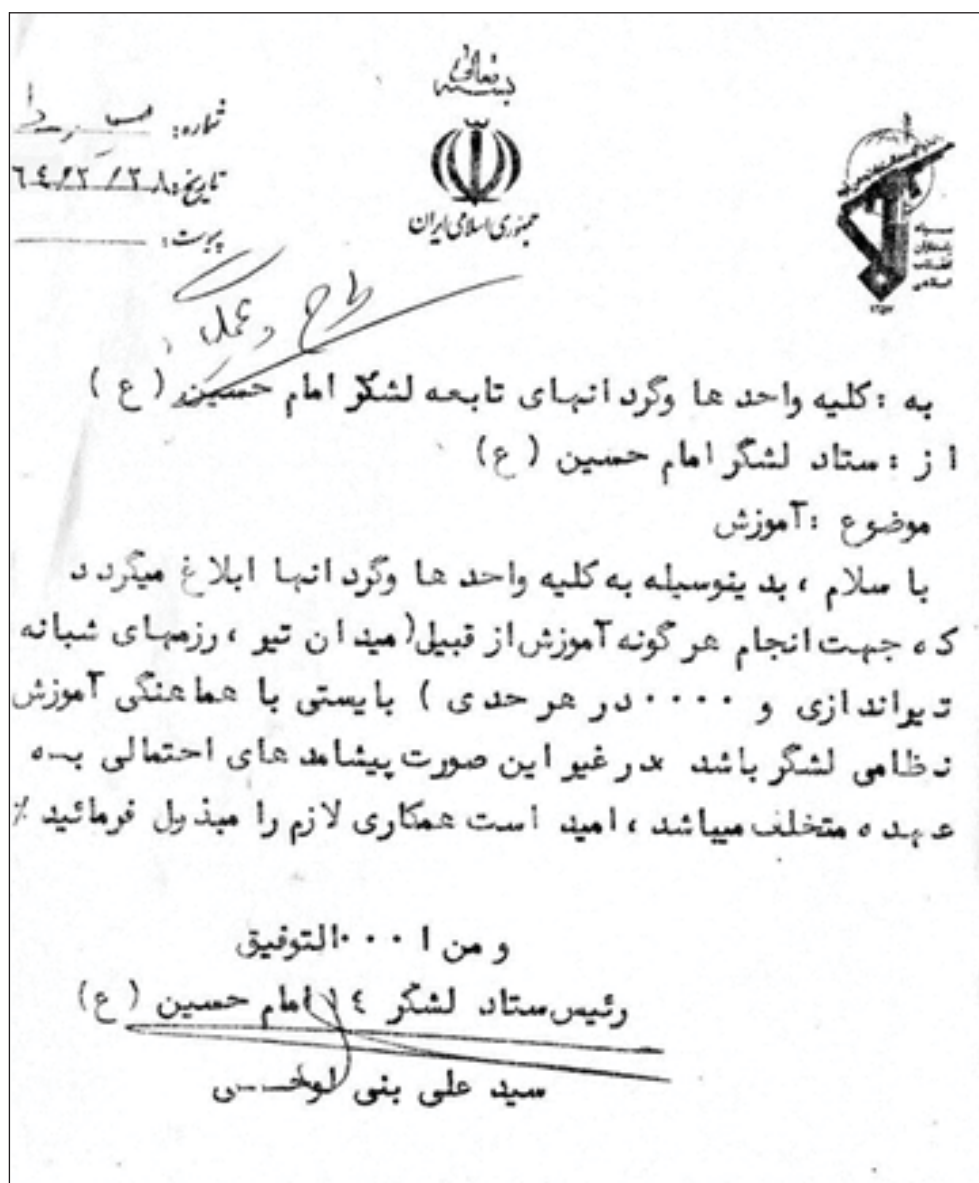
از: ...
به: ...
موضوع: ...

باسلام - بدین وسیله ابلاغ میگردد ...
خود را براساس ...
همچنین ...
با ...
گرد ...

ن ل ۱۴ ...
...
۶۵/۱۱/۲۴

سند شماره ۲۹: ابلاغ نامه فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، حسین خرازی، به گردان‌ها و رده‌های یگان به‌منظور آماده‌باش و همکاری با رده‌های دیگر لشکر برای اجرای عملیات کربلای ۵ و پشتیبانی از یکدیگر. ۱۳۶۵/۱۱/۲۴.

سند شماره ۳۰



سند شماره ۳۰: نامه مسئول ستاد لشکر ۱۴ امام حسین (ع) سید علی بنی لویحی، به کلیه واحدها و گردانهای تابعه لشکر، درخصوص هماهنگی برنامه های آموزشی با واحد آموزش نظامی لشکر ۱۳۶۴/۲/۲۸؛ برنامه های آموزشی لشکر باید از یک کانال و با نظارت آموزش صورت می گرفت تا تلفات غیررزم در آموزش به حداقل رسیده و همچنین برنامه آموزشی منسجم و مناسب با نوع عملیات آتی که مورد نظر فرماندهان، برای هر گردان و واحد برای افزایش آمادگی جسمانی نیروها بود، اجرا می شد.